

عقل و ایمان

هادی بیگدلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عقل و ایمان

نویسنده : مهندس هادی بیگدلی

حمکت قرآن چو ضاله مومن است هر کسی در ضاله خود موقن است
(مثنوی معنوی حضرت مولانا)

نام کتاب: عقل و ایمان

نویسنده: هادی بیگدلی متولد ۱۳۵۲ استان زنجان

موضوع: معرفت عقلی آمیخته با ایمان

موضوع: تفکر و تدبر در قرآن هادی

موضوع: وصیعت نامه عقلی و ایمانی

موضوع: دختر کم بدان که نمیدانی و از جهلت به خدا پناه ببر

ناشر: نویسنده ۰۹۱۲-۲۵۷۶۸۷۷ hadi_bigdeli@yahoo.com

تاریخ نشر: ماه قرآن ۱۳۹۹

تیراژ: --

قیمت: رایگان

چاپ: فایل PDF (انتشار الکترونیکی)

طرح روی جلد: هادی بیگدلی

کلیه حقوق محفوظ است

سایر آثار نویسنده به ترتیب تالیف:

- ۰۱- کتاب پند نامه
- ۰۲- کتاب ذهن ناآرام + فایل صوتی
- ۰۳- کتاب روانکاوی پیر بلخ + فایل صوتی
- ۰۴- کتاب سرگذشت بشر
- ۰۵- کتاب نقد ذهن ناآرام
- ۰۶- کتاب آخرین فرستاده
- ۰۷- کتاب مهندسی مطالعه
- ۰۸- کتاب قیامت
- ۰۹- کتاب قرآن هادی
- ۱۰- کتاب فقه چوپان
- ۱۱- کتاب پیرامون
- ۱۲- کتاب باورکنندگان؛ گلهای زمینند

پیشگفتار

سپاس خدای را به کلّ آن سپاسی که نزدیکترین ملائکه به او، و گرامی‌ترین آفریدگان نزد او، و پسندیده‌ترین ستایشگران آستان او وی را ستوده‌اند، سپاسی بالاتر از سپاس دیگر سپاسگزاران مانند برتری پروردگاران بر تمام مخلوقات، و او را سپاس و حمد در برابر تمام نعمت‌های او که به ما و به بندگان که در گذشته بوده اند و باقی بندگان که هستند و می‌آیند دارد، سپاسی به عدد تمام اشیاء که دانش او بر آن احاطه دارد، و چندین مقابل هر یک از آنها به طور جاوید و همیشگی تا روز قیامت، سپاسی که حدش را پایانی، و شماره آن را حسابی، و پایان آن را نهایی، و مدت آن را انقطاعی نباشد، سپاسی که باعث رسیدن به طاعت و بخشش او، و سبب رضا و خشنودی او، و وسیله آمرزش او، و راه به سوی بهشت او، و پناه از انتقام او، و ایمنی از غضب او، و یار و مددکار بر طاعت او، و مانع از معصیت او، و کمک بر اداء حق و وظائف حضرت او باشد،

بارخدایا بر محمد و پیروان اندیشه‌ها و راه و منش او درود فرست، و گره هر کاری که فکرش مرا به خود مشغول داشته بگشای، و مرا درکاری قرار ده که فردا مرا از آن بازپرسی می‌کنی، و روزگرم را در آنچه از پی آنم آفریده‌ای مصروف دار، و بی‌نیازم گردان و روزیت را بر من وسعت ده، و به چشمداشت مبتلایم مکن، و ارجمندم ساز و گرفتار کبرم مفرما، و بر بندگیت رام ساز، و بندگیم را به آلودگی خودپسندی تباه مکن، و خیر و نیکی را برای تمام مردم به دست من جاری ساز، و آن را از کدورت منت‌گذاری دور دار، و خوی عالی را به من عنایت فرما، و از فخر فروشی محافظتم کن.

بارخدایا بر محمد و پیروان اندیشه‌ها و راه و منش او درود فرست، و درجه و مرتبه مرا نزد مردم بلند مگردان مگر آنکه مرا به همان اندازه نزد خودم پست گردانی، و عزتی آشکار برایم ایجاد مکن مگر که به همان اندازه در باطنم خاکسار سازی.

بارخدایا بر محمد و پیروان اندیشه‌ها و راه و منش او درود فرست، و مرا از روشی پسندیده بهره ده که آن را با برنامه‌ای دیگر عوض نکنم، و مرا به طریق حق رهنمون شو آن گونه که از آن روی نتابم، و نیتی درست و استوار به من مرحمت کن آنسان که در آن به تردید نیفتم. بار خدایا به تو پناه می‌آورم از طغیان آرزو و تندگی خشم و چیره‌گی حسد، و سستی صبر، و کمی قناعت، و بدی اخلاق، و زیاده روی در شهوت، و پافشاری در عصبیت، و پیروی هوا و هوس، و مخالفت با هدایت، و خواب غفلت، و کوشش بیش از اندازه.

خداوندا بر من منت گذار به بقای فرزندانم، و به شایسته نمودن ایشان برای من، و به برخورداری من از آنان. خداوندا عمر آنان را برای من طولانی گردان، و بر ایام زندگی‌شان برای من بیفزاء، و خردسالشان را برایم تربیت کن، و ناتوانشان را برایم نیرو ده، و بدن‌ها و دینشان و اخلاقشان را برایم به سلامت دار، و آنان را در جان و اعضا، و هر کارشان که به آن اهتمام دارم عافیت بخش، و برای من و به دست من روزی آنان را وسعت ده، و آنان را نیکوکارانی باتقوا، و صاحبان بصیرت و شنوای حق و مطیع خود گردان، و نسبت به اولیاء خود عاشق و خیرخواه، و نسبت به دشمنان دشمن و کینه‌توز قرار ده، الهی وضع فرزندانم اینچنین باد.

خداوندا مرا و اولاد مرا از شیطان رانده شده حفظ کن، که تو ما را آفریدی و به ما امر و نهی فرمودی، و در اجر اطاعت از امر خود تشویق، و به عذاب ارتکاب نهی خود تهدیدمان نمودی، و برای ما دشمنی قرار دادی که با ما نیرنگ می‌کند، و او را بر ما تسلطی دادی که ما را به آن اندازه بر او سلطه نیست، او را در دل‌های ما جای دادی، و در مجاری خونمان روان کردی، اگر ما از او غفلت کنیم او از ما غافل نگردد، و اگر فراموشش کنیم او ما را فراموش نکند، ما را از عقاب تو ایمن کند، و از غیر تو بترсанд، چون به کار زشت همت کنیم ما را به آن دلیر می‌نماید، و چون به عمل صالح رو کنیم ما را از آن بازمی‌دارد، با شهوات در جستجوی ماست، و در راه ما دام شبهه نصب کند، اگر ما را وعده دهد دروغ می‌گوید، و اگر به نویدی دلخوش کند تخلف می‌نماید، و اگر تو - حيله و نیرنگش را از ما نگردانی ما را گمراه می‌کند، و اگر از فساد او نگاهمان نداری ما را دچار لغزش می‌نماید. خداوندا زبردستی او را به زبردستی خودت از ما دور کن، تا به سبب کثرت دعايمان او را از ما بازداري، تا در پناهت از نیرنگ او در طایفه بی‌گناهان قرار گیریم.

خداوندا تمام خواسته‌هایم را عطا کن، و حوائج‌م را برآور، و مرا از اجابت دعا ممنوع مکن که تو خود استجابت دعا را برایم ضامن شده‌ای، و دعایم را از خودت محجوب مدار که تو مرا به دعا فرمان داده‌ای، و هر چه را که در این جهان و آن جهان باعث اصلاح حالم شود به من کرامت کن، خواه یادآور شده خواه فراموش کرده باشم، اظهار کرده یا پوشیده باشم، آشکارا درخواست نموده باشم یا در پنهانی، و در تمام این جهات به سبب تقاضایی که تنها از تو دارم مرا از کسانی که کار خود به اصلاح آورند قرار ده، آنان که به درخواستشان از تو در شمار کامیابان شدند، و به‌خاطر اعتماد بر تو محروم از لطف نشدند، از آن گروه که به پناه آوردن به تو خو کرده، و از سوداگری با تو سود سرشار بردند، آنان که در پناه عزت نشستند،

و به جود و کرم‌ت از فضل واسع تو روزی حلال وسیع یافتند، و به عنایت تو از خواری به عزت رسیده، و از ستم در پناه عدلت زندگی می‌کنند، و به رحمتت از بلا رهیده، و به بی‌نیازی تو از فقر و نداری به توانگری رسیده‌اند، و به حفظ تو از گناهان و لغزش‌ها و خطاها در امان مانده، و در سایه طاعتت به خیر و رشد و صواب موفق گردیده‌اند، و به قدرت تو میان آنان و گناهان حایلی ایجاد شده، و هرگونه نافرمانی تو را به زمین نهاده، و در جوار رحمتت ساکن شده‌اند.

یادداشت:

در این مجال سعی بر آن است تا با بهره گیری از ترجمه فارسی قرآن هادی، و عنایت و هدایت باری تعالی، با ابزار درونی ای که متحول شده است و نگاه متفاوتی به کلمات و جمله های این کتاب دارد به دریافتی جدید و نوشونده در جهان بینی و حکمت و معیشت دست یابیم و با درکی تازه از توانایی عقل در پیشبرد زندگی و با نیروی ایمان به ذات پاک حضرت حق بتوانیم بر مدار معرفت عقلی و قلبی (عقل و ایمان)، زندگی ای سرشار از پویایی را برای خود و اطرافیان رقم بزنیم، لذا با علم و آگاهی بر فقر علمی و ناتوانی خویش نسبت به دانش و توانایی بی منتهای حضرت باری تعالی، دستان درخواست کننده خودمان را بسوی حضرتش بلند میکنیم تا این نوشتار بهانه ای باشد بر حسن نظر او.

ای دخترک من به خدا شرک میاور که به راستی شرک ستمی بزرگ است. و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش به او باردار شد، سستی بر روی سستی و از شیر باز گرفتنش در دو سال است که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت به سوی من است. و اگر تو را وادارند تا درباره چیزی که تو را بدان دانشی نیست به من شرک ورزی از آنان فرمان مبر و در دنیا به خوبی با آنان معاشرت کن و راه کسی را پیروی کن که توبه‌کنان به سوی من باز می‌گردد و بازگشت شما به سوی من است و از آنچه انجام می‌دادید شما را با خبر خواهیم کرد.

ای دخترک من اگر هموزن دانه خردلی و در تخته سنگی یا در آسمانها یا در زمین باشد خدا آن را می‌آورد که خدا بس دقیق و آگاه است.

ای دخترک من بندگی را برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند باز دار و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکبیا باش این از عزم امور است. و از مردم رخ برمتاب و در زمین خرامان راه مرو که خدا خودپسند لافزن را دوست نمی‌دارد. و در راه رفتن خود میانه‌رو باش و صدايت را آهسته ساز که بدترین آوازه‌ها بانگ خران است.

از پدری که در آستانه فناست. چیرگی زمان را پذیراست، زندگی را پشت سر نهاده، به گردش روزگار گردن داده، نکوهنده این جهان است. و آرمنده سرای مردگان، و فردا کوچنده از آن. به فرزندی که آرزومند چیزی است که به دست نیاید، رونده راهی است که به جهان نیستی درآید. فرزندی که بیماریها را نشانه است و در گرو گذشت زمانه. تیر مصیبتها بدو پران است، و خود دنیا را بنده گوش به فرمان. سوداگر فریب است و فنا را وامدار، و بندی مردن و هم سوگند اندوه‌های- جان آزار و غمها را همنشین است و آسیبها را نشان، و به خاک افکنده شهوتهاست، و جانشین مردگان.

دخترکم! تو را سفارش می‌کنم به ترس از خدا، و پیوسته در فرمان او بودن و دلت را به یاد او آبادان نمودن، و به ریسمان اطاعتش چنگ در زدن، و کدام رشته استوارتر از طاعت خدا میان خود و او داری اگر بگیری و بدن دست درآری؟

آیا ندانسته‌اید که خدا آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است مسخر شما ساخته و نعمتهای ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است و برخی از مردم درباره خدا بدون دانش و رهنمود و کتابی روشن به مجادله برمی‌خیزند. و چون به آنان گفته شود آنچه را که خدا نازل کرده پیروی کنید می‌گویند بلکه آنچه که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا هر چند شیطان آنان را به سوی عذاب سوزان فرا خواند؟ و هر کس خود را در

حالی که نیکوکار باشد تسلیم خدا کند قطعا در ریسمان استوارتری چنگ درزده و فرجام کارها به سوی خداست. و هر کس باور نکنند نباید ناباوری او تو را غمگین گرداند بازگشتشان به سوی ماست و به آنچه کرده‌اند آگاهشان خواهیم کرد. در حقیقت خدا به راز دلها داناست. آنان را اندکی بر خوردار می‌سازیم سپس ایشان را در عذابی پر فشار درمانده می‌کنیم.

آیا ندیده‌ای که خدا شب را در روز درمی‌آورد و روز را در شب درمی‌آورد و آفتاب و ماه را تسخیر کرده است هر یک تا وقت معلومی روانند و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است. این دلیل آن است که خدا خود حق است و غیر از او هر چه را که می‌خوانند باطل است.

این است آیات کتاب حکمت‌آموز که برای نیکوکاران رهنمود و رحمتی است. کسانی که بندگی را برپا می‌دارند، ایشانند که به آخرت یقین دارند. آنانند که از جانب پروردگارشان از هدایت برخوردارند و ایشانند که رستگارانند. و برخی از مردم کسانی‌اند که سخن بیهوده را خریدارند تا بی دانشی از راه خدا گمراه کنند و به ریشخند گیرند. برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود. و چون آیات ما بر او خوانده شود با نخوت روی برمی‌گرداند چنانکه گویی آن را نشنیده، گویی در گوشه‌هایش سنگینی است.

آسمانها را بی هیچ ستونی که آن را بینید خلق کرد و در زمین کوههای استوار بیفکند تا شما را بجنباند و در آن از هر گونه جنبنده‌ای پراکنده گردانید و از آسمان آبی فرو فرستادیم و از هر نوع نیکو در آن رویانیدیم. این خلق خداست. به من نشان دهید کسانی که غیر از اویند چه آفریده‌اند؟

ای مردم از پروردگارتان پروا بدارید و بترسید از روزی که هیچ پدری به کار فرزندش نمی‌آید و هیچ فرزندی به کار پدرش نخواهد آمد آری وعده خدا حق است زنه‌ار تا این زندگی دنیا شما را نفریبد و زنه‌ار تا شیطان شما را مغرور نسازد. در حقیقت خداست که علم قیامت نزد اوست و باران را فرو می‌فرستد و آنچه را که در رحمهاست می‌داند و کسی نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد و کسی نمی‌داند در کدامین سرزمین می‌میرد. در حقیقت خداست دانای آگاه (۳۱)

دختر دلبندم اما بعد، آنچه آشکار از پشت کردن دنیا بر خود دیدم و از سرکشی روزگار و روی آوردن آخرت بر خویش سنجیدم، مرا از یاد جز خویش باز می‌دارد، و به نگرستم بدانه‌ی پشت سر دارم نمی‌گذارد جز که من هر چند مردمان را غمخوارم، بیشتر غم خود را دارم. - این غمخواری - رای مرا بازگردانید و از پیروی خواهش نفسم بپیچانید، و حقیقت کار را برایم آشکار نمود، و مرا به کاری راست واداشت که بازیچه‌ای در آن نبود، و با حقیقتی -

روبرو ساخت- که دروغی آن را نیالود. و تو را دیدم که پاره ای از منی، بلکه دانستم که مرا همه جان و تنی چنانکه اگر آسیبی به تو رسد به من رسیده، و اگر مرگ به سر وقت آید، رشته زندگی مرا بریده. پس کار تو را چون کار خود شمردم، و این اندرزها را به تو راندم تا تو را پشتیبانی بود. خواه من زنده مانم و تو را در کنار، یا مرده- و جای گزین دارالقرار. مؤمنان همان کسانی‌اند که چون خدا یاد شود دل‌هایشان بترسد و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می‌کنند. همانان که بندگی را به پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. آنان هستند که حقا مؤمنند. برای آنان نزد پروردگارشان درجات و آموزش و روزی نیکو خواهد بود.

ای دخترک من اگر از خدا پروا داری *برای تو تشخیص قرار می‌دهد* و خطاهایت را از تو می‌زداید و تو را می‌آمرد و خدا دارای بخشش بزرگ است. در مسیر اعتماد به خدا و توسل بر او اگر دیگران درباره تو نیرنگ کنند بدانکه خدا تدبیر می‌کند و خدا بهترین تدبیرکنندگان است. از این رو برای بقاء در میان ناباوران تدبیر کن و از عقلت کمک بگیر ولی همیشه به یاد داشته باش که دلیل اصلی موفقیت هایت بخاطر اعتماد و یقین قلبی ات به خدا بوده است. (۹) پس دلت را به اندرز زنده دار و به پارسایی بمیران، و به یقین نیرو بخش و به حکمت روشن گردان، و با یاد مرگش خوار ساز، و به اقرار به نیست شدنش وادار ساز. و به سختیهای دنیایش بینا گردان، و از صولت روزگار و دگرگونی آشکار لیل و نهارش بترسان، و خبرهای گذشتگان را بدو عرضه دار، و آنچه را به آنان که پیش از تو بودند رسید به یادش آر، و در خانه ها و باز مانده های آنان بگرد و بنگر که چه کردند، و از کجا به کجا شدند و کجا بار گشودند و در کجا فرود آمدند. آنان را خواهی دید که از کنار دوستان رخت بستند و در خانه های غربت نشستند، و چندان دور نخواهد نمود که تو یکی از آنان خواهی بود. پس در نیکو ساختن اقامتگاه خویش بکوش، و آخرت را به دنیا مفروش.

دخترکم دلت را بزرگ و نگاهت را بلند گردان تا بتوانی بوضوح زشتی ها ، تلخی ها ، ناکامیها ، نامرادیها و نامردیهای زمانه را ببینی و لمس کنی بطوریکه از بازگو کردن آنها برای دل‌هایی که آمادگیش را ندارند به جد بپرهیزی که تو را بیرحم و دل سنگ خواهند نامید. با آنان از خوبیها و امید سخن بگو ولی هیچ وقت از صولت روزگار و سختی های دنیا غافل مشو تا هنگام عرضه آنها بر تو آمادگی اش را داشته باشی تا همانند پارسایان در سختی ها و مشکلات چنان شوی که گویی در آسایش و راحتی فرود آمده ای تا با این نگرش بتوانی با شکیبایی نشات گرفته بر باور واقعیت های زندگیت ، از نعمتهای پی در پی خدایت بهره مند

شوی زیرا که او خود گفته است که با سختی آسانی است و باز او خود گفته است که پس از سختی آسانی است. یعنی اینکه تو در سختی ها از دو آسانی بهره میبری؛ یکی آسانی ای است که در دل سختی وجود دارد و دیگری آسانی ای است که پس از سختی حاصل میشود. پس خرسند باش که کل روزهای زندگی بدین طریق برای مومنان زیبا و سود ده خواهند بود و آنها همه چیز این دنیا را زیر پرچم عدالت خدایشان خوب یافته اند، پس چه غم خواهی داشت در این میهمانی باشکوه خدای مهربانت.

دخترکم به یقین بدان که قرآن پراندرز هست. کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده تا در آیات آن بیندیشی و تنها خردمندان هستند که پند می گیرند. باور کن که ناباوران کلام خدا در سرکشی و ستیزه‌اند. دخترکم بترس از اینکه خداوند نظر محبتش را در راستای سنتش از تو برگیرد چنانچه بسیاری از نسلها را که پیش از تو هلاک کرد در حالیکه به فریاد خواندند و دیگر مجال گریز نبود. و از اینکه هشدار دهنده‌ای از خودشان برایشان آمده درشگفتند و کافران می گویند: این ساحری شیاد است. آیا خدایان را خدای واحدی قرار داده این واقعا چیز عجیبی است؟ و بزرگانشان روان شدند بروید و بر خدایان خود ایستادگی نمایید که این امر قطعاً هدفست. این را در آیین اخیر نشنیده‌ایم، این جز دروغ بافی نیست. آیا از میان ما قرآن بر او نازل شده است؟ بلکه آنان درباره قرآن من دودلند، بلکه هنوز عذاب نچشیده‌اند. آیا گنجینه‌های رحمت پروردگار ارجمند بسیار بخشنده تو نزد ایشان است؟ آیا فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است از آن ایشان است؟ پیش از ایشان قوم نوح و عاد و فرعون صاحب خرگاهها تکذیب کردند و ثمود و قوم لوط و اصحاب ایکه آنها دسته‌های مخالف بودند. هیچ کدام نبودند که پیامبران را تکذیب نکنند پس عقوبت سزاوار آمد و اینان جز یک فریاد را انتظار نمی‌برند که هیچ سر خاراندی در آن نیست. و گفتند: پروردگارا پیش از روز حساب بهره ما را به شتاب به ما بده. بر آنچه می‌گویند صبر کن و داوود بنده ما را که دارای امکانات بود به یاد آور، آری او بسیار بازگشت‌کننده بود. ما کوهها را با او مسخر ساختیم شامگاهان و بامدادان خداوند را نیایش می‌کردند و پرندگان را از هر سو گردآوری میکردیم، همگی به سوی او بازگشت‌کننده بودند و پادشاهیش را استوار کردیم و او را حکمت و کلام فیصله دهنده عطا کردیم. ای داوود ما تو را در زمین خلیفه گردانیدیم پس میان مردم به حق داوری کن و زنه‌ار از هوس پیروی مکن که تو را از راه خدا به در کند. و سلیمان را به داوود بخشیدیم چه نیکو بنده‌ای، به راستی او توبه‌کار بود. هنگامی که غروب اسبهای اصیل را بر او عرضه کردند گفت: واقعا من دوستی

اسبان را بر یاد پروردگارم ترجیح دادم تا در پس حجاب ظلمت شد. و بنده ما ایوب را به یاد آور آنگاه که پروردگارش را ندا داد که شیطان مرا به رنج و عذاب مبتلا کرد. با پای خود بکوب اینک این چشمه ساری است سرد و آشامیدنی، و کسانش را و نظایر آنها را همراه آنها به او بخشیدیم تا رحمتی از جانب ما و عبرتی برای خردمندان باشد. ما او را شکیبایافتیم، چه نیکوبنده‌ای، به راستی او توبه‌کار بود. و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که نیرومند و دیده‌ور بودند به یادآور. ما آنان را با موهبت ویژه‌ای که یادآوری آن سرای بود خالص گردانیدیم و آنان در پیشگاه ما جدا از برگزیدگان نیکانند. و اسماعیل و یسع و ذوالکفل را به یاد آور، همه از نیکانند. این یادکردی است و قطعاً برای پرهیزگاران فرجامی نیک است.

دخترکم به یاد بیار آنگاه که پروردگارت به فرشتگان گفت: من بشری را از گل خواهم آفرید پس چون او را درست کردم و از روح خویش در آن دمیدم سجده‌کنان برای او بیفتید پس همه فرشتگان یکسره سجده کردند مگر ابلیس تکبر نمود و از کافران شد. فرمود: ای ابلیس چه چیز تو را مانع شد که برای چیزی که به دستان قدرت خویش خلق کردم سجده آوری؟ آیا تکبر نمودی یا از برتری جویانی؟ گفت: من از او بهترم، مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل آفریده‌ای. فرمود: پس از آن بیرون شو که تو رانده‌ای و تا روز جزا لعنت من بر تو باد. گفت: پروردگارا پس مرا تا روزی که برانگیخته می‌شوند مهلت ده. فرمود: در حقیقت تو از مهلت یافتگانی تا روز معین معلوم. گفت: پس به عزت تو سوگند که همگی را جدا از راه به در می‌برم مگر آن بندگان پاکدل تو را. فرمود: حق است و حق را می‌گویم، هرآینه جهنم را از تو و از هر کس از آنان که تو را پیروی کند از همگی‌شان خواهم انباشت. این جز پندی برای تو و جهانیان نیست و قطعاً پس از چندی خبر آن را خواهید دانست (۳۸)

دخترکم! در آنچه نمی‌دانی سخن را واگذار و آنچه را بر عهده نداری بر زبان میار. و راهی را که در آن از گمراهی ترسی مسپار، که هنگام سرگردانی گمراهی، باز ایستادن بهتر است تا در کارهای بیمناک افتادن. به کار نیک امر کن و خود را در شمار نیکوکاران درآر. و به دست و زبان کار ناپسند را زشت شمار. و از آن که کار ناپسند کند با کوشش خود را دور بدار. در راه خدا بکوش، چنانکه شاید، و از سرزنش ملامت‌گران بیمی نیاید. برای حق به هر دشواری هر جا بود در شو. و در پی آموختن دین رو. خود را به شکیبایی عادت ده در آنچه ناخوشایند است، که شکیبایی ورزیدن عادت‌ی پسندیده و ارجمند است. در همه کارها نفس خود را به پناه پروردگارت درآر، که به پناهگاهی درآورده‌ای استوار، و نگاهبانی پایدار، و آنچه از

پروردگارت خواهی تنها از او خواه، که به دست اوست بخشیدن و محروم نمودن، و فراوان طلب خیر کن و نیک در کارها ببین و آن را که بهتر است بگزین و وصیت مرا دریاب و روی از آن متاب، که بهترین گفته سخنی است که سود دهد، و بدان که سودی نیست در دانشی که فایده‌تی نبخشد، و نه در فراگرفتن علمی که دانستن آن سزاوار نبود.

دخترکم به یقین بدان که کسانی که باور نکردند و از راه خدا باز داشتند، خدا اعمال آنان را تباه خواهد کرد و آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند و به آنچه بر محمد (ص) نازل آمده گرویده‌اند که آن خود حق از جانب پروردگارشان است، بدیهایشان را زدود و حالشان را بهبود بخشید. پس اگر خواستی که حال دلت خوب باشد از نصیحت من روی بر متاب و با اندرز دلت را زنده نگه دار. و دلیل حال خوب کسانی که ایمان آوردند آن است که از همان حق که از جانب پروردگارشان است پیروی کردند. دخترکم بدانکه کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند هرگز کارهایشان را ضایع نمی‌کند. به زودی آنان را راه می‌نماید و حالشان را نیکو می‌گرداند و در بهشتی که برای آنان وصف کرده آنان را درمی‌آورد. و بدانکه آنان که به هدایت گراییدند خدا آنان را هر چه بیشتر هدایت بخشید و پرهیزگاری‌شان داد.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر خدا را یاری کنید یاریتان می‌کند و گامه‌ایتان را استوار می‌دارد و کسانی که کفر ورزیدند نگونساری بر آنان باد و اعمالشان را برباد داد. این بدان سبب است که آنان آنچه را خدا نازل کرده است خوش نداشتند و کارهایشان را باطل کرد. مگر در زمین نگشته‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنها بودند به کجا انجامیده است؟ خدا زیر و زبرشان کرد و کافران را نظایر است چرا که خدا سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند ولی کافران را سرپرست نیست. خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند در باغهایی که از زیر آنها نهرها روان است درمی‌آورد و کسانی که کافر شده‌اند بهره می‌برند و همان گونه که چارپایان می‌خورند می‌خورند و جایگاه آنها آتش است. بی‌گمان کسانی که پس از آنکه هدایت بر آنان روشن شد پشت کردند شیطان آنان را فریفت و به آرزوهای دور و درازشان انداخت. چرا که آنان به کسانی که آنچه را خدا نازل کرده خوش نمی‌داشتند گفتند: ما در کار تا حدودی از شما اطاعت خواهیم کرد و خدا از همداستانی آنان آگاه است. پس چگونه وقتی که فرشتگان جانشان را می‌ستانند و بر چهره و پشت آنان تازیانه می‌نوازند. *زیرا آنان از آنچه خدا را به خشم آورده پیروی کرده‌اند* و خرسندیش را خوش نداشتند پس اعمالشان را باطل گردانید. آیا کسانی که در دل‌هایشان مرضی هست پنداشتند که خدا هرگز کینه آنان را آشکار نخواهد کرد. و اگر بخواهیم قطعاً آنان را به تو

می‌نمایانیم در نتیجه ایشان را به سیمایشان می‌شناسی و از آهنگ سخن به آنان پی خواهی برد و خداست که کارهای شما را می‌داند.

دخترک با ایمانم خدا و پیامبرش را اطاعت کن و کرده‌های خودت را تباه مکن. زندگی این دنیا لهو و لعبی بیش نیست و اگر ایمان بیاورید و پروا بدارید پاداش شما را می‌دهد و امواتان را نمی‌خواهد. اگر شما را بخواهد و به اصرار از شما طلب کند بخل می‌ورزید و کینه‌های شما را برملا می‌کند. شما همان هستید که برای اتفاق در راه خدا فرا خوانده شده‌اید پس برخی از شما بخل می‌ورزند و هر کس بخل ورزد تنها به زیان خود بخل ورزیده و خدا بی‌نیاز است و شما نیازمندید و اگر روی برتابید جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود.

دخترکم توجه داشته باش تا واقعیت هر آنچیزی را که هست آنطور دریابی که خدایت به تو نشان می‌دهد نه آن گونه که تو می‌پنداری، و در این مسیر از خدایت یاری خواه. همانند یاری خواستن کسی که می‌داند که نادان و ناتوان است ولی خدایش دانا و تواناست. (۴۷)

دخترکم! چون دیدم سالیانی را پشت سر نهاده ام و به سستی درافتاده، بدین وصیت برای تو پیشدستی کردم، و خصلتهایی را در آن بر شمردم، از آن پیش که مرگ بشتابد و مرا دریابد و آنچه در اندیشه دارم به تو ناگفته ماند، یا اندیشه ام نیز همچون تنم نقصانی به هم رساند، یا پیش از- نصیحت- من پاره ای خواهشهای نفسانی بر تو غالب گردد، یا فریبندگیهای دنیا تو را بفریبد. پس همچون شتری باشی گریزان- و سرسخت و نا به فرمان و دل جوان همچون زمین ناکشته است، هر چه در آن افکنند بپذیرد، پس به ادب آموختنت پرداختم، پیش از آنکه دلت سخت شود و خردت هوایی دیگر گیرد، تا با رای قاطع روی به کار آری، و از آنچه خداوندان تجربت در پی آن بودند و آزمودند بهره برداری، و رنج طلب از تو برداشته شود و نیازت به آزمودن نیفتد. پس به تو آن رسد که ما- به تجربت- بدان رسیدیم، و برای تو روشن شود آنچه گاهی تاریکش می‌دیدیم.

آیا زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری نبود. ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و او را می‌آزماییم بدین جهت او را شنوا و بینا قرار دادیم. ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد و پذیرا گردد یا ناسپاس. ما برای کافران زنجیرها و غلها و شعله‌های سوزان آتش آماده کرده‌ایم. به یقین ابرار و نیکان از جامی می‌نوشند که با عطر خوشی آمیخته است چشمه‌ای که بندگان خدا از آن می‌نوشند و جاریش می‌کنند. به نذر خود وفا می‌کردند و از روزی که گزند آن فراگیرنده است می‌ترسیدند و به دوستی بینوا و یتیم، و اسیر را خوراک

می‌دادند؛ ما برای خشنودی خداست که به شما می‌خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم ما از پروردگارمان از روز عبوسی سخت هراسناکیم. پس خدا آنان را از آسیب آن روز نگاه داشت و شادابی و شادمانی به آنان ارزانی داشت و به آنکه صبر کردند بهشت و پرنیان پاداششان داد.

دخترکم در حقیقت خدا قرآن را بر تو به تدریج فرو می‌فرستد پس در برابر فرمان پروردگارت شکیبایی کن و از آنان گناهکار یا ناسپاسگزار را فرمان مبر و نام پروردگارت را بامدادان و شامگاهان یاد کن و بخشی از شب را در برابر او سجده کن و شب دراز او را به پاکی بستای. اینان دنیای زودگذر را دوست دارند و روزی گرانبار را پشت سر می‌افکنند ماییم که آنان را آفریده و پیوند مفصل آنها را استوار کرده‌ایم و چون بخواهیم به نظایرشان تبدیل می‌کنیم. دخترکم به یقین بدانکه این سخنان پندنامه‌ای است تا هر که خواهد راهی به سوی پروردگار خود پیش گیرد و تا خدا نخواهد نخواهد خواست قطعاً خدا دانای حکیم است هر که را خواهد به رحمت خویش در می‌آورد و برای ظالمان عذابی پردرد آماده کرده است. (۷۶)

دخترکم برای مردم حسابشان نزدیک شده است و آنان در بی‌خبری رویگردانند. هیچ پند تازه‌ای از پروردگارشان نیامد مگر اینکه بازی‌کنان آن را شنیدند. در حالی که *دل‌هایشان مشغول است* و آنانکه ستم کردند پنهانی به نجوا برخاستند که آیا این جز بشری مانند شماسست؟ آیا دیده و دانسته به سوی سحر می‌روید؟ گفت: پروردگارم گفتار را در آسمان و زمین می‌داند و اوست شنوای دانا. بلکه گفتند: خوابهای شوریده است. بلکه آن را برافته. بلکه او شاعری است. پس همان گونه که برای پیشینیان هم عرضه شد باید برای ما نشانه‌ای بیاورد. قبل از آنان هیچ شهری که آن را نابود کردیم ایمان نیاوردند. پس آیا اینان ایمان می‌آورند؟ و پیش از تو جز مردانی را که به آنان وحی می‌کردیم گسیل نداشتیم. دخترکم اگر باورش برایت دشوار نمود پدرت را به یاد بیاور دایما انگشت اشاره اش بسوی قرآن بود. این کتاب گنجی عظیم است که برای تو به یادگار می‌گذارم اگر دریایی و بفهمی. دخترکم خدا پیامبران را جسدی که غذا نخوردن قرار نداد و جاویدان هم نبودند. سپس وعده به آنان را راست گردانید و آنها و هر که را خواست نجات داد و افراتکاران را به هلاکت رسانید. دخترکم در حقیقت خدا کتابی به سوی ما نازل کرده است که یاد ما در آن است. آیا نمی‌اندیشی؟ دخترکم آنچنان در خودت حضور داشته باش که فرصت جولان به افکار زاید را ندهی تا بتوانی در سخنان خدایت بیندیشی.

آسمان و زمین و آنچه را که میان آن دو است به بازپچه نیافریدیم. پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که خدایی جز من نیست پس مرا پرستید.

آیا کسانی که باور نکردند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند و ما آن دو را از هم جدا ساختیم و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا ایمان نمی‌آورند؟ و در زمین کوههایی استوار نهادیم تا مبادا آنان را بجنباند و در آن راههایی فراخ پدید آوردیم باشد که راه یابند. و آسمان را سقفی محفوظ قرار دادیم و آنان از نشانه‌های آن اعراض می‌کنند. و اوست آن کسی که شب و روز و خورشید و ماه را پدید آورده است هر کدام از این دو در مداری شناورند. و پیش از تو برای هیچ بشری جاودانگی قرار ندادیم. آیا اگر تو از دنیا بروی آنان جاویدانند؟ هر نفسی چشنده مرگ است و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود.

انسان از شتاب آفریده شده است به زودی آیاتم را به شما نشان می‌دهم پس به شتاب از من بخواهید. و می‌گویند اگر راست می‌گویند این وعده کی خواهد بود.

در حقیقت به موسی و هارون فرقان دادیم و برای پرهیزگاران روشنایی و اندرزی است؛ *کسانی که از پروردگارشان در نهان می‌ترسند* و از قیامت هراسانند. و در حقیقت پیش از آن به ابراهیم رشد اش را دادیم و ما به او دانا بودیم. و ابراهیم و لوط را به سوی آن سرزمینی که برای جهانیان در آن برکت نهاده بودیم رهانیدیم. و اسحاق و یعقوب را افزون به او بخشودیم و همه را از شایستگان قرار دادیم. و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند و به ایشان انجام دادن کارهای نیک و برپاداشتن بندگی را وحی کردیم و آنان پرستنده ما بودند. و به لوط حکمت و دانش عطا کردیم و او را از آن شهری که کارهای پلید می‌کردند نجات دادیم و او را در رحمت خویش داخل کردیم زیرا او از شایستگان بود. و نوح را آنگاه که پیش از آن ندا کرد پس ما او را اجابت کردیم و وی را با خانواده‌اش از بلای بزرگ رهانیدیم. و او را در برابر مردمی که نشانه‌های ما را به دروغ گرفته بودند پیروزی بخشیدیم چرا که آنان مردم بدی بودند. پس همه ایشان را غرق کردیم. و داوود و سلیمان را هنگامی که درباره آن کشتزار که گوسفندان مردم شب هنگام در آن چریده بودند داوری می‌کردند و شاهد داوری آنان بودیم. *پس آن را به سلیمان فهماندیم* و به هر یک حکمت و دانش عطا کردیم و کوهها را با داوود و پرندگان به نیایش واداشتیم و *ما کننده بودیم*. و به فن زره آموختیم تا شما را از جنگتان حفظ کند. پس آیا شما

سپاسگزاری؟ و برای سلیمان تندباد را که به فرمان او به سوی سرزمینی که در آن برکت نهاده بودیم جریان می‌یافت و ما به هر چیزی دانا بودیم. و برخی از شیاطین بودند که برای او غواصی و کارهایی غیر از آن می‌کردند و ما مراقب آنها بودیم. و ایوب را هنگامی که پروردگارش را ندا داد که به من آسیب رسیده است و تویی مهربانترین مهربانان. پس او را اجابت نمودیم و آسیب وارده بر او را برطرف کردیم و کسان او و نظیرشان را همراه با آنان به وی عطا کردیم. رحمتی از جانب ما و عبرتی برای عبادت‌کنندگان. و اسماعیل و ادریس و ذوالکفل را که همه از شکیبایان بودند. و آنان را در رحمت خود داخل نمودیم چرا که ایشان از شایستگان بودند. و ذوالنون را آنگاه که خشمگین رفت و پنداشت که ما هرگز بر او قدرتی نداریم تا در تاریکیها ندا درداد که معبودی جز تو نیست منزهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم. پس او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانیدیم و *مؤمنان را چنین نجات می‌دهیم*. و زکریا را هنگامی که پروردگار خود را خواند. پروردگارا مرا تنها مگذار و تو بهترین ارث برندگان. پس او را اجابت نمودیم و یحیی را بدو بخشیدیم و همسرش را برای او شایسته کردیم زیرا آنان در کارهای نیک شتاب می‌نمودند و ما را از روی رغبت و بیم می‌خواندند و در برابر ما فروتن بودند. و آن که خود را پاکدامن نگاه داشت و از روح خویش در او دمیدیم و او و پسرش را برای جهانیان آیتی قرار دادیم. *این است امت شما که امتی یگانه است و منم پروردگار شما، پس مرا بپرستید.*

دخترکم! هر چند من به اندازه همه آنان که پیش از من بوده اند نزیسته ام، اما در کارهاشان نگریسته ام و در سرگذشتهایشان اندیشیده، و در آنچه از آنان مانده، رفته و دیده ام تا چون یکی از ایشان گردیده ام، بلکه با آگاهی که از کارهاشان به دست آورده ام گویی چنان است که با نخستین تا پسینشان به سر برده ام. پس از آنچه - دیدم - روشن را از تار و سودمند را از زیانبار باز شناختم و برای تو از هر چیز زبده آن را جدا ساختم و نیکویی آن را برای تو جستجو کردم، و آن را که شناخته نبود از دسترس تو به دور انداختم، و چون به کار تو چونان پدری مهربان عنایت داشتم و بر ادب آموختن همت گماشتم، چنان دیدم که این عنایت در عنفوان جوانی ات به کار رود و در بهار زندگانی که نیتی پاک داری و نهادهای بی آک، و اینکه نخست تو را کتاب خدا بیاموزم، و تاویل آن را به تو تعلیم دهم، و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام بر تو آشکار سازم و به دیگر چیز نپردازم. سپس از آن ترسیدم که مبدا رای و هوایی که مردم را دچار اختلاف گردانید تا کار بر آنان مشتبه گردید، بتازد و بر تو نیز کار را مشتبه سازد. پس هر چند آگاه ساختن را از آن خوش نداشتیم استوار

داشتنش را پسندیده تر داشتم تا آنکه تو را به حال خود واگذارم، و به دست چیزی که هلاکت در آن است بسپارم، و امید بستم که خدا توفیق رستگاریت عطا فرماید، و راه راست را به تو بنماید.

دخترکم خدایت می گوید: و در حقیقت در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد. و پیامبر را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم که گفت: جز این نیست که به من وحی می شود که خدای شما خدایی یگانه است پس آیا مسلمان می شوید؟ پیامبر به آنها به طور یکسان اعلام کرد و نمی دانست آنچه وعده داده شده اند آیا نزدیک است یا دور؟ خداست که سخن آشکار را می داند و آنچه را پوشیده می دارید می داند. و باز پیامبر خدا اعتراف کرد که: نمی دانم شاید آن برای شما آزمایشی و تا چند گاهی برخوردار باشد. پروردگارا به حق داوری کن و به رغم آنچه وصف می کنی پروردگار ما همان بخشایشگر دستگیر است (۲۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید به قراردادهای وفا کنید برای شما چارپایان حلال گردیده جز آنچه بر شما خوانده می شود. خدا هر چه بخواهد فرمان می دهد.

ای کسانی که ایمان آورده اید حرمت شعایر خدا و ماه حرام و قربانی بی نشان و قربانیهای گردن بنددار و راهیان بیت الحرام را که فضل و خشنودی پروردگار خود را می طلبند نگه دارید. و البته نباید کینه توزی گروهی که شما را از مسجد الحرام باز داشتند شما را به تعدی وادارد و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید و *از خدا / پروا کنید که خدا سخت کیفر است*. بر شما حرام شده است مردار و خون و گوشت خوک و آنچه به نام غیر خدا کشته شده باشد و خفه شده و به چوب مرده و از بلندی افتاده و به ضرب شاخ مرده و آنچه درنده از آن خورده باشد مگر آنچه را سر ببرید. و هر کس دچار گرسنگی شود بی آنکه به گناه متمایل باشد.

از تو می پرسند: چه چیزی برای آنان حلال شده است؟ بگو چیزهای پاکیزه برای شما حلال گردیده و حیوانات شکارگر که شما بعنوان مربیان سگهای شکاری از آنچه خدایتان آموخته به آنها تعلیم داده اید پس از آنچه آنها برای شما گرفته و نگاه داشته اند بخورید و نام خدا را بر آن ببرید و پروای خدا بدارید که خدا زودشمار است. امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده و طعام کسانی که اهل کتابند برای شما حلال و طعام شما برای آنان حلال است و زنان پاکدامن از مسلمان و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب به آنان داده شده به شرط آنکه مهرهایشان را به ایشان بدهید در حالی که خود پاکدامن باشید نه زناکار و نه

آنکه زنان را در پنهانی دوست خود بگیرید و هر کس در ایمان خود شک کند قطعاً عملش تباه شده و در آخرت از زیانکاران است.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون به بندگی برخیزید صورت و دستهایتان را تا آرنج بشویید و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین مسح کنید و اگر جنابید خود را پاک کنید و اگر بیمار یا در سفر بودید یا یکی از شما از قضای حاجت آمد یا با زنان نزدیکی کرده‌اید و آبی نیافتید پس با خاک پاک تیمم کنید و از آن به صورت و دستهایتان بکشید خدا نمی‌خواهد بر شما تنگ بگیرد لیکن می‌خواهد شما را پاک و نعمتش را بر شما تمام گرداند باشد که سپاس بدارید. و نعمتی را که خدا بر شما ارزانی داشته و پیمانی را که شما را به آن متعهد گردانیده به یاد آورید آنگاه که گفتید شنیدیم و اطاعت کردیم و از خدا پروا دارید که خدا به راز دلها آگاه است.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای خدا به داد برخیزید ، به عدالت شهادت دهید و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است و از خدا پروا دارید که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است ای کسانی که ایمان آورده‌اید نعمت خدا را بر خود یاد کنید.

مگر ندانسته‌ای که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست هر که را بخواهد عذاب می‌کند و هر که را بخواهد می‌بخشد و خدا بر هر چیزی تواناست.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر کس از شما از دین خود برگردد به زودی خدا گروهی را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان او را دوست دارند با مؤمنان فروتن بر کافران سرفرازند در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند این فضل خداست آن را به هر که بخواهد می‌دهد.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای شما حلال کرده حرام بشمارید و از حد مگذرید که خدا از حدگذرندگان را دوست نمی‌دارد. و از آنچه خداوند روزی شما گردانیده حلال و پاکیزه را بخورید و از آن خدایی که بدو ایمان دارید پروا دارید. ای کسانی که ایمان آورده‌اید شراب و قمار و بتها و تیرهای قرعه پلیدند از عمل شیطانند پس از آنها دوری گزینید باشد که رستگار شوید. همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از بندگی باز دارد پس آیا شما دست برمی‌دارید.

خداوند کعبه بیت الحرام را وسیله به پا داشتن مردم قرار داده و ماه حرام و قربانیهای بی‌نشان و قربانیهای نشاندار را. این برای آن است تا بدانید که خدا آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است می‌داند و خداست که بر هر چیزی داناست. *بدانید که خدا سخت‌کیفر است و خدا آمرزنده مهربان است.* بر پیامبر جز ابلاغ نیست و خداوند آنچه را آشکار و آنچه را پوشیده می‌دارید می‌داند.

بگو پلید و پاک یکسان نیستند هر چند کثرت پلید تو را به شگفت آورد پس ای خردمندان از خدا پروا کنید باشد که رستگار شوید.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خودتان پردازید هر گاه شما هدایت یافتید آن کس که گمراه شده است به شما زبانی نمی‌رساند بازگشت همه شما به سوی خداست پس شما را از آنچه انجام می‌دادید آگاه خواهد کرد.

فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست از آن خداست و او بر هر چیزی تواناست. (۵) دخترکم آنچه بیشتر دوست دارم از سخنم به کار بندی، از خدا ترسیدن است و بر آنچه بر تو واجب داشته، بسنده کردن، و رفتن به راهی که پدران پیمودند و پارسایان خاندانت بر آن راه بودند، چه آنان از نگرستن در کار خویش باز نایستادند چنانکه تو می‌نگری، و نه از اندیشیدن چنانکه تو می‌اندیشی، و انجام کار چنانشان کرد که آنچه را شناختند به کار بستند، و از بند آنچه بر عهده شان نبود رستند، و اگر نفس تو پذیرفتن چنین نتواند، و خواهد چنانکه آنان دانستند بدانند، پس بکوش تا جستجوی تو از روی دریافتن و دانستن باشد نه به شبهه ها در افتادن و جدال را بالا بردن، و پیش از اینکه این راه را بهویی باید از خدای خود یاری جویی. و برای توفیق خود روی بدو آری و آنچه تو را به شبهه ای دچار سازد یا به گمراهی ات دراندازد، واگذاری.

دخترکم سوگند به اختر چون فرود می‌آید. پدرت نه گمراه شده و نه در نادانی مانده و از سر هوس سخن نمی‌گوید. این سخن بجز وحیی که وحی می‌شود نیست. آن را شدیدالقوی به او فرا آموخت، نیرومندی که درایستاد در حالی که او در افق اعلی بود سپس نزدیک آمد و نزدیکتر شد تا به قدر دو کمان یا نزدیکتر شد آنگاه به بنده‌اش آنچه را باید وحی کند وحی فرمود. **آنچه را دل دید انکار نکرد.** آیا در آنچه دیده است با او جدال می‌کنید؟ و قطعاً بار دیگری هم او را دیده است، نزدیک سدرالمنتهی، در همان جا که جنۃ‌الماوی است. آنگاه که درخت سدر را آنچه پوشیده بود پوشیده بود. دیده منحرف نگشت و در نگذشت. به راستی که از آیات بزرگ پروردگار خود را بدید.

مگر انسان آنچه را آرزو کند دارد، آن سرا و این سرا از آن خداست. و بسا فرشتگانی که در آسمانهایند شفاعتشان به کاری نیاید مگر پس از آنکه خدا به هر که خواهد و خشنود باشد اذن دهد.

دخترکم در حقیقت کسانی که آخرت را باور ندارند فرشتگان را در نامگذاری به صورت مؤنث نام می‌نهند. و ایشان را به این معرفتی نیست جز گمان را پیروی نمی‌کنند و در واقع گمان در حقیقت هیچ سودی نمی‌رساند. پس از هر کس که از یاد ما روی برتافته و جز زندگی دنیا را خواستار نبوده است روی برتاب. این منتهای دانش آنان است. پروردگار تو خود به کسی که از راه او منحرف شده دانتر و او به کسی که راه یافته آگاه‌تر است. و هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است از آن خداست تا کسانی را که بد کرده‌اند به آنچه انجام داده‌اند کیفر دهد و آنان را که نیکی کرده‌اند به نیکی پاداش دهد. آنان که از گناهان بزرگ و زشتکاریها جز لغزشهای کوچک خودداری می‌ورزند پروردگارت فراخ آمرزش است. وی از آن دم که شما را از زمین پدید آورد و از همان‌گاه که در شکمهای مادرانتان نهفته بودید به شما دانتر است پس خودتان را پاک بشمارید او به کسی که پرهیزگاری نموده دانتر است.

برای انسان جز حاصل تلاش او نیست و کوشش او به زودی دیده خواهد شد سپس هر چه تمام تر وی را پاداش دهند و اینکه پایان به سوی پروردگار توست و هم اوست که می‌خنداند و می‌گریاند و هم اوست که می‌میراند و زنده می‌گرداند و هم اوست که دو نوع می‌آفریند نر و ماده، از نطفه‌ای چون فرو ریخته شود. و هم پدید آوردن دیگر بر اوست و هم اوست که بی‌نیاز کرد و سرمایه بخشید و هم اوست پروردگار ستاره شعری و هم اوست که عادیان قدیم را هلاک کرد و نمود را، و باقی نگذاشت. و پیشتر قوم نوح را زیرا که آنان ستمگرتر و سرکش‌تر بودند، و شهرها را فرو افکند، پوشاند بر آن آنچه را پوشاند. پس دخترکم به کدام یک از نعمتهای پروردگارت تردید روا می‌داری؟ این بیم‌دهنده‌ای از بیم‌دهندگان نخستین است. نزدیک گشت قیامت. جز خدا کسی آشکارکننده آن نیست. آیا از این سخن عجب دارید و می‌خندید و نمی‌گریید؟ و شما در غفلتید. پس خدا را سجده کنید و بپرستید (۵۳)

دخترکم چون یقین کردی دلت روشن شد و ترسید، و اندیشه ات فراهم شد و به کمال رسید، و هم تو بر یک چیز مقصود گردید، در آنچه برای روشن ساختن بنگر - و چون نگرینی به کار ببر و اگر آنچه دوست داری تو را دست نداد و آسودگی فکر و اندیشه ات میسر نیفتاد، بدان! راهی را که درست نمی‌بینی می‌سپاری، و در تاریکی گام می‌گذاری، و آن که در طلب دین است نه آن است و نه این است و در چنین حال بازداشتن خویش

بهترین است. پس وصیت مرا نیک دریاب- و از به کار بستن آن روی متاب- و بدان! آن که مرگ را بر سر آدمی می آرد همان است که زندگی را در دست دارد، و آن که می آفریند همان است که می میراند، و آن که نابود می سازد آن است که بازمی گرداند، و آن که به بلا می آزماید هم او عافیت عطا می فرماید، و بدان که جهان برپای نمانده جز بر سنتی که خدا کار آن را بر آن رانده: که یا نعمت است و یا ابتلا، و سرانجام پاداش روز جزا، یا دیگر چیزی که خواست و بر ما ناپیداست. پس اگر دانستن چیزی از این جمله بر تو دشوار گردد، آن دشواری را از نادانی خود به حساب آر! چه تو نخست که آفریده شدی نادان بودی سپس دانا گردیدی، و چه بسیار است آنچه نمی دانی و در حکم آن سرگردانی، و بینشت در آن راه نمی یابد، سپس آن را نیک می بینی و می دانی. پس چنگ در رشته بندگی کسی زن که تو را آفریده، و به اندامت کرده و روزیت بخشیده.

دخترکم این جمله های به ظاهر ساده آن چیزی است که از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، *حق است (در حق بودن آنها شک نکن، ولی هوشیار باش که قبول تو از روی تعصب نباشد بلکه بدنبال کلید زندگی باش) و بدانکه بیشتر مردم نمی گروند.*

دخترکم خدا کسی است که آسمانها را بدون ستونهایی که آنها را ببینید برافراشت آنگاه بر عرش استیلا یافت و خورشید و ماه را رام گردانید هر کدام برای مدتی معین به سیر خود ادامه می دهند در کار تدبیر می کند و آیات را به روشنی بیان می نماید امید که شما به لقای پروردگارتان یقین حاصل کنید. و اوست کسی که زمین را گسترانید و در آن کوهها و رودها نهاد و از هر گونه میوه ای در آن جفت جفت قرار داد. روز را به شب می پوشاند. قطعا در این برای مردمی که تفکر می کنند نشانه هایی وجود دارد. و در زمین قطعاتی است کنار هم و باغهایی از انگور و کشتزارها و درختان خرما چه از یک ریشه و چه از غیر یک ریشه که با یک آب سیراب می گردند و برخی از آنها را در میوه بر برخی دیگر برتری می دهیم بی گمان در این برای مردمی که تعقل می کنند دلایل است. و اگر عجب داری عجب از سخن آنان است که آیا وقتی خاک شدیم به راستی در آفرینش جدیدی خواهیم بود؟ اینان همان کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیده اند و در گردنهایشان زنجیرهاست و آنان همدم آتشند و در آن ماندگار خواهند بود. و پیش از رحمت شتابزده عذاب می طلبند و حال آنکه پیش از آنان عقوبتها رفته است و به راستی پروردگار تو نسبت به مردم با وجود ستمشان بخشایشگر است و به یقین پروردگار تو سخت کیفر است.

دخترکم خدا می‌داند آنچه را که هر ماده‌ای بار می‌گیرد و آنچه را که رحمها می‌کاهند و آنچه را می‌افزایند و هر چیزی نزد او اندازه‌ای دارد. دانای نهان و آشکار، بزرگ بلند مرتبه است. یکسان است کسی از شما سخن را نهان کند و کسی که آن را فاش گرداند و کسی که خویشتن را به شب پنهان دارد و در روز آشکارا حرکت کند. برای او فرشتگانی است که پی در پی او را به فرمان خدا از پیش رو و از پشت سرش پاسداری می‌کنند در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد هیچ برگشتی برای آن نیست و غیر از او حمایتگری برای آنان نخواهد بود. اوست کسی که برق را برای بیم و امید به شما می‌نماید و ابرهای گرانبار را پدیدار می‌کند. رعد به حمد او و فرشتگان از بیمش تسبیح می‌گویند و صاعقه‌ها را فرو می‌فرستند و با آنها هر که را بخواهد مورد اصابت قرار می‌دهد در حالی که آنان درباره خدا مجادله می‌کنند و او سخت کیفر است. دعوت حق برای اوست و کسانی که جز او می‌خوانند هیچ جوابی به آنان نمی‌دهند مگر مانند کسی که دو دستش را به سوی آب بگشاید تا به دهانش برسد در حالی که به او نخواهد رسید و دعای ناباوران جز بر هدر نباشد. و هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه با سایه‌هایشان بامدادان و شامگاهان برای خدا سجده می‌کنند.

دخترکم بدانکه پروردگار آسمانها و زمین خداست. پس مبدا جز او سرپرستی بگیری که اختیار سود و زیان خود را ندارند. آیا نابینا و بینا یکسانند؟ یا تاریکیها و روشنایی برابرند؟ یا برای خدا شریکانی پنداشته‌ای که مانند آفرینش او آفریده‌اند؟ که اگر اینگونه بیندیشی آفرینش بر تو مشتبه شده است و باید به کلمات خدایت بدون هیچ گونه پیش داوری و ذهنیتی رجوع کنی. دخترکم سخنان زیبای خدایت را بارها و بارها بخوان و خواندن خودت را بشنو ولی اجازه نده فکر در این فعل زیبای تو با ابزار تعبیر و تفسیر ذهنی اش ورود نابجا داشته باشد.

دخترکم؛ بگو خدا آفریننده هر چیزی است و اوست یگانه قهار. از آسمان آبی فرو فرستاد پس رودخانه‌هایی به اندازه گنجایش خودشان روان شدند و سیل کفی بلند روی خود برداشت و از آنچه برای به دست آوردن زینتی یا کالایی در آتش می‌گذازند هم نظیر آن کفی برمی‌آید خداوند حق و باطل را چنین مثل می‌زند اما کف بیرون افتاده از میان می‌رود ولی آنچه به مردم سود می‌رساند در زمین می‌ماند. خداوند مثلها را چنین می‌زند.

پس تنها بنده او می‌باش و روی به سوی او آر و تنها از او بیم دار! و بدان! دخترکم که هیچکس چون رسول (ص) از خدا آگاهی نداده است پس خرسند باش که او را راهبرت

گیری و برای نجات، پیشوایی اش را بپذیری. من در نصیحت تو کوتاهی نکردم، و تو هر چند بکوشی و درباره خود بیندیشی، به پایه اندیشه ای که من در حق تو دارم نخواهی رسید! و بدان دخترکم، اگر پروردگارت شریکی داشت پیامبران او نزد تو می آمدند، و نشانه های پادشاهی و قدرت او را می دیدی، و از کردار و صفتهای او آگاه می گردیدی. لیکن او خدای یکتاست چنانکه خود خویش را وصف کرده است. کسی در حکمرانی وی مخالف او نیست، و ملک او جاودانه و همیشگی است. آغاز همه چیزهاست و او را اولیت نیست، و آخر است پس از همه اشیاء و او را نهایت نیست. برتر از آن است که ربوبیت او را دلی فراگیرد و یا در دیده ای جای پذیرد، و چون این را دانستی کار چنان کن که از چون تویی باید که خرد منزلت است و بیمقدار، و توانایی اش کم و ناتوانی اش بسیار و طاعت خدا را خواهان و از عقوبتش ترسان، و از خشم او هراسان که خدا تو را جز نیکوکاری نرموده و جز از زشتکاری نهی ننموده.

خدا روزی را برای هر که بخواهد گشاده یا تنگ می گرداند. آگاه باش که با یاد خدا دلها آرامش می یابد. آیا کسانی که ایمان آورده اند ندانسته اند که اگر خدا می خواست قطعا تمام مردم را به راه می آورد؟ و هر که *را خدا بی راه گذارد رهبری نخواهد داشت*. برای آنان در زندگی دنیا عذابی است و قطعا عذاب آخرت دشوارتر است و برای ایشان در برابر خدا هیچ نگهدارنده ای نیست. دخترکم بدانکه زندگی موفق تنها در گرو دوستی با خداست که محقق می گردد پس اگر بدنبال موفقیت هستی کلید این دوستی را در قرآنش بجوی.

آیا ندیده اند که ما می آییم و از اطراف این زمین می کاهیم و خداست که حکم می کند. برای حکم او باز دارنده ای نیست و او به سرعت حسابرسی می کند. و به یقین کسانی که پیش از آنان بودند نیرنگ کردند ولی همه تدبیرها نزد خداست آنچه را که هر کسی به دست می آورد می داند. (۱۳)

دخترک دلبندم، عزیز بابا، یادگار من و مادرت؛ سوگند به صف بستگان که صفی بسته اند و به زجرکنندگان که به سختی زجر می کنند و به تلاوت کنندگان که قطعا معبود تو یگانه است. بیشتر از هر چیزی برایت انس با قرآن را آرزو دارم. دخترکم باور کن تا در وجودت نهاده شده که معبود تو یگانه هست. پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است و پروردگار خاورها. ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم و از هر شیطان سرکشی نگاه داشتیم، نمی توانند به انبوه عالم بالا گوش فرا دهند و از هر سوی پرتاب می شوند با شدت به دور رانده می شوند و برایشان عذابی داریم مگر کسی که یکباره استراق سمع کند که

شهابی شکافنده از پی او می‌تازد. پس بپرس آیا ایشان در آفرینش سخت‌ترند یا کسانی که خلق کردیم؟ ما آنان را از گلی چسبنده پدید آوردیم بلکه عجب می‌داری و ریشخند می‌کنند و چون پند داده شوند عبرت نمی‌گیرند و چون آیتی ببینند به ریشخند می‌پردازند و می‌گویند: این جز سحری آشکار نیست. آیا چون مردیم و خاک و استخوانهای گردیدیم آیا راستی برانگیخته می‌شویم؟ و همین طور پدران اولیه ما. بگو آری در حالی که شما خوارید و آن تنها یک فریاد است و بس و بناگاه آنان به تماشا خیزند و می‌گویند: ای وای بر ما این است روز جزا؟! این است همان روز داوری که آن را تکذیب می‌کردید.

دخترکم اگر از حجاب زمان خارج شوی در کنار شخصیت های کتاب زیبای قرآن قرار می‌گیری و از نزدیک آنان را می‌بینی و صدایشان را بطور زنده میشنوی پس ببین؛ برخی‌شان به برخی روی نموده و از همدیگر پرس‌وجو می‌کنند. گوینده‌ای از آنان می‌گوید: راستی من همنشینی داشتم می‌گفت آیا واقعا تو از باوردارندگانی؟ آیا وقتی مردیم و خاک و استخوان شدیم آیا واقعا جزا می‌یابیم؟ می‌پرسد آیا شما اطلاع دارید؟ پس اطلاع حاصل می‌کند و او را در میان آتش می‌بیند. می‌گوید: به خدا سوگند چیزی نمانده بود که تو مرا به هلاکت اندازی و اگر رحمت پروردگارم نبود هرآینه من از احضارشدگان بودم. آیا دیگر روی مرگ نمی‌بینیم؟ جز همان مرگ نخستین خود و ما هرگز عذاب نخواهیم شد. راستی که این همان کامیابی بزرگ است. برای چنین باید کوشندگان بکوشند.

دخترکم ناباوران پدران خود را گمراه یافتند پس ایشان به دنبال آنها می‌شتابند و قطعا پیش از آنها بیشتر پیشینیان به گمراهی افتادند و حال آنکه مسلما در میانشان هشداردهندگانی فرستادیم. پس ببین فرجام هشدارداده‌شدگان چگونه بود؟ به استثنای بندگان پاکدل خدا، و نوح ما را ندا داد و چه نیک اجابت‌کننده بودیم و او و کسانش را از اندوه بزرگ رهانیدیم و نسل او را باقی گذاشتیم و در میان آیندگان او را بر جای گذاشتیم. درود بر نوح در میان جهانیان. ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. به راستی او از بندگان مؤمن ما بود. سپس دیگران را غرق کردیم. و بی‌گمان ابراهیم از پیروان اوست آنگاه که با دلی پاک به پروردگارش آمد. و گفت: من به سوی پروردگارم رهسپارم زودا که مرا راه نماید. ای پروردگار من مرا از شایستگان بخش. پس او را به پسری بردبار مژده دادیم. ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم. در حقیقت او از بندگان با ایمان ما بود و او را به اسحاق که پیامبری از شایستگان است مژده دادیم. و به او و به اسحاق برکت دادیم و از نسل آن دو برخی نیکوکار و آشکارا به خود ستمکار بودند. و در حقیقت بر موسی و هارون منت نهادیم و آن دو و

قومشان را از اندوه بزرگ رهانیدیم و آنان را یاری دادیم تا ایشان غالب آمدند و آن دو را کتاب روشن دادیم و هر دو را به راه راست هدایت کردیم و برای آن دو در آیندگان به جای گذاشتیم. درود بر موسی و هارون، ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم. زیرا آن دو از بندگان با ایمان ما بودند. و در حقیقت لوط از زمره فرستادگان بود آنگاه که او و همه کسانش را رهانیدیم جز پیرزنی که در میان باقی ماندگان بود سپس دیگران را هلاک کردیم و در حقیقت شما بر آنان صبحگاهان و شامگاهان می‌گذرید. آیا به فکر فرو نمی‌روید؟ (دخترکم اگر در فهم قرآن ناتوان ماندی ذهنت را از تعبیر و تفسیرهای در شان و مقام ذهنت بازدار و سوار بر مرکب زمان از خدای دانایت بخواه تا آن سخنش را بر تو روشن گرداند.) و در حقیقت یونس از زمره فرستادگان بود آنگاه که به سوی کشتی پر بگریخت پس با هم قرعه انداختند و از باختگان شد و عنبرماهی او را بلعید در حالی که او نکوهشگر خویش بود. و اگر او از زمره تسبیح‌کنندگان نبود قطعا تا روزی که برانگیخته می‌شوند در شکم آن می‌ماند پس او را در حالی که ناخوش بود به زمین خشکی افکندیم و بر بالای او درختی از کدوبن رویانیدیم و او را به سوی یکصد هزار یا بیشتر روانه کردیم پس ایمان آوردند و تا چندی برخوردارشان کردیم.

در حقیقت ماییم که صف بسته‌ایم و ماییم که خود تسبیح گویانیم. و به تاکید می‌گفتند: اگر پندی از پیشینیان نزد ما بود قطعا از بندگان خالص خدا می‌شدیم ولی به آن کافر شدند و زودا که بدانند. و قطعا فرمان ما درباره بندگان فرستاده ما از پیش رفته است که آنان حتما پیروز خواهند شد و سپاه ما هرآینه غالب آیندگانند. پس تا مدتی از آنان روی برتاب و آنان را بنگر که خواهند دید.

آیا عذاب ما را شتابزده خواستارند؟ آنگاه که عذاب به خانه آنان فرود آید چه بد صبحگاهی است. و از ایشان تا مدتی روی برتاب و بنگر که خواهند دید.

منزه است پروردگار تو، پروردگار شکوهمند از آنچه وصف می‌کنند و درود بر فرستادگان و ستایش ویژه خدا پروردگار جهانهاست (۳۷)

دخترکم! من تو را از دنیا آگاه کردم، و از دگرگون شدنش و از میان رفتن و دست به دست گردیدنش، و تو را خبر دادم از آن جهان، و آنچه در آنجا آماده است برای مردم آن، و برای تو درباره هر دو، مثلاً راندم تا از آنها پند پذیری و دستور کار خویشش گیری. داستان آنان که دنیا را آزمودند و شناختند همچون گروهی مسافرنده، که به جایی منزل کنند، ناسازوار، از آب و آبادانی به کنار. و آهنگ جایی کنند پر نعمت و دلخواه، و گوشه ای پر آب و گیاه. پس

رنج راه را بر خود هموار کنند، و بر جدایی از دوست و سختی سفر، و ناگواری خوراک دل نهند که به خانه فراخ خود رسند، و در منزل آسایش خویش بیارمند. پس رنجی را که در این راه بر خود هموار کردند آزار نشمارند، و هزینه ای را که پذیرفتند تاوان به حساب نیازند، و هیچ چیز نزدشان خوشایندتر از آن نیست که به خانه شان نزدیک کرده و به منزلشان درآورده. و داستان آنان که به دنیا فریفته گردیدند چون گروهی است که در منزلی پر نعمت بودند، و از آنجا رفتند و در منزلی خشک و بی آب و گیاه رخت گشودند. پس چیزی نزد آنان ناخوشایندتر و سخت تر از جدایی منزلی نیست که در آن به سر می بردند و رسیدن به جایی که بدان روی آوردند.

دخترکم نام پروردگار خود را یاد کن و تنها به او پرداز؛ پروردگار خاور و باختر، خدایی جز او نیست پس او را کارساز خویش اختیار کن و بر آنچه می گویند شکبیا باش و از آنان با دوری گزیدنی خوش فاصله بگیر.

دخترکم! خود را میان خویش و دیگری میزانی بشمار، پس آنچه برای خود دوست می داری برای جز خود دوست بدار. و آنچه تو را خوش نیاید برای او ناخوش بشمار. و ستم مکن چنانکه دوست نداری بر تو ستم رود، و نیکی کن چنانکه دوست می داری به تو نیکی کنند. و آنچه از جز خود زشت می داری برای خود زشت بدان، و از مردم برای خود آن را بپسند که از خود می پسندی در حق آنان، و مگوی بدیگران آنچه خوش نداری شنیدن آن، و **مگو آنچه را ندانی، هر چند اندک بود آنچه می دانی**، و مگو آنچه را دوست نداری به تو گویند. و بدان که خودپسندی آدمی را از راه راست بگرداند، و خردها را زیان رساند. پس سخت بکوش و گنجور دیگری مشو، و چون راه خویش یافتی چندانکه توانی پروردگارت را فروتن باش و به راه طاعت او رو.

قطعا این اندرزی است تا هر که بخواهد به سوی پروردگار خود راهی در پیش گیرد. هر چه از قرآن میسر می شود بخوان و بندگی را برپا دار و زکات را بپرداز و وام نیکو به خدا بده و هر کار خوبی برای خویش از پیش فرستی آن را نزد خدا بهتر و با پاداشی بیشتر باز خواهی یافت و از خدا طلب آمرزش کن که خدا آمرزنده مهربان است. (۷۳)

دخترکم این کتابی است که اراده خدایت عاملی شد تا آن را برای تو بنویسم تا به اذن پروردگارت از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون بیایی، به سوی راه آن شکست ناپذیر ستوده. خدایی که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست.

دخترکم در حقیقت خدایت موسی را با آیات خود فرستاد که قوم خود را از تاریکیها به سوی روشنائی بیرون آورد و روزهای خدا را به آنان یادآوری کند که قطعا در این برای هر شکیبای سپاسگزاری عبرتهاست. و هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: نعمت خدا را بر خود به یاد آورید آنگاه که شما را از فرعونیان رهانید که بر شما عذاب سخت روا می‌داشتند و پسرانتان را سر می‌بردند و زنانان را زنده می‌گذاشتند و در این برای شما از جانب پروردگارتان آزمایشی بزرگ بود. و آنگاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعا سپاسگزاری کنید شما را افزون خواهم کرد و اگر ناسپاسی نمایید قطعا عذاب من سخت خواهد بود. و موسی گفت: اگر شما و هر که در روی زمین است همگی کافر شوید بی‌گمان خدا بی‌نیاز ستوده است. آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند قوم نوح و عاد و ثمود و آنانکه بعد از ایشان بودند کسی جز خدا از آنان آگاهی ندارد به شما نرسیده است فرستادگانشان دلایل آشکار برایشان آوردند ولی آنان دستهایشان را بر دهانهایشان نهادند و گفتند: ما به آنچه شما بدان ماموریت دارید کافریم و از آنچه ما را بدان می‌خوانید سخت در شکیم. پیامبرانسان گفتند: مگر در باره خدا پدید آورنده آسمانها و زمین تردیدی هست. او شما را دعوت می‌کند تا پاره‌ای از گناهانتان را بر شما ببخشاید و تا زمان معینی شما را مهلت دهد. گفتند: شما جز بشری مانند ما نیستید می‌خواهید ما را از آنچه پدرانمان می‌پرستیدند باز دارید. پس برای ما حجتی آشکار بیاورید. پیامبرانسان به آنان گفتند: ما جز بشری مثل شما نیستیم ولی خدا بر هر یک از بندگانش که بخواهد منت می‌نهد و ما را نرسد که جز به اذن خدا برای شما حجتی بیاوریم و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند. و *چرا بر خدا توکل نکنیم و حال آنکه ما را به راه‌هایمان رهبری کرده است و البته ما بر آزاری که به ما رساندید شکیبایی خواهیم کرد و توکل کنندگان باید تنها بر خدا توکل کنند.* و ناباوران به پیامبرانسان گفتند: شما را از سرزمین خودمان بیرون خواهیم کرد مگر اینکه به کیش ما بازگردید پس *پروردگارشان به آنان وحی کرد* که حتما ستمگران را هلاک خواهیم کرد. و قطعا شما را پس از ایشان در آن سرزمین سکونت خواهیم داد این برای کسی است که از ایستادن در پیشگاه من بترسد و از تهدیدم بیم داشته باشد. و گشایش خواستند و هر زورگوی لججوجی نومید شد.

مثل کسانی که به پروردگار خود کافر شدند کردارهایشان به خاکستری می‌ماند که بادی تند در روزی طوفانی بر آن بوزد از آنچه به دست آورده‌اند هیچ نمی‌توانند برد. این است همان گمراهی دور و دراز.

دخترکم آیا در نیافته‌ای که خدا آسمانها و زمین را به حق آفریده، اگر بخواهد شما را می‌برد و خلق تازه‌ای می‌آورد. و این بر خدا دشوار نیست. خداست که آسمانها و زمین را آفرید و از آسمان آبی فرستاد و به وسیله آن از میوه‌ها برای شما روزی بیرون آورد و کشتی را برای شما رام گردانید تا به فرمان او در دریا روان شود و رودها را برای شما مسخر کرد. و خورشید و ماه را که پیوسته روانند برای شما رام گردانید و شب و روز را مسخر شما ساخت. و از هر چه از او خواستید به شما عطا کرد و اگر نعمت خدا را شماره کنید نمی‌توانید آن را به شمار درآورد. *قطعا انسان ستم پیشه ناسپاس است.*

دخترکم به یاد ببار هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگارا این شهر را ایمن گردان و مرا و فرزندانم را از پرستیدن بتان دور دار. پروردگارا آنها بسیاری از مردم را گمراه کردند پس هر که از من پیروی کند بی گمان او از من است و هر که مرا نافرمانی کند به یقین تو آمرزنده و مهربانی. پروردگارا من فرزندانم را در دره‌ای بی‌کشت نزد خانه محترم تو سکونت دادم. پروردگارا تا بندگی را به پا دارند پس دل‌های برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده و آنان را از محصولات روزی ده باشد که سپاسگزاری کنند. پروردگارا بی‌گمان تو آنچه را که پنهان می‌داریم و آنچه را که آشکار می‌سازیم می‌دانی و چیزی در زمین و در آسمان بر خدا پوشیده نمی‌ماند. سپاس خدای را که با وجود سالخوردگی اسماعیل و اسحاق را به من بخشید به راستی پروردگار من شنونده دعاست. پروردگارا مرا برپادارنده بندگی قرار ده و از فرزندان من نیز پروردگارا و دعای مرا بپذیر. پروردگارا روزی که حساب برپا می‌شود بر من و پدر و مادرم و بر مؤمنان ببخشای.

دخترکم خدا را از آنچه ستمکاران می‌کنند غافل مپندار جز این نیست که آنان را برای روزی به تاخیر می‌اندازد که چشمها در آن خیره می‌شود. شتابان سر برداشته و چشم بر هم نمی‌زنند و دل‌هایشان تهی است. این ابلاغی برای توسل تا بدان بیم یابی و بدانی که او معبودی یگانه است و تا پند گیری. (۱۴)

دخترکم بدان که پیشاپیش تو راهی است دراز، و رنجی جانگداز، و تو بی‌نیاز نیستی در این تکاپو از جستجو کردن به طریزی نیکو. توشه خود را به اندازه گیر چنانکه تو را رساند و پشتت سبک ماند، و بیش از آنچه توان داری بر پشت خود منه که سنگینی آن بر تو گران آید، و اگر مستمندی یافتی که توشه ات را تا به قیامت برد، و فردا که بدان نیازمندی تو را به کمال پس دهد، او را غنیمت شمار و بار خود را بر پشت او گذار و توشه او را سنگین کن چنانکه توانی چه بود که او را بجویی و نشانی از وی ندانی، و غنیمت دان آن را که در حال

بی نیازیت از تو وام خواهد تا در روز تنگدستی ات بپردازد، و بدان که پیشاپیش تو گردنه ای دشوار است، سبکبار در بر شدن بدان آسوده تر از سنگین بار است، و کندرونده در پیمودن آن زشت حالتی از شتابنده، و فرود آمدن تو در آن مسیر بر بهشت یا دوزخ بود ناگزیر. پس پیش از فرود آمدنت برای خویش پیشروی روانه ساز و پیش از رسیدنت خانه را بپرداز که پس از مرگ جای عذر خواستن نیست، و نه راه به دنیا بازگشتن.

دخترکم! از پروردگارت که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد پروا بدار و زنهار از خویشاوندان مبر که خدا همواره بر شما نگهبان است. و اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام شما قرار داده به سفیهان بدهید و از آن به ایشان بخورانید و آنان را پوشاک دهید و با آنان سخنی پسندیده بگویید.

توبه نزد خداوند تنها برای کسانی است که از روی نادانی مرتکب گناه می شوند سپس به زودی توبه می کنند اینانند که خدا توبه شان را می پذیرد و خداوند دانای حکیم است. و توبه کسانی که گناه می کنند تا وقتی که مرگ یکی از ایشان دررسد می گوید اکنون توبه کردم پذیرفته نیست و کسانی که در حال کفر می میرند پذیرفته نخواهد بود آنانند که برایشان عذابی دردناک آماده کرده ایم.

خدا می خواهد برای شما توضیح دهد و راه کسانی را که پیش از شما بوده اند به شما بنمایاند و بر شما ببخشد و خدا دانای حکیم است. خدا می خواهد تا بر شما ببخشد و **کسانی که از خواسته ها پیروی می کنند** می خواهند شما دستخوش انحرافی بزرگ شوید. خدا می خواهد تا بارتان را سبک گرداند و انسان ناتوان آفریده شده است.

ای کسانی که ایمان آورده اید اموال همدیگر را به ناروا مخورید مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر از شما باشد و خودتان را مکشید زیرا خدا همواره با شما مهربان است. و هر کس از روی تجاوز و ستم چنین کند به زودی وی را در آتشی درآوریم و این کار بر خدا آسان است.

اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی شده اید دوری گزینید بدیهای شما را از شما می زداییم و شما را در جایگاهی ارجمند درمی آوریم. و زنهار آنچه را خداوند به آن بعضی از شما را بر بعضی برتری داده آرزو مکنید برای مردان از آنچه کسب کرده اند بهره ای است و برای زنان از آنچه کسب کرده اند بهره ای است و از فضل خدا درخواست کنید که خدا به هر چیزی داناست. و از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان و کسانی که شما پیمان بسته اید بر جای

گذاشته‌اند برای هر یک وارثانی قرار داده‌ایم پس نصیبشان را به ایشان بدهید زیرا خدا همواره بر هر چیزی گواه است.

خدا را بپرستید و چیزی را با او شریک مگردانید و به پدر و مادر احسان کنید و در باره خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و همنشین و در راه‌مانده و بردگان خود، که خدا کسی را که متکبر و فخر فروش است دوست نمی‌دارد. همان کسانی که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل وامی‌دارند و آنچه را خداوند از فضل خویش بدانها ارزانی داشته پوشیده می‌دارند و برای کافران غذایی خوارکننده آماده کرده‌ایم. و کسانی که اموالشان را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کنند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند و هر کس شیطان یار او باشد چه بد همدمی است. و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان می‌آوردند و از آنچه خدا به آنان روزی داده انفاق می‌کردند چه زبانی برایشان داشت و خدا به آنان داناست.

دخترکم در حقیقت خدا هم وزن ذره‌ای ستم نمی‌کند و اگر نیکی باشد دو چندانش می‌کند و از نزد خویش پاداشی بزرگ می‌بخشد.

دخترکم بدان! کسی که گنجینه‌های آسمان و زمین در دست اوست تو را در دعا رخصت داده و پذیرفتن دعايت را بر عهده نهاده، و تو را فرموده از او خواهی تا به تو دهد، و از او طلبی تا تو را بیمارزد. و میان تو و خود کسی را نگمارده تا تو را از وی بازدارد، و از کسی ناگزیرت نکرده که نزد او برایت میانجی گری آرد، و اگر گناه کردی از توبه ات منع ننموده و در کيفرت شتاب نفرموده، و چون بدو بازگردی سرزنشت نکند، و آنجا که رسوا شدنت سزااست پرده ات را ندرد، و در پذیرفتن توبه بر تو سخت نگرفته و حساب گناهت را نکشیده، و از بخشایش نومیدت نگردانیده، بلکه بازگشتت را از گناه نیک شمرده و هر گناهت را یکی گرفته و هر کار نیکویت را ده به حساب آورده، و در بازگشت را برایت باز گذارده و چون بخوانیش آوایت را شنود، چون راز خود را با او در میان نهی آن را داند. پس حاجت خود بدو نمایی و آنچه در دل داری پیش او بگشایی، و از اندوه خویش بدو شکایت کنی و خواهی تا غم تو را گشاید و در کارها یاری ات نماید، و از گنجینه‌های رحمت او آن را خواهی که بخشیدنش از جز او نیاید: از افزون کردن مدت زندگانی و تندرستیها و در روزیها فراوانی. پس کلید گنجهای خود را در دو دست نهاده که به تو رخصت سوال از خود را داده تا هر گاه خواستی درهای نعمت او را با دعا بگشایی، و باریدن باران رحمتش را طلب نمایی. پس دیر پذیرفتن او تو را نومید نکند که بخشش بسته به مقدار نیت بود، و بسا که در پذیرفتن

دعايت درنگ افتد، و اين براى آن است كه پاداش خواهنده بزرگتر شود و جزاى آرزومند كاملتر، و بود كه چيزى را خواسته اى و تو را نداده اند، و بهتر از آن در اين جهان يا آن جهان داده اند يا بهتر بوده كه از تو بازداشته اند، و چه بسا چيزى را طلبيدى كه اگر به تو مى دادند، تباهى دينت را در آن مى ديدى. پس پرسشت درباره چيزى باشد كه نيكي آن برايت پايدار ماند، و سختى و رنج آن به كنار كه نه مال براى تو پايدار است و نه تو براى مال برقرار.

دختركم آيا به كسانى كه بهره اى از كتاب يافته اند ننگريستى گمراهى را مى خردند و مى خواهند شما گمراه شويد. و خدا به دشمنان شما داناتر است كافى است كه خدا سرپرست باشد و كافى است كه خدا ياور باشد. اى كسانى كه به شما كتاب داده شده است به آنچه فرو فرستاديم و تصديق كننده همان چيزى است كه با شماست ايمان بياوريد پيش از آنكه چهره هاى را محو كنيم و در نتيجه آنها را به قهقرا بازگردانيم يا همچنانكه اصحاب سبت را لعنت كرديم آنان را لعنت كنيم و فرمان خدا همواره تحقق يافته است. و دختركم به هوش باش كه هر كه را خدا لعنت كند هرگز براى او ياورى نخواهى يافت.

مسلمان خدا اين را كه به او شرك ورزيده شود نمى بخشايد و غير از آن را براى هر كه بخواهد مى بخشايد و هر كس به خدا شرك ورزد به يقين گناهى بزرگ برپافته است. آيا به كسانى كه خويشتن را پاك مى شمارند ننگريسته اى بلكه خداست كه هر كه را بخواهد پاك مى گرداند و به قدر نخ روى هسته خرمائى ستم نمى بينند. ببين چگونه بر خدا دروغ مى بندند و بس است كه اين يك گناه آشكار باشد. پس از ايشان روى برتاب و بر خدا توكل كن و خدا بس كارساز است.

دختركم هر چه از خوبيها به تو مى رسد از جانب خداست و آنچه از بدى به تو مى رسد از خود توست. آيا در قرآن نمى انديشى اگر از جانب غير خدا بود قطعا در آن اختلاف بسيارى مى يافتى.

خداوند كسى است كه هيچ معبودى جز او نيست به يقين در روز رستاخيز كه هيچ شكى در آن نيست شما را گرد خواهد آورد و راستگوتر از خدا در سخن كيست.

كسانى كه بر خويشتن ستمكار بوده اند فرشتگان جانشان را مى گيرند مى گویند در چه بوديد پاسخ مى دهند ما در زمين از مستضعفان بوديم مى گویند مگر زمين خدا وسيع نبود تا در آن مهاجرت كنيد پس آنان جاگاهشان دوزخ است و بد سرانجامى است. مگر آن مردان و زنان

و کودکان فرودستی که چاره‌جویی نتوانند و راهی نیابند. و هر که در راه خدا هجرت کند در زمین اقامتگاه‌های فراوان و گشایشها خواهد یافت.

دخترکم اگر در ایمانت به خدا دردی کشیدی بدانکه ناباوران هم همان گونه که تو درد می‌کشی درد می‌کشند و حال آنکه تو چیزهایی از خدا امید داری که آنها امید ندارند و خدا همواره دانای سنجیده‌کار است.

ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم تا میان مردم به آنچه خدا به تو آموخته داوری کنی و زنهار جانبدار خیانتکاران مباش. و از خدا آمرزش بخواه که خدا آمرزنده مهربان است. و از کسانی که به خویشتن خیانت می‌کنند دفاع مکن که خداوند هر کس را که خیانتگر و گناه‌پیشه باشد دوست ندارد. و هر کس کار بدی کند یا بر خویشتن ستم ورزد سپس از خدا آمرزش بخواهد خدا را آمرزنده مهربان خواهد یافت. و هر کس گناهی مرتکب شود فقط آن را به زیان خود مرتکب شده و خدا همواره دانای سنجیده‌کار است. و هر کس خطا یا گناهی مرتکب شود سپس آن را به بی‌گناهی نسبت دهد قطعاً بهتان و گناه آشکاری بر دوش کشیده است.

دخترکم اگر فضل خدا و رحمت او بر تو نبود در دامن چنین پدر و مادری پرورش نمی‌یافتی و طعم شیرین ایمان را نمی‌چشیدی که بتوانی در مقابل القانات دسته‌ای از مردم که آهنگ آن داشتند که تو را از راه به در کنند و جز خودشان را گمراه نمی‌سازند و هیچ گونه زبانی به تو نمی‌رسانند مقابله کنی و مسیر مستقیم منحرف نشوی. و خدا کتاب و حکمت بر تو نازل کرد و آنچه را نمی‌دانستی به تو آموخت و تفضل خدا بر تو همواره بزرگ بود. دخترکم به یقین بدانکه خداوند تو را دوست دارد و در لحظه لحظه زندگیت یاور و پشتیبان توست چه اینکه من در کنارت باشم و یا اینکه در سرای باقی درآیم. و بدانکه پس از آنکه راه هدایت برای شد آشکار شد اگر به مخالفت برخیزی و غیر راه مؤمنان را در پیش گیرد خداوند تو را بدانچه روی خود را بدان سو کرده‌ای واگذارد. پس با مطالعه این کتاب همیشه دلت را زنده نگه دار.

دخترکم خداوند این را که به او شرک آورده شود نمی‌آمرزد و فروتر از آن را بر هر که بخواهد می‌بخشاید و هر کس به خدا شرک ورزد قطعاً دچار گمراهی دور و درازی شده است. به جای او جز شیطان سرکش را نمی‌خوانند. خدا لعنتش کند گفت: بی‌گمان از میان بندگان نصیبی معین برخواهم گرفت. و آنان را سخت گمراه و دچار آرزوهای دور و دراز خواهم کرد و وادارشان می‌کنم تا گوشه‌های دامها را شکاف دهند و وادارشان می‌کنم تا آفریده

خدا را دگرگون سازند و هر کس به جای خدا شیطان را دوست گیرد قطعاً دستخوش زیان آشکاری شده است. شیطان به آنان وعده می‌دهد و ایشان را در آرزوها می‌افکند و جز فریب به آنان وعده نمی‌دهد. و چه کسی در سخن از خدا راستگوتر است. و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست و خدا همواره بر هر چیزی احاطه دارد. و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست و ما به کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده و به شما سفارش کردیم که از خدا پروا کنید و اگر کفر ورزید آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست و خدا بی نیاز ستوده است. و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست و خدا بسی کارساز است.

دخترکم اگر خدا بخواهد تو و اطرافیانت را می‌برد و دیگران را می‌آورد و خدا بر این تواناست. دخترکم پیوسته به عدالت قیام کن و برای خدا گواهی ده هر چند به زیان خود یا من و مادر و خویشاوندان باشد. پس از پی هوس نرو که عدول کنی و اگر به انحراف گراییدی یا اعراض نمودی قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهی آگاه است.

دخترکم هر گاه شنیدی که آیات خدا مورد انکار و ریشخند قرار می‌گیرد با آنان منشین تا به سخنی غیر از آن درآیند چرا که در این صورت تو هم مثل آنان خواهی بود. نسبت به عقیده ات تعصب نداشته باش تا ضمن حفظ بقاء هدایتگر ناآگاهان باشی و بدانکه این خواست خداست که عده ای ایمان بیاورند و عده ای هم ناباور باشند. دورویان با خدا نیرنگ می‌کنند و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد و چون به بندگی ایستند با کسالت برخیزند با مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند. میان آن ، دو دلند نه با اینانند و نه با آنان و هر که را خدا گمراه کند هرگز راهی برای او نخواهی یافت.

دخترکم خداوند بانگ برداشتن به بدزبانی را دوست ندارد مگر کسی که بر او ستم رفته باشد و خدا شنوای داناست. اگر خیری را آشکار کنید یا پنهانش دارید یا از بدی درگذرید پس خدا درگذرنده تواناست.

دخترکم در حقیقت برای تواز جانب پروردگارت برهانی آمده است و خدا به سوی تو نوری تابناک فرو فرستاده. و اما کسانی که به خدا گرویدند و به او تمسک جستند به زودی آنان را در جوار رحمت و فضلی از جانب خویش درآورد و ایشان را به سوی خود به راهی راست هدایت کند. (۴)

دخترکم بدان که تو برای آن جهان آفریده شده ای نه برای این جهان، و برای نیستی نه برای زندگی جاودان، و برای مردن نه زنده بودن، و بدان! تو در منزلی هستی که از آن رخت

خواهی بست، و خانه ای که بیش از روزی چند در آن نتوانی نشست و در راهی هستی که پایانش آخرت است، و شکار مرگی که گریزنده از آن نرهد، و آن را که جوید بدو رسد و از دست ندهد، و ناچار پنجه بر تو خواهد افکند، پس بترس از آن که تو را بیابد و در حالتی باشی ناخوشایند: با خود از توبه سخن به میان آورده باشی، و او تو را از آن باز دارد، و خویشتن را تبه کرده باشی.

دخترکم از پروردگار خود پروا کن چرا که زلزله رستاخیز امری هولناک است. روزی که آن را ببینید هر شیردهنده‌ای آن را که شیر می‌دهد فرو می‌گذارد و هر آبستنی بار خود را فرو می‌نهد و مردم را مست می‌بینی و حال آنکه مست نیستند ولی عذاب خدا شدید است. و برخی از مردم درباره خدا بدون هیچ علمی مجادله می‌کنند و از هر شیطان سرکشی پیروی می‌نمایند. *مقرر شده است که هر کس او را به دوستی گیرد قطعا او وی را گمراه می‌سازد و به عذاب آتشش می‌کشانند.* و آنکه رستاخیز آمدنی است شکی در آن نیست و در حقیقت خداست که کسانی را که در گورهایند برمی‌انگیزد. *و خداست که هر که را بخواهد راه می‌نماید.*

دخترکم آیا ندانستی که خداست که هر کس در آسمانها و هر کس در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوهها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای او سجده می‌کنند و بسیاری‌اند که عذاب بر آنان واجب شده است و هر که *را خدا خوار کند او را گرامی‌دارنده‌ای نیست.* چرا که خدا هر چه بخواهد انجام می‌دهد. و هر کس به خدا شرک ورزد *چنان است که گویی از آسمان فرو افتاده و مرغان او را ربوده‌اند یا باد او را به جایی دور افکنده است.* آیا در زمین گردش نکرده‌اند تا دل‌هایی داشته باشند که با آن بیندیشند یا گوشه‌هایی که با آن بشنوند. *در حقیقت چشمها کور نیست لیکن دل‌هایی که در سینه‌هاست کور است.*

دخترکم هر گاه پیامبری چیزی تلاوت می‌نمود شیطان در تلاوتش القای می‌کرد پس خدا آنچه را شیطان القا می‌کرد محو می‌گردانید سپس خدا آیات خود را استوار می‌ساخت تا آنچه را که شیطان القا می‌کند برای کسانی که در دل‌هایشان بیماری است و برای سنگدلان آزمایشی گرداند و ستمگران در ستیزه‌ای بس دور و درازند. و تا آنان که دانش یافته‌اند بدانند که این حق است، از جانب پروردگار توسل و بدان ایمان آورند و دل‌هایشان برای او خاضع گردد و به راستی خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند به سوی راهی راست راهبر است. و کسانی که کفر ورزیده‌اند همواره از آن در تردیدند تا بناگاه قیامت برای آنان فرا رسد یا

عذاب روزی بدفرجام به سراغشان بیاید. در آن روز پادشاهی از آن خداست میان آنان داوری می‌کند.

دخترکم آیا ندیده‌ای که خدا از آسمان آبی فرو فرستاد و زمین سرسبز گردید؟ آری خداست که دقیق و آگاه است. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست و در حقیقت این خداست که خود بی‌نیاز ستوده است. آیا ندیده‌ای که خدا آنچه را در زمین است به نفع شما رام گردانید و کشتیها در دریا به فرمان او روانند و *آسمان را نگاه می‌دارد تا بر زمین فرو افتد* مگر به اذن خودش. در حقیقت خداوند نسبت به مردم سخت رؤف و مهربان است. و اوست که شما را زندگی بخشید سپس شما را می‌میراند و باز زندگی می‌دهد حقا که انسان سخت ناسپاس است. آیا ندانسته‌ای که خداوند آنچه را در آسمان و زمین است می‌داند؟ اینها در کتابی است. *قطعا این بر خدا آسان است. قدر خدا را چنانکه در خور اوست نشناختند. در حقیقت خداست که نیرومند شکست‌ناپذیر است.* خدا از میان فرشتگان رسولانی برمی‌گزیند و نیز از میان مردم، بی‌گمان خدا شنوای بیناست. آنچه در دسترس آنان و آنچه پشت سرشان است می‌داند و کارها به خدا بازگردانیده می‌شود. او مولای شماست چه نیکو مولایی و چه نیکو یآوری (۲۲)

دخترکم! فراوان به یاد مردن باش و یاد آنچه با آن برمی‌آیی و آنچه پس از مردن روی بدان نمایی، تا چون بر تو در آید ساز خویش را آراسته باشی و کمر خود را بسته، و ناگهان نیاید تو را مغلوب نماید، و مبادا فریفته شوی که بینی دنیاداران به دنیا دل می‌نهند، و بر سر دنیا بر یکدیگر می‌جهند. چه خدا تو را از دنیا خبر داده و دنیا وصف خویش را با تو در میان نهاده و پرده از زشتیهایش برایت گشاده. همانا دنیاپرستان سگانند عوعوکنان و درندگانند در پی صید دوان. برخی را برخی بد آید، و نیرومندشان ناتوان را طعمه خویش نماید، و بزرگشان بر خرد دست چیرگی گشاید. دسته‌ای اشتران پایبند نهاده، و دسته‌ای دیگر رها و خرد خود را از دست داده. در کار خویش سرگردان، در چراگاه زیان، در بیابانی دشوار گذر روان، نه شبانی که به کارشان رسد، نه چراننده‌ای که به چراشان برد، دنیا به راه کوری شان راند و دیده هاشان را از چراغ هدایت بیوشاند. در بیراهگی اش سرگردان، و فرو شده در نعمت آن. دنیا را پروردگار خود گرفته‌اند و دنیا با آنان به بازی پرداخته و آنان سرگرم بازی دنیا و آنچه را پس آن است فراموش ساخته. باش تا پرده تاریکی بگشاید که گویی راه سفر بریده است و کاروان به منزل رسیده، و آن که بشتابد بود که کاروان را دریابد، و بدان! کسی

که بارگی اش روز و شب است او را براند هر چند وی ایستاده ماند، و راه را بهمیاید، هر چند که برجای بود و راحت نماید.

دخترکم کسانی هستند که گمراهی را به هدایت خریدند در نتیجه داد و ستدشان سود نیاورد و هدایت یافته نیستند. مثل آنان همچون مثل کسانی است که آتشی افروختند و چون پیرامون آنان را روشنایی داد خدا نورشان را برد و در میان تاریکیهایی که نمی بینند رهایشان کرد. کرد لالند کورند بنابراین به راه نمی آیند. آنها کسانی هستند که می گویند ما به خدا و روز بازپسین ایمان آورده ایم ولی گروندگان نیستند. با خدا و مؤمنان نیرنگ می بازند ولی جز بر خویشتن نیرنگ نمی زنند و نمی فهمند. در دلهایشان مرضی است و خدا بر مرضشان افزود. و چون به آنان گفته شود در زمین فساد مکنید می گویند ما خود اصلاحگریم. و چون به آنان گفته شود همان گونه که مردم ایمان آوردند شما هم ایمان بیاورید می گویند آیا همان گونه که کم خردان ایمان آورده اند ایمان بیاوریم هشدار که آنان همان کم خردانند ولی نمی دانند. و چون با کسانی که ایمان آورده اند برخورد کنند می گویند ایمان آوردیم و چون با شیطانهای خود خلوت کنند می گویند در حقیقت ما با شما مییم ما فقط ریشخند می کنیم.

دخترکم پروردگارت را که تو و کسانی را که پیش از تو بوده اند آفریده است پرستش کن باشد که به تقوا گرای. همان که زمین را برای مردم فرشی و آسمان را بنایی قرار داد و از آسمان آبی فرود آورد و بدان از میوه ها رزقی برای مردم بیرون آورد پس برای خدا همتیانی قرار نده در حالی که خود می دانی. مژده بر تو که ایمان آورده ای و کارهای شایسته انجام می دهی تو را باغهایی خواهد بود که از زیر آنها جویها روان است هر گاه میوه ای از آن روزی تو شود می گویی این همان است که پیش از این روزی ما بوده و مانند آن به تو داده شود و در آنجا همسری پاکیزه خواهی داشت و در آنجا جاودانه بمانی.

دخترکم بخواه تا زبان خدا را دریایی نه اصرار داشته باشی که خدا مطابق ذهنیات تو سخن بگوید زیرا که خداوند می تواند هر طوری که دوست دارد سخن بگوید و مثل بزند و اصلا هم نگران هیچ چیز نیست. کسانی که با خدایشان کانال زده اند می دانند که او درست می گوید ولی سایرین می گویند: خدا از این مثل چه قصد داشته است. جالب اینکه همین مثل خدا باعث گمراهی کانال زده ها و باعث هدایت متصلان به خدا میشود و باز هم تاکید می شود که جز کسانی که حرف خدا را گوش نمی دهند را با آن مثل گمراه نمی کند. همانانی که

پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند و آنچه را خداوند به پیوستنش امر فرموده می‌گسلند و در زمین به فساد می‌پردازند آنانند که زیانکارانند.

دخترکم چگونه میشود خدا را منکر بود با آنکه مردگانی بودیم و ما را زنده کرد باز ما را میمیراند، باز زنده می‌کند، آنگاه به سوی او بازگردانده می‌شویم. اوست آن کسی که آنچه در زمین است همه را برای ما آفرید سپس به آسمان پرداخت و هفت آسمان را استوار کرد و او به هر چیزی داناست.

دخترکم در کیفیت سکوت ذهن می‌بینی و می‌شنوی دیالوگ پروردگارت را که می‌گوید: من در زمین جانشینی خواهم گماشت. فرشتگان خیلی راحت و مختارانه گفتند: آیا در آن کسی را می‌گماری که در آن فساد انگیزد و خونها بریزد و حال آنکه ما با ستایش تو تنزیه می‌کنیم و به تقدیست می‌پردازیم. خداوند با آن جلال و جبروتش، به آرامی فرمود: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید. و مشاهده کردیم که خدای مهربان، همه نامها را به آدم آموخت سپس آنها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود: اگر راست می‌گویید که شما بیشتر می‌دانید پس بگویید این چیزهایی که به آدم یاد دادم چیست؟

فرشتگان مختار راستگو گفتند: منزهی تو، ما را جز آنچه به ما آموخته‌ای هیچ دانشی نیست تویی دانای حکیم. (با این پاسخ مجددا مهر تایید زدند بر نادانیشان که فراموش کرده بودند).

مشاهده کردیم که خدا فرمود: ای آدم ایشان را از اسامی آنان خبر ده و چون ایشان را از اسماءشان خبر داد، فرمود آیا به شما نگفتم که من نهفته آسمانها و زمین را می‌دانم و آنچه را آشکار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌داشتید می‌دانم.

و مشاهده کردیم که چون خداوند فرشتگان را فرمود برای آدم سجده کنید پس بجز ابلیس که سر باز زد و کبر ورزید و از کافران شد، بقیه فرشته‌ها اطاعت کرده و به سجده درافتادند.

و باز هم به عینه دیدیم که خدا گفت: ای آدم خود و همسرت در این باغ سکونت گیر و از هر کجای آن خواهید فراوان بخورید و به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود. پس شیطان هر دو را از آن بلغزانید و از آنچه در آن کیفیت و حالت بودند ایشان را به درآورد. و مشاهده کردیم که خدا فرمود: فرود آیید، شما دشمن همدیگرید و برای شما در زمین قرارگاه و تا چندی بر خورداری خواهد بود. آنجا بود که رویه زندگی از کیفیت بهشتی به کیفیت خاکی مبدل گشت و آنها خود را در زمین یافتند.

یادمان می آید که بعد از آن اتفاقات ، آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود و خدا نیز بر او ببخشود. راستی خدای ما ، توبه پذیر مهربان است. بیاد بیاوریم که هدایت ها از سوی خداست پس اگر از جانب او ما را هدایتی رسد هر کس در خود حضور داشته باشد و آن را بفهمد و پیروی کند نه بیمناک می شود نه غمگین خواهند شد.

دخترکم بدانکه اگر این سنت خدا را که هدایت ها از اوست را فراموش کنیم و بی اعتنا باشیم و نشانه های او را دروغ ببنداریم اهل آتش و غم و غصه خواهیم بود و در آن کیفیت ماندگار خواهیم بود.

دخترکم! بدانکه خداوند نیز به خشم می آید و مبادا از روی نادانی و بی توجهی به نشانه های خدا ، مانند کسانی شوی که به موسی گفتند: ای موسی هرگز بر یک خوراک تاب نیاوریم از خدای خود برای ما بخواه تا از آنچه زمین می رویاند از سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز برای ما برویاند. گفت آیا به جای چیز بهتر خواهان چیز پست ترید پس به شهر فرود آید که آنچه را خواسته اید برای شماست و خواری و ناداری بر آنان زده شد و به خشم خدا گرفتار آمدند چرا که آنان به نشانه های خدا کفر ورزیده بودند و پیامبران را بناحق می کشتند این از آن روی بود که سرکشی نموده و از حد درگذرانیده بودند. دخترکم اگر دیدی که زندگیت بر مدار درستی پیش می رود شاکر باش و بدانکه خداوند بر تو خشم نگرفته است و به جد از خشم خدا بترس.

دخترکم به یقین بدان که تو هرگز به آرزویت دست نخواهی یافت، و از اجل روی نتوانی برتافت، و به راه کسی هستی که پیش از تو می شتافت. پس آنچه را می خواهی آسان گیر و در آنچه به دست می کنی طریق نیک را بپذیر. چه بسا جستجو که به از دست شدن مایه کشاند. و هر جوینده روزی نیابد و هر آهسته رو محروم نماند. نفس خود را از هر پستی گرامی دار، هر چند تو را بدانچه خواهانی رساند، چه آنچه را از خود بر سر این کار می نهی، هرگز به تو برنگرداند.

دخترکم ناباوران به خدا از آن دو فرشته هاروت و ماروت چیزهایی می آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند هر چند بدون فرمان خدا نمی توانستند به وسیله آن به احدی زیان برسانند و چیزی می آموختند که برایشان زیان داشت و سودی بدیشان نمی رسانید و قطعا دریافته بودند که هر کس خریدار این باشد در آخرت بهره ای ندارد و به چه بد بود آنچه به جان خریدند اگر می دانستند. اگر آنها گرویده و پرهیزگاری کرده بودند قطعا پاداشی از جانب خدا بهتر بود اگر می دانستند. پس در حفظ کانون خانواده ات کوشا

باش و هر کجا به بن بست رسیدی خالصانه بخدایت پناه ببر و از او یاری بخواه و یقین داشته باش که بهترین زندگی آن است که افسار زندگیت را بخاطر دانایی بر ندانستن هایت به خدا ماگذار کنی.

دخترکم اگر در رجوع به خدایت تنهایی را با پوست و استخوانت درک کردی به یاد بیاور که پیامبر هم تنها بود و خوب می دانست که هیچ کس دوست ندارد خیری از جانب خدا برای او باشد هم آن کسانی که کتاب میخوانند و اهل دین هستند و هم کسانی که خدا را قبول ندارند با آنکه خدا هر که را خواهد به رحمت خود اختصاص دهد و خدا دارای فزون بخشی عظیم است.

دخترکم بنده دیگری مباش حالی که خدایت آزاد آفریده، و در آن نیکی که جز با بدی به دست نیاید و آن توانگری که جز با سختی و خواری بدان نرسند، کسی چه خوبی دیده؟ و بپرهیز از اینکه بارگیهای طمع تو را برانند، و به آبشخورهای هلاکت رسانند، و اگر توانی میان خود و خدا، خداوند نعمتی را حجاب نگردانی، چنان کن که دانی، چه تو بهره‌ای خود را بیایی و حصه خویش را بگیری و محروم نمایی، و اندکی از جانب خدای سبحان بزرگتر و گرامیتر است از بسیار آفریدگان، هر چند همه از اوست اندک یا فراوان.

مشاهده میکنیم که ماموران (فرشتگان) خدا هر حکمی را نسخ کنند یا آن را به فراموشی بسپارند بهتر از آن یا ماندنش را می‌آورند و چرا متوجه نمیشویم که خدا بر هر کاری تواناست. چرا درک نمی کنیم که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست و ما جز خدا سرور و یآوری نداریم.

آیا می‌خواهیم از پیامبر خود همان را بخواهیم که قبلا از موسی خواسته شد در حالیکه هر کس کفر را با ایمان عوض کند مسلما از راه درست گمراه شده است. دخترکم باور به این سخنان خود نعمت بزرگی است که باید مراقب باشیم تا باورمان به ناباوری تبدیل نگردد که حسودان به جد در کمین هستند.

دخترکم قضاوت تنها با خداست و اینگونه نیست که هر کسی مسلمان یا یهودی یا ترسا باشد به بهشت درمیاید ، این آروزی آنهاست و اگر از مردم دلیلی خواسته شود ، متوجه میشوند که سخنی غیر قابل استناد را مطرح میکنند. آری هر کس که خود را با تمام وجود به خدا تسلیم کند و نیکوکار باشد پس مزد وی پیش پروردگار اوست و بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد.

دخترکم اگر در جستجوی حق دیدی که هر کسی خود را حق می داند بطوریکه یهودیان می گویند ترسایان بر حق نیستند و ترسایان می گویند یهودیان بر حق نیستند با آنکه همه آنان کتاب را می خوانند. پس یادآور باش که مشرق و مغرب از آن خداست پس به هر سو رو کنی آنجا روی خداست، آری خدا گشایشگر داناست. آنها سخنی از روی خیال و آرزو میگویند و پیرو اندوخته های ذهنشان هستند پس خداوند روز رستاخیز در آنچه با هم اختلاف می کردند میان آنان داوری خواهد کرد. هر چه در آسمانها و زمین است از آن اوست همه فرمانپذیر اویند. پدید آورنده آسمانها و زمین، و چون به کاری اراده فرماید فقط می گوید باش پس می شود. نشانه ها را برای گروهی که یقین دارند نیک روشن است.

دخترکم در حقیقت تنها هدایت خداست که هدایت است و چنانچه پس از این علمی که تو را حاصل شد باز از هوسهای آنان پیروی کنی در آن صورت در برابر خدا سرور و یآوری نخواهی داشت و حمایت و هدایت خدا را نیز از دست می دهی. کسانی که کتاب به آنان داده شده - آن را چنانکه باید می خوانند - ایشانند که بدان ایمان دارند و کسانی که بدان ناباورند همانانند که زیانکارانند. باید از روزی که هیچ کس چیزی را از کسی دفع نمی کند و نه بدل و بلاگردانی از وی پذیرفته می شود و نه او را میانجیگری سودمند می افتد و نه یاری می شوند به شدت ترسید، چنان ترسی که بهره وری را در پی داشته باشد نه اینکه ما را در خیالاتمان فرو برد. از این رو چنین ترسی باید از درون تراوش کند نه اینکه به خودمان بقبولانیم که باید در ترس باشیم. ترس واقعی محرکی است برای عدم خسران، در حالیکه ترس خود ساخته عین فرو رفتن در تخیل و عین ضرر است. دخترکم ترس واقعی در حاکمیت عقل و ایمان متبلور میشود تو باید توجه ات را بر این موضوع معطوف کنی که چرا نمی ترسی؟ اینجاست که در میایی هنوز به کنه مطلب پی نبرده ای و باید با چنگ زدن به ربسمان الهی منتظر باشی نه اینکه با یک محرک به ظاهر موجه دیگری ذهنت را ناآرام کرده باشی.

دخترکم همانطور که ابراهیم را، پروردگارش با کلماتی بیازمود و وی آن همه را به انجام رسانید و هنگامی که پروردگارش به او فرمود: تسلیم شو، گفت: به پروردگار جهانیان تسلیم شدم تو نیز بدانکه باید بی چون و چرا تسلیم پروردگارت باشی و در همه حال ، چه در توانایی و چه در ناتوانایی به یاد داشته باشی که خدا بزرگ است و تو کوچک. تمام اینها را ذهن نیز می تواند برای تو شبیه سازی کند پس در همه حال باید از خدایت یاری بخواهی و بر نادانی و ناتوانیت اقرار داشته باشی. دخترکم بدانکه بالاترین آگاهی که تو را در گستره

عمر چند روزه ات بر مدار موفقیت مستدام میدارد این است که همیشه به یاد داشته باشی که تو نمیدانی ولی خدا می داند. پس با صلاح عقل و ایمان کارهایت را به خدا بسپار و دنبال راه افکار نباش.

دخترکم دقت کن چگونه خدایت کلید سعادت‌مندی را به تو می نماید؛ مردم از روی ذهنیات خودشان می گویند: مسلمان، یهودی یا مسیحی باشید تا هدایت یابید. بلکه باید آیین ابراهیم حق‌گرا را پیروی کنند زیرا که وی از مشرکان نبود. یعنی اینکه اصل دین تسلیم در برابر خداست. و باید توجه داشته باشی که رسیدن به این آگاهی خود شروع قدرتمندانه حاکمیت ذهن و الفئات شیطان است، پس به اینجا که رسیدی بیشتر به زندگی واقعی توجه داشته باش تا به تسلیم شدن، و بزرگترین تسلیم - بودن بر مدار زندگی جاری و واقعی است. این است نگارگری الهی و کیست خوش نگارتر از خدا و ما او را پرستندگانیم. همان خیال پردازان می‌گویند ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط، یهودی یا نصرانی بوده‌اند. آیا آنها بهتر می‌دانند یا خدا؟ وه که چقدر دور شده ایم از اصل سخن خدایمان. خدایا اقرار می کنیم که تو میدانی و ما نم یدانیم پس بر قلوب ما الهام کن که بر سخن تو ایمان بیاوریم، چنان ایمانی که ما را بی نیاز سازد از تکیه کرن بر اندوخته های ذهنمان.

(عقل دریافته است که محرک واقعی به نام ایمان و یا باور وجود دارد که زندگی سعادت‌مند را در کلیت خودش پی ریزی می کند از این رو دست به دعا می شود و از اعطا کننده ایمان درخواست می کند و منتظر می ماند. نهایت توانایی عقل صبر بر درخواست است.)

دخترکم جبران آنچه به نگفتن به دست نیاورده ای آسانتر بود تا تدارک آنچه به گفتن از دست داده ای، که نگاهداری آنچه درآوند است به استوار بستن آن به بنداست، و نگاه داشتن آنچه به دست‌های داری دوست تر دارم تا به گرفتن آنچه در دست دیگری است دست پیش آری، و تلخی نومی‌دی بهتر تا از این و آن طلبیدن، و ورزیدن با پارسایی بهتر تا بی نیازی و به گناه آلوده گردیدن، و زن بهتر از هر کس نگهبان راز خویش است و بسا کوشنده که برای زبانی کوشد که او را در پیش است. آن که پر گوید یاهو سراسر است، و آن که بیندیشد بیناست. با نیکان بنشین تا از آنان به حساب آیی و از بدان بیرهیز تا در شمار ایشان درنیایی. بد خوراکی است که از حرام به دست شود، و ستم بر ناتوان زشت‌ترین ستم بود. جایی که مدارا درشتی به حساب آید به جای مدارا درشتی باید، بسا که دارو بیماری شود و درد درمان گردد، بسا اندرز دهد آن که از او اندرز نپایند، و خیانت کند آن که پی اندرز نزد او آیند.

حق از جانب پروردگار توست پس مبدا از تردیدکنندگان باشی. خدا را یاد کن ، تا تو را یاد کند و شکرانه‌اش را به جای آر و با او ناسپاسی نکن. از شکیبایی و بندگی یاری جوی زیرا خدا با شکیبایان است. و قطعاً خدا تو را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهشی در اموال و جانها و محصولات می‌آزماید و مژده برای شکیبایان است؛ کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد می‌گویند: ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم. بر ایشان درودها و رحمتی از پروردگارشان و راه‌یافتگان خود ایشانند.

راستی که در آفرینش آسمانها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز و کشتیهایی که در دریا روانند با آنچه به مردم سود می‌رساند و آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده و با آن زمین را پس از مردنش زنده گردانیده و در آن هر گونه جنبنده‌ای پراکنده کرده و گردانیدن بادهای و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است برای گروهی که می‌اندیشند واقعا نشانه‌هایی وجود دارد. و برخی از مردم در برابر خدا همانندهایی برمی‌گزینند و آنها را چون دوستی خدا دوست می‌دارند ولی کسانی که ایمان آورده‌اند به خدا محبت بیشتری دارند.

دخترکم! از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخور و از گامهای شیطان پیروی مکن که او دشمن آشکار شماست. شما را فقط به بدی و زشتی فرمان می‌دهد و تا بر خدا چیزی را که نمی‌دانی بربندی. و مثل ناباوران چون مثل کسی است که حیوانی را که جز صدا و ندایی نمی‌شنود بانگ می‌زند. کنند لالند کورند در نمی‌یابند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید از نعمتهای پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم بخورید و اگر تنها او را می‌پرستید خدا را شکر کنید. تنها مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که نام غیر خدا بر آن برده شده بر شما حرام گردانیده است. کسی که ناچار شود در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد بر او گناهی نیست زیرا خدا آمرزنده و مهربان است.

نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب بگردانید بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب و پیامبران ایمان آورد و مال را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان و گدایان و در بندگان بدهد و بندگی را برپای دارد و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بندگان به عهد خود وفاداراند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبایانند آنانند کسانی که راست گفته‌اند و آنان همان پرهیزگارانند.

دخترکم! ماه رمضان است که در آن قرآن فرو فرستاده شده است که مردم را راهبر و دلایل آشکار هدایت و تشخیص حق از باطل است پس هر اگر این ماه را درک کردی باید آن را روزه بداری و اگر بیمار یا در سفری تعدادی از روزهای دیگر. خدا برای تو آسانی می‌خواهد و برای تو دشواری نمی‌خواهد تا شماره را تکمیل کنی و خدا را به پاس آنکه رهنمونیت کرده است به بزرگی بستایی و باشد که شکرگزاری کنی. و هرگاه دختری از تو در باره من (خدا) پرسید من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می‌کنم پس باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند باشد که راه یابند.

دخترکم گامهای شیطان را دنبال مکن که او برای تو دشمنی آشکار است. و اگر پس از آنکه برای تو دلایل آشکار آمد دستخوش لغزش شدی بدان که خداوند توانای حکیم است. و هر کس نعمت خدا را پس از آنکه برای او آمد بدل کند خدا سخت کیفر است. زندگی دنیا در چشم کافران آراسته شده است و مؤمنان را ریشخند می‌کنند و کسانی که تقواپیشه بوده‌اند در روز رستاخیز از آنان برترند و خدا به هر که بخواهد بی‌شمار روزی می‌دهد. و خدا هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند.

آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید و حال آنکه هنوز مانند آنچه بر پیشینیان شما آمد بر شما نیامده است آنان دچار سختی و زیان شدند و به تکان درآمدند تا جایی که پیامبر و کسانی که با وی ایمان آورده بودند گفتند: پیروزی خدا کی خواهد بود؟ هش دار که پیروزی خدا نزدیک است.

آیا از سران بنی اسرائیل پس از موسی خبر نیافتی آنگاه که به پیامبری از خود گفتند پادشاهی برای ما بگمار تا در راه خدا پیکار کنیم گفت اگر جنگیدن بر شما مقرر گردد چه بسا پیکار نکنید گفتند چرا در راه خدا نجنگیم با آنکه ما از دیارمان و از فرزندانمان بیرون رانده شده‌ایم پس هنگامی که جنگ بر آنان مقرر شد جز شماری اندک از آنان پشت کردند و خداوند به ستمکاران داناست. و پیامبرشان به آنان گفت در حقیقت خداوند طالوت را بر شما به پادشاهی گماشته است گفتند چگونه او را بر ما پادشاهی باشد با آنکه ما به پادشاهی از وی سزاوارتریم و به او از حیث مال گشایشی داده نشده است پیامبرشان گفت در حقیقت خدا او را بر شما برتری داده و او را در دانش و بدنی بر شما برتری بخشیده است و خداوند پادشاهی خود را به هر کس که بخواهد می‌دهد و خدا گشایشگر داناست. و پیامبرشان بدیشان گفت در حقیقت نشانه پادشاهی او این است که آن صندوق که در آن آرامش خاطری از جانب پروردگارتان و بازمانده‌ای از آنچه خاندان موسی و خاندان هارون بر جای

نهاده‌اند در حالی که فرشتگان آن را حمل می‌کنند به سوی شما خواهد آمد مسلماً اگر مؤمن باشید برای شما در این نشانه‌ای است. و چون طالوت با لشکریان بیرون شد گفت خداوند شما را به وسیله رودخانه‌ای خواهد آزمود پس هر کس از آن بنوشد از من نیست و هر کس از آن نخورد قطعاً او از من است مگر کسی که با دستش کفی بگیرد پس جز اندکی از آنها از آن نوشیدند و هنگامی که با کسانی که همراه وی ایمان آورده بودند از آن گذشتند گفتند امروز ما را یارای جالوت و سپاهیان‌ش نیست کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند گفتند بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار به اذن خدا پیروز شدند و خداوند با شکیبایان است. و هنگامی که با جالوت و سپاهیان‌ش روبرو شدند گفتند پروردگار! بر ما شکیبایی فرو ریز و گامهای ما را استوار دار و ما را بر گروه کافران پیروز فرمای. پس آنان را به اذن خدا شکست دادند و داوود جالوت را کشت و خداوند به او پادشاهی و حکمت ارزانی داشت و از آنچه می‌خواست به او آموخت و اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد قطعاً زمین تباه می‌گردید ولی خداوند نسبت به جهانیان تفضل دارد.

در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه بخوبی آشکار شده است پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به یقین به دستاویزی استوار که آن را گسستن نیست چنگ زده است و خداوند شنوای داناست. خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده‌اند آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی به در می‌برد و کسانی که کفر ورزیده‌اند سرورانشان طاغوتند که آنان را از روشنایی به سوی تاریکی‌ها به در می‌برند آنان اهل آتشند که خود در آن جاودانند.

آیا از آن کس که چون خدا به او پادشاهی داده بود، در باره پروردگار خود با ابراهیم محاجّه کرد، خبر نیافتی؟ آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگار من همان کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند. گفت: من زنده می‌کنم و می‌میرانم. ابراهیم گفت: خدا خورشید را از خاور برمی‌آورد، تو آن را از باختر برآور. پس آن کس که کفر ورزیده بود مبّهوت ماند. و خداوند قوم ستمکار را هدایت نمی‌کند. یا چون آن کس که به شهری که بامهائش یکسر فرو ریخته بود، عبور کرد؛ گفت: چگونه خداوند، این را پس از مرگشان زنده می‌کند؟ پس خداوند، او را صد سال میراند. آنگاه او را برانگیخت، گفت: چقدر درنگ کردی؟ گفت: یک روز یا پاره‌ای از روز را درنگ کردم. گفت: بلکه صد سال درنگ کردی، به خوراک و نوشیدنی خود بنگر تغییر نکرده است، و به درازگوش خود نگاه کن که چگونه متلاشی شده است. این ماجرا برای آن است که هم به تو پاسخ گوئیم و هم تو را نشانه‌ای برای مردم قرار دهیم. و به استخوانها بنگر، چگونه آنها را برداشته به هم پیوند می‌دهیم؛ سپس گوشت بر آن می‌پوشانیم. پس

هنگامی که برای او آشکار شد، گفت: می‌دانم که خداوند بر هر چیزی تواناست. و آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگارا، به من نشان ده؛ چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟ فرمود: مگر ایمان نیاورده‌ای؟ گفت: چرا، ولی تا دلم آرامش یابد. فرمود: پس، چهار پرنده بگیر، و آنها را پیش خود، ریز ریز گردان؛ سپس بر هر کوهی پاره‌ای از آنها را قرار ده؛ آنگاه آنها را فرا خوان، شتابان به سوی تو می‌آیند، و بدان که خداوند توانا و حکیم است.

دخترکم! شیطان از طریق ذهن و افکار تو را از تهیدستی بیم می‌دهد و تو را به زشتی وامی‌دارد؛ و خداوند از جانب خود به تو وعدهٔ آمرزش و بخشش می‌دهد، و خداوند گشایگر داناست. به هر کس که بخواهد حکمت می‌بخشد، و به هر کس حکمت داده شود، به یقین، خیری فراوان داده شده است؛ و جز خردمندان، کسی پند نمی‌گیرد.

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست. و اگر آنچه در دل‌های خود دارید، آشکار یا پنهان کنید، خداوند شما را به آن محاسبه می‌کند؛ آنگاه هر که را بخواهد می‌بخشد، و هر که را بخواهد عذاب می‌کند، و خداوند بر هر چیزی تواناست.

دخترکم! بپرهیز از تکیه کردن بر آرزوها که آن کالای احمقان است، و خرد به خاطر سپردن تجربه هاست، و بهتر چیز که آزمودی آن بود که پند تو در آن است. فرصت را غنیمت دان پیش از آنکه از دست رود و اندوهی گلوگیر شود. هر خواننده به مقصود نرسد و هر رفته باز نگردد. از جمله زیانها توشه رفتن فراهم نیاوردن است و آخرت را تباه کردن. هر کاری را پایانی بود و آنچه برای مقدر شده زودا که به تو رسد. سوداگر به خطرات کننده خویش است، و بسا اندک که بالنده تر از بیش است. نه در یاور بی مقدار سودی بود، و نه در دوست به تهمت گرفتار. چندانکه زمانه رام توست آن را آسان گیر و به امید بیشتر، خطر را بر خود مپذیر، و بپرهیز، از آنکه ستیزه جویی چون اسب سرکش تو را بردارد و به گرداب هلاکت درآرد.

خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند. آنچه به دست آورده به سود او، و آنچه به دست آورده به زیان اوست. پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر، پروردگارا، هیچ بار گرانی بر ما مگذار؛ همچنانکه بر کسانی که پیش از ما بودند نهادی. پروردگارا، و آنچه تاب آن نداریم بر ما تحمیل مکن؛ و از ما درگذر؛ و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور؛ سرور ما تویی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز کن. (۲)

دخترکم! خدایت فرشتگان را با روح به فرمان خود بر هر کس از بندگان که بخواهد نازل می‌کند که بیم دهند که معبودی جز خدا نیست پس از خدا پروا کن. آسمانها و زمین را به حق آفریده است او فراتر است از آنچه شریک می‌گردانند. انسان را از نطفه‌ای آفریده است آنگاه ستیزه جویی آشکار است. و نمودن راه راست بر عهده خداست و برخی از آن کژ است و اگر می‌خواست مسلماً همه را هدایت می‌کرد. اوست کسی که از آسمان آبی فرود آورد که آشامیدنی شما از آن است و رویدنی که در آن می‌چرانید از آن است. به وسیله آن کشت و زیتون و درختان خرما و انگور و از هر گونه محصولات برای شما می‌رویند. و شب و روز و خورشید و ماه را برای شما رام گردانید و ستارگان به فرمان او مسخر شده‌اند. و آنچه را در زمین به رنگهای گوناگون برای شما پدید آورد. قطعاً در اینها برای تو نشانه ای است اگر اندیشه کنی. پس آیا کسی که می‌آفریند چون کسی است که نمی‌آفریند؟ آیا پند نمی‌گیری. و اگر نعمت خدا را شماره کنی آن را نمی‌توانی بشمارای. و خدا آنچه را که پنهان می‌داری و آنچه را که آشکار می‌سازی می‌داند.

دخترکم! در تمام امورات زندگیست خواست به چشمان بینای پروردگارت باشد و بترس از روزی که مورد خشم پروردگارت واقع گردی که آن بزرگترین خسران خواهد بود. حتماً در هر کاری با خدایت مشورت کن و از او یاری بخواه و یقین داشته باش که این بهترین رمز موفقیت پایدار است. و بیاد بدار کسانی را که جز خدا می‌خوانند چیزی نمی‌آفرینند در حالی که خود آفریده می‌شوند. مردگانند نه زندگان و نمی‌دانند کی برانگیخته خواهند شد. وقتی بنده منتخب خدا به آنان گفت: معبود شما معبودی است یگانه پس کسانی که به آخرت ایمان نداشتند دلهایشان انکار کرد و خودشان نیز متکبر بودند. شک نیست که خداوند آنچه را پنهان می‌دارند و آنچه را آشکار می‌سازند می‌داند و او گردنکشان را دوست نمی‌دارد. و چون به آنان گفته شود پروردگارتان چه چیز نازل کرده است؟ می‌گویند: افسانه‌های پیشینیان است. تا روز قیامت بار گناهان خود را تمام بردارند و بخشی از بار گناهان کسانی را که ندانسته آنان را گمراه می‌کنند. آگاه باش چه بد باری را می‌کشند. پیش از آنان کسانی بودند که مکر کردند و خدا از پایه بر بنیانشان زد در نتیجه از بالای سرشان سقف بر آنان فرو ریخت و از آنجا که حدس نمی‌زدند عذاب به سراغشان آمد. بنابراین در زمین بگرد و بین فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است. اگر بر این اندیشه فرو روی که چرا خدا آنها را هدایت نکرده است باید بدانی که خدا کسی را که فرو گذاشته است هدایت نمی‌کند و برای

ایشان یاری کنندگانی نیست. و این نکته ای است که تو باید دریابی تا موفقیتت تضمین شود.

آیا کسانی که تدبیرهای بد می‌اندیشند/ایمن شدند/از اینکه خدا آنان را در زمین فرو برد یا از جایی که حدس نمی‌زنند عذاب برایشان بیاید؟ یا در حال رفت و آمدشان آنان را بگیرد و کاری از دستشان برنماید؟ یا آنان را در حالی که وحشت زده‌اند فرو گیرد. همانا پروردگار تو رئوف و مهربان است. و بدانکه سایه لطف و رحمت مهربانی بالای سر توست که اگر از مسیرش خارج شوی متناسب با همان رحمتش غذیش را نیز خواهی دید و این هشدار واقعی و بسیار جدی است. و برای پیمودن راه راست همیشه این آگاهی را در بخش هوشیار ذهنت زنده بدار که " نه تو میدانی و نه مردم و تنها خداست که میداند. "

آیا به چیزهایی که خدا آفریده است ننگریسته‌ای که سایه‌هایشان از راست و چپ می‌گردد و برای خدا در حال فروتنی سر بر خاک می‌سایند؟ و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین از جنبنندگان و فرشتگان است برای خدا سجده می‌کنند و تکبر نمی‌ورزند. *از پروردگارشان که حاکم بر آنهاست می‌ترسند و آنچه را مامورند انجام می‌دهند.* و خدا فرمود دو معبود برای خود مگیرید جز این نیست که او خدایی یگانه است پس تنها از من بترسید. و آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست و آیین پایدار از آن اوست. پس آیا از غیر خدا پروا داری؟ و هر نعمتی که داری از خداست.

دخترکم چون آسیبی به تو رسد به سوی او روی می‌آوری. و چون آن آسیب را از تو برطرف کرد مراقب باش تا بر تکیه بر دانایی و تواناییت به پروردگارت شرک نورزی. *تا آنچه را به تو عطا کرده ناخواسته ناسپاسی کنی.* و اگر برخوردار شدی و در نعمت بودی بدانکه دیری نباید که بدانی.

دخترکم مراقب شیطان باش تا اعمالت را با ظاهری از افکار موجه آراسته نکند همانگونه که شیطان اعمال کسانی که منتخبش را به سوی امتهای پیش از تو فرستاد برایشان آراست و امروز سرپرستان هموست و برایشان عذابی دردناک است. *وسخن خدا برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است.* و خدا از آسمان آبی فرود آورد و با آن زمین را پس از پژمردنش زنده گردانید قطعا در این برای مردمی که شنوایی دارند نشانه‌ای است. و در دامها قطعا برای شما عبرتی است از آنچه در شکم آنهاست از میان سرگین و خون شیری ناب به شما می‌نوشانیم که برای نوشندگان گواراست. و از میوه درختان خرما و انگور باده مستی‌بخش و خوراکی نیکو برای خود می‌گیرید قطعا در این برای مردمی که تعقل

می‌کنند نشانه‌ای است. و پروردگار تو به زنبور عسل وحی کرد که از پاره‌ای کوهها و از برخی درختان و از آنچه داربست می‌کنند خانه‌هایی برای خود درست کن. سپس از همه میوه‌ها بخور و راههای پروردگارت را فرمانبردارانه بپوی. از درون آن شهدی که به رنگهای گوناگون است بیرون می‌آید در آن برای مردم درمانی است. راستی در این برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه است.

دخترکم! با یقین تحقیقی باور کن که بهترین سخن همان است که خدایت بر قلب پیامبرش وحی کرد تا تو آن را بشوی. و همچون من و اجادتت که بر سخن خدا چنگ زدند از قرآن فاصله نگیر و به هر طریقی که برایت خوشایند است با آن مانوس شو.

و خدا شما را آفرید سپس شما را می‌گیرد و بعضی از شما تا خوارترین سالهای زندگی بازگردانده می‌شود به طوری که بعد از دانستن چیزی نمی‌دانند قطعا خدا دانای تواناست. و خدا بعضی از شما را در روزی بر بعضی دیگر برتری داده است و کسانی که فزونی یافته‌اند روزی خود را به بندگان خود نمی‌دهند تا در آن با هم مساوی باشند آیا باز نعمت خدا را انکار می‌کنند. و خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی نهاد و از چیزهای پاکیزه به شما روزی بخشید. آیا به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت خدا کفر می‌ورزند؟ و به جای خدا چیزهایی را می‌پرستند که در آسمانها و زمین به هیچ وجه اختیار روزی آنان را ندارند و توانایی ندارند. پس برای خدا مثل زنید که خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. خدا مثلی می‌زند؛ بنده‌ای است زرخیر که هیچ کاری از او بر نمی‌آید. آیا با کسی که به وی از جانب خود روزی نیکو داده‌ایم و او از آن در نهان و آشکار انفاق می‌کند یکسان است؟ سپاس خدای راست بلکه بیشترشان نمی‌دانند. و خدا مثلی می‌زند؛ دو مردند که یکی از آنها لال است و هیچ کاری از او بر نمی‌آید و او سربار خداوندگارش می‌باشد هر جا که او را می‌فرستد خیری به همراه نمی‌آورد آیا او با کسی که به عدالت فرمان می‌دهد و خود بر راه راست است یکسان است؟ و نهان آسمانها و زمین از آن خداست و کار قیامت جز مانند یک چشم بر هم زدن یا نزدیکتر نیست زیرا خدا بر هر چیزی تواناست. و خدا شما را از شکم مادرانتان در حالی که چیزی نمی‌دانستید بیرون آورد و برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد باشد که سپاسگزاری کنید.

آیا به سوی پرندگانی که در فضای آسمان رام شده‌اند نگریده‌اند جز خدا کسی آنها را نگاه نمی‌دارد راستی در این برای مردمی که ایمان می‌آورند نشانه‌هایی است. و خدا برای شما خانه‌هایتان را مایه آرامش قرار داد و از پوست دامها برای شما خانه‌هایی نهاد که آن را در

روز جابجا شدنتان و هنگام ماندنتان سبک می‌یابید و از پشمها و کرکها و موهای آنها - وسایل زندگی که تا چندی مورد استفاده است. و خدا از آنچه آفریده به سود شما سایه‌هایی فراهم آورده و از کوهها برای شما پناهگاه‌هایی قرار داده و برای شما تن‌پوشه‌هایی مقرر کرده که شما را از گرما حفظ می‌کند و تن‌پوشه‌هایی که شما را در جنگتان حمایت می‌نماید این گونه وی نعمتش را بر شما تمام می‌گرداند امید که شما گردن نهید. پس اگر رویگردان شوند بر تو فقط ابلاغ آشکار است.

نعمت خدا را می‌شناسند اما باز هم منکر آن می‌شوند و بیشترشان کافرنند. و روزی را که از هر امتی گواهی برمی‌انگیزیم سپس به کسانی که کافر شده‌اند رخصت داده نمی‌شود و آنان مورد بخشش قرار نخواهند گرفت. و چون کسانی که ستم کرده‌اند عذاب را ببینند آنان کاسته نمی‌گردد و مهلت نمی‌یابند. و چون کسانی که شرک ورزیدند شریکان خود را ببینند می‌گویند: پروردگارا اینها بودند آن شریکانی که ما به جای تو می‌خواندیم و قول آنان را رد می‌کنند که شما جدا دروغ‌گویانید. و آن روز در برابر خدا از در تسلیم درآیند و آنچه را که برمی‌بافتند بر باد می‌رود.

کسانی که کفر ورزیدند و از راه خدا باز داشتند به آنکه فساد می‌کردند عذابی بر عذابشان می‌افزاییم. و روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان برایشان برانگیزیم و تو را بر این گواه آوریم و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارت‌گری است بر تو نازل کردیم.

در حقیقت خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد به شما اندرز می‌دهد باشد که پند گیرید. و چون با خدا پیمان بستید به پیمان خود وفا کنید و سوگندهای پس از استوار کردن آنها مشکند با اینکه خدا را بر خود ضامن قرار داده‌اید زیرا خدا آنچه را انجام می‌دهید می‌داند. و مانند آن که رشته خود را پس از محکم بافتن از هم می‌گسست مباحثید که سوگندهای خود را میان خویش وسیله تقلب سازید که گروهی از گروه دیگر افزون‌ترند جز این نیست که خدا شما را بدین وسیله می‌آزماید و روز قیامت در آنچه اختلاف می‌کردید قطعا برای شما توضیح خواهد داد. و اگر خدا می‌خواست قطعا شما را امتی واحد قرار می‌داد ولی هر که را بخواهد بیراه و هر که را بخواهد هدایت می‌کند و از آنچه انجام می‌دادید حتما سؤال خواهید شد. و زنده‌ای سوگندهای خود را دستاویز تقلب میان خود قرار مدهید تا گامی بعد از استواریش بلغزد و شما به آنکه از راه خدا باز داشته‌اید دچار شکنجه شوید و برای شما عذابی بزرگ باشد. و

پیمان خدا را به بهای ناچیزی مفروشید زیرا آنچه نزد خداست اگر بدانید همان برای شما بهتر است.

آنچه پیش شماست تمام می‌شود و آنچه پیش خداست پایدار است و قطعاً کسانی را که شکیبایی کردند به بهتر از آنچه عمل می‌کردند پاداش خواهیم داد.

هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.

پس چون قرآن می‌خوانی از شیطان مطرود به خدا پناه بر. چرا که او را بر کسانی که ایمان آورده‌اند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند تسلطی نیست. تسلط او فقط بر کسانی است که وی را به سرپرستی برمی‌گیرند و بر کسانی که آنها به او شرک می‌ورزند. و چون حکمی را به جای حکم دیگر بیاوریم و خدا به آنچه به تدریج نازل می‌کند داناتر است می‌گویند: جز این نیست که تو دروغ بافی. بلکه بیشتر آنان نمی‌دانند. بگو آن را روح القدس از طرف پروردگارت به حق فرود آورده تا کسانی را که ایمان آورده‌اند استوار گرداند و برای مسلمانان هدایت و بشارتی است. و نیک می‌دانیم که آنان می‌گویند جز این نیست که بشری به او می‌آموزد، زبان کسی که نسبت را به او می‌دهند غیر عربی است و این به زبان عربی روشن است. در حقیقت کسانی که به *آیات خدا/ایمان ندرند* خدا آنان را هدایت نمی‌کند و برایشان عذابی دردناک است. تنها کسانی دروغ پردازی می‌کنند که به *آیات خدا/ایمان ندرند* و آنان خود دروغ‌گویند. هر کس پس از ایمان آوردن خود به خدا کفر ورزد مگر آن کس که مجبور شده و قلبش به ایمان اطمینان دارد، لیکن هر که سینه‌اش به کفر گشاده گردد خشم خدا بر آنان است و برایشان عذابی بزرگ خواهد بود. زیرا آنان زندگی دنیا را بر آخرت برتری دادند و اینکه خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند. آنان کسانی‌اند که خدا بر دلها و گوش و دیدگان‌شان مهر نهاده و آنان خود غافل‌اند. شک نیست که آنها در آخرت همان زیانکارانند. با این حال پروردگار تو نسبت به کسانی که پس از زجر کشیدن هجرت کرده و سپس جهاد نمودند و صبر پیشه ساختند، پروردگارت بعد از آن قطعاً آمرزنده و مهربان است.

روزی را که هر کس می‌آید از خود دفاع می‌کند و هر کس به آنچه کرده بی‌کم و کاست پاداش می‌یابد و بر آنان ستم نمی‌رود.

و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود روزیش از هر سو فراوان می‌رسید پس *نعمتهای خدا را ناسپاسی کردند* و خدا هم به سزای آنچه انجام می‌دادند طعم گرسنگی و

هراس را به آن چشانید. و به یقین فرستاده‌ای از خودشان برایشان آمد اما او را تکذیب کردند پس در حالی که ظالم بودند آنان را عذاب فرو گرفت. پس *از آنچه خدا شما را روزی کرده است حلال پاکیزه بخورید و نعمت خدا را اگر تنها او را می‌پرستید شکر گزارید.* جز این نیست که مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که نام غیر خدا بر آن برده شده حرام گردانیده است. هر کس که ناگزیر شود و سرکش و زیاده خواه نباشد قطعا خدا آمرزنده مهربان است. و برای آنچه زبان شما به دروغ می‌پردازد مگویید: این حلال است و آن حرام، تا بر خدا دروغ بندید زیرا کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند رستگار نمی‌شوند. اندک بهره‌ای و عذابشان پر درد است. و بر کسانی که یهودی شدند آنچه را قبلا بر تو حکایت کردیم حرام گردانیدیم و ما بر آنان ستم نکردیم بلکه آنها به خود ستم می‌کردند. پروردگار تو نسبت به کسانی که به نادانی مرتکب گناه شده سپس توبه کرده و به صلاح آمده‌اند البته پروردگارت پس از آن آمرزنده مهربان است.

به راستی ابراهیم پیشوایی مطیع خدا حق‌گرای بود و از مشرکان نبود. نعمتهای او را شکرگزار بود او را برگزید و به راهی راست هدایتش کرد. و در دنیا به او نیکویی و دادیم و در آخرت از شایستگان خواهد بود. سپس به تو وحی کردیم که از آیین ابراهیم حق‌گرای پیروی کن او از مشرکان نبود.

شنبه بر کسانی که درباره آن اختلاف کردند مقرر گردید و قطعا پروردگارت روز رستاخیز میان آنها درباره چیزی که در مورد آن اختلاف می‌کردند داوری خواهد کرد. با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به که نیکوتر است مجادله نمای. در حقیقت پروردگار تو به کسی که از راه او منحرف شده داناتر و او به راه‌یافتگان داناتر است. و اگر عقوبت کردید همان گونه که مورد عقوبت قرار گرفته‌اید به عقوبت رسانید و اگر صبر کنید البته آن برای شکیبایان بهتر است. و صبر کن و صبر تو جز به خدا نیست و بر آنان اندوه مخور و از آنچه نیرنگ می‌کنند دل تنگ مدار. در حقیقت خدا با کسانی است که پروا داشته‌اند و کسانی که آنها نیکوکارند. (۱۶)

دخترکم به یقین بدان که خداست که هیچ معبود جز او نیست و زنده است. خدایت این کتاب را در حالی که مؤید آنچه پیش از خود می‌باشد به حق بر تو نازل کرد و تورات و انجیل را پیش از آن برای رهنمود مردم فرو فرستاد و فرقان را نازل کرد. کسانی که به آیات خدا ناباورند بی‌تردید عذابی سخت خواهند داشت و خداوند شکست ناپذیر و صاحب انتقام

است. خدا که همواره به عدل قیام دارد گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان و دانشوران گواهی میدهند که جز او که توانا و حکیم است هیچ معبودی نیست. دخترکم تاکید بیش از اندازه من و خدایت بر اینکه هیچ معبودی جز خدا نیست بخاطر این است که ذهن به شدت علاقه مند به فراموشی این حقیقت آشکار را دارد و از تمام ابزاری که در نیل به این مقصود بهره میبرد. پس از بمباران ذهنت با کلمات خدایت معلول نشو و تصور نکن که کار باطلی را انجام میدهی. هر زمان که شنیدی خدایت میگوید معبودی جز خدا نیست بدانکه ذهنت چنان تصویر سازی کرده است که تو میتوانی با اتکا به چیزی های دیگر راه سعادت و موفقیت را در پیش گیری. بدان و آگاه باش که همه چیز به دست خداست، حتی همین رویدادهای کوچک روزمرگی ات ، ... حتی خلق همین کتاب.

در حقیقت هیچ چیز نه در زمین و نه در آسمان بر خدا پوشیده نمی‌ماند. اوست کسی که شما را آن گونه که می‌خواهد در رحمتها صورتگری می‌کند هیچ معبودی جز آن توانای حکیم نیست. اوست کسی که این کتاب را بر تو فرو فرستاد پاره‌ای از آن آیات محکم است آنها اساس کتابند و دیگر متشابهاتند. اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است برای فتنه جویی و طلب تاویل آن از متشابه آن پیروی می‌کنند با آنکه تاویلش را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند. می‌گویند ما بدان ایمان آوردیم همه از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود.

پروردگارا پس از آنکه ما را هدایت کردی دل‌هایمان را دستخوش انحراف مگردان و از جانب خود رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری. پروردگارا به یقین تو در روزی که هیچ تردیدی در آن نیست گردآورنده مردمانی، قطعاً خداوند در وعده خلاف نمی‌کند.

دخترکم! بگو بار خدایا تویی که فرمانفرمایی هر آن کس را که خواهی فرمانروایی بخشی و از هر که خواهی فرمانروایی را باز ستانی و هر که را خواهی عزت بخشی و هر که را خواهی خوار گردانی همه خوبیه‌ها به دست توست و تو بر هر چیز توانایی. شب را به روز در می‌آوری و روز را به شب در می‌آوری و زنده را از مرده بیرون می‌آوری و مرده را از زنده خارج می‌سازی و هر که را خواهی بی‌حساب روزی می‌دهی.

دخترکم اگر آنچه در سینه ات داری نهان داری یا آشکارش کنی خدا آن را می‌داند و آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است می‌داند و خداوند بر هر چیزی تواناست. روزی که هر کسی آنچه کار نیک به جای آورده و آنچه بدی مرتکب شده حاضر شده می‌یابد و آرزو

می‌کند کاش میان او و آن فاصله‌ای دور بود و خداوند شما را از خود می‌ترساند و خدا به بندگان مهربان است.

به یقین خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است. فرزندانی که بعضی از آنان از بعضی دیگرند و خداوند شنوای داناست. چون زن عمران گفت: پروردگارا آنچه در شکم خود دارم نذر تو کردم تا آزاد شده باشد پس از من بپذیر که تو خود شنوای دانایی. پس چون فرزندش را بزاد گفت: پروردگارا من دختر زاده‌ام و خدا به آنچه او زایید داناتر بود و پسر چون دختر نیست و من نامش را مریم نهادم و او و فرزندانش را از شیطان رانده شده به تو پناه می‌دهم. پس پروردگارش وی را با حسن قبول پذیرا شد و او را نیکو بار آورد و زکریا را سرپرست وی قرار داد. زکریا هر بار که در محراب بر او وارد می‌شد نزد او خوراکی می‌یافت. گفت: ای مریم این از کجا برای تو آمده است. گفت: این از جانب خداست که خدا به هر کس بخواهد بی شمار روزی می‌دهد.

آنجا زکریا پروردگارش را خواند، گفت: پروردگارا از جانب خود فرزندی پاک و پسندیده به من عطا کن که تو شنونده دعایی. پس در حالی که وی ایستاده در محراب دعا می‌کرد فرشتگان او را ندا دردادند که خداوند تو را به یحیی که تصدیق کننده کلمه الله است و بزرگوار و خویش‌تندار و پیامبری از شایستگان است مژده می‌دهد.

گفت: پروردگارا چگونه مرا فرزندی خواهد بود در حالی که پیری من بالا گرفته است و زنم نازا است. گفت: چنین است. خدا هر چه بخواهد می‌کند.

گفت: پروردگارا برای من نشانه‌ای قرار ده. فرمود: نشانه‌ات این است که سه روز با مردم جز به اشاره سخن‌نگویی و پروردگارت را بسیار یاد کن و شبانگاه و بامدادان تسبیح گوی. و هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر زنان جهان برتری داده است. ای مریم فرمانبر پروردگار خود باش و سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع نما.

دخترکم این از اخبار گذشتگان است که به تو می‌گویم و وقتی که آنان قلمهای خود را می‌افکندند تا کدام یک سرپرستی مریم را به عهده گیرد نزد آنان نبودی و وقتی با یکدیگر کشمکش می‌کردند نزدشان نبودی.

هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم خداوند تو را به کلمه‌ای از جانب خود که نامش مسیح عیسی بن مریم است مژده می‌دهد در حالی که در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان است. و در گهواره و در میان‌سالی با مردم سخن می‌گویی و از شایستگان است.

گفت: پروردگارا چگونه مرا فرزندی خواهد بود با آنکه بشری به من دست نزده است. گفت: چنین است پروردگار خدا هر چه بخواهد می‌آفریند چون به کاری فرمان دهد فقط به آن می‌گوید باش پس می‌باشد. و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می‌آموزد. و پیامبری به سوی بنی اسرائیل؛ در حقیقت من از جانب پروردگارتان برایتان معجزه‌ای آورده‌ام من از گل برای شما به شکل پرنده می‌سازم آنگاه در آن می‌دمم پس به اذن خدا پرنده‌ای می‌شود و به اذن خدا نابینای مادرزاد و پیر را بهبود می‌بخشم و مردگان را زنده می‌گردانم و شما را از آنچه می‌خورید و در خانه هایتان ذخیره می‌کنید خبر می‌دهم مسلماً در این برای شما اگر مؤمن باشید عبرت است. و تورات را که پیش از من است تصدیق کننده باشم و تا پاره‌ای از آنچه را که بر شما حرام گردیده برای شما حلال کنم و از جانب پروردگارتان برای شما نشانه‌ای آورده‌ام پس از خدا پروا دارید و مرا اطاعت کنید. در حقیقت خداوند پروردگار من و پروردگار شماست پس او را بپرستید، راه راست این است.

چون عیسی از آنان احساس کفر کرد گفت: یاران من در راه خدا چه کسانند؟ حواریون گفتند: ما یاران خداییم به خدا ایمان آورده‌ایم و گواه باش که ما تسلیم هستیم. پروردگارا به آنچه نازل کردی گرویدیم و فرستاده را پیروی کردیم پس ما را در زمره گواهان بنویس. و مکر ورزیدند و خدا مکر در میان آورد و خداوند بهترین مکرانگیزان است. هنگامی را که خدا گفت: ای عیسی من تو را برگرفته و به سوی خویش بالا می‌برم و تو را از کسانی که کفر ورزیده‌اند پاک می‌گردانم و تا روز رستاخیز کسانی را که از تو پیروی کرده‌اند فوق کسانی که کافر شده‌اند قرار خواهم داد آنگاه فرجام شما به سوی من است پس در آنچه بر سر آن اختلاف می‌کردید میان شما داوری خواهم کرد. اما کسانی که کفر ورزیدند در دنیا و آخرت به سختی عذابشان کنم و یاورانی نخواهند داشت. و اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند مزدشان را به تمامی به آنان می‌دهد و خداوند بیدادگران را دوست نمی‌دارد.

اینهاست که من آن را از آیات و قرآن حکمت آمیز بر تو می‌خوانم. در واقع مثل عیسی نزد خدا همچون مثل آدم است او را از خاک آفرید سپس بدو گفت: باش پس وجود یافت. دخترکم یقین بدان که حق از جانب پروردگار تو است پس از تردیدکنندگان مباش. آری داستان درست همین است و **معبودی جز خدا نیست** و خداست که در واقع همان شکست ناپذیر حکیم است.

هیچ بشری را نسزد که خدا به او کتاب و حکم و پیامبری بدهد سپس او به مردم بگوید به جای خدا بندگان من باشید.

دخترکم به یاد بیاور هنگامی را که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هر گاه به شما کتاب و حکمتی دادم سپس شما را فرستاده‌ای آمد که آنچه را با شماست تصدیق کرد البته به او ایمان بیاورید و حتماً یاریش کنید آنگاه فرمود آیا اقرار کردید و در این باره پیمانم را پذیرفتید گفتند آری اقرار کردیم فرمود پس گواه باشید و من با شما از گواهانم. پس کسانی که بعد از این روی برتابند آنان خود نافرمانانند.

دخترکم آیا جز دین خدا را می‌جویی با آنکه هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است و به سوی او بازگردانیده می‌شوند.

بگو به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل گردیده و آنچه به موسی و عیسی و انبیای از جانب پروردگارشان داده شده گرویدیم و میان هیچ یک از آنان فرق نمی‌گذاریم و ما او را فرمانبرداریم.

چگونه خداوند قومی را که بعد از ایمانشان کافر شدند هدایت می‌کند با آنکه شهادت دادند که این رسول بر حق است و برایشان دلایل روشن آمد و خداوند قوم بیدادگر را هدایت نمی‌کند. آنان سزایشان این است که لعنت خدا و فرشتگان و مردم همگی برایشان است. در آن جاودانه بمانند نه عذاب از ایشان کاسته گردد و نه مهلت یابند. مگر کسانی که پس از آن توبه کردند و درستگاری نمودند که خداوند آمرزنده مهربان است.

کسانی که پس از ایمان خود کافر شدند سپس بر کفر افزودند هرگز توبه آنان پذیرفته نخواهد شد و آنان خود گمراهانند. در حقیقت کسانی که کافر شده و در حال کفر مرده‌اند اگر چه زمین را پر از طلا کنند و آن را فدیة دهند هرگز از هیچ یک از آنان پذیرفته نگردد آنان را عذابی دردناک خواهد بود و یاورانی نخواهند داشت.

هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید و از هر چه انفاق کنید قطعاً خدا بدان داناست.

دخترکم اینها آیات خداست که آن را به حق بر تو می‌خوانم و خداوند هیچ ستمی بر جهانیان نمی‌خواهد. و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست و کارها به سوی خدا بازگردانده می‌شود.

دخترکم باور کنندگان بهترین امتی هستند که برای مردم پدیدار شده‌اند به کار پسندیده فرمان می‌دهند و از کار ناپسند بازمی‌دارند و به خدا ایمان دارند. انسانهایی که در فراخی و

تنگی اتفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از مردم در می‌گذرند. و چون کار زشتی کنند یا بر خود ستم روا دارند **خدا را به یاد می‌آورند** و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند و بر آنچه مرتکب شده‌اند با آنکه می‌دانند پافشاری نمی‌کنند.

دخترکم! آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست هر که را بخواهد می‌آمزد و هر که را بخواهد عذاب می‌کند و خداوند آمرزنده مهربان است. اگر چه خدایت با جمله‌هایی به مانند: "قطعا پیش از شما سنتهایی سپری شده است پس در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است." توجه ما را به سرنوشت گذشتگان معطوف میکند ولی باز هم در نمی‌یابیم چونکه؛ "این برای مردم بیانی و برای پرهیزگاران رهنمود و اندرزی است." پس بکوش تا از پرهیزگاران باشی و در این راه از خدایت یاری بخواه.

دخترکم اگر مؤمنی سستی مکن و غمگین مشو که تو برتری. اگر به تو آسیبی رسیده آن قوم را نیز آسیبی نظیر آن رسید و خدا این روزها را میان مردم به نوبت می‌گرداند تا خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند معلوم بدارد و از میان شما گواهانی بگیرد و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد. و تا خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند خالص گرداند و کافران را نابود سازد. آیا پنداشتی که داخل بهشت می‌شوی بی‌آنکه خداوند جهادگران و شکیبایان شما را معلوم بدارد.

دخترکم! ندایی در گستره حیات آدمی با فریاد بی‌صدایی به گوش می‌رسد که: محمد جز فرستاده‌ای که پیش از او پیامبرانی گذشتند نیست آیا اگر او بمیرد یا کشته شود از عقیده خود برمی‌گردید و هر کس از عقیده خود بازگردد هرگز هیچ زبانی به خدا نمی‌رساند و به زودی خداوند سپاسگزاران را پاداش می‌دهد. و هیچ نفسی جز به فرمان خدا نمیرد به عنوان سرنوشتی معین، و هر که پاداش این دنیا را بخواهد به او از آن می‌دهیم و هر که پاداش آن سرای را بخواهد از آن به او می‌دهیم و به زودی سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد. و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه کارزار کردند و در برابر آنچه در راه خدا بدیشان رسید سستی نورزیدند و ناتوان نشدند و تسلیم نگردیدند و خداوند شکیبایان را دوست دارد. و سخن آنان جز این نبود که گفتند: پروردگارا گناهان ما و زیاده‌روی ما در کارمان را بر ما ببخش و گامهای ما را استوار دار و ما را بر گروه کافران یاری ده. پس خداوند پاداش این دنیا و پاداش نیک آخرت را به آنان عطا کرد و خداوند نیکوکاران را دوست دارد. آری خدا مولای توست و او بهترین یاری‌دهندگان است.

دخترکم! آیا کسی که خشنودی خدا را پیروی می‌کند چون کسی است که به خشمی از خدا دچار گردیده و جایگاهش جهنم است؟ و چه بد بازگشتگاهی است. ایشان را نزد خداوند در جاتی است و خدا به آنچه می‌کنند بیناست. به یقین خدا بر مؤمنان منت نهاد، پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد. قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

در واقع این شیطان است که دوستانش را می‌ترساند پس اگر مؤمنید از آنان مترسید و از من بترسید. و کسانی که در کفر می‌کوشند تو را اندوهگین نسازند که آنان هرگز به خدا هیچ زبانی نمی‌رسانند خداوند می‌خواهد در آخرت برای آنان بهره‌ای قرار ندهد و برای ایشان عذابی بزرگ است. در حقیقت کسانی که کفر را به ایمان خریدند هرگز به خداوند هیچ زبانی نخواهند رسانید و برای آنان عذابی دردناک است. و البته نباید کسانی که کافر شده‌اند تصور کنند اینکه به ایشان مهلت می‌دهیم برای آنان نیکوست ما فقط به ایشان مهلت می‌دهیم تا بر گناه بیفزایند و عذابی خفت‌آور خواهند داشت.

دخترکم اگر خدایت می‌گوید: هیچ کس به خدا زبانی نمی‌تواند برساند به هوش باش که ذهن چنان تصویر سازی میکند که گویی خدایی نیست و اگر هم هست آنچنان که باید توانا نیست و برحذر باش از القانات شیطان در فضای ذهن.

خدا بر آن نیست که مؤمنان را به این که شما بر آن هستید واگذارد تا آنکه پلید را از پاک جدا کند و خدا بر آن نیست که شما را از غیب آگاه گرداند ولی خدا از میان فرستادگانش هر که را بخواهد برمی‌گزیند پس به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید و اگر بگروید و پرهیزگاری کنید برای شما پاداشی بزرگ خواهد بود. و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده بخل می‌ورزند هرگز تصور نکنند که آن برای آنان خوب است بلکه برایشان بد است به زودی آنچه که به آن بخل ورزیده‌اند روز قیامت طوق گردنشان می‌شود میراث آسمانها و زمین از آن خداست و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است. مسلماً خداوند سخن کسانی را که گفتند خدا نیازمند است و ما توانگریم شنید.

دخترکم هر جاننداری چشنده مرگ است و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست. قطعاً در مال و جان آزموده خواهی شد و از کسانی که پیش از مردم آزار بسیاری خواهی شنید و اگر صبر کنی و پرهیزگاری نمایی این حاکی از عزم استوار در کارهاست.

فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست و خداوند بر هر چیزی تواناست. مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز برای خردمندان نشانه‌هایی است. همانان

که خدا را ایستاده و نشسته و به پهلوی آرمیده یاد می‌کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند.

دخترکم بگو: پروردگارا اینها را بیهوده نیافریده‌ای منزهی تو پس من را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار. پروردگارا هر که را تو در آتش درآوری یقیناً رسوایش کرده‌ای و برای ستمکاران یاورانی نیست.

پروردگارا من شنیدیم که دعوتگری به ایمان فرا می‌خواند که به پروردگار خود ایمان آورید پس ایمان آوردم.

پروردگارا گناهان مرا بیامرز و بدیهای مرا بزدای و مرا در زمره نیکان بمیران. پروردگارا و آنچه را که به وسیله فرستادگانت به من وعده داده‌ای به من عطا کن و مرا روز رستاخیز رسوا مگردان زیرا تو وعدهات را خلاف نمی‌کنی.

... پس پروردگارت دعای تو را اجابت میکند زیرا که او عمل هیچ صاحب عملی را از مرد یا زن که همه از یکدیگر تباہ نمی‌کند.

دخترکم مبدا رفت و آمد ناباوران در شهرها تو را دستخوش فریب کند. کالای ناچیز است سپس جایگاهشان دوزخ است و چه بد قرارگاهی است. ولی کسانی که پروای پروردگارشان را پیشه ساخته‌اند باغهایی خواهند داشت که از زیر آن نهرها روان است در آنجا جاودانه بمانند پذیرایی از جانب خداست و آنچه نزد خداست برای نیکان بهتر است.

دخترکم اگر ایمان داری صبر کن و ایستادگی ورز و از خدا پروا نمای، امید است که رستگار شوی. (۳)

چون خواهرت از تو ببرد خود را به پیوند با او وادار، و چون روی برگرداند، مهربانی پیش آر، و چون بخل ورزد از بخشش دریغ مدار، و هنگام دوری کردنش از نزدیک شدن، و به وقت سختگیری اش از نرمی کردن، و به هنگام گناهش از عذر خواستن. چنانکه گویی تو بنده اویی، و چونان که او تو را نعمت داده و حقی برگردنت نهاده، و مبدا این نیکی را آنجا کنی که نباید، یا درباره آن کس که نشاید. دشمن دوست را دوست مگیر تا دوست را دشمن نباشی، و در پندی که به خواهرت می‌دهی نیک بود یا زشت باید با اخلاص باشی. خشم خود را اندک اندک بیاشام که من جرعه ای شیرین تر از آن ننوشیدم و پایانی گوارتر از آن ندیدم. نرمی کن بدان که با تو درشتی کند، باشد که به زودی نرم شود. با دشمن خویش به بخشش رفتار کن که آن شیرین ترین دو پیروزی است انتقام از او کشیدن یا بروی بخشیدن. اگر خواستی از خواهرت ببری، جایی برای دوستی او نزد خود باقی گذار که اگر روزی بر وی

آشکار گردید، بدان وسیلت بدان تواند رسید کسی که به تو گمان نیک برد با کرده نیک گمانش را راست کن. و حق برادرت را به اعتماد دوستی که با او داری ضایع مگردان، چه آن کس که حق او را ضایع کرده ای برادرت نبود. و **مبادا با رفتاری که با کسان خود کنی بدبختترین شان کرده باشی**. در آن که تو را نخواهد دل میند، و مبادا خواهرت را در پیوند با تو گسستن عذری بود قویتر از تو در پیوند با او بستن، و مبادا در بدی رساندن بهانه ای اش باشد قویتر از تو در نیکویی کردن، و ستم آن که بر تو ستم کند در دیده ات بزرگ نیاید، چه او در زیان خود و سود تو کوشش نماید، و پاداش آن که تو را شاد کند آن نیست که با وی بدی کنی.

دخترکم ستایش کن خدایی را که آسمانها و زمین را آفرید و تاریکیها و روشنایی را پدید آورد. اوست کسی که انسان را از گل آفرید آنگاه مدتی را مقرر داشت و اجل حتمی نزد اوست **با این همه تو تردید می کنی؟** (دخترکم به افکار ذهنت اعتماد نداشته باش و با حضور در خود، آگاه باش که حجاب شکل گرفته شده از دانسته هایت عاملی است برای عدم درک ناباوریهایت، پس اگر خدایت به تو گفت چرا تردید داری؟ بدانکه میخواهد کدی را در وجودت فعال کند.) و او در آسمانها و زمین خداست نهان و آشکار تو را می داند و آنچه را به دست می آوری می داند. و هیچ نشانه ای از نشانه های پروردگارت به سویت نمی آمد مگر آنکه از آن روی بر می تابی. همانند کسانی که حق را هنگامی که به سویشان آمد تکذیب کردند پس به زودی خبرهای آنچه را که به ریشخند می گرفتند به آنان خواهد رسید. آیا ندیده اند که پیش از آنان چه بسیار امته را هلاک کردیم در زمین به آنان امکاناتی دادیم که برای شما آن امکانات را فراهم نکرده ایم و آسمان را پی در پی بر آنان فرو فرستادیم و رودبارها از زیر آنان روان ساختیم پس ایشان را به گناهانشان هلاک کردیم و پس از آنان نسلهای دیگری پدید آوردیم. و اگر مکتوبی نوشته بر کاغذ بر پیامبرشان نازل می کردیم و آنان آن را با دستهای خود لمس می کردند **قطعا کسانی که ناباورند می گفتند این جز سحر آشکار نیست**. (دخترکم دقت داشته باش که خدایت برای تفهیم موضوعی، واقعیت های جاری در روزهای زندگی را برایت بازگو میکند و همانند دانشمندان فلسفه بافی نمی کند پس باید هوشیار باشی که هیچ چیزی واقعی تر و گرانبارتر از لحظه و زندگی ای نیست که تو در آن قرار گرفته ای) و گفتند: چرا فرشته ای بر او نازل نشده است و اگر فرشته ای فرود می آوردیم قطعا کار تمام شده بود سپس مهلت نمی یافتند. و اگر پیامبر را فرشته ای قرار می دادیم حتما وی را مردی در می آوردیم و **امر را همچنان بر آنان مشتبه می ساختیم**.

دخترکم سوار بر مرکب کلمات در زمین بگرد آنگاه بنگر که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است.

دخترکم بگو آنچه در آسمانها و زمین است از آن کیست؟ بگو از آن خداست که رحمت را بر خویشتن واجب گردانیده است. یقیناً شما را در روز قیامت که در آن هیچ شکی نیست گرد خواهد آورد. خودباختگان کسانی‌اند که ایمان نمی‌آورند. و آنچه در شب و روز آرام دارد از آن اوست و او شنوای داناست.

بگو آیا غیر از خدا پدیدآورنده آسمانها و زمین سرپرستی برگزینم؟ و اوست که خوراک می‌دهد و خوراک داده نمی‌شود.

دخترکم به تو نمی‌گویم گنجینه‌های خدا نزد من است و غیب نیز نمی‌دانم و به تو نمی‌گویم که من فرشته‌ام جز آنچه را که به سوی من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم. دخترکم آیا نابینا و بینا یکسان است؟ آیا تفکر نمی‌کنی؟ و به وسیله این کسانی را که بیم دارند که به سوی پروردگارشان محسور شوند هشدار می‌دهم که غیر او برای آنها یار و شفيعی نیست باشد که پروا کنند.

دخترکم پروردگارت رحمت را بر خود مقرر کرده که هر کس از بندگان مومنش به نادانی کار بدی کند و آنگاه به توبه و صلاح آید پس وی آمرزنده مهربان است. و این گونه آیات را به روشنی بیان می‌کند تا بدانی که اولاً در هر مرتبه ای از ایمان باشی امکان لغزش وجود دارد ثانیاً در خطاها و اشتباهات از ملامت به جد دوری بگزینی و امید به آمرزش پروردگارت داشته باشی. و همیشه از او بخواه که بهترین راه موفقیت‌ها پیش اوست.

دخترکم بیندیش که چه کسی تو را از تاریکیهای خشکی و دریا می‌رهاند در حالی که او را به زاری و در نهان می‌خوانی که اگر تو را از آن برهاند البته از سپاسگزاران خواهی بود. بگو تا فراموش نکنی که خداست که تو را از آن و از هر اندوهی می‌رهاند. آیا باز هم شرک می‌ورزی؟

دخترکم او تواناست که از بالای سرت یا از زیر پاهایت عذابی بر تو بفرستد یا تو را با اطرافیان دراندازد و عذاب بعضی از شما را به بعضی بپشاند بنگر که چگونه خدایت نکات کلیدی سنت جارش را گوناگون بر تو بیان می‌کند باشد که تو بفهمی. اگر چه که می‌بینی مردم به این سخنان دل نمی‌بندند ولی از پدرت قبول کن که آن بر حق است. و چون ببینی کسانی در سخن خدا فرو می‌روند از ایشان روی برتاب تا در سخنی غیر از آن درآیند و اگر شیطان تو را به فراموشی انداخت پس از توجه با قوم ناباور منشین. و چیزی از حساب

آنان بر عهده کسانی که پروا دارند نیست لیکن تذکر دادن است، (تذکر سازنده نه تذکری از روی تعصب) - باشد که پرهیز کنند.

دخترکم کسانی را که دین خود را به بازی و سرگرمی گرفتند و زندگی دنیا آنان را فریفته است رها کن و به وسیله این خودت را اندرز ده. و برای اینکه فراموشی بر تو مستولی نگردد به خودت بگو: آیا به جای خدا چیزی را بخوانم که نه سودی به من می‌رساند و نه زیانی؟ و آیا پس از اینکه خدا مرا هدایت کرده از عقیده خود بازگردم؟ مانند کسی که شیطانها او را در بیابان از راه به در برده‌اند و حیران است برای او یارانی است که وی را به سوی هدایت می‌خوانند که به سوی ما بیا. بگو هدایت خداست که هدایت است و دستور یافته‌ام که تسلیم پروردگار جهانیان باشم. و اینکه بندگی را برپا دار و از او بترس و هم اوست که نزد وی محشور خواهی شد. و او کسی است که آسمانها و زمین را به حق آفرید و هر گاه که می‌گوید باش بی‌درنگ موجود شود. سخنش راست است و روزی که در صور دمیده شود فرمانروایی از آن اوست. داننده غیب و شهود است و اوست حکیم آگاه.

دخترکم مبدا فریفته شوی که بینی دنیا داران به دنیا دل می‌نهند، و بر سر دنیا بر یکدیگر می‌جهند. چه خدا تو را از دنیا خبر داده و دنیا وصف خویش را با تو در میان نهاده و پرده از زشتیهایش برایت گشاده. همانا دنیاپرستان سگاند عوعوکنان و درندگان در پی صید دوان. برخی را برخی بد آید، و نیرومندان ناتوان را طعمه خویش نماید، و بزرگشان بر خرد دست چیرگی گشاید. دسته ای اشتران پایبند نهاده، و دسته ای دیگر رها و خرد خود را از دست داده. در کار خویش سرگردان، در چراگاه زیان، در بیابانی دشوار گذر روان، نه شبانی که به کارشان رسد، نه چراننده ای که به چراشان برد، دنیا به راه کوری شان راند و دیده هاشان را از چراغ هدایت بپوشاند. در بیراهگی اش سرگردان، و فرو شده در نعمت آن. دنیا را پروردگار خود گرفته اند و دنیا با آنان به بازی پرداخته و آنان را سرگرم بازی دنیا کرده و آنچه را پس آن است فراموش ساخته.

دخترکم خدایت ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم نمایاند تا از جمله یقین‌کنندگان باشد. ابراهیم در راستای تحقق شک به یقین از پرستش ستاره، ماه و خورشید عبور کرد و گفت: من از روی اخلاص پاکدلانه روی خود را به سوی کسی گردانیدم که آسمانها و زمین را پدید آورده است و من از مشرکان نیستم. و قومش با او به ستیزه پرداختند گفت: آیا با من در باره خدا محاجه می‌کنید؟ و حال آنکه او مرا راهنمایی کرده است و من از آنچه شریک او می‌سازید بیمی ندارم. مگر آنکه پروردگارم چیزی بخواهد. علم پروردگارم به هر چیزی

احاطه یافته است. پس آیا متذکر نمی‌شوید؟ و چگونه از آنچه شریک می‌گردانید بترسم با آنکه شما خود از اینکه چیزی را شریک خدا ساخته‌اید که دلیلی درباره آن بر شما نازل نکرده است نمی‌هراسید. پس اگر می‌دانید کدام یک از دو دسته به ایمنی سزاوارتر است. آن حجت خدا بود که به ابراهیم در برابر قومش داد. درجات هر کس را که بخواهد فرا می‌برد. *این هدایت خداست که هر کس از بندگانش را بخواهد بدان هدایت می‌کند.*

دخترکم خدا شکافنده دانه و هسته است زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آورد چنین است خدای تو، پس چگونه منحرف می‌شوی؟ شکافنده صبح است و شب را برای آرامش و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده این اندازه‌گیری آن توانای داناست. و اوست کسی که ستارگان را برای شما قرار داده تا به وسیله آنها در تاریکیهای خشکی و دریا راه یابید به یقین خدا دلایل را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان کرده. و او همان کسی است که شما را از یک تن پدید آورد پس قرارگاه و محل امانتی، بی‌تردید خدا نشانه‌ها را برای مردمی که می‌فهمند به روشنی بیان کرده. و اوست کسی که از آسمان آبی فرود آورد پس به وسیله آن از هر گونه گیاه برآورد و از آن جوانه سبزی خارج ساخت که از آن دانه‌های متراکمی برمی‌آورد و از شکوفه درخت خرما خوشه‌هایی است نزدیک به هم و باغهایی از انگور و زیتون و انار همانند و غیر همانند خارج نمود. به میوه آن چون ثمر دهد و به رسیدنش بنگر قطعا در اینها برای مردمی که ایمان می‌آورند نشانه‌هاست. پدیدآورنده آسمانها و زمین است. چگونه او را فرزندی باشد در صورتی که برای او همسری نبوده و هر چیزی را آفریده و اوست که به هر چیزی داناست. این است خدا پروردگار تو هیچ معبودی جز او نیست آفریننده هر چیزی است پس او را بپرست و او بر هر چیزی نگهبان است. چشمها او را در نمی‌یابند و اوست که دیدگان را درمی‌یابد و او لطیف آگاه است.

دخترکم به راستی که رهنمودهایی از جانب پروردگارت برای تو آمده است پس اگر به دیده بصیرت بنگری به سود توست و اگر از سر بصیرت ننگری به زیان توست و من بر تو نگهبان نیستم و فقط تو را اندرز میدهم امید که خدایت هدایتگر تو باشد.

دخترکم من عالم دین نیستم و همانند دانشمندان علوم دینی تسلط ندارم، به من گفته شده که بگو آنچه را که ما می‌گوییم و من نیز همانی را می‌گویم که او می‌گوید پس تو از تردیدکنندگان مباش. و سخن پروردگارت به راستی و داد سرانجام گرفته است و هیچ تغییردهنده‌ای برای کلمات او نیست و او شنوای داناست. و *اگر از بیشتر کسانی که در زمین می‌باشند پیروی کنی تو را از راه خدا گمراه می‌کنند آنان جز از گمان پیروی نمی‌کنند و جز*

به حدس و تخمین نمی‌پردازند. باری پروردگار تو به کسی که از راه او منحرف می‌شود دانایتر است و او به راه‌یافتگان دانایتر است.

(خدایا پناه می‌آورم به تو از شر وسوسه‌های شیطان رانده شده تا مبدا القائنات شیطان بر سخنانی که بر دخترکم عرضه میکنم عاملی باشد بر انحراف و کج روی او.)

آیا کسی که مرده بود و خدا زنده‌اش گردانید و برای او نوری پدید آورد تا در پرتو آن در میان مردم راه برود چون کسی است که گویی گرفتار در تاریکی‌هاست و از آن بیرون آمدنی نیست؟ این گونه برای ناباوران آنچه انجام می‌دهند زینت داده می‌شود. و بدین گونه خدا در هر شهری گناهکاران بزرگش را می‌گمارد تا در آن به نیرنگ پردازند و آنان جز به خودشان نیرنگ نمی‌زنند و درک نمی‌کنند. و چون آیتی برایشان بیاید می‌گویند: هرگز ایمان نمی‌آوریم تا اینکه نظیر آنچه به فرستادگان خدا داده شده است به ما داده شود. *خدا/ بهتر می‌داند رسالتش را کجا قرار دهد.* پس کسی را که خدا بخواهد هدایت نماید دلش را به پذیرش تسلیم در برابر امر خدا می‌گشاید و هر که را بخواهد گمراه کند دلش را سخت تنگ می‌گرداند چنانکه گویی به زحمت در آسمان بالا می‌رود. این گونه خدا پلیدی را بر کسانی که باور ندارند قرار می‌دهد. و راه راست پروردگارت همین است.

دخترکم بگو پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است، دینی پایدار، آیین ابراهیم حق‌گرای و او از مشرکان نبود. بگو در حقیقت بندگی من و عبادات من و زندگی و مرگ من برای خدا پروردگار جهانیان است. او را شریکی نیست و بر این دستور یافته‌ام. بگو آیا جز خدا پروردگاری بجویم با اینکه او پروردگار هر چیزی است. و اوست کسی که شما را در زمین جانشین قرار داد و بعضی از شما را بر برخی دیگر به درجاتی برتری داد تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید. آری پروردگار تو زودکیفر است و او بس آمرزنده مهربان است. (۶)

دخترکم خدایت قرآن را در شبی فرخنده نازل کرد که او هشدار دهنده است. رحمتی از پروردگار توست که او شنوای داناست. پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است اگر یقین داری. خدایی جز او نیست او زندگی می‌بخشد و می‌میراند پروردگار تو و پروردگار پدران توست. ولی برخی از مردم به شک و شبهه خویش سرگرمند. پس در انتظار روزی باش که آسمان دودی نمایان برمی‌آورد که مردم را فرو می‌گیرد. این است عذاب پر درد؛ پروردگارا این عذاب را از ما دفع کن که ما ایمان داریم. آنان را کجا پند باشد و حال آنکه به یقین برای آنان پیامبری روشنگر آمده است. پس از او روی برتافتند و گفتند: تعلیم یافته‌ای

دیوانه است. ما این عذاب را اندکی از شما برمی‌داریم در حقیقت باز از سر می‌گیرید. روزی که دست به حمله می‌زنیم همان حمله بزرگ، ما انتقام‌کشنده‌ایم. و به یقین پیش از آنان قوم فرعون را بیازمودیم و پیامبری بزرگوار برایشان آمد که بندگان خدا را به من بسپارید زیرا که من شما را فرستاده‌ای امینم و بر خدا برتری مجوید که من برای شما حجتی آشکار آورده‌ام و من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم از اینکه مرا سنگباران کنید و اگر به من ایمان نمی‌آورید پس از من کناره گیرید. پس پروردگار خود را خواند که اینها مردمی گناهکارند؛ بندگانم را شبانه ببر زیرا شما مورد تعقیب واقع خواهید شد. و دریا را هنگامی که آرام است پشت سر بگذار که آنان سپاهی غرق شدند. چه باغها و چشمه سارانی بر جای نهادند و کشتزارها و جایگاه‌های نیکو و نعمتی که از آن برخوردار بودند. این چنین، و آنها را به مردمی دیگر میراث دادیم و آسمان و زمین بر آنان زاری نکردند و مهلت نیافتند و به راستی فرزندان اسرائیل را از عذاب خفت‌آور رهانیدیم، از فرعون که متکبری از افراطکاران بود و قطعا آنان را دانسته بر مردم جهان ترجیح دادیم و از نشانه‌ها آنچه را که در آن آزمایشی آشکار بود بدیشان دادیم. هر آینه این می‌گویند: جز مرگ نخستین دیگر نیست و ما زنده‌شدنی نیستیم. اگر راست می‌گوئید پس پدران ما را آورید؟ آیا ایشان بهترند یا قوم تبع و کسانی که پیش از آنها بودند؟ آنها را هلاک کردیم زیرا که گنهکار بودند و آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است به بازی نیافریده‌ایم، آنها را جز به حق نیافریده‌ایم لیکن بیشترشان نمی‌دانند. در حقیقت روز جدا سازی، موعد همه آنهاست؛ همان روزی که هیچ دوستی از هیچ دوستی نمی‌تواند حمایتی کند و آنان یاری نمی‌شوند مگر کسی را که خدا رحمت کرده است زیرا که اوست همان ارجمند مهربان. حقیقت را بر زبان تو آسان گردانیدیم امید که پند پذیری. پس مراقب باش زیرا که دیگران نیز مراقبند (۴۴)

بدان دخترکم که روزی دوتا است آن که آن را بجویی، و آن که تو را جوید، و اگر نزد آن نروی راه به سوی تو پوید. چه زشت است فروتنی هنگام نیازمندی، و درشتی به وقت بی‌نیازی. بهره تو از دنیا همان است که آبادانی خانه آخرت بدان است. **اگر بدانچه از دست رفته می‌زاری، پس زاری کن به همه آنچه در دست نداری.** از آنچه نبوده است بر آنچه بوده دلیل گیر، که کارها همانندند و یکدیگر را نظیر. از آنان مباش که پند سودشان ندهد جز با بسیار آزدن، که خرده‌مند پند به ادب گیرد و چارپا با تازیانه خوردن.

دخترکم این کتابی است که به سوی تو فرو فرستاده شده است پس نباید در سینه تو از ناحیه آن تنگی باشد تا به وسیله آن بتوانی راه را از بی راهه تشخیص دهی و زندگی بکنی. باشد که پندی برای تو باشد.

آنچه را از جانب پروردگار تو به سوی تو فرو فرستاده شده است پیروی کن و جز او از معبودان پیروی مکن اگر چه دریابی که اندک پند می گیری. و چه بسیار شهرها که آن را به هلاکت رسانیدیم و در حالی که به خواب شبانگاهی رفته یا نیمروز غنوده بودند عذاب ما به آنها رسید. و هنگامی که عذاب ما بر آنان آمد سخنشان جز این نبود که گفتند: راستی که ما ستمکار بودیم. پس قطعا از کسانی که به سوی آنان فرستاده شده اند خواهیم پرسید و قطعا از فرستادگان خواهیم پرسید. و *از روی دانش به آنان گزارش خواهیم داد و ما غایب نبوده ایم.* و در آن روز سنجش درست است پس هر کس میزانهای او گران باشد آنان خود رستگاراند. و هر کس میزانهای او سبک باشد پس آنانند که به خود زیان زده اند چرا که به آیات ما ستم کرده اند. و قطعا شما را در زمین قدرت عمل دادیم و برای شما در آن وسایل معیشت نهادیم چه کم سپاسگزاری می کنید.

دخترکم در حقیقت پروردگار تو آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش استیلا یافت، روز را به شب که شتابان آن را می طلبد می پوشاند و خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده اند، آگاه باش که خلق و امر از آن اوست. فرخنده خدایی است پروردگار جهانیان.

دخترکم پروردگار خود را به زاری و نهانی بخوان که او از حدگذرندگان را دوست نمی دارد. و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکن و با بیم و امید او را بخوان که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است. و اوست که بادها را پیشاپیش رحمتش مژده رسان می فرستد تا آن گاه که ابرهای گرانبار را بردارند آن را به سوی سرزمینی مرده برانیم و از آن باران فرود آوریم و از هر گونه میوه ای برآوریم بدینسان مردگان را خارج می سازیم باشد که شما متذکر شوید. و زمین پاک گیاهش به اذن پروردگارش برمی آید و آن که ناپاک است جز اندک و بی فایده بر نمی آید این گونه آیات را برای گروهی که شکر می گزارند گونه گون بیان می کنیم.

همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم پس گفت: ای قوم من خدا را بپرستید که برای شما معبودی جز او نیست من از عذاب روزی سترگ بر شما بیمناکم. سران قومش گفتند: واقعا ما تو را در گمراهی آشکاری می بینیم. گفت: ای قوم من، هیچ گونه گمراهی در من نیست بلکه من فرستاده ای از جانب پروردگار جهانیانم. پیامهای پروردگارم را به شما می رسانم و

اندرزتان می‌دهم و چیزهایی از خدا می‌دانم که نمی‌دانید. آیا تعجب کردید که بر مردی از خودتان پندی از جانب پروردگارتان برای شما آمده تا شما را بیم دهد و تا شما پرهیزگاری کنید و باشد که مورد رحمت قرار گیرید. پس او را تکذیب کردند و ما او و کسانی را که با وی در کشتی بودند نجات دادیم و کسانی را که آیات ما را دروغ پنداشتند غرق کردیم زیرا آنان گروهی کور بودند.

و به سوی عاد برادرشان هود را ، گفت: ای قوم من خدا را بپرستید که برای شما معبودی جز او نیست پس آیا پرهیزگاری نمی‌کنید؟ سران قومش که کافر بودند گفتند: در حقیقت ما تو را در سفاهت می‌بینیم و جدا تو را از دروغگویان می‌پنداریم. گفت: ای قوم من، در من سفاهتی نیست ولی من فرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیانم. پیامهای پروردگارم را به شما می‌رسانم و برای شما خیر خواهی امینم. آیا تعجب کردید که بر مردی از خودتان پندی از جانب پروردگارتان برای شما آمده تا شما را هشدار دهد و به خاطر آورید زمانی را که شما را پس از قوم نوح جانشینان قرار داد و در خلقت بر قوت شما افزود. پس نعمتهای خدا را به یاد آورید باشد که رستگار شوید. گفتند: آیا به سوی ما آمده‌ای که تنها خدا را بپرستیم و آنچه را که پدرانمان می‌پرستیدند رها کنیم؟ اگر راست می‌گویی آنچه را به ما وعده می‌دهی برای ما بیاور. گفت: راستی که عذاب و خشمی از پروردگارتان بر شما مقرر گردیده است. آیا درباره نامهایی که خود و پدرانتان نامگذاری کرده‌اید و خدا بر آنها برهانی فرو نفرستاده با من مجادله می‌کنید؟ پس منتظر باشید که من با شما از منتظرانم. پس او و کسانی را که با او بودند به رحمتی از خود رها نمودیم و کسانی را که آیات ما را دروغ شمردند و مؤمن نبودند ریشه‌کن کردیم.

و به سوی ثمود صالح برادرشان را ، گفت: ای قوم من خدا را بپرستید برای شما معبودی جز او نیست در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان دلیلی آشکار آمده است. این ماده شتر خدا برای شماست که پدیده‌ای شگرف است پس آن را بگذارید تا در زمین خدا بخورد و گزندی به او نرسانید تا شما را عذابی دردناک فرو گیرد. و به یاد آورید هنگامی را که شما را پس از عاد جانشینان گردانید و در زمین به شما جای داد در دشتهای آن کاههایی اختیار می‌کردید و از کوهها خانه‌هایی می‌تراشیدید پس نعمتهای خدا را به یاد آورید و در زمین سر به فساد برمدارید. سران قوم او که استکبار می‌ورزیدند به مستضعفانی که ایمان آورده بودند گفتند: آیا می‌دانید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است؟ گفتند: بی‌تردید ما به آنچه وی بدان رسالت یافته است مؤمنیم. کسانی که استکبار می‌ورزیدند گفتند: ما به

آنچه شما بدان ایمان آورده‌اید کافریم. پس آن ماده‌شتر را پی کردند و از فرمان پروردگار خود سرپیچیدند و گفتند: ای صالح اگر از پیامبرانی آنچه را به ما وعده می‌دهی برای ما بیاور. آنگاه زمین‌لرزه آنان را فرو گرفت و در خانه هایشان از پا درآمدند. پس از ایشان روی برتافت و گفت: ای قوم من، به راستی من پیام پروردگارم را به شما رساندم و خیر شما را خواستم ولی شما دوست نمی‌دارید.

و لوط را هنگامی که به قوم خود گفت: آیا آن کار زشت را مرتکب می‌شوید که هیچ کس از جهانیان در آن بر شما پیشی نگرفته است؟ شما از روی شهوت به جای زنان با مردان درمی‌آمیزید آری شما گروهی تجاوزکارید. ولی پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: آنان را از شهرتان بیرون کنید زیرا آنان کسانی‌اند که به پاکی تظاهر می‌کنند. پس او و خانواده‌اش را غیر از زنش که از زمره باقیمانندگان بود نجات دادیم. و بر سر آنان بارشی بارانیدیم پس بین فرجام گنهکاران چسان بود.

و به سوی مدین برادرشان شعیب راه گفت: ای قوم من خدا را بپرستید که برای شما هیچ معبودی جز او نیست در حقیقت شما را از جانب پروردگارتان برهانی روشن آمده است پس پیمان و ترازو را تمام نهید و اموال مردم را کم مدهید و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید این اگر مؤمنید برای شما بهتر است. و بر سر هر راهی منشینید که بترسانید و کسی را که ایمان به خدا آورده از راه خدا باز دارید و راه او را کج بخواهید و به یاد آورید هنگامی را که اندک بودید پس شما را بسیار گردانید و بنگرید که فرجام فسادکاران چگونه بوده است. و اگر گروهی از شما به آنچه من بدان فرستاده شده‌ام ایمان آورده و گروه دیگر ایمان نیاورده‌اند صبر کنید تا خدا میان ما داوری کند. او بهترین داوران است. سران قومش که تکبر می‌ورزیدند گفتند: ای شعیب یا تو و کسانی را که با تو ایمان آورده‌اند از شهر خودمان بیرون خواهیم کرد یا به کیش ما برگردید. گفت: آیا هر چند کراهت داشته باشیم. اگر بعد از آنکه خدا ما را از آن نجات بخشیده به کیش شما برگردیم در حقیقت به خدا دروغ بسته‌ایم و ما را سزاوار نیست که به آن بازگردیم مگر آنکه خدا پروردگار ما بخواهد. پروردگار ما از نظر دانش بر هر چیزی احاطه دارد بر خدا توکل کرده‌ایم. بار پروردگارا میان ما و قوم ما به حق داوری کن که تو بهترین داورانی. و سران قومش که کافر بودند گفتند: اگر از شعیب پیروی کنید در این صورت قطعاً زیانکارید. پس زمین لرزه آنان را فرو گرفت و در خانه‌هایشان از پا درآمدند. کسانی که شعیب را تکذیب کرده بودند گویی خود در آن سکونت نداشتند. کسانی که شعیب را تکذیب کرده بودند خود همان زیانکاران بودند. پس از ایشان

روی برتافت و گفت: ای قوم من به راستی که پیامهای پروردگارم را به شما رسانیدم و پندتان دادم دیگر چگونه بر گروهی که کافرن دروغ بخورم.

و در هیچ شهری پیامبری نفرستادیم مگر آنکه مردمش را به سختی و رنج دچار کردیم تا مگر به زاری درآیند. آنگاه به جای بدی نیکی قرار دادیم تا انبوه شدند و گفتند: پدران ما را رنج و راحت می‌رسیده است پس در حالی که بی خبر بودند بناگاه آنان را گرفتیم. و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعا برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم ولی تکذیب کردند پس به دستاوردشان آنان را گرفتیم.

آیا ساکنان شهرها ایمن شده‌اند از اینکه عذاب ما شامگاهان در حالی که به خواب فرو رفته‌اند به آنان برسد؟ و آیا ساکنان شهرها ایمن شده‌اند از اینکه عذاب ما نیمروز در حالی که به بازی سرگرمند به ایشان دررسد؟ آیا از مکر خدا خود را ایمن دانستند؟ جز مردم زیانکار خود را از مکر خدا ایمن نمی‌داند. مگر برای کسانی که زمین را پس از ساکنان آن به ارث می‌برند باز ننموده است که اگر می‌خواستیم آنان را به گناهانشان می‌رساندیم و بر دل‌هایشان مهر می‌نهادیم تا دیگر نشنوند.

این شهرهاست که برخی از خبرهای آن را بر تو حکایت می‌کنیم در حقیقت پیامبران این دلایل روشن برایشان آوردند اما آنان به آنچه قبلا تکذیب کرده بودند ایمان نمی‌آوردند این گونه خدا بر دل‌های کافران مهر می‌نهد. و در بیشتر آنان عهدی نیافتیم و بیشترشان را جدا نافرمان یافتیم.

دخترکم نامهای نیکو به خدا اختصاص دارد پس او را با آنها بخوان و کسانی را که در مورد نامهای او به کژی می‌گیرند رها کن زودا که به آنچه انجام می‌دادند کیفر خواهند یافت. و هر که را خداوند گمراه کند برای او هیچ رهبری نیست.

دخترکم گذشت پیشه کن و به پسندیده فرمان ده و از نادانان رخ برتاب. و اگر از شیطان وسوسه‌ای به تو رسد به خدا پناه بر زیرا که او شنوای داناست. در حقیقت کسانی که پروا دارند چون وسوسه‌ای از جانب شیطان بدیشان رسد به یاد آورند و بناگاه بینا شوند. و در دل خویش پروردگارت را بامدادان و شامگاهان با تضرع و ترس بی‌صدای بلند یاد کن و از غافلان مباش. به یقین کسانی که نزد پروردگار تو هستند از پرستش او تکبر نمی‌ورزند و او را به پاکی می‌ستایند و برای او سجده می‌کنند. (۷)

دخترکم بی‌گمان کسانی که بر حاکمیت مطلق خداوند بر امور انسانها باور ندارند اموال خود را خرج می‌کنند تا از راه خدا بازدارند پس به زودی آن را خرج می‌کنند و آنگاه حسرتی بر

آنان خواهد گشت سپس مغلوب می‌شوند و آنها در نهایت به سوی دوزخ گردآورده خواهند شد. تا خدا ناپاک را از پاک جدا کند و ناپاکها را روی یکدیگر نهد و همه را متراکم کند آنگاه در جهنم قرار دهد اینان همان زیانکارانند. پس به جد دوری کن از فراموشی یاد خدا. پس تنها بنده او می باش و روی به سوی او آر و تنها از او بیم دار! و بدان! دخترکم که هیچکس چون رسول (صلی الله علیه وآله) از خدا آگاهی نداده است پس خرسند باش که او را راهبرت گیری و برای نجات، پیشوایی اش را بپذیری. من در نصیحت تو کوتاهی نکردم، و تو هر چند بکوشی و درباره خود بیندیشی، به پایه اندیشه ای که من در حق تو دارم نخواهی رسید!

دخترکم خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در دل دارند تغییر دهند و خدا شنوای داناست. مراقب دلت باشد تا لانه شیطان نشود و در این راه از خدا یاری بخواه که موفقیت بر درک نادانی خویش است نه غره شدن بر توانایی خویش. دلت را به اندرز زنده دار و به پارسایی بمیران، و به یقین نیرو بخش و به حکمت روشن گردان، و با یاد مرگش خوار ساز، و به اقرار به نیست شدنش وادار ساز. و به سختیهای دنیایش بینا گردان، و از صولت روزگار و دگرگونی آشکار لیل و نهارش بترسان، و خبرهای گذشتگان را بدو عرضه دار، و آنچه را به آنان که پیش از تو بودند رسید به یادش آر، دخترکم در هجرتی که دل تنها و خالی شده ات پر شده است از یاد خدا، سودهای بسیاری است بر تو، اگر چه غم افزایی آن بر تو گران آید. آری خدا به هر چیزی داناست. (۸)

اعلام بیزاری است از طرف خدا و پیامبرش نسبت به آن مشرکانی که با ایشان پیمان بسته‌اید. پس چهار ماه در زمین بگردید و بدانید که شما نمی‌توانید خدا را به ستوه آورید و این خداست که رسواکننده کافران است. و اعلامی است از جانب خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر که خدا و پیامبرش در برابر مشرکان تعهدی ندارند اگر توبه کنید آن برای شما بهتر است و اگر روی بگردانید پس بدانید که شما خدا را درمانده نخواهید کرد.

بدان دخترکم، اگر پروردگارت شریکی داشت پیامبران او نزد تو می آمدند، و نشانه های پادشاهی و قدرت او را می دیدی، و از کردار و صفت‌های او آگاه می گردیدی. لیکن او خدای یکتاست چنانکه خود خویش را وصف کرده است. کسی در حکمرانی وی مخالف او نیست، و ملک او جاودانه و همیشگی است. آغاز همه چیزهاست و او را اولیت نیست، و آخر است پس از همه اشیاء و او را نهایت نیست. برتر از آن است که ربوبیت او را دلی فراگیرد و یا در دیده ای جای پذیرد، و چون این را دانستی کار چنان کن که از چون تویی باید که خرد منزلت است و بیمقدار، و توانایی اش کم و ناتوانی اش بسیار و طاعت خدا را خواهان و از عقوبتش

ترسان، و *از خشم او هراسان* که خدا تو را جز نیکوکاری نفرموده و جز از زشتکاری نهی ننموده.

کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته‌اند نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند. پروردگارشان آنان را از جانب خود به رحمت و خشنودی و باغهایی که در آنها نعمتهایی پایدار دارند مژده می‌دهد. جاودانه در آنها خواهند بود در حقیقت خداست که نزد او پاداشی بزرگ است.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید حقیقت این است که مشرکان ناپاکند. و یهود گفتند: عزیر پسر خداست و نصاری گفتند: مسیح پسر خداست. این سخنی است که به زبان می‌آورند و به گفتار کسانی که پیش از این کافر شده‌اند شباهت دارد خدا آنان را بکشد چگونه بازگردانده می‌شوند. اینان دانشمندان و راهبان خود و مسیح پسر مریم را به جای خدا به الوهیت گرفتند با آنکه مامور نبودند جز اینکه خدایی یگانه را بپرستند که هیچ معبودی جز او نیست منزّه است او از آنچه شریک می‌گردانند. می‌خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند ولی خداوند نمی‌گذارد تا نور خود را کامل کند هر چند کافران را خوش نیاید. او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

دخترکم اگر بدنبال موفقیت و سعادت‌مندی دنیوی و اخروی هستی باید باور داشته باشی که خداوند بر اعمال تو بینا و شنواست و اوست که تو را رهنمون میکند بسوی موفقیت همانطور که پیامبرانش را راهنمایی می‌کرده است. به یاد بیار که ؛ او نفر دوم از دو تن بود آنگاه که در غار بودند وقتی به همراه خود می‌گفت: اندوه مدار که خدا با ماست. *پس خدا / رامش خود را بر او فرو فرستاد* و او را با سپاهیانی که آنها را نمی‌دیدید تایید کرد و کلمه کسانی را که کفر ورزیدند پست‌تر گردانید و کلمه خداست که برتر است و خدا شکست‌ناپذیر حکیم است. دخترکم بگو جز آنچه خدا برای ما مقرر داشته هرگز به ما نمی‌رسد او سرپرست ماست و مؤمن باید تنها بر خدا توکل کند.

آیا گزارش کسانی که پیش از آنان بودند قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین و شهرهای زیر و رو شده به ایشان نرسیده است. پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند. خدا بر آن نبود که به آنان ستم کند ولی آنان بر خود ستم روا می‌داشتند. و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و بندگی را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. آنانند که خدا

به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است. خداوند به مردان و زنان با ایمان باغهایی وعده داده است که از زیر آن نهرها جاری است در آن جاودانه خواهند بود و سراهایی پاکیزه در بهشتهای جاودان و خشنودی خدا بزرگتر است این است. همان کامیابی بزرگ.

دخترکم به هوش باش و آگاه که مبدا فعل تو عامل برانگیختگی خشم پروردگار باشد. و این یک حقیقت و سنت الهی است. همانطور که حتی آموزش پیامبرش را نیز نپذیرفت؛ (چه برای آنان آموزش بخواهی یا برایشان آموزش نخواهی اگر هفتاد بار برایشان آموزش طلب کنی هرگز خدا آنان را نخواهد آمرزید چرا که آنان به خدا و فرستاده‌اش کفر ورزیدند و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند). و عده‌ای دیگر موقوف به فرمان خداست یا آنان را عذاب می‌کند و یا توبه آنها را می‌پذیرد و خدا دانای سنجیده‌کار است. بر پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند سزاوار نیست که برای مشرکان پس از آنکه برایشان آشکار گردید که آنان اهل دوزخند طلب آموزش کنند هر چند خویشاوند باشند. و طلب آموزش ابراهیم برای پدرش جز برای وعده‌ای که به او داده بود نبود و هنگامی که برای او روشن شد که وی دشمن خداست از او بی‌زاری جست. راستی ابراهیم دلسوزی بردبار بود. و خدا بر آن نیست که گروهی را پس از آنکه هدایتشان نمود بی‌راه بگذارد مگر آنکه چیزی را که باید از آن پروا کنند برایشان بیان کرده باشد. آری خدا به هر چیزی داناست.

در حقیقت فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست. زنده می‌کند و می‌میراند و برای شما جز خدا یار و یاور نیست.

قطعا برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید به شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز مهربان است. پس اگر روی برتافتند بگو خدا مرا بس است هیچ معبودی جز او نیست بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است. (۹)

آیا برای مردم شگفت‌آور است که به مردی از خودشان وحی کردیم که مردم را بیم ده و به کسانی که ایمان آورده‌اند مژده ده که برای آنان نزد پروردگارشان سابقه نیک است؟

پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید سپس بر عرش استیلا یافت کار را تدبیر می‌کند. شفاعتگری جز پس از اذن او نیست. این است خدا پروردگار شما، پس او را بپرستید آیا پند نمی‌گیرید؟ بازگشت همه شما به سوی اوست. وعده خدا حق است. هموست که آفرینش را آغاز می‌کند سپس آن را باز می‌گرداند تا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند به عدالت پاداش دهد و کسانی که کفر ورزیده‌اند

به سزای کفرشان شربتی از آب جوشان و عذابی پر درد خواهند داشت. اوست کسی که خورشید را روشنایی بخشید و ماه را تابان کرد و برای آن منزلهایی معین کرد تا شماره سالها و حساب را بدانید خدا اینها را جز به حق نیافریده است. نشانه‌ها را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کند. به راستی در آمد و رفت شب و روز و آنچه خدا در آسمانها و زمین آفریده برای مردمی که پروا دارند دلایلی است. کسانی که امید به دیدار ما ندارند و به زندگی دنیا دل خوش کرده و بدان اطمینان یافته‌اند و کسانی که از آیات ما غافلند. آنان به آنچه به دست می‌آوردند جایگاهشان آتش است. کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند پروردگارشان به پاس ایمانشان آنان را هدایت می‌کند به باغهای نعمت که از زیر آنان نهرها روان خواهد بود. نیایش آنان در آنجا سبحانک اللهم و درودشان در آنجا سلام است و پایان نیایش آنان این است که الحمد لله رب العالمین. و اگر خدا برای مردم به همان شتاب که آنان در کار خیر می‌طلبند در رساندن بلا به آنها شتاب می‌نمود قطعا اجلشان فرا می‌رسید. پس کسانی را که به دیدار ما امید ندارند در طغیانشان رها می‌کنیم تا سرگردان بمانند. و چون انسان را آسیبی رسد ما را به پهلوی خوابیده یا نشسته یا ایستاده می‌خواند و چون گرفتاریش را برطرف کنیم چنان می‌رود که گویی ما را برای گرفتاریی که به او رسیده نخوانده است. این گونه برای اسرافکاران آنچه انجام می‌دادند زینت داده شده است.

او کسی است که شما را در خشکی و دریا می‌گرداند تا وقتی که در کشتیها باشید و آنها با بادی خوش آنان را ببرند و ایشان بدان شاد شوند. بادی سخت بر آنها وزد و موج از هر طرف بر ایشان تازد و یقین کنند که در محاصره افتاده‌اند در آن حال خدا را پاکدلانه می‌خوانند که اگر ما را از این برهانی قطعا از سپاسگزاران خواهیم شد. پس چون آنان را رهانید ناگهان در زمین بناحق سرکشی می‌کنند. ای مردم سرکشی شما فقط به زیان خود شماست. شما بهره زندگی دنیا را می‌خواهید، سپس بازگشت شما به سوی ما خواهد بود پس شما را از آنچه انجام می‌دادید باخبر خواهیم کرد.

در حقیقت مثل زندگی دنیا بسان آبی است که آن را از آسمان فرو ریختیم پس گیاه زمین از آنچه مردم و دامها می‌خورند با آن درآمیخت تا آنگاه که زمین پیرایه خود را برگرفت و آراسته گردید و اهل آن پنداشتند که آنان بر آن قدرت دارند. شبی یا روزی فرمان ما آمد و آن را چنان در ویده کردیم که گویی دیروز وجود نداشته است این گونه نشانه‌ها را برای مردمی که اندیشه می‌کنند به روشنی بیان می‌کنیم. و خدا به سرای سلامت فرا می‌خواند و هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند.

دخترکم چنان نیست که این از جانب غیر خدا به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق آنچه پیش از آن است می‌باشد و توضیحی از آن کتاب است که در آن تردیدی نیست از پروردگار جهانیان است.

دخترکم بدان که در حقیقت آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست. بدان که در حقیقت وعده خدا حق است ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. او زنده می‌کند و می‌میراند و به سوی او بازگردانیده می‌شوید.

دخترکم به یقین برای تواز جانب پروردگارت اندرزی و درمانی برای آنچه در سینه‌ات هست ، آمده است. پس به فضل و رحمت خداست که باید شاد شوی و این از هر چه گرد می‌آوری بهتر است. آگاه باش که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند. در زندگی دنیا و در آخرت مژده برای آنان است. وعده‌های خدا را تبدیلی نیست. این همان کامیابی بزرگ است.

سخن مردم ناباور تو را غمگین نکند زیرا عزت همه از آن خداست. او شنوای داناست. آگاه باش که هر که در آسمانها و هر که در زمین است از آن خداست. آنان جز از گمان پیروی نمی‌کنند و جز گمان نمی‌برند. اوست کسی که برای شما شب را قرار داد تا در آن بیارامید و روز را روشن، بی گمان در این برای مردمی که می‌شنوند نشانه‌هایی است.

دخترکم خبر نوح را بر خود بخوان آنگاه که به قوم خود گفت: ای قوم من اگر ماندن من و اندرز دادن من به آیات خدا بر شما گران آمده است بر خدا توکل کرده‌ام پس در کارتان با شریکان خود همداستان شوید تا کارتان بر شما ملتبس ننماید سپس در باره من تصمیم بگیرید و مهلتم ندهید. و اگر روی گردانیدید من مزدی از شما نمی‌طلبم پاداش من جز بر عهده خدا نیست و مامورم که از گردن نهندگان باشم. پس او را تکذیب کردند آنگاه وی را با کسانی که در کشتی همراه او بودند نجات دادیم و آنان را جانشین ساختیم و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند غرق کردیم. پس بنگر که فرجام بیم‌داده‌شدگان چگونه بود. آنگاه پس از وی رسولانی را به سوی قومشان برانگیختیم و آنان دلایل آشکار برایشان آوردند ولی ایشان بر آن نبودند که به چیزی که قبلا آن را دروغ شمرده بودند ایمان بیاورند این گونه ما بر دل‌های تجاوزکاران مهر می‌نهمیم. سپس بعد از آنان موسی و هارون را با آیات خود به سوی فرعون و سران وی فرستادیم و گردنکشی کردند و گروهی تبهکار بودند. پس چون حق از نزد ما به سویشان آمد گفتند: قطعاً این سحری آشکار است. موسی گفت: آیا وقتی حق به سوی شما آمد می‌گویید آیا این سحر است و حال آنکه جادوگران رستگار نمی‌شوند. گفتند:

آیا به سوی ما آمده‌ای تا ما را از شیوه‌ای که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم بازگردانی و بزرگی در این سرزمین برای شما دو تن باشد؟ ما به شما دو تن ایمان نداریم. و فرعون گفت: هر جادوگر دانایی را پیش من آورید. و چون جادوگران آمدند موسی به آنان گفت: آنچه را می‌اندازید ببیندازید. پس چون افکندند موسی گفت: آنچه را شما به میان آوردید سحر است به زودی خدا آن را باطل خواهد کرد. آری خدا کار مفسدان را تایید نمی‌کند. و خدا با کلمات خود حق را ثابت می‌گرداند هر چند بزهکاران را خوش نیاید. سرانجام کسی به موسی ایمان نیاورد مگر فرزندان از قوم وی در حالی که بیم داشتند از آنکه مبدا فرعون و سران آنها ایشان را آزار رسانند و در حقیقت فرعون در آن سرزمین برتری جوی و از اسرافکاران بود. و موسی گفت: ای قوم من اگر به خدا ایمان آورده‌اید و اگر اهل تسلیمید بر او توکل کنید. پس گفتند: بر خدا توکل کردیم. پروردگارا ما را برای قوم ستمگر آزمایش قرار مده. و ما را به رحمت خویش از گروه کافران نجات ده. و به موسی و برادرش وحی کردیم که شما دو تن برای قوم خود در مصر خانه‌هایی ترتیب دهید و سراهیتان را رو به روی هم قرار دهید و بندگی برپا دارید و مؤمنان را مژده ده. و موسی گفت: پروردگارا تو به فرعون و اشرافش در زندگی دنیا زیور و اموال داده‌ای، پروردگارا تا از راه تو گمراه کنند. *پروردگارا اموالشان را نابود کن و آنان را دل سخت گردان که ایمان نیاورند* تا عذاب دردناک را ببینند. *فرمود: دعای هر دوی شما پذیرفته شد* پس ایستادگی کنید و راه کسانی را که نمی‌دانند پیروی نکنید. و فرزندان اسرائیل را از دریا گذرانید پس فرعون و سپاهیان از روی ستم و تجاوز آنان را دنبال کردند تا وقتی که در شرف غرق شدن قرار گرفت گفت: ایمان آوردم که هیچ معبودی جز آنکه فرزندان اسرائیل به او گرویده‌اند نیست و من از تسلیم شدگانم. اکنون در حالی که پیش از این نافرمانی می‌کردی و از تباهکاران بودی. پس امروز تو را با زره خودت به بلندی می‌افکنیم تا برای کسانی که از پی تو می‌آیند عبرتی باشد و بی‌گمان بسیاری از مردم از نشانه‌های ما غافلند.

به راستی ما فرزندان اسرائیل را در جایگاه نیکو منزل دادیم و از چیزهای پاکیزه به آنان روزی بخشیدیم پس به اختلاف نپرداختند مگر پس از آنکه علم برای آنان حاصل شد. همانا پروردگار تو در روز قیامت در باره آنچه بر سر آن اختلاف می‌کردند میانشان داوری خواهد کرد.

و اگر از آنچه به سوی تو نازل کرده‌ایم در تردیدی از کسانی که پیش از تو کتاب می‌خواندند بپرس. قطعاً حق از جانب پروردگارت به سوی تو آمده است پس زنه‌ار از تردیدکنندگان مباش. و از کسانی که آیات ما را دروغ پنداشتند مباش که از زیانکاران خواهی بود.

در حقیقت کسانی که سخن پروردگارت بر آنان تحقق یافته ایمان نمی‌آورند. هر چند هر گونه آیتی برایشان بیاید تا وقتی که عذاب دردناک را ببینند.

چرا هیچ شهری نبود که ایمان بیاورد و ایمانش به حال آن سود بخشد مگر قوم یونس که وقتی ایمان آوردند عذاب رسوایی را در زندگی دنیا از آنان برطرف کردیم و تا چندی آنان را بر خوردار ساختیم.

و اگر پروردگار تو می‌خواست قطعاً هر که در زمین است همه آنها یکسر ایمان می‌آوردند پس آیا تو مردم را ناگزیر می‌کنی که بگروند. و هیچ کس را نرسد که جز به اذن خدا ایمان بیاورد و بر کسانی که نمی‌اندیشند پلیدی را قرار می‌دهد.

دخترکم بگو بنگرید که در آسمانها و زمین چیست و نشانه‌ها و هشدارها گروهی را که ایمان نمی‌آورند سود نمی‌بخشد. پس آیا جز مانند روزهای کسانی را که پیش از آنان درگذشتند انتظار می‌برند. بگو انتظار برید که من با شما از منتظرانم. سپس فرستادگان خود و کسانی را که گرویدند می‌رهانیم. زیرا بر ما فریضه است که مؤمنان را نجات دهیم.

دخترکم از آنچه با اراده پروردگارت برای تو می‌نویسم پیروی کن و شکبیا باش تا خدا داوری کند و او بهترین داوران است. (۱۰)

دخترکم این کتابی است که آیات آن استحکام یافته سپس از جانب حکیمی آگاه به روشنی بیان شده است. که جز خدا را نپرستی به راستی من از جانب او برای تو هشداردهنده و بشارتگرم. و اینکه از پروردگارت آمرزش بخواه سپس به درگاه او توبه کن ، تورا با بهره‌مندی نیکویی تا زمانی معین بهره‌مند سازد.

دخترکم آگاه باش که آنان دل می‌گردانند تا از او نهفته دارند. آگاه باش آنگاه که آنان جامه‌هایشان را بر سر می‌کشند آنچه را نهفته و آنچه را آشکار می‌دارند می‌داند زیرا او به اسرار سینه‌ها داناست. و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر روزیش بر عهده خداست و قرارگاه و محل مردنش را می‌داند. همه در کتابی روشن است. و اوست کسی که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید و اگر بگویی شما پس از مرگ برانگیخته خواهید شد قطعاً کسانی که باور ندارند خواهند گفت: این جز سحری آشکار نیست. و اگر عذاب را تا چندگاهی از آنان به تاخیر

افکنیم حتما خواهند گفت: چه چیز آن را باز می‌دارد؟ آگاه باش روزی که به آنان برسد از ایشان بازگشتنی نیست و آنچه را که مسخره می‌کردند آنان را فرو خواهد گرفت. و اگر از جانب خود رحمتی به انسان بپشانیم سپس آن را از وی سلب کنیم قطعا نومید و ناسپاس خواهد بود. و اگر پس از محنتی که به او رسیده نعمتی به او بپشانیم حتما خواهد گفت: گرفتاریها از من دور شد بی‌گمان او شادمان و فخر فروش است. مگر کسانی که شکیبایی ورزیده و کارهای شایسته کرده‌اند برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ خواهد بود. و مبادا تو برخی از آنچه را که به تو می‌گوییم فراموش کنی و سینهات بدان تنگ گردد که می‌گویند: چرا گنجی نداری یا دست غیبی تو را یاور نیست. تو فقط یادآور کننده سخنان خدایت بر خود هستی و خدا بر هر چیزی نگهبان است. یا می‌گویند: این سخنان ساخته و پرداخته ذهن پدرت هست و آنها را به دروغ ساخته است. به خودت یادآور باش و بگو اگر قرآن هادی حق نبود اندیشمندان بزرگ بشریت همچون مولانا پس از درک حقایق هستی بر آن چنگ نمی‌زدند و سراع منبع قوی تری می‌رفتند و یا اینکه بر کلام خویش تکیه می‌کردند. پس در آن تردید مکن که آن حق است از جانب پروردگارت، ولی بیشتر مردم باور نمی‌کنند. دخترکم آگاه باش که بهترین مخلوق خداوند انسان و بهترین سخن کلام خداست ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

دختر گلم وقتی که به تاریخ رجوع میکنی درمی‌یابی که نوح آمد و هشدار داد ولی اکثریت باور نکردند و آن شد عاقبت آنها.

عاد آمد و هشدار داد ولی بیشتر مردم حرفهایش را قبول کردند و آن شد که باید می‌شد. صالح آمد و معجزه نشان داد و مردم ابتدا متعجب زده شدند ولی گذر زمان فراموشی را بر آنان غالب ساخت و از پیروی صالح روی گران شدند و آخر و عاقبتشان آن شد که باید می‌شد.

... ابراهیم و لوط و شعیب و موسی و ... نیز همینطور

پس بدانکه در هر زمانه ای ایمان آورندگان بر سخن حق زیاد نخواهند بود و این سنت خداست. با مراجعه مستمر بر سخن خدا مراقب باش تا ذهنت آلوده نشود بر سخنان غیر.

این از خبرهای آن شهرهاست که آن را به تو یادآور می‌شوم بعضی از آنها بر سر پا هستند و بر باد رفته‌اند. و خدا به آنان ستم نکرد ولی آنان به خودشان ستم کردند پس چون فرمان پروردگارت آمد خدایانی که به جای خدا می‌خواندند هیچ به کارشان نیامد و جز بر هلاکت

آنان نیفزود. و این گونه بود گرفتن پروردگارت، وقتی شهرها را در حالی که ستمگر بودند می گرفت. *آری گرفتن او دردناک و سخت است.*

پس در باره باورهای دیگران در تردید مباش. آنان جز همان گونه که قبلا پدرانشان می پرستیدند نمی پرستند و خدا بهره ایشان را تمام و ناکاسته خواهد داد. و به حقیقت خدا به موسی کتاب داد پس در مورد آن اختلاف شد و اگر از جانب پروردگارت وعده ای پیشی نگرفته بود قطعاً میان آنها داوری شده بود و بی گمان آنان در باره آن در شکی بهتان آمیزند. و قطعاً پروردگارت اعمال هر یک را به تمام به آنان خواهد داد چرا که او به آنچه انجام می دهند آگاه است. پس همان گونه که دستور یافته ای ایستادگی کن و طغیان مکن که او به آنچه انجام می دهی بیناست. و به کسانی که ستم کرده اند متمایل مشو که آتش به تو می رسد و در برابر خدا برای تو دوستانی نخواهد بود و سرانجام یاری نخواهی شد. و در دو طرف روز و نخستین ساعات شب بندگی را برپا دار *زیرا خویبها بدیها را از میان می برد.* این برای تو اگر پندپذیر باشی، پندی است. و شکبیا باش که خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی گرداند. و *اگر پروردگار تو می خواست قطعاً همه مردم را امت واحدی قرار می داد در حالی که پیوسته در اختلافند.* مگر کسانی که پروردگار تو به آنان رحم کرده و برای همین آنان را آفریده است و وعده پروردگارت تحقق پذیرفته است. البته جهنم را از جن و انس یکسره پر خواهم کرد.

دخترکم هر یک از سرگذشتهای پیامبران را که بر تو حکایت می کنم چیزی است که با عنایت خدایت دلت دان استوار می گردد و در اینها حقیقت برای تو آمده و اندرز و تذکری است. دخترکم ناباوران را به حال خودشان واگذار تا بر حسب امکانات خود عمل کنند و تو نیز با صبر و شکیبایی راه خود را در پیش بگیر و منتظر باش. و نهان آسمانها و زمین از آن خداست و تمام کارها به او بازگردانده می شود. پس او را پرستش کن و بر او توکل نمای و پروردگار تو از آنچه انجام می دهید غافل نیست. (۱۱)

دخترکم این است نشانه کتاب روشنگر. خدا آن را نازل کرد باشد که بیندیشی. به دختر گلم سفارش میکنم که از خواندن مکرر این نشانه خدا هیچ وقت ملول نشو و اگر ذهنت به تو تلقین کرد که از آن بگذر زیرا که تو داستان را بارها و بارها شنیده ای، خودت را برای خواندن آن ترغیب کن زیرا که لابلای کلمات این نشانه خدا حتما طراوت قطرات اشکهای پدرت حال دلت را تلطیف و معطر خواهد کرد. دختر نازنینم عزیز بابا با خواندن این حکایت درمی یابی که پدرت چقدر مشتاق دیدار یوسف درون خودش بوده است زیرا که پدرت در

مقطعی از حیاتش با آن هادی پاک سیرت بوده و خوب میداند که رسیدن به خودش برابر است با رسیدن به خدایش، ولی این وصال از توانایی عقل خارج و در گرو دل است. در این حالت و کیفیت درونی است که تنها سلاح انسان میشود اشک و صبر. دخترکم خدا *نیکوترین سرگذشت* را به موجب این کتاب که الهامی است از سوی او بر این بنده حقیرش بر تو حکایت می‌کند.

دخترکم به یاد بیار زمانی را که یوسف به پدرش گفت: ای پدر من یازده ستاره را با خورشید و ماه دیدم، دیدم برای من سجده می‌کنند. گفت: ای پسرک من خوابت را برای برادرانت حکایت مکن که برای تو نیرنگی می‌اندیشند زیرا *شیطان برای آدمی دشمنی آشکار است*. و این چنین پروردگارت تو را برمی‌گزیند و از تعبیر خوابها به تو می‌آموزد و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام می‌کند همان گونه که قبلا بر پدران تو ابراهیم و اسحاق تمام کرد. در حقیقت پروردگار تو دانای حکیم است.

به راستی در یوسف و برادرانش برای پرسندگان عبرت‌هاست؛ هنگامی که گفتند: یوسف و برادرش نزد پدرمان از ما که جمعی نیرومند هستیم دوست داشتنی ترند قطعا پدر ما در گمراهی آشکاری است.

یوسف را بکشید یا او را به سرزمینی بیندازید تا توجه پدرتان معطوف شما گردد و پس از او مردمی شایسته باشید.

گوینده‌ای از میان آنان گفت: یوسف را بکشید اگر کاری می‌کنید او را در نهانخانه چاه بیفکنید تا برخی از مسافران او را بگیرند.

گفتند: ای پدر تو را چه شده است که ما را بر یوسف امین نمی‌دانی در حالی که ما خیرخواه او هستیم. فردا او را با ما بفرست تا بگردد و بازی کند و ما به خوبی نگهبان او خواهیم بود. گفت: اینکه او را ببرید سخت مرا اندوهگین می‌کند و می‌ترسم از او غافل شوید و گرگ او را بخورد. گفتند: اگر گرگ او را بخورد با اینکه ما گروهی نیرومند هستیم در آن صورت ما قطعا بی‌مقدار خواهیم بود. پس وقتی او را بردند و همدستان شدند تا او را در نهانخانه چاه بگذارند و به *او وحی کردیم که قطعا آنان را از این کارشان در حالی که نمی‌دانند با خبر خواهی کرد*. و شامگاهان گریان نزد پدر خود آمدند. گفتند: ای پدر ما رفتیم مسابقه دهیم و یوسف را پیش کالای خود نهادیم آنگاه گرگ او را خورد ولی تو ما را هر چند راستگو باشیم باور نمی‌داری. و پیراهنش را به خونی دروغین آوردند. گفت: بلکه نفس شما کاری را برای شما آراسته است. اینک صبری نیکو، و بر آنچه توصیف می‌کنید خدا یاری‌ده است. و

کاروانی آمد پس آب‌آور خود را فرستادند و دلوش را انداخت گفت: مژده این یک پسر است و او را چون کالایی پنهان داشتند و خدا به آنچه می‌کردند دانا بود. و او را به بهای ناچیزی چند درهم فروختند و در آن بی‌ربغت بودند. و آن کس که او را از مصر خریده بود به همسرش گفت: نیکش بدار شاید به حال ما سود بخشد یا او را به فرزندی اختیار کنیم و بدین گونه ما یوسف را در آن سرزمین مکانت بخشیدیم تا به او تاویل خوابها را بیاموزیم و خدا بر کار خویش چیره است ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. و چون به حد رشد رسید او را حکمت و دانش عطا کردیم و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم. و آن که وی در خانه‌اش بود خواست از او کام گیرد و درها را چفت کرد و گفت: بیا که از آن توام. گفت: پناه بر خدا، او آقای من است به من جای نیکو داده است. قطعا ستمکاران رستگار نمی‌شوند. و در حقیقت آهنگ وی کرد و اگر برهان پروردگارش را ندیده بود آهنگ او می‌کرد چنین تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم. چرا که او از بندگان مخلص ما بود. و آن دو به سوی در بر یکدیگر سبقت گرفتند و پیراهن او را از پشت بدرید و در آستانه در آقای آن زن را یافتند، آن گفت: کیفر کسی که قصد بد به خانواده تو کرده چیست؟ جز اینکه زندانی یا عذابی دردناک شود. گفت: او از من کام خواست و شاهی از خانواده آن زن شهادت داد اگر پیراهن او از جلو چاک خورده زن راست گفته و او از دروغگویان است. و اگر پیراهن او از پشت دریده شده زن دروغ گفته و او از راستگویان است. پس چون دید پیراهن او از پشت چاک خورده است گفت: بی‌شک این از نیرنگ شما است که نیرنگ شما بزرگ است. ای یوسف از این روی بگردان و تو برای گناه خود آمرزش بخواه که تو از خطاکاران بوده‌ای. و زنان در شهر گفتند: زن عزیز از غلام خود کام خواسته و سخت خاطرخواه او شده است. به راستی ما او را در گمراهی آشکاری می‌بینیم. پس چون از مکرشان اطلاع یافت نزد آنان فرستاد و محفلی برایشان آماده ساخت و به هر یک از آنان کاردی داد و گفت: بر آنان درآی. پس چون او را دیدند وی را بس شگرف یافتند و دستهای خود را بردند و گفتند: منزّه است خدا، این بشر نیست، این جز فرشته‌ای بزرگوار نیست. گفت: این همان است که در باره او سرزنشم می‌کردید آری من از او کام خواستم و او خود را نگاه داشت و اگر آنچه را به او دستور می‌دهم نکند قطعا زندانی خواهد شد و حتما از خوارشدگان خواهد گردید.

گفت: پروردگارا زندان برای من دوست داشتنی‌تر است از آنچه مرا به آن می‌خوانند و اگر نیرنگ آنان را از من بازگردانی به سوی آنان خواهم گرایید و از نادانان خواهم شد. پس پروردگارش او را اجابت کرد و او را روانه کرد بسوی زندانی که درخواست کرده بود تا نیرنگ

آنان را از او بگرداند. *آری او شنوای داناست.* (دخترکم در خواسته هات از خدا دقت داشته باش؛ زیرا که این خواسته های ما هستند که آینده ما را رقم میزنند. و همچنین از پرداخت بیش از حد پدرت بر این حکایت بپرهیز تا از جان کلام بهرمنده شوی)

آنگاه پس از دیدن آن نشانه‌ها به نظرشان آمد که او را تا چندی به زندان افکنند. و دو جوان با او به زندان درآمدند یکی از آن دو گفت: من خویشتن را دیدم که شراب می‌فشارم و دیگری گفت: من خود را دیدم که بر روی سرم نان می‌برم و پرندگان از آن می‌خورند به ما از تعبیرش خبر ده که ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم. گفت: غذایی را که روزی شماست برای شما نمی‌آورند مگر آنکه من از تعبیر آن به شما خبر می‌دهم پیش از آنکه به شما برسد این از چیزهایی است که پروردگارم به من آموخته است من آیین قومی را که به خدا اعتقاد ندارند و منکر آخرتند رها کرده‌ام و آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب را پیروی نموده‌ام برای ما سزاوار نیست که چیزی را شریک خدا کنیم این از عنایت خدا بر ما و بر مردم است ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند. ای دو رفیق زندانیم آیا خدایان پراکنده بهترند یا خدای یگانه مقتدر. شما به جای او جز نامهایی را نمی‌پرستید که شما و پدرانتان آنها را نامگذاری کرده‌اید و خدا دلیلی بر آنها نازل نکرده است. فرمان جز برای خدا نیست. *دستور داده که جز او را نپرستید این است دین درست ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.* ای دو رفیق زندانیم اما یکی از شما به آقای خود باده می‌نوشاند و اما دیگری به دار آویخته می‌شود و پرندگان از سرش می‌خورند امری که شما دو تن از من جويا شدید تحقق یافت. و به آن کس از آن دو که گمان می‌کرد خلاص می‌شود گفت: مرا نزد آقای خود به یاد آور و شیطان یادآوری به آقايش را از یاد او برد در نتیجه چند سالی در زندان ماند. و پادشاه گفت: من دیدم هفت گاو فربه است که هفت لاغر آنها را می‌خورند و هفت خوشه سبز و خشکیده دیگر. ای سران قوم اگر خواب تعبیر می‌کنید در باره خواب من به من نظر دهید. گفتند: خوابهایی است پریشان و ما به تعبیر خوابهای آشفته دانا نیستیم. و آن کس از آن دو که نجات یافته و پس از چندی به خاطر آورده بود گفت: مرا بفرستید تا شما را از تعبیر آن خبر دهم.

ای یوسف ای مرد راستگوی در باره هفت گاو فربه ، هفت لاغر آنها را می‌خورند و هفت خوشه سبز و خشکیده دیگر به ما نظر ده تا به سوی مردم برگردم شاید آنان بدانند. گفت: هفت سال پی در پی می‌کارید و آنچه را درویدید جز اندکی را که می‌خورید در خوشه‌اش واگذارید. آنگاه پس از آن هفت سال سخت می‌آید که آنچه را برای آن از پیش نهاده‌اید جز

اندکی را که ذخیره می‌کنید همه را خواهند خورد. آنگاه پس از آن سالی فرا می‌رسد که به مردم در آن باران می‌رسد و در آن آب میوه می‌گیرند. و پادشاه گفت: او را نزد من آورید. پس هنگامی که آن فرستاده نزد وی آمد گفت: نزد آقای خویش برگرد و از او بپرس که حال آن زنانی که دستهای خود را بریدند چگونه است؟ زیرا پروردگار من به نیرنگ آنان آگاه است.

گفت: وقتی از یوسف کام خواستید چه منظور داشتید زنان گفتند: منزه ست خدا ما گناهی بر او نمی‌دانیم. همسر عزیز گفت: اکنون حقیقت آشکار شد من از او کام خواستم و بی‌شک او از راستگویان است. این برای آن بود که بداند من در نهان به او خیانت نکردم و خدا نیرنگ خائنان را به جایی نمی‌رساند. و من نفس خود را تبرئه نمی‌کنم چرا که *نفس قطعاً به بدی امر می‌کند مگر کسی را که خدا رحم کند* زیرا پروردگار من آمرزنده مهربان است. و پادشاه گفت: او را نزد من آورید تا وی را خاص خود کنم پس چون با او سخن راند گفت: تو امروز نزد ما با منزلت و امین هستی. گفت: مرا بر خزانه‌های این سرزمین بگمار که من نگهبانی دانا هستم. و بدین گونه یوسف را در سرزمین قدرت دادیم که در آن هر جا که می‌خواست سکونت می‌کرد هر که را بخواهیم به رحمت خود می‌رسانیم و اجر نیکوکاران را تبه نمی‌سازیم. و البته اجر آخرت برای کسانی که ایمان آورده و پرهیزگاری می‌نمودند بهتر است. و برادران یوسف آمدند و بر او وارد شدند آنان را شناخت ولی آنان او را نشناختند. و چون آنان را به خوار و بارشان مجهز کرد گفت: برادر پدری خود را نزد من آورید مگر نمی‌بینید که من پیمانه را تمام می‌دهم و من بهترین میزبانانم. پس اگر او را نزد من نیاوردید برای شما نزد من پیمانه‌ای نیست و به من نزدیک نشوید. گفتند: او را با نیرنگ از پدرش خواهیم خواست و محققاً این کار را خواهیم کرد. و به غلامان خود گفت: سرمایه‌های آنان را در بارهایشان بگذارید شاید وقتی به سوی خانواده خود برمی‌گردند آن را بازیابند امید که آنان بازگردند.

پس چون به سوی پدر خود بازگشتند گفتند: ای پدر پیمانه از ما منع شد برادرمان را با ما بفرست تا پیمانه بگیریم و ما نگهبان او خواهیم بود. گفت: آیا همان گونه که شما را پیش از این بر برادرش امین گردانیدم بر او امین سازم پس خدا بهترین نگهبان است و اوست مهربانترین مهربانان. و هنگامی که بارهای خود را گشودند دریافتند که سرمایه‌شان بدانها بازگردانیده شده است گفتند: ای پدر چه می‌خواهیم این سرمایه ماست که به ما بازگردانیده شده است قوت خانواده خود را فراهم و برادرمان را نگهبانی می‌کنیم و یک بار شتر

می‌افزاییم و این پیمان‌های ناچیز است. گفت: هرگز او را با شما نخواهم فرستاد تا با من با نام خدا پیمان استواری ببندید که حتماً او را نزد من باز آورید مگر آنکه گرفتار شوید پس چون پیمان خود را با او استوار کردند گفت: خدا بر آنچه می‌گوییم وکیل است. و گفت: ای پسران من از یک دروازه در نیایید بلکه از دروازه‌های مختلف وارد شوید و من چیزی از خدا را از شما دور نمی‌توانم داشت فرمان جز برای خدا نیست بر او توکل کردم و توکل‌کنندگان باید بر او توکل کنند. و چون همان گونه که پدرانشان به آنان فرمان داده بود وارد شدند چیزی را در برابر خدا از آنان برطرف نمی‌کرد جز اینکه یعقوب نیازی را که در دلش بود برآورد و بی‌گمان او از آنچه بدو آموخته بودیم دارای دانشی بود ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. و هنگامی که بر یوسف وارد شدند برادرش را نزد خود جای داد گفت: من برادر تو هستم بنابراین از آنچه می‌کردند غمگین مباش. پس هنگامی که آنان را به خوار و بارشان مجهز کرد آبخوری را در بار برادرش نهاد سپس نداکننده‌ای بانگ درداد ای کاروانیان قطعاً شما دزد هستید. در حالی که به آنان روی کردند گفتند: چه گم کرده‌اید؟ گفتند: جام شاه را گم کرده‌ایم و برای هر کس که آن را بیاورد یک بار شتر خواهد بود و من ضامن آنم. گفتند: به خدا سوگند شما خوب می‌دانید که ما نیامده‌ایم در این سرزمین فساد کنیم و ما دزد نبوده‌ایم. گفتند: پس اگر دروغ بگویید کیفرش چیست؟ گفتند: کیفرش کسی است که در بار او پیدا شود پس کیفرش خود اوست ما ستمکاران را این گونه کیفر می‌دهیم. پس به بارهای آنان پیش از بار برادرش پرداخت آنگاه آن را از بار برادرش در آورد این گونه به یوسف شیوه آموختیم او در آیین پادشاه نمی‌توانست برادرش را بازداشت کند مگر اینکه خدا بخواهد درجات کسانی را که بخواهیم بالا می‌بریم و فوق هر صاحب دانشی دانشوری است.

گفتند: اگر او دزدی کرده پیش از این برادرش دزدی کرده است. یوسف این را در دل خود پنهان داشت و آن را برایشان آشکار نکرد. گفت: موقعیت شما بدترست و خدا به آنچه وصف می‌کنید داناتر است. گفتند: ای عزیز او پدری پیر سالخورده دارد بنابراین یکی از ما را به جای او بگیر که ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم. گفت: پناه به خدا که جز آن کس را که کالای خود را نزد وی یافته‌ایم بازداشت کنیم زیرا در آن صورت قطعاً ستمکار خواهیم بود. پس چون از او نومید شدند رازگویان کنار کشیدند. بزرگشان گفت: مگر نمی‌دانید که پدرتان با نام خدا پیمانی استوار از شما گرفته است و قبلاً درباره یوسف تقصیر کردید. هرگز از این سرزمین نمی‌روم تا پدرم به من اجازه دهد یا خدا در حق من داوری کند و او بهترین داوران است. پیش پدرتان بازگردید و بگویید ای پدر پسر دزدی کرده و ما جز آنچه می‌دانیم

گواهی نمی‌دهیم و ما نگهبان غیب نبودیم. و از شهری که در آن بودیم و کاروانی که در میان آن آمدیم جویا شو و ما قطعاً راست می‌گوییم.

گفت: بلکه نفس شما امری را برای شما آراسته است پس صبری نیکوست امید که خدا همه آنان را به سوی من آورد که او دانای حکیم است. و از آنان روی گردانید و گفت: ای دریغ بر یوسف و در حالی که اندوه خود را فرو می‌خورد چشمانش از اندوه سپید شد. گفتند: به خدا سوگند که پیوسته یوسف را یاد می‌کنی تا بیمار شوی یا هلاک گردی. گفت: من شکایت غم و اندوه خود را پیش خدا می‌برم و از خدا چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.

ای پسران من بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خدا نومید مباشید زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی‌شود. پس چون بر او وارد شدند گفتند: ای عزیز به ما و خانواده ما آسیب رسیده است و سرمایه‌ای ناچیز آورده‌ایم بنابراین پیمان ما را تمام بده و بر ما تصدق کن که خدا صدقه دهندگان را پاداش می‌دهد. گفت: آیا دانستید وقتی که نادان بودید با یوسف و برادرش چه کردید؟ گفتند: آیا تو خود یوسفی؟ گفت: من یوسفم و این برادر من است به راستی خدا بر ما منت نهاده است بی‌گمان هر که تقوا و صبر پیشه کند خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند. گفتند: به خدا سوگند که واقعا خدا تو را بر ما برتری داده است و ما خطاکار بودیم. گفت: امروز بر شما سرزنشی نیست خدا شما را می‌آمزد و او مهربانترین مهربانان است. این پیراهن مرا ببرید و آن را بر چهره پدرم بیفکنید بینا شود و همه کسان خود را نزد من آورید. و چون کاروان رهسپار شد پدرشان گفت: اگر مرا به کم‌خردی نسبت ندهید بوی یوسف را می‌شنوم. گفتند: به خدا سوگند که تو سخت در گمراهی دیرین خود هستی. پس چون مژده‌رسان آمد آن را بر چهره او انداخت پس بینا گردید. گفت: آیا به شما نگفتم که بی‌شک من از خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید. گفتند: ای پدر برای گناهان ما آمرزش خواه که ما خطاکار بودیم. گفت: به زودی از پروردگارم برای شما آمرزش می‌خواهم که او همانا آمرزنده مهربان است.

پس چون بر یوسف وارد شدند پدر و مادر خود را در کنار خویش گرفت و گفت: ان شاء الله با امان داخل مصر شوید. و پدر و مادرش را به تخت برنشانید و پیش او به سجده درافتادند و گفت: ای پدر این است تعبیر خواب پیشین من، به یقین پروردگارم آن را راست گردانید و به من احسان کرد آنگاه که مرا از زندان خارج ساخت و شما را از بیابان باز آورد پس از آنکه شیطان میان من و برادرانم را به هم زد. بی‌گمان پروردگار من نسبت به آنچه بخواهد صاحب لطف است زیرا که او دانای حکیم است. پروردگارا تو به من دولت دادی و از تعبیر

خواهبا به من آموختی، ای پدیدآورنده آسمانها و زمین تنها تو در دنیا و آخرت مولای منی مرا مسلمان بمیران و مرا به شایستگان ملحق فرما.

دخترکم بیشتر مردم ایمان آورنده نیستند. و چه بسیار نشانه‌ها در آسمانها و زمین است که بر آنها می‌گذرند در حالی که از آنها روی برمی‌گردانند. و بیشترشان به خدا ایمان نمی‌آورند جز اینکه شریک می‌گیرند.

دخترکم بگو این است راه من و منزّه است خدا و من از ناباوران نیستم.

دخترکم بدانکه فرستادگان نیز نومید شدند و پنداشتند که به آنان واقعا دروغ گفته شده است سپس یاری خدایت به آنان رسید. پس تعصب را کنار بگذار و صبر پیشه کن تا یاری خدایت برسد. به راستی در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی است. سخنی نیست که به دروغ ساخته شده بلکه تصدیق آنچه است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است. (۱۲)

دخترکم این است نشانه کتاب و سخن روشنگر. چه بسا کسانی که ناباور شدند آرزو کنند که کاش تسلیم بودند. بگذارشان تا بخورند و برخوردار شوند و آرزو سرگرمشان کند پس به زودی خواهند دانست.

خداوند هیچ شهری را هلاک نکرد مگر اینکه برای آن اجلی معین بود. هیچ امتی از اجل خویش نه پیش می‌افتد و نه پس می‌ماند. و گفتند ای کسی که از قرآن می‌گویی به یقین تو دیوانه‌ای. اگر راست می‌گویی چرا فرشته‌ها را پیش ما نمی‌آوری؟ دخترکم خدایت فرشتگان را جز به حق فرو نمی‌فرستد و در آن هنگام دیگر مهلت نیابند.

دخترکم به یقین خدا در آسمان برجهایی قرار داد و آن را برای تماشاگران آراست. و آن را از هر شیطان رانده شده‌ای حفظ کرد مگر آن کس که دزدیده گوش فرا دهد که شهابی روشن او را دنبال می‌کند. و زمین را گسترانید و در آن کوههای استوار افکند و از هر چیز سنجیده‌ای در آن رویانید. و برای تو و هر کس که تو روزی دهنده او نیستی در آن وسایل زندگی قرار داد. و هیچ چیز نیست مگر آنکه گنجینه‌های آن نزد خداست و خدا آن را جز به اندازه‌ای معین فرو نمی‌فرستد. و بادها را باردارکننده فرستاد و از آسمان آبی نازل کرد پس تو را بدان سیراب نمود و تو خزانه‌دار آن نیستی. و بی‌تردید این ماییم که زنده می‌کنیم و می‌میرانیم و ما وارث هستیم.

دخترکم در حقیقت خدایت انسان را از گلی خشک از گلی سیاه و بدبو آفرید. و پیش از آن جن را از آتشی سوزان و بی‌دود خلق کرد. و هنگامی را که پروردگار تو به فرشتگان گفت:

من بشری را از گلی خشک از گلی سیاه و بدبو خواهم آفرید. پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم پیش او به سجده درافتید. پس فرشتگان همگی یکسره سجده کردند. جز ابلیس که خودداری کرد از اینکه با سجده‌کنندگان باشد.

فرمود: ای ابلیس تو را چه شده است که با سجده‌کنندگان نیستی؟ گفت: من آن نیستم که برای بشری که او را از گلی خشک از گلی سیاه و بدبو آفریده‌ای سجده کنم.

فرمود از این بیرون شو که تو رانده شده‌ای. و تا روز جزا بر تو لعنت باشد. گفت: پروردگارا پس مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت ده.

فرمود: تو از مهلت یافتگانی تا روز وقت معلوم. گفت: پروردگارا به سبب آنکه مرا گمراه ساختی من در زمین برایشان می‌آرایم و همه را گمراه خواهم ساخت. مگر بندگان خالص تو از میان آنان را. فرمود: این راهی است راست به سوی من. در حقیقت تو را بر بندگان من تسلطی نیست مگر کسانی از گمراهان که تو را پیروی کنند. و قطعاً وعده‌گاه همه آنان دوزخ است که برای آن هفت در است و از هر دری بخشی معین از آنان.

دخترکم به تو خبر می‌دهم که خدایت آمرزنده و مهربان است. و اینکه عذاب خدایت عذابی است دردناک. و از مهمانان ابراهیم به تو خبر می‌دهم؛ هنگامی که بر او وارد شدند و سلام گفتند گفت: ما از شما بیمناکیم. گفتند: مترس که ما تو را به پسری دانا مژده می‌دهیم.

گفت: آیا با اینکه مرا پیری فرا رسیده است بشارت می‌دهید؟ به چه بشارت می‌دهید؟

گفتند: ما تو را به حق بشارت دادیم پس از نومیدان مباش. گفت: چه کسی جز گمراهان از رحمت پروردگارش نومید می‌شود. گفت: ای فرشتگان کارتان چیست؟ (دخترکم توجه داشته باش که وقتی خدایت فرشتگان را نازل میکند دیگر مهلت تمام شده) گفتند: ما به

سوی گروه مجرمان فرستاده شده‌ایم. مگر خانواده لوط که ما قطعاً همه آنان را نجات می‌دهیم. جز آتش را که مقدر کردیم او از بازماندگان باشد. پس چون فرشتگان نزد خاندان لوط آمدند. گفت: شما مردمی ناشناس هستید. گفتند: بلکه برای تو چیزی آورده‌ایم که در

آن تردید می‌کردند. و حق را برای تو آورده‌ایم و قطعاً ما راستگویانیم. پس پاسی از شب خانواده‌ات را حرکت ده و به دنبال آنان برو و هیچ یک از شما نباید به عقب بنگرد و هر جا به شما دستور داده می‌شود بروید. و **او را از این امر آگاه کردیم که ریشه آن گروه**

صبحگاهان بریده خواهد شد. و مردم شهر شادی‌کنان روی آوردند. گفت: اینان مهمانان

منند مرا رسوا مکنید. و از خدا پروا کنید و مرا خوار نسازید. گفتند: آیا تو را از مردم بیگانه منع نکردیم؟ گفت: اگر می‌خواهید انجام دهید اینان دختران منند (دختر نازنینم، عزیز بابا

، من در آنجا نبودم ولی چنان آن صحنه را درک کرده ام که گویی با آنان زیسته ام. آن شب ، شب سختی برای لوط و دخترانش بود. به جان تو سوگند که آنان در مستی خود سرگردان بودند. پس به هنگام طلوع آفتاب فریاد آنان را فرو گرفت. و آن را زیر و زیر کردیم و بر آنان سنگهایی از سنگ گل بارانیدیم. به یقین در این برای هوشیاران عبرتهاست. و آن بر سر راهی برجاست.

دخترکم بی گمان در این برای تو عبرتی است اگر باور کنی. و راستی اهل ایکه ستمگر بودند. پس خدایت از آنان انتقام گرفت و آن دو بر سر راهی آشکار است. و اهل حجر پیامبران را تکذیب کردند. و آیات خود را به آنان دادیم و از آنها اعراض کردند. و از کوهها خانههایی می تراشیدند که در امان بمانند. پس صبحدم فریاد آنان را فرو گرفت. و آنچه به دست می آوردند به کارشان نخورد. و خدا آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حق نیافریده و یقیناً قیامت فرا خواهد رسید پس به خوبی صرف نظر کن. زیرا پروردگار تو همان آفریننده داناست. و به راستی خدایت به تو قرآن هادی را عطا کرد. و به آنچه خدایت دستههایی از آنان را بدان برخورددار ساخته چشم مدوز و بر دارایی ایشان اندوه مخور.

دخترکم با ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از سجده کنندگان باش. و پروردگارت را پرستش کن تا اینکه مرگ تو فرا رسد. (۱۵)

دخترکم بدانکه تو در منزلی هستی که از آن رخت خواهی بست، و خانه ای که بیش از روزی چند در آن نتوانی نشست و در راهی هستی که پایانش آخرت است، و شکار مرگی که گریزنده از آن نرهد، و آن را که جوید بدو رسد و از دست ندهد، و ناچار پنجه بر تو خواهد کند، پس بترس از آن که تو را بیابد و در حالتی باشی ناخوشایند: با خود از توبه سخن به میان آورده باشی، و او تو را از آن باز دارد، و خویشتن را تبه کرده باشی.

دخترگلم! فراوان به یاد مردن باش و یاد آنچه با آن برمی آیی و آنچه پس از مردن روی بدان نمایی، تا چون بر تو در آید ساز خویش را آراسته باشی و کمر خود را بسته، و ناگهان نیاید تو را مغلوب نماید، و مبادا فریفته شوی که بینی دنیاداران به دنیا دل می نهند، و بر سر دنیا بر یکدیگر می جهند. چه خدا تو را از دنیا خبر داده و دنیا وصف خویش را با تو در میان نهاده و پرده از زشتیهایش برایت گشاده.

دخترکم خدایت پیرامون مسجد الاقصی را برکت داده است. خدایت همان شنوای بیناست. و خدایت کتاب آسمانی را به موسی داد و آن را برای فرزندان اسرائیل رهنمودی گردانید که زنهار غیر از خدا/ کارسازی مگیرید. فرزندان کسانی که با نوح برداشت، راستی که او بندهای

سپاسگزار بود. و در کتاب آسمانی به فرزندان اسرائیل خبر داد که قطعا دوبار در زمین فساد خواهند کرد و قطعا به سرکشی بسیار بزرگی برخوانند خاست. پس آنگاه که وعده نخستین آن دو فرا رسد بندگانی از خود را که سخت نیرومندند بر آنها می‌گمارد تا میان خانه‌ها به جستجو درآیند و این تهدید تحقق یافتنی است. پس دوباره آنها را بر آنان چیره می‌کند و آنها را با اموال و پسران یاری می‌دهد و نفرات آنها را بیشتر می‌گرداند. و چون تهدید آخر فرا رسد تا آنها را اندوهگین کنند و در معبد چنانکه بار اول داخل شدند درآیند و بر هر چه دست یافتند یکسره نابود کنند.

دخترکم خدایت شب و روز را دو نشانه قرار داد نشانه شب را تیره‌گون و نشانه روز را روشنی بخش گردانید تا فضلی از پروردگارت بجویی و تا شماره سالها و حساب را بدانی و هر چیزی را به روشنی باز نمود.

دخترکم خدایت تا پیامبری برنیزیند به عذاب نمی‌پردازد. و چون بخواهد شهری را هلاک کند خوشگذرانانش را و می‌دارد تا در آن به انحراف بپردازند و در نتیجه عذاب بر آن لازم گردد پس آن را زیر و زبر میکند. و چه بسیار نسلها را که خدایت پس از نوح به هلاکت رساندید و پروردگار تو به گناهان بندگانش بس آگاه و بیناست.

دخترکم معبود دیگری با خدا قرار مده تا نکوهیده و وامانده بنشینی. و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرستید و به پدر و مادر احسان کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سالخورگی رسیدند به آنها اوف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی. و از سر مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو پروردگارا آن دو را رحمت کن چنانکه مرا در خردی پروردند.

پروردگار تو به آنچه در دل داری آگاه‌تر است. اگر شایسته باشی قطعا او آمرزنده توبه‌کنندگان است. و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راهمانده را و ولخرجی و اسراف مکن. چرا که اسرافکاران برادران شیطانهایند و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است. و اگر به امید رحمتی که از پروردگارت جویای آنی از ایشان روی می‌گردانی پس با آنان سخنی نرم بگوی. و دست را به گردنت زنجیر مکن و بسیار گشاده دستی منما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی. بی‌گمان پروردگار تو برای هر که بخواهد روزی را گشاده یا تنگ می‌گرداند در حقیقت او به بندگانش آگاه بیناست. و از بیم تنگدستی برای فرزندان نگران مباش، خداست که به آنها و به تو روزی می‌بخشد. و به زنا نزدیک مشو چرا که آن همواره زشت و بد راهی است. و به مال یتیم جز به بهترین وجه

نزدیک مشو تا به رشد برسد و به پیمان وفا کن زیرا که از پیمان پریش خواهد شد. و چون پیمانه می‌کنی پیمانه را تمام ده و با ترازوی درست بسنج که این بهتر و خوش فرجام‌تر است. و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن زیرا گوش و چشم و قلب همه مورد پریش واقع خواهند شد. و در زمین به نخوت گام برمدار چرا که هرگز زمین را نمی‌توانی شکافت و در بلندی به کوهها نمی‌توانی رسید. همه این بدش نزد پروردگار تو ناپسندیده است. این از حکمتهایی است که پروردگارت به تو می‌آموزد و با خدای یگانه معبودی دیگر قرار مده و گرنه حسرت زده و مطرود در جهنم افکنده خواهی شد.

دخترکم به یقین بدان که تو هرگز به آرزویت دست نخواهی یافت، و از اجل روی نتوانی برتافت، و به راه کسی هستی که پیش از تو می‌شتافت. پس آنچه را می‌خواهی آسان گیر و در آنچه به دست می‌کنی طریق نیک را بپذیر. چه بسا جستجو که به از دست شدن مایه کشاند. و هر جوینده روزی نیابد و هر آهسته رو محروم نماند. نفس خود را از هر پستی گرامی دار، هر چند تو را بدانچه خواهانی رساند، چه آنچه را از خود بر سر این کار می‌نهی، هرگز به تو برنگرداند.

دخترکم به رحمت خدایت امیدوار باش و از عذابش بترس چرا که عذاب پروردگارت همواره در خور پرهیز است. و هیچ شهری نیست مگر اینکه خدایت آن را پیش از روز رستاخیز به هلاکت می‌رساند یا آن را سخت عذاب می‌کند این در قرآن هادی به قلم رفته است. و خدایت را فرستادن معجزات باز نداشت جز اینکه پیشینیان آنها را به دروغ گرفتند و به ثمود ماده شتر داد که روشنگر بود و به آن ستم کردند و خدا معجزه‌ها را جز برای بیم‌دادن نمی‌فرستد.

و به یاد بیار هنگامی را که خدایت به محمد گفت: به راستی پروردگارت بر مردم احاطه دارد و آن رؤیایی را که به تو نمایانندیم و آن درخت لعنت شده در قرآن را جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم و ما آنان را بیم می‌دهیم ولی جز بر طغیان بیشتر آنها نمی‌افزاید. و هنگامی را که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید پس جز ابلیس سجده کردند، گفت: آیا برای کسی که از گل آفریدی سجده کنم؟ گفت: به من بگو این کسی را که بر من برتری دادی اگر تا روز قیامت مهلتم دهی قطعاً فرزندانش را جز اندکی ریشه‌کن خواهم کرد. فرمود: برو که هر کس از آنان تو را پیروی کند مسلماً جهنم سزایتان خواهد بود که کیفری تمام است. و از ایشان هر که را توانستی با آوای خود تحریک کن و با سواران و پیادگان بر آنها بتاز و با آنان در اموال و اولاد شرکت کن و به ایشان وعده بده و شیطان جز فریب به آنها

وعده نمی‌دهد. در حقیقت تو را بر بندگان من تسلطی نیست و حمایتگری پروردگارت بس است.

دخترکم پروردگار تو کسی است که کشتی را در دریا به حرکت در می‌آورد تا از فضل او برای خود بجوید چرا که او همواره به شما مهربان است. و چون در دریا به شما صدمه‌ای برسد **هر که را جز او می‌خوانید ناپدید می‌گردد** و چون شما را به سوی خشکی رها کنید رویگردان می‌شوید و انسان همواره ناسپاس است. مگر ایمن شده‌ای از اینکه تو را در زمین فرو برد یا بر تو طوفانی از سنگریزه‌ها بفرستد سپس برای خود نگاهبانی نیابی. یا ایمن شده‌ای از اینکه بار دیگر تو را در آن باز گرداند و تند بادی شکننده بر تو بفرستد و به سزای آنکه کفر ورزیدی غرق کند آنگاه برای خود در برابر خدایت کسی را نیابی که آن را دنبال کند. دخترکم پس در همه حال به یاد داشته باش که تو محصور قدرت خدایت هستی.

دختر قشنگم؛ به راستی خدایت فرزندان آدم را گرمی داشت و آنان را در خشکی و دریا برنشانید و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی داد و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار داد.

دخترکم بگو ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهان‌داری شریکی دارد و نه خوار بوده که دوستی داشته باشد و او را بسیار بزرگ شمار (۱۷)

ستایش خدایی را که این کتاب را بر بنده خود فرو فرستاد و هیچ گونه کژی در آن ننهاد. راست و درست تا از جانب خود به عذابی سخت **بیم دهد** و مؤمنانی را که کارهای شایسته می‌کنند **نوید بخشد** که برای آنان پاداشی نیکوست. در حالی که جاودانه در آن ماندگار خواهند بود. و تا کسانی را که گفته‌اند خداوند فرزندی گرفته است هشدار دهد. نه آنان و نه پدران‌شان به این دانشی ندارند. بزرگ سخنی است که از دهانشان برمی‌آید جز دروغ نمی‌گویند. شاید اگر مردم به این سخن را باور نکنند در تو شبه‌ای بوجود آید. در حقیقت خدایت آنچه را که بر زمین است زیوری برای آن قرار داده است تا مردم را ببازماید که کدام یک از ایشان نیکوکارترند. و خدایت آنچه را که بر آن است قطعاً ببابانی بی‌گیا خواهد کرد.

دخترکم آیا پنداشتی اصحاب کهف و رقیم از آیات خدایت شگفت انگیز است. آنگاه که جوانان به سوی غار پناه جستند و گفتند: پروردگار ما، از جانب خود به ما رحمتی بخش و کار ما را برای ما به سامان رسان. پس در آن غار خدایت سالیانی چند بر گوشه‌هایشان پرده زد. آنگاه آنان را بیدار کرد.

دخترکم من خبرشان را بر تو درست حکایت می‌کنم؛ آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و بر هدایتشان افزود و دل‌هایشان را استوار گردانید. آنگاه که برخاستند و گفتند: پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین است. جز او هرگز معبودی را نخواهیم خواند که در این صورت قطعاً ناصواب گفته‌ایم. این قوم ما جز او معبودانی اختیار کرده‌اند. چرا بر آنها برهانی آشکار نمی‌آورند؟

و چون از آنها و از آنچه که جز خدا می‌پرستند کناره گرفتید پس به غار پناه جوید تا پروردگارتان از رحمت خود بر شما بگستراند و برای شما در کارتان گشایشی فراهم سازد. و آفتاب را می‌بینی که چون برمی‌آید از غارشان به سمت راست مایل است و چون فرو می‌شود از سمت چپ دامن برمی‌چیند در حالی که آنان در جایی فراخ از آنند این از نشانه‌های خداست خدا هر که را راهنمایی کند او راه‌یافته است و هر که را بی‌راه گذارد هرگز برای او یاری راهبر نخواهی یافت. و می‌پنداری که ایشان بیدارند در حالی که خفته‌اند و آنها را به پهلوی راست و چپ می‌گردانیم و سگشان بر آستانه دو دست خود را دراز کرده. اگر بر حال آنان اطلاع می‌یافتی گریزان روی از آنها برمی‌تافتی و از آنها آکنده از بیم می‌شدی. و این چنین بیدارشان کردیم تا میان خود از یکدیگر پرسشی کنند گوینده‌ای از آنان گفت: چقدر مانده‌اید؟ گفتند روزی یا پاره‌ای از روز را مانده‌ایم. گفتند: پروردگارتان به آنچه مانده‌اید داناتر است. اینک یکی از خودتان را با این پول خود به شهر بفرستید تا ببیند کدام یک از غذاهای آن پاکیزه‌تر است و از آن غذایی برایتان بیاورد و باید زیرکی به خرج دهد و هیچ کس را از شما آگاه نگرداند. چرا که اگر آنان بر شما دست یابند سنگسارتان می‌کنند یا شما را به کیش خود بازمی‌گردانند و در آن صورت هرگز روی رستگاری نخواهید دید. و بدین گونه بر حالشان آگاه ساختیم تا بدانند که وعده خدا راست است و قیامت هیچ شکی نیست. هنگامی که میان خود در کارشان با یکدیگر نزاع می‌کردند پس گفتند: بر روی آنها ساختمانی بنا کنید. پروردگارشان به آنان داناتر است. کسانی که بر کارشان غلبه یافتند گفتند: حتماً بر ایشان معبدی بنا خواهیم کرد. دخترکم در جستجوی جان کلام باش نه توجه به حواشی که آیا آنها سه تن بودند و چهارمین آنها سگشان بود؟ و ویا اینکه پنج تن بودند و ششمین آنها سگشان بود با این افکار تیر در تاریکی می‌اندازی. بگو پروردگارم به شماره آنها آگاه‌تر است. جز اندکی آنها را نمی‌داند. پس در باره ایشان جز به صورت ظاهر جدال مکن و در مورد آنها از هیچ کس جویا مشو. و زنه‌ار در مورد چیزی مگوی که من آن را فردا انجام خواهم داد. مگر آنکه خدا بخواهد و چون فراموش کردی پروردگارت را یاد کن

و بگو امید که پروردگارم مرا به راهی که نزدیکتر از این به صواب است هدایت کند. و سیصد سال در غارشان درنگ کردند و نه سال افزودند. بگو خدا به آنچه درنگ کردند داناست. *نهان آسمانها و زمین به او اختصاص دارد و چه بینا و شنواست برای آنان یآوری جز او نیست و هیچ کس را در فرمانروایی خود شریک نمی‌گیرد.* و آنچه را که از کتاب پروردگارت به تو می‌گویم بارها و بارها بخوان. کلمات او را تغییردهنده‌ای نیست و *جز او هرگز پناهی نخواهی یافت.* و با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می‌خوانند - خشنودی او را می‌خواهند - شکیبایی پیشه کن و دو دیدات را از آنان برمگیر که زیور زندگی دنیا را بخوایی و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته‌ایم و از هوس خود پیروی کرده و کارش بر زیاده‌روی است *اطاعت مکن.*

دخترکم با خواست و اراده پروردگارت، برای تو آن دو مرد را مثل می‌زنم که خدایت به یکی از آنها دو باغ انگور داده بود و پیرامون آن دو را با درختان خرما پوشانده بود و میان آن دو را کشتزاری قرار داده بود. هر یک از این دو باغ محصول خود را می‌داد و از چیزی دریغ نمی‌ورزید و خدایت میان آن دو نه‌ری روان کرده بود. و برای او میوه فراوان بود. پس به رفیقش در حالی که با او گفت و گو می‌کرد گفت: مال من از تو بیشتر است و از حیث افراد از تو نیرومندترم. و در حالی که او به خویشتن ستمکار بود داخل باغ شد گفت: گمان نمی‌کنم این نعمت هرگز زوال پذیرد. و گمان نمی‌کنم که رستاخیز بر پا شود و اگر هم به سوی پروردگارم بازگردانده شوم قطعا بهتر از این را در بازگشت خواهم یافت. رفیقش در حالی که با او گفت و گو می‌کرد به او گفت: آیا به آن کسی که تو را از خاک سپس از نطفه آفرید آنگاه تو را مردی درآورد کافر شدی؟ اما من، اوست خدا پروردگار من و *هیچ کس را با پروردگارم شریک نمی‌سازم.* و چون داخل باغت شدی چرا نگفتی ماشاء الله، نیرویی جز به خدا نیست. اگر مرا از حیث مال و فرزند کمتر از خود می‌بینی امید است که پروردگارم بهتر از باغ تو به من عطا فرماید و بر آن آفتی از آسمان بفرستد تا به زمینی هموار و لغزنده تبدیل گردد یا آب آن فروکش کند تا هرگز نتوانی آن را به دست آوری. و میوه‌هایش را فرو گرفت پس برای آنچه در آن هزینه کرده بود دستهایش را بر هم می‌زد در حالی که داربستهای آن فرو ریخته بود و می‌گفت: ای کاش هیچ کس را شریک پروردگارم نمی‌ساختم. و او را در برابر خدا گروهی نبود تا یاریش کنند و توانی نداشت که خود را یاری کند. در آنجا یاری به خدای حق تعلق دارد *اوست بهترین پاداش و بهترین فرجام.*

دخترکم خدایت برای تو زندگی دنیا را مثل می زند که مانند آبی است که آن را از آسمان فرو فرستاد سپس گیاه زمین با آن درآمیخت و خشک گردید که بادهای پراکنده‌اش کردند و خداست که همواره بر هر چیزی تواناست. مال و اولاد زیور زندگی دنیايند و نيکيهاي ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر و از نظر اميد بهتر است.

و هنگامی را که خدایت به فرشتگان گفت: آدم را سجده کنید پس جز ابلیس سجده کردند که از جن بود و از فرمان پروردگارش سرپیچید. دخترکم آیا او و نسلش را به جای خدا دوست خود می‌گیری؟ و حال آنکه آنها دشمن تو هستند و چه بد جانشینانی برای ستمگرانند. خدایت آنان را نه در آفرینش آسمانها و زمین به شهادت نطلبید و نه در آفرینش خودشان، و خدایت آن نیست که گمراهگران را همکار خود بگیرد.

دخترکم بیاد بیاور موسی را که جستجو کنان بنده‌ای از بندگان ما را یافت که از جانب خود به او رحمتی عطا کرده و از نزد خود بدو دانشی آموخته بودیم. موسی به او گفت: آیا تو را به شرط اینکه از بینشی که آموخته شده‌ای به من یاد دهی پیروی کنم. گفت: تو هرگز نمی‌توانی همپای من صبر کنی. و چگونه می‌توانی بر چیزی که به شناخت آن احاطه نداری صبر کنی؟ گفت: ان شاء الله مرا شکيبا خواهی یافت و در هيچ کاری تو را نافرمانی نخواهم کرد. گفت: اگر مرا پیروی می‌کنی پس از چیزی سؤال مکن تا از آن با تو سخن آغاز کنم. پس رهسپار گردیدند تا وقتی که سوار کشتی شدند آن را سوراخ کرد. گفت: آیا کشتی را سوراخ کردی تا سرنشینانش را غرق کنی؟ واقعا به کار ناروایی مبادرت ورزیدی. گفت: آیا نگفتم که تو هرگز نمی‌توانی همپای من صبر کنی. گفت: به سبب آنچه فراموش کردم مرا مؤاخذه مکن و در کارم بر من سخت مگیر. پس رفتند تا به نوجوانی برخوردند. او را کشت. گفت: آیا شخص بی‌گناهی را بدون اینکه کسی را به قتل رسانده باشد کشتی؟ واقعا کار ناپسندی مرتکب شدی. گفت: آیا به تو نگفتم که هرگز نمی‌توانی همپای من صبر کنی.

گفت: اگر از این پس چیزی از تو پرسیدم دیگر با من همراهی مکن. از جانب من قطعاً معذور خواهی بود. پس رفتند تا به اهل قریه‌ای رسیدند از مردم آنجا خوراکی خواستند و از مهمان نمودن آن دو خودداری کردند. پس در آنجا دیواری یافتند که می‌خواست فرو ریزد و آن را استوار کرد. گفت: اگر می‌خواستی برای آن مزدی بگیری. گفت: این جدایی میان من و توست. به زودی تو را از تاویل آنچه که نتوانستی بر آن صبر کنی آگاه خواهم ساخت. اما کشتی از آن بینوایانی بود که در دریا کار می‌کردند خواستم آن را معیوب کنم پیشاپیش آنان پادشاهی بود که هر کشتی را به زور می‌گرفت. و اما نوجوان، پدر و مادرش مؤمن بودند

پس ترسیدیم آن دو را به طغیان و کفر بکشد. پس خواستیم که پروردگارشان آن دو را به پاکتر و مهربانتر از او عوض دهد. و اما دیوار از آن دو پسر یتیم در آن شهر بود و زیر آن گنجی متعلق به آن دو بود و پدرشان نیکوکار بود. پس پروردگار تو خواست آن دو به حد رشد برسند و گنجینه خود را که رحمتی از جانب پروردگارت بود بیرون آورند و این را من خودسرانه انجام ندادم، این بود تاویل آنچه که نتوانستی بر آن شکیبایی ورزی.

دخترکم به اذن پروردگارت در باره ذوالقرنین با تو این چنین می گویم: خدایت در زمین به او امکاناتی داد و از هر چیزی وسیله‌ای بدو بخشید. تا راهی را دنبال کرد، تا آنگاه که به غروبگاه خورشید رسید به نظرش آمد که در چشمه‌ای گل آلود و سیاه غروب می‌کند و نزدیک آن طایفه‌ای را یافت. خدایت فرمود: ای ذوالقرنین یا عذاب می‌کنی یا در میانشان نیکویی پیش می‌گیری. گفت: اما هر که ستم ورزد عذابش خواهیم کرد سپس به سوی پروردگارش بازگردانیده می‌شود آنگاه او را عذابی سخت خواهد کرد. و اما هر که ایمان آورد و کار شایسته کند پاداشی نیکوتر خواهد داشت و به فرمان خود او را به کاری آسان و خواهیم داشت. سپس راهی را دنبال کرد، تا آنگاه که به جایگاه برآمدن خورشید رسید. یافت که بر قومی طلوع می‌کرد که برای ایشان در برابر آن خدایت پوششی قرار نداده بود. این چنین، و قطعاً خدایت به خبری که پیش او بود احاطه داشت. باز راهی را دنبال نمود تا وقتی به میان دو سد رسید در برابر آن دو طایفه‌ای را یافت که نمی‌توانستند هیچ زبانی را بفهمند. گفتند: ای ذوالقرنین یا جوج و ماجوج سخت در زمین فساد می‌کنند. آیا مالی در اختیار تو قرار دهیم تا میان ما و آنان سدی قرار دهی؟ گفت: آنچه پروردگارم به من در آن تمکن داده بهتر است. مرا با نیرویی یاری کنید میان شما و آنها سدی استوار قرار دهم. برای من قطعات آهن بیاورید تا آنگاه که میان دو کوه برابر شد، گفت: بدمید تا وقتی که آن را آتش گردانید گفت: مس گداخته برایم بیاورید تا روی آن بریزم. نتوانستند از آن بالا روند و نتوانستند آن را سوراخ کنند. گفت: این رحمتی از جانب پروردگار من است و چون وعده پروردگارم فرا رسد آن را درهم کوبد و وعده پروردگارم حق است.

دخترکم آیا تو را از زیانکارترین مردم آگاه گردانم؟ کسانی‌اند که کوشش‌شان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند. آنان کسانی‌اند که آیات پروردگارشان و لقای او را انکار کردند در نتیجه اعمالشان تباه گردید و روز قیامت خدایت برای آنها ارزشی نخواهد نهاد.

دخترکم با من بگو اگر دریا برای کلمات پروردگارم مرکب شود پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان پذیرد قطعاً دریا پایان می‌یابد هر چند نظیرش را به مدد بیاوریم. بگو نیست خدایی جز خدای یگانه، پس اگر به لقای پروردگارت امید داری باید به کار شایسته بپردازی و هیچ کس را در پرستش پروردگارت شریک نسازی (۱۸)

دخترکم؛ یادی است از رحمت پروردگار تو بر بنده‌اش زکریا. آنگاه که پروردگارش را آهسته ندا کرد. گفت: پروردگارا من استخوانم سست گردیده و سرم از پیری سپید گشته و ای پروردگار، من هرگز در دعای تو ناامید نبوده‌ام. و من پس از خویشتن از بستگانم بیمناکم و زخم نازاست پس از جانب خود ولی به من ببخش که از من ارث برد و از خاندان یعقوب ارث برد و او را ای پروردگار من پسندیده گردان.

...؛ ای زکریا ما تو را به پسری که نامش یحیی است مژده می‌دهیم که قبلاً همانمی برای او قرار نداده‌ایم.

گفت: پروردگارا چگونه مرا پسری خواهد بود و حال آنکه زخم نازاست و من از سالخوردگی ناتوان شده‌ام؟

...؛ گفت: چنین است. پروردگار تو گفته که این بر من آسان است و تو را در حالی که چیزی نبودی قبلاً آفریده‌ام.

گفت: پروردگارا نشانه‌ای برای من قرار ده. فرمود: نشانه تو این است که سه شبانه با اینکه سالمی با مردم سخن نمی‌گویی. پس از محراب بر قوم خویش درآمد و ایشان را آگاه گردانید که روز و شب به نیایش بپردازید.

...؛ ای یحیی کتاب را به جد و جهد بگیر. و از کودکی به او نبوت دادیم. و از جانب خود مهربانی و پاکی، و تقوای پیشه بود. و با پدر و مادر خود نیک‌رفتار بود و زورگویی نافرمان نبود. و درود بر او روزی که زاده شد و روزی که می‌میرد و روزی که زنده برانگیخته می‌شود.

دخترکم و در این کتاب از مریم یاد کن آنگاه که از کسان خود در مکانی شرقی به کناری شتافت. و در برابر آنان پرده‌ای بر خود گرفت. پس خدایت روح خود را به سوی او فرستاد تا به بشری خوش‌اندام بر او نمایان شد. گفت: اگر پرهیزگاری من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم. گفت: من فقط فرستاده پروردگار توام برای اینکه به تو پسری پاکیزه ببخشم. گفت: چگونه مرا پسری باشد با آنکه دست بشری به من نرسیده و بدکار نبوده‌ام؟ گفت: چنین است، پروردگار تو گفته که آن بر من آسان است و تا او را نشانه‌ای برای مردم و رحمتی از جانب خویش قرار دهیم و دستوری قطعی بود. پس به او آبستن شد و با او به مکان

دورافتاده‌ای پناه جست. تا درد زایمان او را به سوی تنه درخت خرمایی کشانید. گفت: ای کاش پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش شده بودم. پس از زیر او ... وی را ندا داد که غم مدار پروردگارت زیر تو چشمه آبی پدید آورده است. و تنه درخت خرما را به طرف خود بتکان، بر تو خرمای تازه می‌ریزد. و بخور و بنوش و دیده روشن دار. پس اگر کسی از آدمیان را دیدی بگوی من برای رحمان روزه نذر کرده‌ام و امروز مطلقاً با انسانی سخن نخواهم گفت. پس در حالی که او را در آغوش گرفته بود به نزد قومش آورد. گفتند: ای مریم به راستی کار بسیار ناپسندی مرتکب شده‌ای. ای خواهر هارون پدرت مرد بدی نبود و مادرت بدکاره نبود. به سوی نوزاد، اشاره کرد. گفتند: چگونه با کسی که در گهواره کودک است سخن بگوییم؟ گفت: منم بنده خدا، به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است. و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته و تا زنده‌ام به بندگی و زکات سفارش کرده است. و مرا نسبت به مادرم نیکوکار کرده و زورگو و نافرمانم نگردانیده است. و درود بر من روزی که زاده شدم و روزی که می‌میرم و روزی که زنده برانگیخته می‌شوم.

دخترکم و در این کتاب به یاد ابراهیم پرداز زیرا او پیامبری بسیار راستگوی بود. چون به پدرش گفت: پدر جان چرا چیزی را که نمی‌شنود و نمی‌بیند و از تو چیزی را دور نمی‌کند می‌پرستی؟ ای پدر به راستی مرا از دانش آمده که تو را نیامده است پس از من پیروی کن تا تو را به راهی راست هدایت نمایم. *پدر جان شیطان را می‌پرست که شیطان رحمان را عصیانگر است. پدر جان من می‌ترسم از جانب رحمان عذابی به تو رسد و تو یار شیطان باشی.* گفت: ای ابراهیم آیا تو از خدایان من متنفری؟ اگر باز نایستی تو را سنگسار خواهم کرد و برای مدتی طولانی از من دور شو. گفت: درود بر تو باد به زودی از پروردگارم برای تو آمرزش می‌خواهم زیرا او همواره نسبت به من پر مهر بوده است. و از شما و آنچه غیر از خدا می‌خوانید کناره می‌گیرم و پروردگارم را می‌خوانم امیدوارم که در خواندن پروردگارم ناامید نباشم. و چون از آنها و آنچه به جای خدا می‌پرستیدند کناره گرفت اسحاق و یعقوب را به او عطا کردیم و همه را پیامبر گردانیدیم. و از رحمت خویش به آنان ارزانی داشتیم و ذکر خیر بلندی برایشان قرار دادیم.

دخترکم و در این کتاب از موسی یاد کن زیرا که او پاکدل و فرستاده‌ای پیامبر بود. و خدایت از جانب راست طور او را ندا داد و در حالی که با وی راز گفت او را به خود نزدیک ساخت و به رحمت خویش برادرش هارون پیامبر را به او بخشید.

دخترکم و در این کتاب از اسماعیل یاد کن زیرا که او درست وعده و فرستاده‌ای پیامبر بود. و خاندان خود را به بندگی و زکات فرمان می‌داد و همواره نزد پروردگارش پسندیده بود. و در این کتاب از ادريس یاد کن که او راستگویی پیامبر بود و خدایت او را به مقامی بلند ارتقا داد. آنان کسانی از پیامبران بودند که *خداوند بر ایشان نعمت ارزانی داشت* از فرزندان آدم بودند و از کسانی که همراه نوح سوار کرد و از *فرزندان ابراهیم و اسرائیل* و از کسانی که خدا هدایتشان نمود و برگزید؛ هر گاه آیات رحمان بر ایشان خوانده می‌شد سجده‌کنان و گریان به خاک می‌افتادند. آنگاه پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که بندگی را تباه ساخته و از هوسها پیروی کردند و به زودی گمراهی را خواهند دید. مگر آنان که توبه کرده و باور کنند. دخترکم آنچه پیش روی ما و آنچه پشت سر ما و آنچه میان این دو است به خدایت اختصاص دارد و پروردگارت هرگز فراموشکار نبوده است. پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است. پس او را پرست و در پرستش او شکبیا باش. آیا برای او همنامی می‌شناسی؟ (۱۹)

دخترکم این سخنان را اگر به تو می‌گویم برای آن نیست که به رنج افتی. بلکه باید با امید و نشاط زندگی کنی و ترس از خدایت را سر مشق قرار دهی. و اگر دیدی که از زندگی فاصله گرفته‌ای بدانکه از خیال پیروی کرده‌ای و آگاه باش که منشاء اثر گذاری خیال القائات شیطانی است. دخترکم این کتاب نازل شده از جانب کسی که زمین و آسمانهای بلند را آفریده است. خدای رحمان که بر عرش استیلا یافته است. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین و آنچه میان آن دو و آنچه زیر خاک است از آن اوست. و اگر سخن به آواز گویی او نهان و نهان‌تر را می‌داند. خدایی که جز او معبودی نیست. نامهای نیکو به او اختصاص دارد. و آیا خبر موسی به تو رسید؟ هنگامی که آتشی دید پس به خانواده خود گفت: درنگ کنید زیرا من آتشی دیدم امید که پاره‌ای از آن برای شما بیاورم یا در پرتو آتش راه یابم. پس چون بدان رسید ندا داده شد که ای موسی؛ این منم پروردگار تو، پای‌پوش خویش بیرون آور که تو در وادی مقدس طوی هستی. و من تو را برگزیده‌ام پس بدانچه وحی می‌شود گوش فرا ده. منم، من خدایی که جز من خدایی نیست. پس مرا پرستش کن و به یاد من بندگی برپا دار. در حقیقت قیامت فرارسنده است می‌خواهم آن را پوشیده دارم تا هر کسی به آنچه می‌کوشد جزا یابد. پس هرگز نباید کسی که به آن ایمان ندارد و از هوس خویش پیروی کرده است تو را از آن باز دارد که هلاک خواهی شد. و ای موسی در دست راست تو چیست؟ گفت: این عصای من است بر آن تکیه می‌دهم و با آن برای گوسفندانم برگ می

تکنانم و کارهای دیگری هم برای من از آن برمی‌آید. فرمود: ای موسی آن را بینداز. پس آن را انداخت و ناگاه ماری شد که به سرعت می‌خزید. فرمود آن را بگیر و مترس به زودی آن را به حال نخستینش بازخواهیم گردانید. و دست خود را به پهلویت ببر سپید بی‌گزند برمی‌آید معجزه‌ای دیگر است تا به تو معجزات بزرگ خود را بنمایانیم. به سوی فرعون برو که او به سرکشی برخاسته است. گفت: پروردگارا سینه‌ام را گشاده گردان و کارم را برای من آسان ساز و از زبانه گره بگشای، سختم را بفهمند. و برای من دستیاری از کسانم قرار ده، هارون برادرم را. پشتم را به او استوار کن و او را شریک کارم گردان تا تو را فراوان تسبیح گویم و بسیار به یاد تو باشیم. زیرا تو همواره به ما بینایی. فرمود ای موسی خواسته‌ات به تو داده شد. و به راستی بار دیگر بر تو منت نهادیم هنگامی که به *مادرت آنچه را که وحی می‌شد وحی کردیم* که او را در صندوقچه‌ای بگذار سپس در دریایش افکن تا دریا او را به کرانه اندازد، *دشمن من و دشمن وی* او را بگیرد و *مهری از خودم بر تو افکنم* تا زیر نظر من پرورش یابی. آنگاه که خواهر تو می‌رفت و می‌گفت: آیا شما را بر کسی که عهده‌دار او گردد دلالت کنم پس تو را به سوی مادرت بازگردانیدیم تا دیده‌اش روشن شود و غم نخورد و شخصی را کشتی و تو را از اندوه رهانیدیم. و تو را بارها آزمودیم و سالی چند در میان اهل مدین ماندی سپس ای موسی در زمان مقدر آمدی. و تو را برای خود پروردم. تو و برادرت معجزه‌های مرا ببرید و *در یادکردن من سستی نکنید*. به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته. و *با او سخنی نرم گوید شاید که پند پذیرد یا بترسد*. آن دو گفتند: پروردگارا *ما می‌ترسیم* که آسیبی به ما برساند یا آنکه سرکشی کند. *فرمود مترسید من همراه شما می‌شنوم و می‌بینم*. پس به سوی او بروید و بگویید ما دو فرستاده پروردگار توایم پس فرزندان اسرائیل را با ما بفرست و عذابشان مکن به راستی ما برای تو از جانب پروردگارت معجزه‌ای آورده‌ایم و بر هر کس که از هدایت پیروی کند درود باد. در حقیقت به *سوی ما وحی آمده که عذاب بر کسی است که تکذیب کند و روی گرداند*. گفت: ای موسی پروردگار شما دو تن کیست؟ گفت: *پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقی که درخور اوست داده سپس آن را هدایت فرموده است*. گفت: حال نسلهای گذشته چون است؟ گفت: علم آن در کتابی نزد پروردگار من است. پروردگارم نه خطا می‌کند و نه فراموش می‌نماید. همان کسی که زمین را برایتان گهواره‌ای ساخت و برای شما در آن راهها ترسیم کرد و از آسمان آبی فرود آورد پس به وسیله آن رستنیهای گوناگون جفت جفت بیرون آوردیم. بخورید و دامهایتان را بچرانید که قطعاً در اینها برای خردمندان نشانه‌هایی است. از

این شما را آفریده‌ایم در آن شما را بازمی‌گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می‌آوریم. در حقیقت همه آیات خود را نشان دادیم ولی دروغ پنداشت و نپذیرفت. گفت: ای موسی آمده‌ای تا با سحر خود ما را از سرزمینمان بیرون کنی؟ ما قطعاً برای تو سحری مثل آن خواهیم آورد پس میان ما و خودت موعدی بگذار که نه ما آن را خلاف کنیم و نه تو، در جایی هموار. گفت: موعد شما روز جشن باشد که مردم پیش از ظهر گرد می‌آیند. پس فرعون رفت و نیرنگ خود را گرد آورد و بازآمد. موسی گفت: وای بر شما به خدا دروغ مبندید که شما را به عذابی هلاک می‌کند و هر که دروغ بزند نومید می‌گردد. میان خود در باره کارشان به نزاع برخاستند و به نجوا پرداختند. گفتند: قطعاً این دو تن ساحرنده می‌خواهند شما را با سحر خود از سرزمینتان بیرون کنند و آیین والای شما را براندازند. پس نیرنگ خود را گرد آورید و به صف پیش آید در حقیقت امروز هر که فایق آید خوشبخت می‌شود. گفتند: ای موسی یا تو می‌افکنی یا نخستین کس باشیم که می‌اندازیم. گفت: بلکه شما بیندازید. پس ناگهان ریسمانها و چوبدستی‌هایشان بر اثر سحرشان در خیال او می‌نمود که آنها به شتاب می‌خزند. و *موسی در خود بیمی/احساس کرد. گفتیم مترس که تو خود برتری.* و آنچه در دست راست داری بینداز تا هر چه را ساخته‌اند ببلعد در حقیقت آنچه سرهم‌بندی کرده‌اند افسون افسونگر است و افسونگر هر جا برود رستگار نمی‌شود. پس ساحران به سجده درافتادند گفتند: به پروردگار موسی و هارون ایمان آوردیم. گفت: آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟ قطعاً او بزرگ شماست که به شما سحر آموخته است. پس بی‌شک دستهای شما و پاهایتان را یکی از راست و یکی از چپ قطع می‌کنم و شما را بر تنه‌های درخت‌خرم‌ها به دار می‌آویزم تا خوب بدانید عذاب کدام یک از ما سخت‌تر و پایدارتر است. گفتند: ما هرگز تو را بر معجزاتی که به سوی ما آمده و آن کس که ما را پدید آورده است ترجیح نخواهیم داد. پس هر حکمی می‌خواهی بکن که *تنها در این زندگی دنیاست که حکم می‌رانی.* ما به پروردگاران ایمان آوردیم تا گناهان ما و آن سحری که ما را بدان واداشتی بر ما ببخشاید و خدا بهتر و پایدارتر است. و *در حقیقت به موسی وحی کردیم که بندگان را شبانه ببر و راهی خشک در دریا برای آنان باز کن که نه از فرارسیدن بترسی و نه بیمناک باشی.* پس فرعون با لشکریانش آنها را دنبال کرد و از دریا آنچه آنان را فرو پوشانید فرو پوشانید. و فرعون قوم خود را گمراه کرد و هدایت نمود. ای فرزندان اسرائیل در حقیقت شما را از دشمنان رهانیدیم و در جانب راست طور با شما وعده نهادیم و بر شما ترنجبین و بلدرچین فرو فرستادیم. از خوراکیهای پاکیزه‌ای که روزی

شما کردیم بخورید و در آن زیاده‌روی نکنید که **خشم** من بر شما فرود آید و هر کس خشم من بر او فرود آید قطعا در هلاکت افتاده است. و به یقین من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار شایسته نماید و به راه راست راهسپر شود. و ای موسی چه چیز تو را از قوم خودت به شتاب واداشته است؟ گفت: اینان در پی منند و من ای پروردگارم به سویت شتافتم تا خشنود شوی. فرمود در حقیقت ما قوم تو را پس از تو آزمودیم و سامری آنها را گمراه ساخت. پس موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود برگشت گفت: ای قوم من آیا پروردگارتان به شما وعده نیکو نداد؟ آیا این مدت بر شما طولانی می‌نمود؟ یا خواستید خشمی از پروردگارتان بر شما فرود آید که با وعده من مخالفت کردید؟ گفتند: ما به اختیار خود با تو خلاف وعده نکردیم ولی از زینت‌آلات قوم بارهایی سنگین بر دوش داشتیم و آنها را افکندیم و سامری همین گونه بینداخت. پس برای آنان پیکر گوساله‌ای که صدایی داشت بیرون آورد و گفتند: این خدای شما و خدای موسی است و فراموش کرد. مگر نمی‌بینند که پاسخ سخن آنان را نمی‌دهد و به حالشان سود و زبانی ندارد. و در حقیقت هارون قبلا به آنان گفته بود؛ ای قوم من شما به وسیله این مورد آزمایش قرار گرفته‌اید و پروردگار شما رحمان است. پس مرا پیروی کنید و فرمان مرا پذیرا باشید. گفتند: ما هرگز از پرستش آن دست بر نخواهیم داشت تا موسی به سوی ما بازگردد. گفت: ای هارون وقتی دیدی آنها گمراه شدند چه چیز مانع تو شد که از من پیروی کنی؟ آیا از فرمانم سر باز زدی؟ گفت: ای پسر مادرم نه ریش مرا بگیر و نه سرم را، من ترسیدم بگویی میان بنی‌اسرائیل تفرقه انداختی و سخنم را مراعات نکردی. گفت: ای سامری منظور تو چه بود؟ گفت: به چیزی که به آن پی نبردند پی بردم و به قدر مشتی از رد پای فرستاده برداشتم و آن را در پیکر انداختم و نفس من برایم چنین فریبکاری کرد. گفت: پس برو که بهره تو در زندگی این باشد که بگویی دست مزیند و تو را موعودی خواهد بود که هرگز از آن تخلف نخواهی کرد و به آن خدایی که پیوسته ملازمش بودی بنگر آن را قطعا می‌سوزانیم و خاکسترش می‌کنیم، در دریا فرو می‌پاشیم. معبود شما تنها آن خدایی است که جز او معبودی نیست و دانش او همه چیز را در بر گرفته است.

دخترکم این گونه از اخبار پیشین بر تو حکایت می‌رانم و مسلما تو خواست و اراده پروردگارت بر این بوده است که این کتاب برای تو نوشته شود و این گونه خدایت آن را قرآنی هدایت گر قرار داد و در آن از انواع هشدارها سخنبه میان آورد شاید که تو راه تقوا در پیش گیری یا پند پذیری. پس بلندمرتبه است خدا فرمانروای بر حق.

دخترکم در این کتاب به یاد بیار هنگامی را که خدایت به فرشتگان گفت: برای آدم سجده کنی پس جز ابلیس که سر باز زد سجده کردند. پس گفت: ای آدم در حقیقت این برای تو و همسرت دشمنی است زنهار تا شما را از بهشت به در نکند تا تیره‌بخت گردی. در حقیقت برای تو در آنجا این است که نه گرسنه می‌شوی و نه برهنه می‌مانی. و اینکه در آنجا نه تشنه می‌گردی و نه آفتاب‌زده. پس شیطان او را وسوسه کرد گفت: ای آدم آیا تو را به درخت جاودانگی و ملکی که زایل نمی‌شود راه نمایم؟ آنگاه از آن خوردند و برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسبانیدن برگهای بهشت بر خود و آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت. سپس پروردگارش او را برگزید و بر او بخشود و هدایت کرد. فرمود همگی از آن فرود آیید در حالی که بعضی از شما دشمن بعضی دیگر است پس اگر برای شما از جانب من رهنمودی رسد هر کس از هدایتم پیروی کند نه گمراه می‌شود و نه تیره‌بخت. و هر کس از یاد من دل بگرداند در حقیقت زندگی تنگ خواهد داشت.

دخترکم از سرگذشت پیشینیان تجربه بگیر برای هدایت خویش. و به راستی اگر خردمند باشی در این سخنان نشانه‌هایی است. پس بر آنچه دیگران می‌گویند و می‌اندیشند شکبیا باش و پیش از بر آمدن آفتاب و قبل از فرو شدن آن با ستایش پروردگارت تسبیح گوی و برخی از ساعات شب و حوالی روز را به نیایش پرداز باشد که خشنود گردی. و زنهار به سوی آنچه اصنافی از ایشان را خدایت از آن برخوردار کرده است - زیور زندگی دنیاست تا ایشان را در آن بیازماید - دیدگان خود مدوز و روزی پروردگار تو بهتر و پایدارتر است. و کسان خود را به بندگی راهنما باش و خود بر آن شکبیا باش که *خدایت بهترین روزی دهندگان است.* (۲۰)

دخترکم! و به راستی خدایت بالای سر تو هفت راه آفرید و از آفرینش غافل نبوده است. و از آسمان آبی به اندازه فرود آورد و آن را در زمین جای داد و خدایت برای از بین بردن آن مسلما تواناست. پس برای مردم به وسیله آن باغهایی را پدیدار کرد که در آنها برای آنان میوه‌های فراوان است و از آنها می‌خورید. و البته برای دختر گلم در دامها عبرتی است؛ خدایت از آنچه که در شکم آنهاست به مردم می‌نوشاند و برای آنان در آنها سودهای فراوان است و از آنها می‌خورید. و بر آنها و بر کشتیها سوار می‌شوید. و به یقین خدایت نوح را به سوی قومش فرستاد پس گفت: ای قوم من خدا را بپرستید. شما را جز او خدایی نیست، مگر پروا ندارید. و اشراف قومش که کافر بودند گفتند این جز بشری چون شما نیست می‌خواهد بر شما برتری جوید و اگر خدا می‌خواست قطعا فرشتگانی می‌فرستاد، در میان پدران

نخستین خود چنین شنیده‌ایم. او نیست جز مردی که در وی جنون است پس تا چندی در باره‌اش دست نگاه دارید. گفت: پروردگارا از آن روی که دروغ‌زنم خواندند مرا یاری کن. پس **به او وحی کردیم** که زیر نظر ما و وحی ما کشتی را بساز و چون فرمان ما در رسید و تنور به فوران آمد پس در آن از هر نوع دو تا با خانواده‌ات بجز کسی از آنان که حکم بر او پیشی گرفته است وارد کن، در باره کسانی که ظلم کرده‌اند با من سخن مگوی زیرا آنها غرق خواهند شد. و چون تو با آنان که همراه تواند بر کشتی نشستی بگو ستایش خدایی را که ما را گروه ظالمان رهناید. و بگو پروردگارا مرا در جایی پربرکت فرود آور، تو نیکترین مهمان نوازانی. دخترکم در حقیقت در این سرگذشت ها عبرتهایی است و قطعاً خدایت آزمایش‌کننده بود. سپس بعد از آنان نسل دیگری را پدید آورد. و در میانشان پیامبری از خودشان روانه کرد که خدا را بپرستید، جز او برای شما معبودی نیست. آیا سر پرهیزگاری ندارید؟ و **اشراف** قومش که کافر شده و دیدار آخرت را دروغ پنداشته بودند و در **زندگی دنیا آنان را مرفه ساخته بودیم** گفتند: این جز بشری چون شما نیست از آنچه می‌خورید می‌خورد و از آنچه می‌نوشید می‌نوشد. و اگر بشری مثل خودتان را اطاعت کنید در آن صورت قطعاً زیانکار خواهید بود. آیا به شما وعده می‌دهد که وقتی مرید و خاک و استخوان شدید شما بیرون آورده می‌شوید؟ وه چه دور است آنچه که وعده داده می‌شوید. جز این زندگانی دنیای ما چیزی نیست. می‌میریم و زندگی می‌کنیم و دیگر برانگیخته نخواهیم شد. او جز مردی که بر خدا دروغ می‌بندد نیست و ما به او اعتقاد نداریم. گفت: پروردگارا از آن روی که مرا دروغ‌زن خواندند یاریم کن. فرمود به زودی سخت پشیمان خواهند شد. پس فریاد آنان را به حق فرو گرفت و خدایت آنها را خاشاکی که بر آب افتد گردانید. دور باد گروه ستمکاران. آنگاه پس از آنان نسلهای دیگری پدید آورد. هیچ امتی نه از اجل خود پیشی می‌گیرد و نه باز پس می‌ماند. باز خدایت فرستادگان خود را پیایی روانه کرد هر بار برای امتی پیامبرش آمد او را تکذیب کردند. پس یکی پس از دیگری آنها را آورد و آنها را مایه عبرت گردانید. دور باد مردمی که ایمان نمی‌آورند. سپس موسی و برادرش هارون را با آیات خود و حجتی آشکار فرستاد به سوی فرعون و سران او. ولی تکبر نمودند و مردمی گردنکش بودند. پس گفتند: آیا به دو بشر که مثل خود ما هستند و طایفه آنها بندگان ما می‌باشند ایمان بیاوریم؟ در نتیجه آن دو را دروغ‌زن خواندند پس از زمره هلاک‌شدگان گشتند. و به یقین خدایت به موسی کتاب داد باشد که آنان به راه راست روند. و پسر مریم و

مادرش را نشانه‌ای گردانید و آن دو را در سرزمین بلندی که جای زیست و آب زلال بود جای داد.

دخترکم ناباوران کارشان را میان خود قطعه قطعه کردند، دسته دسته شدند هر دسته‌ای به آنچه نزدشان بود دل خوش کردند. پس آنها را در ورطه گمراهی‌شان تا چندی واگذار. آیا می‌پندارند که آنچه از مال و اولاد که خدایت آنها بدیشان مدد می‌دهد، می‌خواهد به سودشان در خیرات شتاب ورزد، بلکه نمی‌فهمند. و خدایت هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی‌کند و نزد او کتابی است که به حق سخن می‌گوید و مردم مورد ستم قرار نخواهند گرفت. بلکه دل‌های آنان از این در غفلت است و آنان غیر از این کردارهایی دارند که به انجام آن مبادرت می‌ورزند. تا وقتی که خدایت خوشگذرانان آنها را به عذاب گرفتار سازد بناگاه به زاری درمی‌آیند. امروز زاری مکنید که قطعاً شما از جانب خدا یاری نخواهید شد.

در حقیقت آیات خدایت بر آنها خوانده می‌شد و آنها بودند که همواره به قهقرا می‌رفتند. دخترکم خداست آن کس که برای تو گوش و چشم و دل پدید آورد چه اندک سپاسگزاری. و اوست آن کس که تو را در زمین پدید آورد و به سوی اوست که گرد آورده خواهی شد. و اوست آن کس که زنده می‌کند و می‌میراند و اختلاف شب و روز از اوست مگر نمی‌اندیشی. دخترکم بگو پروردگارا از وسوسه‌های شیطانها به تو پناه می‌برم. و پروردگارا از اینکه به پیش من حاضر شوند به تو پناه می‌برم. (۲۳)

دخترکم پای از پی گامهای شیطان منه و هر کس پای بر جای گامهای شیطان نهد او به زشتکاری و ناپسند وامی‌دارد و *اگر فضل خدا و رحمتش بر تو نبود هرگز پاک نمی‌شدی* ولی خداست که هر کس را بخواهد پاک می‌گرداند و خدا شنوای داناست. و اگر سرمایه‌دار و فراخ‌دولت شدی نباید از دادن به خویشاوندان و تهیدستان دریغ ورزی به شرطی که از حد مگذرانی و نیت فقط رضای خدایت باشد. و باید عفو کنی و گذشت نمایی. مگر دوست نداری که خدا بر تو ببخشد و خدا آمرزنده مهربان است.

مردان خداپرست باید دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه‌تر است زیرا خدا به آنچه می‌کنند آگاه است. و زنان خداپرست باید دیدگان خود را فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر گردن خویش اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پسرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که بی‌نیازند یا کودکانی که بر

عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند آشکار نکنند و پاهای خود را نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد.

دخترم به درگاه خدا توبه کن، امید که رستگار شوی. خدا نور آسمانها و زمین است مثل نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی و آن چراغ در شیشه‌ای است آن شیشه گویی اختری درخشان است که از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی است و نه غربی افروخته می‌شود نزدیک است که روغنش هر چند بدان آتشی نرسیده باشد روشنی بخشد، روشنی بر روی روشنی است. *خدا هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می‌کند* و این مثلها را خدا برای مردم می‌زند و خدا به هر چیزی داناست.

دخترکم *خدا هر که را بخواهد بی حساب روزی می‌دهد*. و کسانی که ناباور شدند، کارهایشان چون سرابی در زمینی هموار است که تشنه آن را آبی می‌پندارد تا چون بدان رسد آن را چیزی نیابد و خدا را نزد خویش یابد و حسابش را تمام به او دهد و خدا زودشمار است. یا مانند تاریکی‌هایی است که در دریایی ژرف است که موجی آن را می‌پوشاند روی آن موجی است بالای آن ابری است تاریکی‌هایی است که بعضی بر روی بعضی قرار گرفته است هر گاه دستش را بیرون آورد به زحمت آن را می‌بیند و *خدا به هر کس نوری نداده باشد او را هیچ نوری نخواهد بود*.

آیا ندانسته‌ای که هر که در آسمانها و زمین است برای خدا تسبیح می‌گویند و پرندگان در حالی که در آسمان پر گشوده‌اند همه ستایش و نیایش خود را می‌دانند و خدا به آنچه می‌کنند داناست. و فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست و بازگشت به سوی خداست. آیا ندانسته‌ای که خدا ابر را به آرامی می‌راند سپس میان آن پیوند می‌دهد آنگاه آن را متراکم می‌سازد پس دانه‌های باران را می‌بینی که از خلال آن بیرون می‌آید و از آسمان از کوههایی که در آنجاست تگرگی فرو می‌ریزد و هر که را بخواهد بدان گزند می‌رساند و آن را از هر که بخواهد باز می‌دارد نزدیک است روشنی برقش چشمها را ببرد.

دخترکم خداست که شب و روز را با هم جابجا می‌کند قطعا در این برای تو اگر دیده‌ور باشی عبرتی است. و خداست که هر جنبنده‌ای را از آبی آفرید پس پاره‌ای از آنها بر روی شکم راه می‌روند و پاره‌ای از آنها بر روی دو پا و بعضی از آنها بر روی چهار راه می‌روند. خدا هر چه بخواهد می‌آفریند. در حقیقت خدا بر هر چیزی تواناست. قطعا خدایت در این کتاب آیاتی روشن‌تر برای تو فرود آورده و *خدا هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند*. و بدانکه هدایت خدایت یکی از نکات کلیدی یک زندگی موفق است که باید نگاهت به آن سو

باشد و از خدایت آن را بخواهی و یکی از خواسته های اصلی تو باشد. اینکه آن خواسته چگونه به فعلیت می رسد بستگی به باور تو دارد. باور بر اینکه تو نمیدانی ولی خدایت میداند.

دخترکم گفتار مؤمنان وقتی به سوی خدا و پیامبرش خوانده شوند تنها این است که می گویند شنیدیم و اطاعت کردیم، اینانند که رستگارانند. و دلیلش هم آن است که می دانند که نمی دانند و بدانند که این پیروی کور کورانه نیست بلکه نهایت عقل است. و چون این را دانستی کار چنان کن که از چون تویی باید که خرد منزلت است و بیمقدار، و توانایی اش کم و ناتوانی اش بسیار و طاعت خدا را خواهان و از عقوبتش ترسان، و از خشم او هراسان که خدا تو را جز نیکوکاری نفرموده و جز از زشتکاری نهی ننموده. و اگر خدا و فرستاده او را فرمان بر و از خدا بترسی و از او پروا کنی آنوقت تو خود کامیابی.

دخترکم هشدار که آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست به یقین آنچه را که بر آنی می داند و روزی که به سوی او بازگردانیده می شوی تو را از آنچه انجام داده ای خبر می دهد و خدا به هر چیزی داناست. (۲۴)

بزرگ است کسی فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست و فرزندی اختیار نکرده و برای او شریکی در فرمانروایی نبوده است و هر چیزی را آفریده و بدان گونه که درخور آن بوده اندازه گیری کرده است. دخترکم اکثریت آدمیان به جای او خدایانی برای خود گرفته اند که چیزی را خلق نمی کنند و خود خلق شده اند و برای خود نه زیانی را در اختیار دارند و نه سودی را و نه مرگی را در اختیار دارند و نه حیاتی و نه رستاخیزی را.

دخترکم سخن حق و راست را آن کسی نازل ساخته است که راز نهانها را در آسمانها و زمین می داند و هموست که همواره آمرزنده مهربان است. و می بینی که مردم می گویند: این چه پیامبری است که غذا می خورد و در بازارها راه می رود؟ چرا فرشته ای به سوی او نازل نشده تا همراه وی هشداردهنده باشد؟ یا گنجی به طرف او افکنده نشده، یا باغی ندارد که از آن بخورد؟ و ناباورانشان می گویند: جز مردی افسون شده را دنبال نمی کنید. **بنگر چگونه برای تو مثلها زدند و گمراه شدند در نتیجه نمی توانند راهی بیابند.** بزرگ است کسی که اگر بخواهد بهتر از این را برای فرستاده اش قرار می دهد باغهایی که جویبارها از زیر آن روان خواهد بود و برای او کاخها پدید می آورد. بلکه رستاخیز را دروغ خواندند و خدایت برای هر کس که رستاخیز را دروغ خواند آتش سوزان آماده کرده است. دخترکم پروردگار تو مسؤول این وعده است.

دخترکم پیش ترها نیز خدایت پیامبرانش را فرستاد و مردم به شبه افتادند که مگر میشود پیامبر چنین باشد که همانند دیگران غذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌روند و آگاه باش که خدایت برخی از مردم را برای برخی دیگر آزمایش قرار می‌دهد. آیا شکیبایی می‌کنی؟ و پروردگار تو همواره بیناست. و کسانی که به لقای خدایشان امید ندارند گفتند: چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند؟ یا پروردگاران را نمی‌بینیم؟ قطعاً در مورد خود تکبر ورزیدند و سخت سرکشی کردند. روزی که فرشتگان را ببینند آن روز برای گناهکاران بشارتی نیست و می‌گویند دور و ممنوع. دخترکم به یاد بیار نزول فرشتگان را بر قوم لوط که حجت بر آنها تمام شده بود و نگاه خدایت به هر گونه کاری که کرده‌اند می‌پردازد و آن را گردی پراکنده می‌سازد. و چنین است روز موعود خدایت که وعده داده است. آن روز جایگاه اهل بهشت بهتر و استراحتگاهشان نیکوتر است. و روزی که آسمان با ابری سپید از هم می‌شکافد و فرشتگان نزول یابند. آن روز فرمانروایی بحق از آن رحمان است و روزی است که بر ناباوران بسی دشوار است. و روزی است که ستمکار دستهای خود را می‌گزد. می‌گوید: ای کاش با پیامبر راهی برمی‌گرفتم. ای وای! کاش فلانی را دوست نگرفته بودم. او مرا به گمراهی کشانید پس از آنکه قرآن به من رسیده بود و شیطان همواره فروگذارنده انسان است. و پیامبر گفت: پروردگارا قوم من این قرآن را رها کردند و این گونه برای هر پیامبری دشمنی از گناهکاران قرار دادیم و همین بس که پروردگارت راهبر و یاور اوست. و کسانی که کافر شدند گفتند: چرا قرآن یکجا بر او نازل نشده است؟ خدایت این چنین خواسته تا قلب پیامبرش را به وسیله آن استوار گرداند.

دخترکم و به یقین خدایت به موسی کتاب عطا کرد و برادرش هارون را همراه او دستیار گردانید. پس گفت: هر دو به سوی قومی که نشانه‌های ما را به دروغ گرفتند بروید. پس آنان را به سختی هلاک نمود. و قوم نوح را آنگاه که پیامبران را تکذیب کردند غرقشان ساخت و آنان را برای مردم عبرتی گردانید و برای ستمکاران عذابی پر درد آماده کرده است. (خدا/یا شکر که ترس از قهاریت و جباریت را در دل و جان ما انداختی تا در عین امید به رحمت و بزرگی تو، مثل بید از نظر نداشتن تو بر خویشتن، حتی در عالی‌ترین درجات کمال عقلی و جلال مادی بر خود بلرزیم)، و عادیان و ثمودیان و اصحاب رس و نسلهای بسیاری میان این و برای همه آنان مثلها زد و همه را زیر و زیر کرد. و قطعاً بر شهری که باران بلا بر آن بارانده شد گذشته‌اند مگر آن را ندیده‌اند ولی امید به زنده شدن ندارند. و چون مردم فرستاده خدا را ببینند جز به ریشخندش نگیرند. آیا این همان کسی است که خدا او را به رسالت

فرستاده است؟ ، چیزی نمانده بود که ما را از ذهنیاتمان اگر بر آن ایستادگی نمی‌کردیم منحرف کند و هنگامی که عذاب را می‌بینند به زودی خواهند دانست چه کسی گمراه‌تر است.

آیا آن کس که هوای خود را معبود خویش گرفته است دیدی؟ آیا ضامن او باشی؟ یا گمان داری که بیشترشان می‌شنوند؟ یا می‌اندیشند؟ آنان جز مانند ستوران نیستند بلکه همراه‌ترند. آیا ندیده‌ای که پروردگارت چگونه سایه را گسترده است و اگر می‌خواست آن را ساکن قرار می‌داد آنگاه خورشید را بر آن دلیل گردانید. ، سپس آن را اندک اندک به سوی خود بازمی‌گیرد. و اوست کسی که شب را برای شما پوششی قرار داد و خواب را آرامشی و روز را زمان برخاستن گردانید. و اوست آن کس که بادها را نویدی پیشاپیش رحمت خویش فرستاد و از آسمان آبی پاک فرود آورد تا به وسیله آن سرزمینی پژمرده را زنده گردانید و آن را به آنچه خلق کرده بود از دامها و انسانهای بسیار بنوشانید. و قطعا آن را میان آنان گوناگون ساخت تا توجه پیدا کنند و بیشتر مردم جز ناسپاسی نخواستند (و بگو خدا/یا خوب میدانم که من هم جزو این بیشتر مردم هستم. آیا به من رحم خواهی کرد؟ و باز هم هر چیزی را تو بخواهی بهترین است. آیا من می‌توانم چیزی بگویم؟ آیا می‌توانم درخواستی بکنم؟ مگر نه اینکه هر چیزی از این وجود نای گرفته بیرون بیاید رنگ و بوی پلیدی و زشتی را دارد ، پس می‌گیریم و این بهترین است. به قول عارف عاشق بلخ: چون بنالد زار بی شکر و گله ، افتد اندر هفت گردون قلقله) ، و اگر خدایت می‌خواست قطعا در هر شهری هشداردهنده‌ای برمی‌انگیخت. پس از ناباوران اطاعت مکن و با این کتاب با ذهنیات جهل آلوده آنها و یا صحیح تر القائات ذهنی خودت به جهادی بزرگ بپرداز و از خودشناسی و خودسازی غافل مشو. و اوست کسی که دو دریا را موج‌زنان به سوی هم روان کرد این یکی شیرین گوارا و آن یکی شور تلخ است و میان آن دو مانع و حریمی استوار قرار داد. و اوست کسی که از آب بشری آفرید و او را نسبی و دامادی قرار داد و پروردگار تو همواره تواناست. و بر آن زنده که نمی‌میرد توکل کن و به ستایش او تسبیح گوی و همین بس که او به گناهان بندگانش آگاه است. همان کسی که آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است در شش روز آفرید، آنگاه بر عرش استیلا یافت، رحمتگر عام. بزرگوار است آن کسی که در آسمان برجهایی نهاد و در آن چراغ و ماهی نوربخش قرار داد. و اوست کسی که برای هر کس که بخواهد عبرت گیرد یا بخواهد سپاسگزاری نماید شب و روز را جانشین یکدیگر گردانید. و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند و چون نادانان ایشان

را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می‌دهند. و آناند که در حال سجده یا ایستاده شب را به روز می‌آورند. و کسانی‌اند که می‌گویند: پروردگارا عذاب جهنم را از ما بازگردان که عذابش سخت و دایمی است. و در حقیقت آن بد قرارگاه و جایگاهی است. و کسانی‌اند که چون اتفاق کنند نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند و میان این دو حد وسط را برمی‌گزینند. و کسانی‌اند که با خدا معبودی دیگر نمی‌خوانند و کسی را که خدا حرام کرده است جز به حق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند. و کسانی‌اند که گواهی دروغ نمی‌دهند و چون بر لغو بگذرند با بزرگواری می‌گذرند. و کسانی‌اند که چون به آیات پروردگارشان تذکر داده شوند کر و کور روی آن نمی‌افتند. و کسانی‌اند که می‌گویند: پروردگارا به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان. (۲۵)

دخترکم این است نشانه‌های کتاب روشنگر. شاید تو از اینکه بیشتر مردم سخنان این کتاب را درست نمی‌فهمند حتی کسانی که سینه چاک آن هستند جان خود را تباه سازی. اگر خدایت بخواهد معجزه‌ای از آسمان بر آنان فرود می‌آورد تا در برابر آن گردنهایشان خاضع گردد. پس بر نخواستن خدایت شکبیا باش. و بدانکه هر تذکر جدیدی از سوی پروردگارت برایشان بیاید همواره از آن روی بر خواهند تافت. و این خصلت دین‌گریزی در تو نیز هست پس به هوش باش. مگر در زمین ننگریسته‌ای که چه قدر خدایت در آن از هر گونه جفتهای زیبا رویانیده است. قطعا در این عبرتی است ولی تو آن را نخواهی فهمید. و در حقیقت پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است. و هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا درداد که به سوی قوم ستمکار برو، قوم فرعون آیا پروا ندارند. گفت: پروردگارا می‌ترسم مرا تکذیب کنند و سینه‌ام تنگ می‌گردد و زبانم باز نمی‌شود پس به سوی هارون بفرست. و آنان بر من خونی دارند و می‌ترسم مرا بکشند. فرمود نه چنین نیست نشانه‌های ما را ببرید که ما با شما شنونده‌ایم. پس به سوی فرعون بروید و بگویید ما پیامبر پروردگار جهانیانیم. فرزندان اسرائیل را با ما بفرست. فرعون گفت: آیا تو را از کودکی در میان خود نپروردیم و سالیانی چند از عمرت را پیش ما نماندی و کار خود را کردی؟ و تو از ناسپاسانی. موسی گفت: آن را هنگامی مرتکب شدم که از گمراهان بودم. و چون از شما ترسیدم از شما گریختم تا پروردگارم به من دانش بخشید و مرا از پیامبران قرار داد. و اینکه فرزندان اسرائیل را بنده ساخته‌ای نعمتی است که منتش را بر من می‌نهی.

فرعون گفت: و پروردگار جهانیان چیست؟ گفت: پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است اگر اهل یقین باشید. به کسانی که پیرامونش بودند گفت: آیا نمی‌شنوید؟ گفت:

پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شما. گفت: واقعا این پیامبری که به سوی شما فرستاده شده سخت دیوانه است. گفت: پروردگار خاور و باختر و آنچه میان آن دو است اگر تعقل کنید. گفت: اگر خدایی غیر از من اختیار کنی قطعاً تو را از زندانیان خواهم ساخت. گفت: گر چه برای تو چیزی آشکار بیاورم. گفت: اگر راست می‌گویی آن را بیاور. پس عصای خود بیفکند و بناگاه آن اژدری نمایان شد. و دستش را بیرون کشید و بناگاه آن برای تماشاگران سپید می‌نمود. به سرانی که پیرامونش بودند گفت: واقعا این ساحری بسیار داناست. می‌خواهد با سحر خود شما را از سرزمینتان بیرون کند اکنون چه رای می‌دهید؟ گفتند: او و برادرش را در بند دار و گردآورندگان را به شهرها بفرست تا هر ساحر ماهری را نزد تو بیاورند. پس ساحران برای موعد روزی معلوم گردآوری شدند. و به توده مردم گفته شد آیا شما هم جمع خواهید شد؟ بدین امید که اگر ساحران غالب شدند از آنان پیروی کنیم. و چون ساحران پیش فرعون آمدند گفتند: آیا اگر ما غالب آییم واقعا برای ما مزدی خواهد بود؟ گفت: آری و در آن صورت شما حتماً از مقربان خواهید شد. موسی به آنان گفت: آنچه را شما می‌اندازید بیندازید. پس ریسمانها و چوبدستی‌هایشان را انداختند و گفتند به عزت فرعون که ما حتماً پیروزیم. پس موسی عصایش را انداخت و بناگاه هر چه را به دروغ بر ساخته بودند بلعید در نتیجه ساحران به حالت سجده درافتادند. **گفتند: به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم.** پروردگار موسی و هارون. گفت: پیش از آنکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید قطعاً او همان بزرگ شماس است که به شما سحر آموخته است به زودی خواهید دانست. حتماً دستها و پاهای شما را از چپ و راست خواهم برید و همه‌تان را به دار خواهم آویخت. گفتند: باکی نیست ما روی به سوی پروردگار خود می‌آوریم. ما امیدواریم که پروردگارمان گناهانمان را بر ما ببخشد که نخستین ایمان آورندگان بودیم. و به موسی وحی کردیم که بندگان مرا شبانه حرکت ده زیرا شما مورد تعقیب قرار خواهید گرفت. پس فرعون ماموران جمع‌آوری به شهرها فرستاد. اینها عده‌ای ناچیزند. و راستی آنها ما را بر سر خشم آورده‌اند. و ما همگی به حال آماده‌باش درآمده‌ایم. سرانجام ما آنان را از باغستانها و چشمه سارها و گنجینه‌ها و جایگاه‌های پر ناز و نعمت بیرون کردیم. چنین بود و آن را به فرزندان اسرائیل میراث دادیم. پس هنگام برآمدن آفتاب آنها را تعقیب کردند. چون دو گروه همدیگر را دیدند یاران موسی گفتند: ما قطعاً گرفتار خواهیم شد. گفت: چنین نیست زیرا پروردگارم با من است و به زودی مرا راهنمایی خواهد کرد. پس به موسی وحی کردیم با عصای خود بر این دریا بزن تا از هم شکافت و هر پاره‌ای همچون کوهی سترگ

بود. و دیگران را بدانجا نزدیک گردانیدیم. و موسی و همه کسانی را که همراه او بودند نجات دادیم. آنگاه دیگران را غرق کردیم. مسلما در این عبرتی بود و بیشترشان ایمان آورنده نبودند. و قطعاً پروردگار تو همان شکست ناپذیر مهربان است. و دخترکم بر خود گزارش ابراهیم را بخوان و پیرو سفارش پدرت هیچ وقت از خواندن آن ملول نشو که این حربه شیطان است. و بخوان آنگاه که ابراهیم به پدر خود و قومش گفت: چه می‌پرسید؟ گفتند: بتانی را می‌پرستیم و همواره ملازم آنهایم. گفت: آیا وقتی دعا می‌کنید از شما می‌شنوند؟ یا به شما سود یا زیان می‌رسانند؟ گفتند: نه بلکه پدران خود را یافتیم که چنین می‌کردند. گفت: آیا در آنچه می‌پرستیده‌اید تامل کرده‌اید؟ ، شما و پدران پیشین شما. قطعاً همه آنها جز پروردگار جهانیان دشمن منند. آن کس که مرا آفریده و همو راهنماییم می‌کند و آن کس که او به من خوراک می‌دهد و سیرابم می‌گرداند و چون بیمار شوم او مرا درمان می‌بخشد و آن کس که مرا می‌میراند و سپس زنده‌ام می‌گرداند و آن کس که امید دارم روز پاداش گناهم را بر من ببخشد. پروردگارا به من دانش عطا کن و مرا به صالحان ملحق فرما و برای من در آیندگان آوازه نیکو گذار و مرا از وارثان بهشت پر نعمت گردان و بر پدرم ببخشای که او از گمراهان بود و روزی که برانگیخته می‌شوند رسوایم مکن. روزی که هیچ مال و فرزندی سود نمی‌دهد مگر کسی که دلی پاک به سوی خدا بیاورد. و در حقیقت دخترکم! پروردگار تو همان شکست ناپذیر مهربان است.

قوم نوح پیامبران را تکذیب کردند. چون برادرشان نوح به آنان گفت: آیا پروا ندارید؟ من برای شما فرستاده‌ای در خور اعتماد از خدا پروا کنید و فرمانم ببرید و بر این اجری از شما طلب نمی‌کنم اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست پس از خدا پروا کنید و فرمانم ببرید. گفتند: آیا به تو ایمان بیاوریم و حال آنکه فرومایگان از تو پیروی کرده‌اند؟ گفت: به آنچه می‌کرده‌اند چه آگاهی دارم؟ حسابشان اگر درمی‌یابید جز با پروردگارم نیست و من طردکننده مؤمنان نیستم. من جز هشداردهنده‌ای آشکار نیستم. گفتند: ای نوح اگر دست برنداری قطعاً از سنگسارشدگان خواهی بود. گفت: پروردگارا قوم من مرا تکذیب کردند. میان من و آنان فیصله ده و من و هر کس از مؤمنان را که با من است نجات بخش. پس او و هر که را در آن کشتی آکنده با او بود رهانیدیم آنگاه باقی‌ماندگان را غرق کردیم. قطعاً در این عبرتی بود و بیشترشان ایمان آورنده نبودند و در حقیقت پروردگار تو همان شکست ناپذیر مهربان است.

عادیان پیامبران را تکذیب کردند آنگاه که برادرشان هود به آنان گفت: آیا پروا ندارید؟ من برای شما فرستاده‌ای در خور اعتماد از خدا پروا کنید و فرمانم ببرید و بر این اجرای از شما طلب نمی‌کنم اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست. آیا بر هر تپه‌ای بنایی می‌سازید که دست به بیهوده‌کاری زنید؟ و کاخهای استوار می‌گیرید به امید آنکه جاودانه بمانید و چون حمله‌ور می‌شوید زورگویان حمله‌ور می‌شوید پس از خدا پروا دارید و فرمانم ببرید و از آن کس که شما را به آنچه می‌دانید مدد کرد پروا دارید. شما را به دامها و پسران مدد کرد و به باغها و چشمه‌ساران. من از عذاب روزی هولناک بر شما می‌ترسم. گفتند: خواه اندرز دهی و خواه از اندرزدهندگان نباشی برای ما یکسان است. این جز شیوه پیشینیان نیست و ما عذاب نخواهیم شد. پس تکذیبش کردند و هلاکشان کردیم. قطعا در این عبرتی بود و بیشترشان ایمان‌آورنده نبودند و در حقیقت پروردگار تو همان شکست ناپذیر مهربان است.

ثمودیان پیامبران را تکذیب کردند آنگاه که برادرشان صالح به آنان گفت: آیا پروا ندارید؟ من برای شما فرستاده‌ای در خور اعتماد از خدا پروا کنید و فرمانم ببرید و بر این اجرای از شما طلب نمی‌کنم اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست. آیا شما را در آنچه اینجا دارید آسوده رها می‌کنند؟ در باغها و در کنار چشمه‌ساران و کشتزارها و خرمابنایی که شکوفه‌هایشان لطیف است و هنرمندانه برای خود از کوهها خانه‌هایی می‌تراشید. از خدا پروا کنید و فرمانم ببرید و فرمان افراطگران را پیروی نکنید آنان که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند. گفتند: قطعا تو از افسون شدگانی. تو جز بشری مانند ما نیستی اگر راست می‌گویی معجزه‌ای بیاور. گفت: این ماده شتری است که نوبتی از آب او راست و روزی معین نوبت آب شماست و به آن گزند می‌رسانید که عذاب روزی هولناک شما را فرو می‌گیرد. پس آن را پی کردند و پیشیمان گشتند. آنگاه آنان را عذاب فرو گرفت. قطعا در این عبرتی است و بیشترشان ایمان‌آورنده نبودند و در حقیقت پروردگار تو همان شکست ناپذیر مهربان است.

قوم لوط فرستادگان را تکذیب کردند آنگاه برادرشان لوط به آنان گفت: آیا پروا ندارید؟ من برای شما فرستاده‌ای در خور اعتماد از خدا پروا دارید و فرمانم ببرید و بر این اجرای از شما طلب نمی‌کنم اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست. آیا از میان مردم جهان با مردها در می‌آمیزید؟ و آنچه را پروردگارتان از همسرانتان برای شما آفریده وامی‌گذارید بلکه شما مردمی تجاوزکارید. گفتند: ای لوط اگر دست برنداری قطعا از اخراج شدگان خواهی بود. گفت: به راستی من دشمن کردار شمایم. پروردگارا مرا و کسان مرا از آنچه انجام می‌دهند رهایی بخش. پس او و کسانش را همگی رهانیدیم جز پیرزنی که از باقی‌ماندگان بود سپس

دیگران را سخت هلاک کردیم و بر آنان بارانی فرو ریختیم و چه بد بود باران بیم‌داده‌شدگان. قطعاً در این عبرتی است و بیشترشان ایمان آورنده نبودند و در حقیقت پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است.

اصحاب ایکه فرستادگان را تکذیب کردند آنگاه که شعیب به آنان گفت: آیا پروا ندارید؟ من برای شما فرستاده‌ای در خور اعتماد از خدا پروا دارید و فرمانم ببرید و بر این اجری از شما طلب نمی‌کنم اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست. پیمان را تمام دهید و از کم فروشان مباشید و با ترازوی درست بسنجید و از ارزش اموال مردم مکاهید و در زمین سر به فساد بر مدارید و از آن کس که شما و خلق گذشته را آفریده است پروا کنید. گفتند: تو واقعاً از افسون شدگانی و تو جز بشری مانند ما نیستی و قطعاً تو را از دروغگویان می‌دانیم پس اگر از راستگویی پاره‌ای از آسمان بر ما بیفکن. گفت: پروردگارم به آنچه می‌کنید دانایان است. پس او را تکذیب کردند و عذاب روز ابر آنان را فرو گرفت. به راستی آن عذاب روزی هولناک بود. قطعاً در این عبرتی است و بیشترشان ایمان آورنده نبودند و در حقیقت پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است. و راستی که این سخن پروردگار جهانیان است. روح الامین آن را بر دل پدیرت الهام کرد تا از راه یافته شدگان باشی، به زبان روشن، و آن در کتابهای پیشینیان آمده است. دخترکم مبدا از آن دسته از مردم باشی که این سخنان را خدایت در دل‌های آنها راه نمی‌دهد که به آن نگرند تا عذاب پردرد را ببینند که به طور ناگهانی در حالی که بی‌خبرند بدیشان برسد.

دخترکم خدایت می‌گوید؛ *شیطانها آن را فرود نیاورده‌اند و آنان را نسزد و نمی‌توانند.* در حقیقت آنها از شنیدن معزول اند. پس با خدا خدای دیگر مخوان که از عذاب‌شدگان خواهی شد و خواهرت را راهبر و راهنما باش و برای او بال خود را فرو گستر و بر عزیز مهربان توکل کن آن کس که چون برمی‌خیزی تو را می‌بیند. او همان شنوای داناست. (۲۶)

دخترکم این است آیات قرآن و کتابی روشنگر که هدایت و بشارتی است برای تو اگر باور داشته باشی. باورکنندگان همان کسانی هستند که بندگی برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و خود به آخرت یقین دارند. کسانی که به آخرت ایمان ندارند خدایت کردارهایشان را در نظرشان می‌آرید تا سرگشته بمانند. آنان کسانی‌اند که عذاب سخت برای ایشان خواهد بود و در آخرت خود زیانکارترین اند. و حقا تو قرآن را از سوی حکیمی دانا دریافت می‌داری.

دخترکم به یاد بیار هنگامی را که موسی به خانواده خود گفت: من آتشی به نظرم رسید به زودی برای شما خبری از آن خواهم آورد یا شعله آتشی برای شما می‌آورم باشد که خود را

گرم کنید. چون نزد آن آمد آوا رسید که خجسته آنکه در کنار این آتش و آنکه پیرامون آن است و منزّه است خدا پروردگار جهانیان. ای موسی این منم خدای عزیز حکیم. و عصایت را بیفکن، پس چون آن را همچون ماری دید که می‌جنبد پشت گردانید و به عقب بازنگشت. ای موسی مترس که فرستادگان پیش من نمی‌ترسند. لیکن کسی که ستم کرده سپس بعد از بدی نیکی را جایگزین گردانیده که من آمرزنده مهربانم. و دستت را در گریبان کن تا سپید بی‌عیب بیرون آید، از نشانه‌های نه‌گانه‌ای است به سوی فرعون و قومش زیرا که آنان مردمی نافرمانند. و هنگامی که آیات روشنگر خدایت به سوی آنان آمد گفتند: این سحری آشکار است. و با آنکه دل‌هایشان بدان یقین داشت از روی ظلم و تکبر آن را انکار کردند پس ببین فرجام فسادگران چگونه بود. و به راستی به داوود و سلیمان دانشی عطا کردیم و آن دو گفتند: ستایش خدایی را که ما را بر بسیاری از بندگان با ایمانش برتری داده است. و سلیمان از داوود میراث یافت و گفت: ای مردم ما زبان پرندگان را تعلیم یافته‌ایم و از هر چیزی به ما داده شده است. راستی که این همان *امتیاز آشکار* است. و برای سلیمان سپاهیان از جن و انس و پرندگان جمع‌آوری شدند و دسته دسته گردیدند تا آنگاه که به وادی مورچگان رسیدند. مورچه‌ای گفت: ای مورچگان به خانه‌هایتان داخل شوید مبادا سلیمان و سپاهیان ندیده و ندانسته شما را پایمال کنند. از گفتار او دهان به خنده گشود و گفت: *پروردگارا در دلم افکن تا نعمتی را که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای سپاس بگزارم و به کار شایسته‌ای که آن را می‌پسندی بپردازم و مرا به رحمت خویش در میان بندگان شایسته‌ات داخل کن.* و جویای پرندگان شد و گفت: مرا چه شده است که همدرد را نمی‌بینم یا شاید از غایبان است. قطعاً او را به عذابی سخت عذاب می‌کنم یا سرش را می‌برم مگر آنکه دلیلی روشن برای من بیاورد. پس دیری نپایید که گفت: از چیزی آگاهی یافتم که از آن آگاهی نیافته‌ای و برای تو از سبا گزارشی درست آورده‌ام؛ من زنی را یافتم که بر آنها سلطنت می‌کرد و از هر چیزی به او داده شده بود و تختی بزرگ داشت. او و قومش را چنین یافتم که به جای خدا به خورشید سجده می‌کنند و شیطان اعمالشان را برایشان آراسته و آنان را از راه باز داشته بود در نتیجه راه نیافته بودند تا برای خدایی که نهان را در آسمانها و زمین بیرون می‌آورد و آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را آشکار می‌نمایید می‌داند سجده نکنند. خدای یکتا که هیچ خدایی جز او نیست. پروردگار عرش بزرگ است. گفت: خواهیم دید آیا راست گفته‌ای یا از دروغگویان بوده‌ای. این نامه مرا ببر و به سوی آنها بیفکن آنگاه از ایشان روی برتاب پس بین چه پاسخ می‌دهند. گفت: ای سران نامه‌ای ارجمند برای من

آمده است. که از طرف سلیمان است و این است: به نام خداوند رحمتگر مهربان. بر من بزرگی نکنید و مرا از در اطاعت درآیید. گفت: ای سران در کارم به من نظر دهید که بی‌حضور شما کاری را فیصله نداده‌ام. گفتند: ما سخت نیرومند و دلاوریم و اختیار کار با توست بنگر چه دستور می‌دهی. گفت: پادشاهان چون به شهری درآیند آن را تباه و عزیزانش را خوار می‌گردانند و این گونه می‌کنند. و من ارمغانی به سویشان می‌فرستم و می‌نگرم که فرستادگان با چه چیز بازمی‌گردند. و چون نزد سلیمان آمد گفت: آیا مرا به مالی کمک می‌دهید؟ آنچه خدا به من عطا کرده بهتر است از آنچه به شما داده‌است بلکه شما به ارمغان خود شادمانی می‌نمایید. به سوی آنان بازگرد که قطعا سپاهییان بر ایشان می‌آوریم که در برابر آنها تاب ایستادگی نداشته باشند و از آن به خواری و زبونی بیروشان می‌کنیم. گفت: ای سران کدام یک از شما تخت او را پیش از آنکه مطیعانه نزد من آیند برای من می‌آورد. عفریتی از جن گفت: من آن را پیش از آنکه از مجلس خود برخیزی برای تو می‌آورم و بر این سخت توانا و مورد اعتمادم. کسی که نزد او دانشی از کتاب بود گفت: من آن را پیش از آنکه چشم خود را بر هم زنی برای تو می‌آورم. پس چون آن را نزد خود مستقر دید گفت: *این از فضل پروردگار من است تا مرا بیازماید که آیا سپاسگزارم یا ناسپاسی می‌کنم و هر کس سپاس گزارد تنها به سود خویش سپاس می‌گزارد و هر کس ناسپاسی کند بی‌گمان پروردگارم بی‌نیاز و کریم است.* گفت: تخت را برایش ناشناس گردانید تا ببینیم آیا پی می‌برد یا از کسانی است که پی نمی‌برند. پس وقتی آمد گفته شد آیا تخت تو همین گونه است؟ گفت: گویا این همان است و پیش از این ما آگاه شده و از در اطاعت درآمده بودیم. و آنچه غیر از خدا می‌پرستید مانع او شده بود و او از جمله گروه کافران بود. به او گفته شد وارد ساحت کاخ شو و چون آن را دید برکه‌ای پنداشت و ساقهایش را نمایان کرد. گفت: این کاخی مفروش از آبگینه است. گفت: پروردگارا من به خود ستم کردم و با سلیمان در برابر خدا پروردگار جهانیان تسلیم شدم. دخترکم بر نعمت های خدایت که بر تو ارزانی داشته و این کتاب را بر تو فرو فرستاده و تو را در دامن پدرت پرورش داده ، آگاه و شاکر باشد مبادا بدون آنکه متوجه باشی شیطان دیدگانت را بر نداشته هایت معطوف گرداند. و به راستی خدایت به سوی ثمود برادرشان صالح را فرستاد که خدا را بپرستید پس به ناگاه آنان دو دسته متخاصم شدند. گفت: ای قوم من چرا پیش از نیکی شتابزده خواهان بدی هستید؟ چرا از خدا آمرزش نمی‌خواهید؟ باشد که مورد رحمت قرار گیرید. گفتند: ما به تو و به هر کس که همراه توست شگون بد زدیم. گفت: سرنوشت خوب و بدتان پیش خداست بلکه شما

مردمی هستید که مورد آزمایش قرار گرفته‌اید. و در آن شهر نه دسته بودند که در آن سرزمین فساد می‌کردند و از در اصلاح در نمی‌آمدند. گفتند: با یکدیگر سوگند بخورید که حتماً به صالح و کسانش شبیخون می‌زنیم سپس به ولی او خواهیم گفت ما در محل قتل کسانش حاضر نبودیم و ما قطعاً راست می‌گوییم. و دست به نیرنگ زدند و خدایت دست به نیرنگ زد و خبر نداشتند. پس بنگر که فرجام نیرنگشان چگونه بود. خدایت آنان و قومشان را همگی هلاک کرد.

دخترکم لوط را بیاد بیار آنگاه که به قوم خود گفت: آیا دیده و دانسته مرتکب عمل ناشایست می‌شوید؟ آیا شما به جای زنان از روی شهوت با مردها در می‌آمیزید؟ بلکه شما مردمی جهالت پیشه‌اید. و پاسخ قومش غیر از این نبود که گفتند: خاندان لوط را از شهرتان بیرون کنید که آنها مردمی هستند که به پاکی تظاهر می‌نمایند. پس خدایت او و خانواده‌اش را نجات داد جز زنش را که مقدر کرد از باقی ماندگان باشد و بارانی بر ایشان فرو بارانید و باران هشدار داده شدگان چه بد بارانی بود.

دخترکم بگو سپاس برای خداست و درود بر آن بندگان که برگزیده است آیا خدا بهترست یا آنچه شریک می‌گردانند؟ یا آن کس که آسمانها و زمین را خلق کرد و برای شما آبی از آسمان فرود آورد پس به وسیله آن باغهای بهجت انگیز رویانید. کار شما نبود که درختانش را برویانید. آیا معبودی با خداست بلکه آنان قومی منحرفند؟ یا آن کس که زمین را قرارگاهی ساخت و در آن رودها پدید آورد و برای آن کوهها را قرار داد و میان دو دریا برزخی گذاشت آیا معبودی با خداست؟ بلکه بیشترشان نمی‌دانند. یا آن کس که *درمانده را چون وی را بخواند اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌گرداند* و شما را جانشینان این زمین قرار می‌دهد آیا معبودی با خداست؟ چه کم پند می‌پذیرید. یا آن کس که شما را در تاریکیهای خشکی و دریا راه می‌نماید و آن کس که بادها را پیشاپیش رحمتش بشارتگر می‌فرستد. آیا معبودی با خداست؟ خدا برتر است از آنچه شریک می‌گردانند. یا آن کس که خلق را آغاز می‌کند و سپس آن را باز می‌آورد و آن کس که از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد. آیا معبودی با خداست؟ بگو اگر راست می‌گویید برهان خویش را بیاورید. بگو هر که در آسمانها و زمین است جز خدا غیب را نمی‌شناسد و نمی‌دانند کی برانگیخته خواهند شد. بلکه علم آنان درباره آخرت نارساست بلکه ایشان درباره آن تردید دارند، بلکه آنان در مورد آن کور دلند.

دخترکم در زمین بگرد و بنگر فرجام گنه‌پیشگان چگونه بوده است. و بر آنان غم مخور و از آنچه مکر می‌کنند تنگدل مباش. و راستی پروردگار بر مردم دارای بخشش است ولی بیشترشان سپاس نمی‌دارند. و در حقیقت پروردگار تو آنچه را در سینه‌هایشان نهفته و آنچه را آشکار می‌دارند نیک می‌داند. و هیچ پنهانی در آسمان و زمین نیست مگر اینکه در کتابی روشن است.

دخترکم بدانکه این کتاب بر فرزندان اسرائیل بیشتر آنچه را که آنان در باره‌اش اختلاف دارند حکایت می‌کند. و به راستی که آن رهنمود و رحمتی برای توست اگر دریابی. در حقیقت پروردگار تو طبق حکم خود میان آنان داوری می‌کند و اوست شکست ناپذیر دانا. پس بر خدا توکل کن. و هدایت خدایت آگاه و شاکر باش و اگر دیدی اطرافیان تو آن را در نمی‌یابند بدانکه تا خداوند نخواهد هیچ کس هدایت نمی‌شود پس شکبیا باش.

دخترکم سرشت مرا اینگونه پروریده اند که تنها پروردگار جهانیان را و هر چیزی که از آن اوست پرستش کنم و مامورم که از تسلیم شدگان او باشم. و اینکه قرآن را بخوانم پس اگر تو راه یابی تنها به سود خود راه یافته ای و اگر خدای نخواست گمراه شوی من فقط از هشداردهندگانم و ستایش از آن خداست به زودی خدایت نشانه‌هایش را به تو نشان خواهد داد و آن را خواهی شناخت و پروردگار تو از آنچه می‌کنی غافل نیست (۲۷)

آنچه در آسمانها و زمین است خدا را به پاکی می‌ستایند و اوست ارجمند حکیم فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست زنده می‌کند و می‌میراند و او بر هر چیزی تواناست اوست اول و آخر و ظاهر و باطن و او به هر چیزی داناست اوست آن کس که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید آنگاه بر عرش استیلا یافت آنچه در زمین درآید و آنچه از آن برآید و آنچه در آن بالارود می‌داند و هر کجا باشی او با توست و خدا به هر چه می‌کنی بیناست. فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست و کارها به سوی خدا بازگردانیده می‌شود شب را در روز درمی‌آورد و روز را در شب درمی‌آورد و او به راز دلها داناست.

دخترکم بدان که زندگی دنیا در حقیقت بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی تو به دیگران و فزون‌جویی در اموال است چون مثل بارانی است که کشاورزان را رستنی آن به شگفتی اندازد سپس خشک شود و آن را زرد بینی آنگاه خاشاک شود و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست.

دخترکم هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفسهای شما نرسد مگر آنکه پیش از آنکه آن را خدایت پدید آورد در کتابی است، این بر خدا آسان است تا بر آنچه از دست تو رفته اندوهگین نشوی و به آنچه به تو داده است شادمانی نکنی.

دخترکم در حقیقت خدایت نوح و ابراهیم را فرستاد و در میان فرزندان آن دو نبوت و کتاب را قرار داد تا از آنها راه یابند و بسیاری از آنان بدکار بودند آنگاه به دنبال آنان پیامبران خود را پی در پی آورد و عیسی پسر مریم را در پی آورد و به او انجیل عطا کرد و در دلهای کسانی که از او پیروی کردند رفت و رحمت نهاد و ترک دنیایی که از پیش خود درآوردند خدایت آن را بر ایشان مقرر نکرد مگر برای آنکه کسب خشنودی خدا کنند با این حال آن را چنانکه حق رعایت آن بود منظور نداشتند پس پاداش کسانی از ایشان را که ایمان آورده بودند بدانها داد و بسیاری از آنان دستخوش انحرافند.

دخترکم اگر ایمان آورده‌ای از خدا پروا بدار تا از رحمت خویش تو را دو بهره عطا کند و برای تو نوری قرار دهد که به آن راه سپری و بر تو ببخشد و خدا آمرزنده و مهربان است. و بدانکه فضل در دست خداست به هر کس بخواهد آن را عطا می‌کند و خدا دارای کرم بسیار است (۵۷)

دخترکم این سخنان پدرت آیات کتاب روشنگر است. بخشی از گزارش موسی و فرعون را برای تو به درستی بر می‌خوانیم اگر باور داشته باشی. فرعون در سرزمین سر برافراشت و مردم آن را طبقه طبقه ساخت طبقه‌ای از آنان را زبون می‌داشت پسرانشان را سر می‌برد و زنانشان را زنده بر جای می‌گذاشت که وی از فسادکاران بود و خواستیم (خدایت خواست) بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان گردانیم و ایشان را وارث کنیم و در زمین قدرشان دهیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان آنچه را که از جانب آنان بیمناک بودند بنمایانیم. و به مادر موسی وحی کردیم که او را شیر ده و چون بر او بیمناک شدی او را در نیل بینداز و مترس و اندوه مدار که ما او را به تو باز می‌گردانیم و از پیمبرانش قرار می‌دهیم. پس خاندان فرعون او را برگرفتند تا سرانجام دشمن آنان و مایه اندوهشان باشد آری فرعون و هامان و لشکریان آنها خطاکار بودند. و همسر فرعون گفت نور چشم من و تو خواهد بود او را مکشید شاید برای ما سودمند باشد یا او را به فرزندی بگیریم، ولی آنها خبر نداشتند. و دل مادر موسی تهی گشت اگر قلبش را استوار نساخته بودیم تا از ایمان آورندگان باشد چیزی نمانده بود که آن را افشا کند. و به خواهر گفت: از پی او برو پس او را از دور دید در حالی که آنان متوجه نبودند. و از پیش شیر

دایگان را بر او حرام گردانیده بودیم پس گفت: آیا شما را بر خانواده‌ای راهنمایی کنم که برای شما از وی سرپرستی کنند و خیرخواه او باشند؟ پس او را به مادرش بازگردانیدیم تا چشمش روشن شود و غم نخورد و بداند که وعده خدا درست است ولی بیشترشان نمی‌دانند. و چون به رشد و کمال خویش رسید به او حکمت و دانش عطا کردیم و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم. و داخل شهر شد بی‌آنکه مردمش متوجه باشند پس دو مرد را با هم در زد و خورد یافت یکی از پیروان او و دیگری از دشمنانش، آن کس که از پیروانش بود بر ضد کسی که دشمن وی بود از او یاری خواست پس موسی مشتی بدو زد و او را کشت. گفت: این کار شیطان است چرا که او دشمنی گمراه کننده آشکار است. گفت: پروردگارا من بر خویشتن ستم کردم مرا ببخش پس خدا از او درگذشت که وی آمرزنده مهربان است. گفت: پروردگارا به پاس نعمتی که بر من ارزانی داشتی هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود. صبحگاهان در شهر بیمناک و در انتظار بود ناگاه همان کسی که دیروز از وی یاری خواسته بود با فریاد از او یاری خواست موسی به او گفت: به راستی که تو آشکارا گمراهی. و چون خواست به سوی آنکه دشمن هر دوشان بود حمله آورد گفت: ای موسی آیا می‌خواهی مرا بکشی؟ چنانکه دیروز شخصی را کشتی. تو می‌خواهی در این سرزمین فقط زورگو باشی و نمی‌خواهی از اصلاحگران باشی. و از دورافتاده‌ترین نقطه شهر مردی دوان دوان آمد گفت: ای موسی سران قوم درباره تو مشورت می‌کنند تا تو را بکشند پس خارج شو من جدا از خیرخواهان توام. موسی ترسان و نگران از آنجا بیرون رفت. گفت: پروردگارا مرا از گروه ستمکاران نجات بخش. و چون به سوی مدین رو نهاد گفت: امید است پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند. و چون به آب مدین رسید گروهی از مردم را بر آن یافت که آب می‌دادند و پشت سرشان دو زن را یافت که دور می‌کردند. گفت: منظورتان چیست؟ گفتند: آب نمی‌دهیم تا شبانان برگردانند و پدر ما پیری سالخورده است. پس برای آن دو آب داد آنگاه به سوی سایه برگشت و گفت: پروردگارا من به هر خیری که سویم بفرستی سخت نیازمندم. پس یکی از آن دو زن در حالی که به آزر گام بر می‌داشت نزد وی آمد گفت: پدرم تو را می‌طلبد تا تو را به پاداش آب دادن برای ما مزد دهد و چون نزد او آمد و سرگذشت را بر او حکایت کرد گفت: مترس که از گروه ستمگران نجات یافتی. یکی از آن دو گفت: ای پدر او را استخدام کن چرا که بهترین کسی است که استخدام می‌کنی هم نیرومند و هم در خور اعتماد است. گفت: من می‌خواهم یکی از این دو دختر خود را به نکاح تو در آورم به این که هشت سال برای من کار کنی و اگر ده سال را تمام گردانی اختیار با تو است

و نمی‌خواهم بر تو سخت گیرم و مرا آن شاء الله از درستکاران خواهی یافت. گفت: این میان من و تو باشد که هر یک از دو مدت را به انجام رسانیدم بر من تعدی نباشد و خدا بر آنچه می‌گوییم وکیل است. و چون موسی آن مدت را به پایان رسانید و همسرش را برد آتشی را از دور در کنار طور مشاهده کرد به خانواده خود گفت: بمانید که من آتشی از دور دیدم شاید خبری از آن یا شعله‌ای آتش برایتان بیاورم باشد که خود را گرم کنید. پس چون به آن رسید از جانب راست وادی در آن جایگاه مبارک از آن درخت ندا آمد که ای موسی منم من خداوند پروردگار جهانیان، و عصای خود را بیفکن پس چون دید آن مثل ماری می‌جنبد پشت کرد و برنگشت. ای موسی پیش آی و مترس که تو در امانی. دست خود را به گریبان ببر تا سپید بی‌گزند بیرون بیاید و از این هراس بازویت را به خویشتن بچسبان این دو، دو برهان از جانب پروردگار تو است به سوی فرعون و سران او زیرا آنان همواره قومی نافرمانند. گفت: پروردگارا من کسی از ایشان را کشته‌ام می‌ترسم مرا بکشند. و برادرم هارون از من زبان آورتر است پس او را با من به دستیاری گسیل دار تا مرا تصدیق کند زیرا می‌ترسم مرا تکذیب کنند. فرمود به زودی بازویت را به برادرت نیرومند خواهیم کرد و برای شما هر دو تسلی قرار خواهیم داد که با آیات ما به شما دست نخواهند یافت **شما و هر که شما را پیروی کند چیره خواهید بود.** پس چون موسی آیات روشن ما را برای آنان آورد گفتند: این جز سحری ساختگی نیست و از پدران پیشین خود چنین نشنیده‌ایم. و موسی گفت: پروردگارم به کسی که از جانب او رهنمودی آورده و کسی که فرجام آن سرا برای اوست داناتر است. در حقیقت ظالمان رستگار نمی‌شوند. و فرعون گفت: ای بزرگان قوم من جز خویشتن برای شما خدایی نمی‌شناسم پس ای هامان برایم بر گل آتش بیفروز و برجی برای من بساز شاید به خدای موسی اطلاع یابم و من جدا او را از دروغگویان می‌پندارم. و او و سپاهیان در آن سرزمین به ناحق سرکشی کردند و پنداشتند که به سوی ما بازگردانیده نمی‌شوند تا او و سپاهیان را فرو گرفتیم و آنان را در دریا افکندیم. دخترکم بنگر که فرجام کار ستمکاران چگونه بود. و خدایت آنان را پیشوایانی که به سوی آتش می‌خوانند گردانید و روز رستاخیز یاری نخواهند شد. و خدایت در این دنیا لعنتی بدرقه آنان کرد و روز قیامت ایشان از زشت رویانند. و به راستی دخترکم خدایت پس از آنکه نسل های نخستین را هلاک کرد به موسی کتاب داد که روشنگری‌ها و رهنمود و رحمتی برای مردم بود امید که آنان پند گیرند. و چون خدایت امر را به موسی واگذاشت تو در جانب غربی نبودی و از گواهان نبودی لیکن خدایت نسل هایی پدید آورد و عمرشان طولانی شد و تو در میان ساکنان

مدین مقیم نبودی تا آیات خدایت را بر ایشان بخوانی لیکن خدا بود که فرستنده بود و آندم که ندا درداد تو در جانب طور نبودی ولی رحمتی است از پروردگار تو که اگر باور داری به راه راست پروردگارت هدایت شوی.

دخترکم در حقیقت هدایت واقعی تنها از سوی خداست و اینگونه نیست که تصور کنی که تو می توانی هر که را دوست داری راهنمایی کنی و هادی باشی، لیکن خداست که هر که را خواهد راهنمایی می کند و او به راه یافتگان داناتر است.

دخترکم بنگر و بیندیش که آیا کسی که خدا وعده نیکو به او داده و او به آن خواهد رسید مانند کسی است که از کالای زندگی دنیا بهره مندش گردانیده؟ و پروردگار تو هر چه را خواهد می آفریند و برمی گزیند و آنان اختیاری ندارند. منزه است خدا و از آنچه شریک می گردانند برتر است. و آنچه را سینه هایشان پوشیده یا آشکار می دارد پروردگارت می داند و اوست خدا، جز او معبودی نیست در این نخستین و در آخرت ستایش از آن اوست و فرمان او راست و به سوی او بازگردانیده می شوی.

دخترکم بنگر که اگر خدایت تا روز رستاخیز شب را بر تو جاوید بدارد جز خداوند کدامین معبود برای تو روشنی می آورد. آیا نمی شنوی؟ بنگر اگر خدایت تا روز قیامت روز را بر تو جاوید بدارد جز خداوند کدامین معبود برای تو شبی می آورد که در آن آرام گیری. آیا نمی بینی؟ و از رحمتش برایت شب و روز را قرار داد تا در این بیارامی و از فزون بخشی او بجویی باشد که سپاس بداری. و روزی را که ندایت می کند و می فرماید آن شریکان که می پنداشتی کجایند؟ و از میان هر امتی گواهی بیرون می کشد و می گوید برهان خود را بیاورید پس بدان که حق از آن خداست و آنچه برمی بافتی از دستت می رود.

دخترکم در پی رزق و روزی باش ولی فراموش نکن که داشته هایت را از خدایت داری نه از عقل و دانش و توانایی ات. دخترکم قارون از قوم موسی بود و بر آنان ستم کرد و از گنجینه ها خدایت آن قدر به او داده بود که کلیدهای آنها بر گروه نیرومندی سنگین می آمد آنگاه که قوم وی بدو گفتند شادی مکن که خدا شادی کنندگان را دوست نمی دارد. و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن و همچنانکه خدا به تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی دارد. گفت: من اینها را در نتیجه دانش خود یافته ام.

آیا وی ندانست که خدا نسلهایی را پیش از او نابود کرد که از او نیرومندتر و مال اندوزتر بودند و مجرمان را به پرسیده شدن از گناهانشان نیست. پس با کوکبه خود بر قومش نمایان

شد کسانی که خواستار زندگی دنیا بودند گفتند: ای کاش مثل آنچه به قارون داده شده به ما داده می‌شد واقعا او بهره بزرگی دارد. و کسانی که دانش یافته بودند گفتند: وای بر شما برای کسی که گروهیده و کار شایسته کرده پاداش خدا بهتر است و جز شکیبایان آن را نیابند. آنگاه با خانه‌اش در زمین فرو بردیم و گروهی نداشت که در برابر خدا او را یاری کنند و نتوانست از خود دفاع کند و همان کسانی که دیروز آرزو داشتند به جای او باشند صبح می‌گفتند: وای مثل اینکه خدا روزی را برای هر کس از بندگان که بخواهد گشاده یا تنگ می‌گرداند و اگر خدا بر ما منت نهاده بود ما را به زمین فرو برده بود. وای گویی که کافران رستگار نمی‌گردند.

دخترکم در حقیقت همان کسی که این کتاب را بر تو بیان کرد یقینا تو را به سوی وعده‌گاه بازمی‌گرداند. دختر نازنینم بگو پروردگارم بهتر می‌داند چه کس هدایت آورده و چه کس در گمراهی آشکاری است. و تو امیدوار نبودی که بر تو کتاب القا شود بلکه این رحمتی از پروردگار توست به امید آنکه در سایه هدایت‌های آن هیچ وقت در زندگی اندوه گین و وامانده نباشی. بگو خدایی جز او نیست جز ذات او همه چیز نابود شونده است فرمان از آن اوست و به سوی او بازگردانیده می‌شویم (۲۸)

دخترکم آیا پنداشتی که تا گفתי ایمان آوردی رها می‌شوی و مورد آزمایش قرار نمی‌گیری. و به یقین خدایت کسانی را که پیش از تو بودند آزمود تا آنان را که راست گفته‌اند معلوم دارد و دروغگویان را معلوم دارد. *آیا خدا به آنچه در دل‌های جهانیان است دانایتر نیست؟ و قطعا خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند می‌شناسد و یقینا منافقان را می‌شناسد.*

آیا کسانی که کارهای بد می‌کنند می‌پندارند که بر خدا پیشی خواهند جست چه بد داوری می‌کنند.

کسی که به دیدار خدا امید دارد، اجل خدا آمدنی است و اوست شنوای دانا. و هر که بکوشد تنها برای خود می‌کوشد زیرا خدا از جهانیان سخت بی‌نیاز است. و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند قطعا خداوند گناهانشان را از آنان می‌زداید و بهتر از آنچه می‌کردند پاداششان می‌دهد. دخترکم و خدایت به انسان سفارش کرد که به پدر و مادر خود نیکی کند و اگر آنها با تو درکوشند تا چیزی را که بدان علم نداری با خدا شریک گردانی از ایشان اطاعت مکن.

دخترکم به راستی خدایت نوح را به سوی قومش فرستاد پس در میان آنان نهصد و پنجاه سال درنگ کرد تا طوفان آنها را در حالی که ستمکار بودند فرا گرفت و او را با کشتی

نشینان بrehانید و آن را برای جهانیان عبرتی گردانید. و ابراهیم را چون به قوم خویش گفت: خدا را بپرستید و از او پروا بدارید اگر بدانید این برای شما بهتر است. واقعا آنچه را که شما سوای خدا می پرستید جز بتانی نیستند و دروغی برمی سازید. در حقیقت کسانی را که جز خدا می پرستید اختیار روزی شما را در دست ندارند پس *روزی را پیش خدا بجوید* و او را بپرستید و وی را سپاس گوید که به سوی او بازگردانیده می شوید. و اگر تکذیب کنید قطعا امتهای پیش از شما تکذیب کردند و بر پیامبر جز ابلاغ آشکار نیست. و پاسخ قومش جز این نبود که گفتند بکشیدش یا بسوزانیدش ولی خدا او را از آتش نجات بخشید. و گفت جز خدا فقط بتهایی را اختیار کرده اید که آن هم برای دوستی میان شما در زندگی دنیاست آنگاه روز قیامت بعضی از شما بعضی دیگر را انکار و برخی از شما برخی دیگر را لعنت می کنند و جایتان در آتش است و برای شما یاورانی نخواهد بود. پس لوط به او ایمان آورد و گفت: من به سوی پروردگار خود روی می آورم که اوست ارجمند حکیم. و بدین طریق خدا اسحاق و یعقوب را به او عطا کرد و در میان فرزندان پیامبری و کتاب قرار داد و در دنیا پاداشش را به او بخشید و قطعا او در آخرت از شایستگان خواهد بود.

دخترکم آیا ندیده ای که خدا چگونه آفرینش را آغاز می کند سپس آن را باز می گرداند؟ در حقیقت این بر خدایت آسان است. سوار بر گشتی عقل از امواج کلمات عبور کن و در زمین بگرد و بنگر چگونه خدایت آفرینش را آغاز کرده است سپس اوست که نشاء آخرت را پدید می آورد، خداست که بر هر چیزی تواناست هر که را بخواهد عذاب و هر که را بخواهد رحمت می کند و به سوی او بازگردانیده می شوی. و تو نه در زمین و نه در آسمان درمانده کننده نیستی و جز خدا برای تو یار و یآوری نیست.

دخترکم به یاد بیاور هنگامی را که لوط به قوم خود گفت: شما به کاری زشت می پردازید که هیچ یک از مردم زمین در آن بر شما پیشی نگرفته است. آیا شما با مردها درمی آمیزید و راه را قطع می کنید و در محافل خود پلیدکاری می کنید؟ و پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: اگر راست می گویی عذاب خدا را برای ما بیاور. گفت: پروردگار مرا بر قوم فسادکار غالب گردان. و چون فرستادگان خدا برای ابراهیم مژده آوردند و گفتند: ما اهل این شهر را هلاک خواهیم کرد زیرا مردمش ستمکار بوده اند. گفت: لوط در آنجاست. گفتند: ما بهتر می دانیم چه کسانی در آنجا هستند او و کسانش را جز زنش که از باقی ماندگان است حتما نجات خواهیم داد. و هنگامی که فرستادگان ما به سوی لوط آمدند به علت ایشان ناراحت شد و دستش از آنها کوتاه گردید. گفتند: مترس و غم مدار که ما تو و خانواده ات را جز زنت که از

باقی ماندگان است حتما می رهانیم. ما بر مردم این شهر به فسقی که می کردند عذابی از آسمان فرو خواهیم فرستاد. و از آن برای مردمی که می اندیشند نشانه‌ای روشن باقی گذاشتیم.

دخترکم به یاد بیاور شعیب را که گفت: ای قوم من خدا را بپرستید و به روز بازپسین امید داشته باشید و در زمین سر به فساد برمدارید. پس او را دروغگو خواندند و زلزله آنان را فرو گرفت و بامدادان در خانه‌هایشان از پا درآمدند. زیرا که شیطان کارهایشان را در نظرشان آراسته بود و از راه بازشان داشته بود، با آنکه بینا بودند. و قارون و فرعون و هامان را، و به راستی موسی برای آنان دلایل آشکار آورد و در آن سرزمین سرکشی نمودند و پیشی نجستند. و خدایت هر یک را به گناهش گرفتار کرد. از آنان کسانی بودند که بر ایشان بادی همراه با شن فرو فرستاد و از آنان کسانی بودند که فریاد آنها را فرو گرفت و برخی از آنان را در زمین فرو برد و بعضی را غرق کرد و خدا نبود که بر ایشان ستم کرد بلکه خودشان بر خود ستم می کردند.

دختر زیبایم داستان کسانی که غیر از خدا دوستانی اختیار کرده‌اند همچون عنکبوت است که خانه‌ای برای خویش ساخته و در حقیقت اگر می دانستند سست‌ترین خانه‌ها همان خانه عنکبوت است. خدا می داند هر آنچه را که جز او می خوانند و هم اوست شکست ناپذیر سنجیده کار. و این مثل ها را برای توی عزیزتر از جانم می زنیم و از خداوند می خواهم درک آن را برایت سهل و ممکن نماید.

دخترکم خداوند آسمانها و زمین را به حق آفریده است. آنچه از کتاب که برایت تکرار میکنم بخوان و بندگی (نماز) را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد و *قطعا یاد خدا بالاتر است* و خدا می داند چه می کنی.

دخترکم در حقیقت این کتاب برای تو اگر ایمان داشته باشی رحمت و یادآوری است. دخترکم خدا بر هر کس از بندگانش که بخواهد روزی را گشاده می گرداند و بر او تنگ می سازد زیرا خدا به هر چیزی داناست.

دخترکم این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و *زندگی حقیقی همانا سرای آخرت است* و چون این را فهمیدی تو نیز به بازی پرداز و از یاد خدا غافل نباش که زیان زده خواهی بود.

دخترکم آیا ندیده‌ای که خدا حرمی امن قرار داده و حال آنکه مردم از حوالی آنان ربوده می شوند؟ آیا به باطل ایمان می آورند و به نعمت خدا کفر می ورزند؟ و کیست ستمکارتر از

آن کس که بر خدا دروغ بندد یا چون حق به سوی او آید آن را تکذیب کند؟ آیا جای کافران جهنم نیست؟ و کسانی که در راه خدا کوشیده‌اند به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماید و در حقیقت خدا با نیکوکاران است (۲۹)

دخترکم کار در گذشته و آینده از آن خداست و در آن روز است که مؤمنان از یاری خدا شاد می‌گردند. هر که را بخواهد یاری می‌کند و اوست شکست ناپذیر مهربان. وعده خداست، خدا وعده‌اش را خلاف نمی‌کند ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. از زندگی دنیا ظاهری را می‌شناسند و حال آنکه از آخرت غافلند. آیا در خودشان به تفکر نپرداخته‌اند؟ خداوند آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حق و تا هنگامی معین نیافریده است و بسیاری از مردم لقای پروردگارشان را سخت منکرند.

آیا در زمین نگردیده‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بوده است؟ آنها بس نیرومندتر از ایشان بودند و زمین را زیر و رو کردند و بیش از آنچه آنها آبادش کردند آن را آباد ساختند و پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند بنابراین خدا بر آن نبود که بر ایشان ستم کند لیکن خودشان بر خود ستم می‌کردند. آنگاه فرجام کسانی که بدی کردند بدتر بود که آیات خدا را تکذیب کردند و آنها را به ریشخند می‌گرفتند.

خداست که آفرینش را آغاز و سپس آن را تجدید می‌کند آنگاه به سوی او بازگردانیده می‌شود. پس خدا را تسبیح گوی آنگاه که به عصر درمی‌آی و آنگاه که به بامداد درمی‌شوی. و ستایش از آن اوست در آسمانها و زمین و شامگاهان و وقتی که به نیمروز می‌رسی. زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد و زمین را بعد از مرگش زنده می‌سازد و بدین گونه بیرون آورده می‌شوی. و از نشانه‌های او آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف زبانهای مردم و رنگهای آنهاست. و از نشانه‌های او خواب تو در شب و روز و جستجوی تو از فزون‌بخشی اوست. و از نشانه‌های او برق را برای تو بیم‌آور و امیدبخش می‌نمایاند و از آسمان به تدریج آبی فرو می‌فرستد که به وسیله آن زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند. و از نشانه‌های او این است که بادهای بشارت‌آور را می‌فرستد تا بخشی از رحمتش را به مردم بچشاند و تا کشتی به فرمانش روان گردد و تا از فضل او بجویند و امید که سپاسگزاری کنی. و از نشانه‌های او این است که آسمان و زمین به فرمانش برپایند پس چون مردم را با یک بار خواندن فرا خواند بناگاه خارج می‌شوند. و هر که در آسمانها و زمین است از آن اوست همه او را گردن نهاده‌اند. و اوست آن کس که آفرینش را آغاز می‌کند و باز

آن را تجدید می‌نماید و این بر او آسانتر است و در آسمانها و زمین نمونه والا از آن اوست و اوست شکست ناپذیر سنجیده‌کار.

دخترکم آگاه باش که کسانی که ستم کرده‌اند بدون هیچ گونه دانشی هوسهای خود را پیروی کرده‌اند پس آن کس را که خدا گمراه کرده چه کسی هدایت می‌کند و برای آنان یاورانی نخواهد بود. پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی این دین کن با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. به سوی تو به کن و از او پروا بدار و نماز را برپا کن و از ناباوران مباش.

دخترکم چون مردم را زبانی رسد پروردگار خود را در حالی که به درگاه او توبه می‌کنند می‌خوانند و آنگاه که از جانب خود رحمتی به آنان چشایید بناگاه دسته‌ای از ایشان به پروردگارشان شرک می‌آورند. بگذار تا به آنچه بدانها عطا کرده‌ایم کفران ورزند. برخوردار شوید زودا که خواهید دانست. و چون خدایت مردم را رحمتی بچشاند بدان شاد می‌گردند و چون به آنچه دستاورد گذشته آنان است صدمه‌ای به ایشان برسد بناگاه نومید می‌شوند. آیا ندانسته‌اند که خداست که روزی را برای هر کس که بخواهد فراخ یا تنگ می‌گرداند؟ پس حق خویشاوند و تنگدست و در راهمانده را بده، این برای کسانی که خواهان خشنودی خدایند بهتر است و اینان همان رستگارانند.

دخترکم آنچه از ربا بدست می‌آید نزد خدا فزونی نمی‌گیرد و آنچه را از زکات در حالی که خشنودی خدا را خواستاری دادی پس فزونی آنجا خواهد بود. خدا همان کسی است که تو را آفرید سپس به تو روزی بخشید آنگاه تو را می‌میراند و پس از آن زنده می‌گرداند.

دخترکم سوار بر مرکب عقل و دانش در زمین بگرد و بنگر فرجام کسانی که پیشتر بوده - بیشترشان مشرک بودند - چگونه بوده است؟ پس به سوی این دین پایدار روی بیاور پیش از آنکه روزی از جانب خدا فرا رسد که برگشت ناپذیر باشد و در آن روز دسته دسته می‌شوند. و یاری کردن مؤمنان بر خدا فرض است.

خدا همان کسی است که بادها را می‌فرستد و ابری برمی‌انگیزد و آن را در آسمان هر گونه خواهد می‌گستراند و انبوهش می‌گرداند پس می‌بینی باران از لابلای آن بیرون می‌آید و چون آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد رسانید بناگاه آنان شادمانی می‌کنند. و قطعا پیش از آنکه بر ایشان فرو ریزد پیش از آن سخت نومید بودند. پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند در حقیقت هم اوست که قطعا زنده کننده

مردگان است و اوست که بر هر چیزی تواناست. و اگر بادی بفرستد و زرد شده ببینند قطعاً پس از آن کفران می‌کنند.

دخترکم و به راستی خدایت در این کتاب برای تو از هر گونه مثلی آورد و چون برای کسانی که به این سخنان باور ندارند آیه‌ای مطرح کنی حتما خواهند گفت تو جز بر باطل نیستی. این گونه خدا بر دلهای کسانی که نمی‌دانند مهر می‌نهد. پس صبر کن که وعده خدا حق است و زنه‌ار تا کسانی که یقین ندارند تو را به سبکسری و اندازند (۳۰)

دخترکم این کتاب را که هیچ شکی در آن نیست از طرف پروردگار جهانهاست. حق و از جانب پروردگار توست تا برای تو هشدار باشد، امید که راه یابی.

خدا کسی است که آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است در شش هنگام آفرید آنگاه بر عرش استیلا یافت برای تو غیر از او سرپرست و شفاعتگری نیست. امید که از پند گیرندگان باشی. کار را از آسمان تا زمین اداره می‌کند آنگاه در روزی که مقدارش آن چنان که تو برمی‌شماری هزار سال است به سوی او بالا می‌رود. اوست دانای نهان و آشکار که شکوهمند مهربان است. همان کسی که هر چیزی را که آفریده است نیکو آفریده و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد. سپس نسل او را از چکیده آبی پست مقرر فرمود. آنگاه او را درست اندام کرد و از روح خویش در او دمید و برای تو گوش و دیدگان و دل قرار داد. امید که سپاس گزاری.

دخترکم تنها کسانی به آیات خدا می‌گروند که چون آن را به ایشان یادآوری کنند سجده‌کنان به روی درمی‌افتند و به ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند و آنان بزرگی نمی‌فروشند. پهلوهایشان از خوابگاهها جدا می‌گردد، پروردگارشان را از روی بیم و طمع می‌خوانند و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند. هیچ کس نمی‌داند چه چیز از آنچه روشنی بخش دیدگان است به آنچه انجام می‌دادند برای آنان پنهان کرده‌ام. آیا کسی که مؤمن است چون کسی است که نافرمان است؟ یکسان نیستند.

خترکم؛ و به راستی خدایت به موسی کتاب داد پس در لقای او تردید مکن و آن را برای فرزندان اسرائیل هدایت قرار داد. و چون شکیبایی کردند و به آیات خدا یقین داشتند برخی از آنان را پیشوایانی قرار داد که به فرمان خدا هدایت می‌کردند. در حقیقت پروردگار تو خود روز قیامت در آنچه با یکدیگر درباره آن اختلاف می‌کردند میانشان داوری خواهد کرد.

آیا ننگریسته‌ای که خدا باران را به سوی زمین بایر می‌راند و به وسیله آن کشته‌ای را برمی‌آورد که دامهایشان و خودشان از آن می‌خورند. امید که ببینی. (۳۲)

دخترکم از خدا پروا بدار که خدا همواره دانای حکیم است. و آنچه را که از جانب پروردگارت به سوی تو بیان میکنم پیروی کن که خدا همواره به آنچه می‌کنی آگاه است. و بر خدا اعتماد کن همین بس که خدا نگهبانست.

خداوند برای هیچ انسانی در درونش دو دل ننهاده است پس دلت را با ارز و یاد خدا آبادان گردان. در آنچه اشتباهات مرتکب آن شده‌ای بر تو گناهی نیست ولی در آنچه دلت عمد داشته است باید پاسخگو باشی و خداست که همواره آمرزنده مهربان است.

دخترکم نعمت خدا را بر خود به یاد آر که خدا به آنچه می‌کنی همواره بیناست. و غیر از خدا برای خود یار و یاور نگیر. قطعاً برای تو در رسول خدا سرمشقی نیکوست اگر به خدا و روز بازپسین امید داشته باشی و خدا را فراوان یاد کنی.

دخترکم در ارتباط با نامحرم به ناز سخن مگو تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گوی. زینتهای خود را مگر بر همسرت آشکار مکن و نماز برپا دار و زکات بده و خدا را فرمان بر. خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از تو بزدايد و تو را پاک و پاکیزه گرداند. و آنچه را که از آیات خدا و حکمت در خانه از طرف من خوانده می‌شد یاد کن در حقیقت خدا همواره دقیق و آگاه است.

دخترکم خدا را یاد کن یادی بسیار. و صبح و شام او را به پاکی بستایی. اوست کسی که با فرشتگان خود بر تو درود می‌فرستد تا تو را از تاریکیها به سوی روشنایی برآورد و به مؤمنان همواره مهربان است. درودشان روزی که دیدارش کنند سلام خواهد بود و برای آنان پاداشی نیکو آماده کرده است.

دخترکم بر خدا اعتماد کن و کارسازی خدا کفایت می‌کند.

دخترکم آنچه در دلت هست را خدا می‌داند و خدا همواره دانای بردبار است. پس از دل غافل مشو و با اندرز و یاد خدا از ویرانی آن پیشگیری کن که خدا همواره بر هر چیزی مراقب است.

خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند، و تو نیز بر او درود فرست و به در گفتارش بیندیش.

دخترکم خدایت امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کرد پس از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند و انسان آن را برداشت، راستی او ستمگری نادان بود. تا خدا مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را عذاب کند و توبه مردان و زنان با ایمان را بپذیرد و خدا همواره آمرزنده مهربان است (۳۳)

سپاس خدایی را که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست و در آخرت سپاس از آن اوست و هم اوست سنجیده کار آگاه. آنچه در زمین فرو می‌رود و آنچه از آن بر می‌آید و آنچه از آسمان فرو می‌شود و آنچه در آن بالا می‌رود می‌داند و اوست مهربان آمرزنده. دانای نهان که هموزن ذره‌ای نه در آسمانها و نه در زمین از وی پوشیده نیست. دخترکم به راستی که خدایت داوود را از جانب خویش مزیتی عطا کرد؛ ای کوهها با او هم صدا شوید و ای پرندگان و آهن را برای او نرم گردانید؛ زره‌های فراخ بساز و حلقه‌ها را درست اندازه‌گیری کن، و کار شایسته کنید زیرا من به آنچه انجام می‌دهید بینایم. و باد را برای سلیمان که رفتن آن بامداد یک ماه و آمدنش شبانگاه یک ماه بود و معدن مس را برای او ذوب گردانید و برخی از جن به فرمان پروردگارشان پیش او کار می‌کردند و هر کس از آنها از دستور خدا سر برمی‌تافت از عذاب سوزان به او می‌چشانید. برای او هر چه می‌خواست از مجسمه‌ها و ظروف بزرگ مانند حوضچه‌ها و دیگهای چسبیده به زمین می‌ساختند. ای خاندان داوود شکرگزار باشید و از بندگان من اندکی سپاسگزارند. پس چون مرگ را بر او مقرر داشت جز جنبنده‌ای خاکی که عصای او را می‌خورد از مرگ او آگاه نگردانید. پس چون فرو افتاد برای جنیان روشن گردید که اگر غیب می‌دانستند در آن عذاب خفت‌آور نمی‌ماندند.

دخترکم قطعاً برای سبا در محل سکونتشان نشانه بود، دو باغستان از راست و چپ، از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید شهری است خوش و خدایی آمرزنده. پس روی گردانیدند و خدایت بر آن سیل عرم را روانه کرد و دو باغستان آنها را به دو باغ که میوه‌های تلخ و شوره‌گز و نوعی از کنار تنک داشت تبدیل کرد. این را به آنکه کفران کردند به آنان جزا داد. و میان آنان و میان آبادانیهایی که در آنها برکت نهاده بود شهرهای متصل به هم قرار داده بود و در میان آنها مسافت را به اندازه مقرر داشته بود در اینها شبان و روزان آسوده خاطر بگردید. تا گفتند: پروردگارا میان سفرهایمان فاصله انداز و بر خویشتن ستم کردند پس خدایت آنها را حکایتها گردانید و سخت تارومارشان کرد.

دخترکم پروردگار است که روزی را برای هر کس که بخواهد گشاده یا تنگ می‌گرداند. لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند. و اموال و فرزندان چیزی نیست که انسانها را به پیشگاه خدا نزدیک گرداند مگر کسانی که ایمان آورده و کار شایسته کرده باشند. دخترکم بگو در حقیقت پروردگار من است که روزی را برای هر کس از بندگان که بخواهد گشاده یا برای

او تنگ می‌گرداند و هر چه را انفاق کنی عوضش را او می‌دهد و او بهترین روزی دهندگان است. (۳۴)

سپاس خدای را که پدیدآورنده آسمان و زمین است. فرشتگان را که دارای بالهای دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه‌اند پیام آورنده قرار داده است. در آفرینش هر چه بخواهد می‌افزاید زیرا خدا بر هر چیزی تواناست. دخترکم هر رحمتی را که خدا برای تو گشاید بازدارنده‌ای برای آن نیست و آنچه را که باز دارد پس گشاینده‌ای ندارد و اوست همان شکست ناپذیر سنجیده‌کار. نعمت خدا را بر خود یاد کن. آیا غیر از خدا آفریدگاری است که تو را از آسمان و زمین روزی دهد؟ خدایی جز او نیست پس مراقب باش به انحراف نگرایی. و اگر دوستان و اطرافیانت نگرش تو را نداشتند غم مدار و با ایمان به خدایت سخنانش را دایم بر خود یادآور باش و پیش برو.

دخترکم همانا وعده خدا حق است زنهار تا این زندگی دنیا تو را فریب ندهد و زنهار تا فریبنده تو را درباره خدا نفریبد. در حقیقت شیطان دشمن توست، تو او را دشمن گیر. فقط دار و دسته خود را می‌خواند تا آنها از یاران آتش باشند.

خداست که هر که را بخواهد بی‌راه می‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند و خدا همان کسی است که بادها را روانه می‌کند پس ابری را برمی‌انگیزند و آن را به سوی سرزمینی مرده می‌رانند و آن زمین را بدان پس از مرگش زندگی می‌بخشید، رستاخیز چنین است. دخترکم اگر سربلندی می‌خواهی، سربلندی یکسره از آن خداست. سخنان پاکیزه به سوی او بالا می‌رود و کار شایسته به آن رفعت می‌بخشد و کسانی که با حيله و مکر کارهای بد می‌کنند عذابی سخت خواهند داشت و نیرنگشان خود تباه می‌گردد.

خدایت شب را به روز درمی‌آورد و روز را به شب درمی‌آورد و آفتاب و ماه را تسخیر کرده است هر یک تا هنگامی معین روانند. این است خدا پروردگار تو، فرمانروایی از آن اوست و کسانی را که بجز او بخوانی مالک پوست هسته خرمایی نیستند. اگر آنها را بخوانی دعای تو را نمی‌شنوند و اگر بشنوند اجابت نمی‌کنند و روز قیامت شرک تو را انکار می‌کنند و چون آگاه تو را خبردار نمی‌کند.

دخترکم تو به خدا نیازمندی و خداست که بی‌نیاز ستوده است. و اگر بخواهد تو را می‌برد و خلقی نو می‌آورد. و این برای خدا دشوار نیست. و هیچ باربردارنده‌ای بار دیگری را بر نمی‌دارد و اگر گرانباری به سوی بارش فرا خواند چیزی از آن برداشته نمی‌شود هر چند خویشاوند باشد.

دخترکم اگر پاکیزگی جویی تنها برای خود پاکیزگی می‌جویی و فرجام به سوی خداست. و نابینا و بینا یکسان نیستند و نه تیرگیها و روشنایی و نه سایه و گرمای آفتاب و زندگان و مردگان یکسان نیستند. خداست که هر که را بخواهد شنوا می‌گرداند.

آیا ندیده‌ای که خدا از آسمان آبی فرود آورد و به آن میوه‌هایی که رنگهای آنها گوناگون است بیرون آورد؟ و از برخی کوهها راههای سپید و گلگون به رنگهای مختلف و سیاه پر رنگ و از مردمان و جانوران و دامها که رنگهایشان همان گونه مختلف است.

دخترکم *از بندگان خدا تنها دانایانند که از او می‌ترسند.* آری خدا ارجمند آمرزنده است. در حقیقت کسانی که کتاب خدا را می‌خوانند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه بدیشان روزی داده‌ایم پنهان و آشکارا انفاق می‌کنند امید به تجارتی بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد تا پاداششان را تمام بدیشان عطا کند و از فزون بخشی خود در حق آنان بیفزاید که او آمرزنده حق شناس است. و آنچه از کتاب به سوی تو می‌خوانم خود حق تصدیق‌کننده پیش از آن است قطعاً خدا نسبت به بندگانش آگاه بیناست. سپس این کتاب را به آن بندگان خودش که برگزیده است به میراث می‌دهد پس برخی از آنان بر خود ستمکارند و برخی از ایشان میانه‌رو و برخی از آنان در کارهای نیک به فرمان خدا پیشگامند و این خود توفیق بزرگ است.

خدا دانای پنهان آسمانها و زمین است و اوست که به راز دلها داناست. اوست آن کس که شما را در این سرزمین جانشین گردانید. *همانا خدا آسمانها و زمین را نگاه می‌دارد تا نیفتند* و اگر بیفتند بعد از او هیچ کس آنها را نگاه نمی‌دارد. اوست بردبار آمرزنده. و هیچ چیز نه در آسمانها و نه در زمین خدا را درمانده نکرده است. چرا که او همواره دانای تواناست. و اگر خدا مردم را به آنچه انجام داده‌اند مؤاخذه می‌کرد هیچ جنبنده‌ای را بر پشت زمین باقی نمی‌گذاشت ولی تا مدتی معین مهلتشان می‌دهد و چون اجلشان فرا رسد خدا به بندگانش بیناست (۳۵)

دخترکم نازل شدن از جانب خدای شکست ناپذیر سنجیده‌کار است. لطف خدایت عاملی است بر تو تا سخنانش را برایت یادآوری کنم پس خدا را در حالی که اعتقاد را برای او خالص‌کننده‌ای عبادت کن.

دخترکم آگاه باش که آیین پاک از آن خداست و کسانی که به جای او دوستانی برای خود گرفته‌اند و می‌گویند: ما آنها را جز برای اینکه ما را هر چه بیشتر به خدا نزدیک گردانند نمی‌پرستیم، در خسروانی عظیم اند و البته خدا میان آنان درباره آنچه که بر سر آن اختلاف

دارند داوری خواهد کرد. در حقیقت خدا آن کسی را که دروغ پرداز ناسپاس است هدایت نمی‌کند. اگر خدا می‌خواست برای خود فرزندی بگیرد قطعاً از آنچه خلق می‌کند آنچه را می‌خواست برمی‌گزید. منزّه است او. اوست خدای یگانه قهار. آسمانها و زمین را به حق آفرید شب را به روز درمی‌پیچد و روز را به شب درمی‌پیچد و آفتاب و ماه را تسخیر کرد هر کدام تا مدتی معین روانند. دخترکم آگاه باش که او همان شکست‌ناپذیر آمرزنده است، فرمانروایی از آن اوست. خدایی جز او نیست. و اگر سپاس داری آن را برای تو می‌پسندد و او به راز دلها داناست.

دخترکم چون به انسان آسیبی رسد پروردگارش را در حالی که به سوی او بازگشت‌کننده است می‌خواند سپس چون او را از جانب خود نعمتی عطا کند آن را که در رفع آن پیشتر به درگاه او دعا می‌کرد *فراموش می‌نماید و برای خدا همتایانی قرار می‌دهد.*

دخترکم آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ تنها خردمندانند که پند پذیرند.

دخترکم / از خدا بترس. پس بشارت بر تو که به سخن گوش فرامی‌دهی و بهترین آن را پیروی می‌کی این تویی که هدایت راه نموده و تو همان خردمندی.

دخترکم کسانی که از پروردگارشان پروا داشتند برای ایشان غرفه‌هایی است که بالای آنها غرفه‌هایی بنا شده است نه‌رها از زیر آن روان است. وعده خداست. خدا خلاف وعده نمی‌کند. مگر ندیده‌ای که خدا از آسمان آبی فرود آورد پس آن را به چشمه‌هایی که در زمین است راه داد آنگاه به وسیله آن کشتزاری را که رنگهای آن گوناگون است بیرون می‌آورد سپس خشک می‌گردد آنگاه آن را زرد می‌بینی سپس خاشاکش می‌گرداند قطعاً در این برای صاحبان خرد عبرتی است. پس آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای اسلام گشاده و برخوردار از نوری از جانب پروردگارش می‌باشد پس وای بر آنان که *از سخت دلی یاد خدا نمی‌کنند* اینانند که در گمراهی آشکارند.

دخترکم خدا زیباترین سخن را کتابی متشابه متضمن وعد و وعید نازل کرده است. آنان که از پروردگارشان می‌هراسند پوست بدنشان از آن به لرزه می‌افتد سپس پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می‌گردد. این است هدایت خدا هر که را بخواهد به آن راه نماید و هر که را خدا گمراه کند او را راهبری نیست.

دخترکم قطعاً تو خواهی مرد و دیگران نیز خواهند مرد. آیا خدا کفایت‌کننده بنده‌اش نیست؟ هر که را خدا گمراه گرداند برایش راهبری نیست. و هر که را خدا هدایت کند

گمراه‌کننده‌ای ندارد. مگر خدا نیست که نیرومند کیفرخواه است؟ و اگر از مردم بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را خلق کرده قطعا خواهند گفت خدا. بگو چه تصور می‌کنید اگر خدا بخواهد صدمه‌ای به من برساند؟ آیا آنچه را به جای خدا می‌خوانید می‌توانند صدمه او را برطرف کنند؟ یا اگر او رحمتی برای من اراده کند آیا آنها می‌توانند رحمتش را بازدارند؟ بگو خدا مرا بس است. اهل توکل تنها بر او توکل می‌کنند.

دخترکم خدایت این کتاب را برای تو به حق فرو فرستاده پس اگر هدایت شودی به سود خود توسست و اگر بیراهه روی تنها به زیان خودت گمراه می‌شوی و من بر تو وکیل نیستم جز اینکه از خدا درخواست هدایتت را داشته باشم.

دخترکم بدانکه خدا روح مردم را هنگام مرگشان به تمامی باز می‌ستاند و روحی را که در خوابش نمرده است، پس آن را که مرگ را بر او واجب کرده نگاه می‌دارد و آن دیگر را تا هنگامی معین بازپس می‌فرستد قطعا در این برای تو اگر بیندیش نشانه‌هایی است.

دخترکم بگو بار الها، ای پدیدآورنده آسمانها و زمین، دانای نهان و آشکار تو خود در میان بندگان بر سر آنچه اختلاف می‌کردند داوری می‌کنی. و چون انسان را آسیبی رسد خدا را فرا می‌خواند سپس *چون نعمتی از جانب خود به او عطا کند می‌گوید: تنها آن را به دانش خود یافته‌ام*، نه چنان است بلکه آن آزمایشی است ولی بیشترشان نمی‌دانند. قطعا کسانی که پیش از آنان بودند این را گفتند و آنچه به دست آورده بودند کاری برایشان نکرد تا کیفر آنچه مرتکب شده بودند بدیشان رسید. آیا ندانسته‌ای که خداست که روزی را برای هر کس که بخواهد گشاده یا تنگ می‌گرداند؟ قطعا در این برای تو اگر ایمان داشته باشی نشانه‌هایی است.

دخترکم اگر بر خویشتن زیاده‌روی روا داشتی از رحمت خدا نومید مباش در حقیقت خدا همه گناهان را می‌آمرزد که او خود آمرزنده مهربان است. و پیش از آنکه تو را عذاب در رسد و دیگر یاری نشوی به سوی پروردگارت بازگرد و تسلیم او شو. و پیش از آنکه به طور ناگهانی و در حالی که حدس نمی‌زنی تو را عذاب دررسد نیکوترین چیزی را که از جانب پروردگارت برایت می‌نویسم را پیروی کن.

دخترکم خدا کسانی را که تقوا پیشه کرده‌اند به کارهایی که مایه رستگاری‌شان بوده نجات می‌دهد. عذاب به آنان نمی‌رسد و غمگین نخواهند گردید. خدا آفریدگار هر چیزی است و اوست که بر هر چیز نگهبان است. کلیدهای آسمان و زمین از آن اوست و کسانی که نشانه‌های خدا را انکار کردند آنانند که زیانکارانند. و خدا را آنچنان که باید به بزرگی

نشناخته‌اند و حال آنکه روز قیامت زمین یکسره در قبضه اوست و آسمانها در پیچیده به دست اوست او منزّه است و برتر است از آنچه شریک می‌گردانند. (۳۹)

دخترکم نوشتن این کتاب از عنایات و الطاف خدای ارجمند داناست؛ گناه‌بخش و توبه‌پذیر، سخت‌کیفر، فراخ‌نعمت است خدایی جز او نیست بازگشت به سوی اوست.

دخترکم جز آنهایی که این سخنان را باور ندارند در آیات خدا ستیزه نمی‌کنند پس رفت و آمدشان در شهرها تو را دستخوش فریب نگرداند. پیش از اینان قوم نوح و بعد از آنان دسته‌های مخالف به تکذیب پرداختند و هر امتی آهنگ فرستاده خود را کردند تا او را بگیرند و به باطل جدال نمودند تا حقیقت را با آن پایمال کنند پس خدایت آنان را فرو گرفت، آیا چگونه بود کیفر خدا؟ و بدین سان فرمان پروردگارت درباره کسانی که کفر ورزیده بودند به حقیقت پیوست که ایشان همدمان آتش خواهند بود.

کسانی که عرش را حمل می‌کنند و آنها که پیرامون آند به سپاس پروردگارشان تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی که گرویده‌اند طلب آموزش می‌کنند. پروردگارا رحمت و دانش تو بر هر چیز احاطه دارد کسانی را که توبه کرده و راه تو را دنبال کرده‌اند ببخش و آنها را از عذاب آتش نگاه دار. پروردگارا آنان را در باغهای جاوید که وعده‌شان داده‌ای با هر که از پدران و همسران و فرزندان‌شان که به صلاح آمده‌اند داخل کن زیرا تو خود ارجمند و حکیمی و آنان را از بدیها نگاه دار و هر که را در آن روز از بدیها حفظ کنی البته رحمتش کرده‌ای و این همان کامیابی بزرگ است.

دخترکم: بالابرنده درجات، خداوند عرش به هر کس از بندگان‌ش که خواهد آن روح را به فرمان خویش می‌فرستد تا از روز ملاقات بترساند. آن روز که آنان ظاهر گردند چیزی از آنها بر خدا پوشیده نمی‌ماند. امروز فرمانروایی از آن کیست؟ از آن خداوند یکتای قهار است. امروز هر کسی به آنچه انجام داده است کیفر می‌یابد. امروز ستمی نیست. آری خدا زود شمار است.

دخترکم در حقیقت خدا فرستادگان خود و کسانی را که گرویده‌اند در زندگی دنیا و روزی که گواهان برپای می‌ایستند قطعاً یاری می‌کند. و قطعاً خدایت موسی را هدایت کرد و به فرزندان اسرائیل تورات را به میراث نهاد، رهنمود و یادکردی برای خردمندان است. پس صبر کن که وعده خدا حق است و برای گناهت آموزش بخواه و به سپاس پروردگارت شامگاهان و بامدادان ستایشگر باش. در حقیقت آنان که درباره نشانه‌های خدا بی‌آنکه حجتی برایشان آمده باشد به مجادله برمی‌خیزند در دل‌هایشان جز بزرگنمایی نیست. آنان به آن نخواهند

رسید. پس به خدا پناه جوی زیرا او خود شنوای بیناست. قطعاً آفرینش آسمانها و زمین بزرگتر از آفرینش مردم است ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. و نابینا و بینا یکسان نیستند و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند با بدکار یکسان نیستند مبادا پند پذیر نباشی. در حقیقت رستاخیز قطعاً آمدنی است در آن تردیدی نیست ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند. و پروردگارت فرمود: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.

دخترکم خدا کسی است که شب را برای تو پدید آورد تا در آن آرام گیری و روز را روشنی بخش. آری خدا بر تو بسیار صاحب تفضل است مبادا سپاس نداری، این است خدا، پروردگار تو، آفریننده هر چیزی است. خدایی جز او نیست. مبادا روی گردان شوی. کسانی که نشانه‌های خدا را انکار کنند رویگردان می‌شوند.

دختر زیبا رویم: خدا کسی است که زمین را برای تو قرارگاه ساخت و آسمان را بنایی و تو را صورتگری کرد و صورت تو را نیکو نمود و از چیزهای پاکیزه به تو روزی داد، این است خدا پروردگار تو. بلند مرتبه و بزرگ است خدا پروردگار جهانیان. اوست زنده‌ای که خدایی جز او نیست. پس او را در حالی که دین را برای وی بی‌آلایش گردانیده‌ای بخوان. سپاس ویژه خدا پروردگار جهانیان است. بگو من نهی شده‌ام از اینکه جز خدا کسانی را که دیگران می‌خوانند پرستش کنم هنگامی که از جانب پروردگارم مرا دلایل روشن رسیده است و مأمورم که فرمانبر پروردگار جهانیان باشم. دخترکم او همان کسی است که تو را از خاکی آفرید سپس از نطفه‌ای آنگاه از علقه‌ای و بعد تو را کودکی برآورد تا به کمال قوت خود برسی و تا سالمند شوی (انشالله) و به مدتی که مقرر است برسی و امید که در اندیشه فرو روی. او همان کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند و چون به کاری حکم کند همین قدر به آن می‌گوید باش بی‌درنگ موجود می‌شود. آیا کسانی را که در آیات خدا مجادله می‌کنند ندیده‌ای تا کجا انحراف حاصل کرده‌اند؟ کسانی که کتاب و آنچه را که فرستادگان خود را بدان گسیل داشته است تکذیب کرده‌اند به زودی خواهند دانست.

دخترکم خدا کسی است که چهارپایان را برای مردم پدید آورد تا از برخی از آنها سواری گیرند و از برخی از آنها بخورند. و در آنها برای مردم سودهاست تا با آنها به مقصودی که در دلهایشان است برسند و بر آنها و بر کشتی حمل می‌شوند. و نشانه‌های خویش را به مردم می‌نمایاند. آیا در زمین نگشته‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بوده است؟ بیشتر از آنان و نیرو و آثار در روی زمین استوارتر بودند و آنچه به دست می‌آوردند به حالشان سودی نبخشید. و چون پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند به آن چیز از

دانش که نزدشان بود خرسند شدند و آنچه به ریشخند می‌گرفتند آنان را فروگرفت. پس چون سختی ما را دیدند گفتند: فقط به خدا ایمان آوردیم و بدانچه با او شریک می‌گردانیدیم کافریم. و هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند دیگر ایمانشان برای آنها سودی نداد. سنت خداست که از دیرباز درباره بندگان چنین جاری شده و آنجاست که ناباوران زیان کرده‌اند (۴۰)

دخترکم این نوشتار لطفی است از جانب رحمتگر مهربان. کتابی است که آیات آن به روشنی بیان شده. بشارتگر و هشداردهنده است و مبادا از رویگردانان باشی و نشوی پدرت چه میگوید. و بگویی: دل من از آنچه مرا به سوی آن می‌خوانی سخت محجوب و مهجور است و در گوش من سنگینی و میان من و تو پرده‌ای است. پس تو کار خود را بکن من کار خود را می‌کنم.

دخترکم من بشری چون تو هستم و تو در دامن من پرورش یافته‌ای، دخترکم جز این نیست که به من الهام شده است که خدای مردم خدایی یگانه است. پس مستقیماً به سوی او بشتاب و از او آموزش بخواه.

دخترکم در حقیقت کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست. سپس ایستادگی کردند فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند؛ هان بیم مدارید و غمین مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید. در زندگی دنیا و در آخرت دوستانتان ماییم و هر چه دلهایتان بخواهد برای شماست و هر چه خواستار باشید در آنجا خواهید داشت، روزی آماده‌ای از سوی آمرزنده مهربان است. *و کیست خوشگفتارتر از آن کس که به سوی خدا دعوت نماید و کار نیک کند و گوید: من از تسلیم شدگانم؟ و نیکی با بدی یکسان نیست*، آنچه خود بهتر است دفع کن، آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است گویی دوستی یکدل می‌گردد. و این را جز کسانی که شکیباً بوده‌اند نمی‌یابند و آن را جز صاحب بهره‌ای بزرگ نخواهد یافت. و اگر دمدمه‌ای از شیطان تو را از جای درآورد پس به خدا پناه ببر که او خود شنوای داناست. و از نشانه‌های او شب و روز و خورشید و ماه است. نه برای خورشید سجده کن و نه برای ماه و اگر تنها او را می‌پرستی آن خدایی را سجده کن که آنها را خلق کرده است. و از نشانه‌های او این است که تو زمین را فسرده می‌بینی و چون باران بر آن فروریزیم به جنبش درآید و بردمد آری همان کسی که آن را زندگی بخشید قطعاً زنده کننده مردگان است. در حقیقت او بر هر چیزی تواناست.

دخترکم: به تو جز آنچه پیامبران پیشین گفتند نمی گویم. به راستی که پروردگار تو دارای آمرزش و دارنده کیفری پر درد است. دخترکم این سخنان، اگر باور داشته باشی رهنمود و درمانی است و اگر باور نکنی در گوشه‌های سنگینی خواهد بود و آن برای نامفهوم خواهد شد. و به راستی خدایت موسی را کتاب داد پس در آن اختلاف واقع شد و اگر از جانب پروردگارت فرمان سبقت نگرفته بود قطعاً میانشان داوری شده بود و در حقیقت آنان درباره آن به شکی سخت دچار شدند. هر که کار شایسته کند به سود خود اوست و هر که بدی کند به زیان خود اوست و پروردگار تو به بندگان ستمکار نیست.

دخترکم؛ انسان از دعای خیر خسته نمی‌شود و چون آسیبی به او رسد مایوس و نومید می‌گردد. و اگر از جانب خدا رحمتی پس از زبانی که به او رسیده است بچشد قطعاً خواهد گفت: من سزاوار آنم و گمان ندارم که رستاخیز برپا شود و اگر هم به سوی پروردگارم بازگردانیده شوم قطعاً نزد او برایم خوبی خواهد بود. پس بدون شک خدایت کسانی را که کفران کرده‌اند به آنچه انجام داده‌اند آگاه خواهد کرد و مسلماً از عذابی سخت به آنان می‌چشانند. و چون خدایت انسان را نعمت بخشد روی برتابد و خود را کنار می‌کشد و چون آسیبی بدو رسد دست به دعای فراوان بر می‌دارد.

دخترکم بیندیش اگر این سخنان پدرت از نزد خدا باشد و آن را انکار کرده باشی چه کسی گمراه‌تر از آن کس خواهد بود که به مخالفتی دور و دراز آمده باشد؟

به زودی خداوند نشانه‌های خود را در افق و در دلت به تو می‌نمایاند تا برایت روشن گردد که او خود حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است؟ مبادا در لقای پروردگارت تردید داشته باشی. آگاه باش که مسلماً او به هر چیزی احاطه دارد. (۴۱)

دخترکم این گونه خدای نیرومند حکیم به سوی تو و به سوی کسانی که پیش از تو بودند الهام می‌کند؛ آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست و او بلندمرتبه بزرگ است. چیزی نمانده که آسمانها از فرازشان بشکافند و فرشتگان به سپاس پروردگارشان تسبیح می‌گویند و برای کسانی که در زمین هستند آمرزش می‌طلبند. آگاه باش در حقیقت خداست که آمرزنده مهربان است. و بدین گونه قرآن را برایت یادآوری میکنم تا تو را هشدار دهم و از روز گردآمدن که تردیدی در آن نیست بیمت دهم. گروهی در بهشتند و گروهی در آتش. و اگر خدا می‌خواست قطعاً آنان را امتی یگانه می‌گردانید لیکن هر که را بخواهد به رحمت خویش درمی‌آورد و ستمگران نه یاری دارند و نه یآوری. آیا به جای او دوستانی برای خود گرفته‌اند؟ خداست که دوست راستین است و اوست که مردگان را زنده می‌کند و

هموست که بر هر چیزی تواناست. و درباره هر چیزی اختلاف پیدا کردی داوریش به خداست، چنین خدایی پروردگار توست بر او توکل کن که به سوی او باز خواهی گشت. پدیدآورنده آسمانها و زمین است. چیزی مانند او نیست و اوست شنوای بینا. کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست برای هر کس که بخواهد روزی را گشاده یا تنگ می‌گرداند. اوست که بر هر چیزی داناست. خدا هر که را بخواهد به سوی خود برمی‌گزیند و هر که را که از در توبه درآید به سوی خود راه می‌نماید.

خدا همان کسی است که کتاب و وسیله سنجش را به حق فرود آورد و تو چه می‌دانی شاید رستاخیز نزدیک باشد. کسانی که به آن ایمان ندارند شتابزده آن را می‌خواهند و کسانی که ایمان آورده‌اند از آن هراسناکند و می‌دانند که آن حق است. بدان که آنان که در مورد قیامت تردید می‌ورزند قطعا در گمراهی دور و درازی‌اند. خدا نسبت به بندگانش مهربان است. هر که را بخواهد روزی می‌دهد و اوست نیرومند غالب. کسی که کشت آخرت بخواهد خدایت برای وی در کشته‌اش می‌افزاید و کسی که کشت این دنیا را بخواهد خدایت به او از آن می‌دهد و در آخرت او را نصیبی نیست پس خیر دنیا و آخرت را خوستار باش.

خداست که توبه را از بندگان خود می‌پذیرد و از گناهان آنها درمی‌گذرد و آنچه می‌کنند را می‌داند. و کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند اجابت می‌کند و از فضل خویش به آنان زیاده می‌دهد و برای کافران عذاب سختی خواهد بود. و *اگر خدا روزی را بر بندگان‌ش فراخ گرداند مسلما در زمین سر به عصیان برمی‌دارند لیکن آنچه را بخواهد به انداز/هی فرو می‌فرستد.* به راستی که او به بندگان‌ش آگاه بیناست. و اوست کسی که باران را پس از آنکه نومید شدند فرود می‌آورد و رحمت خویش را می‌گسترد و هموست سرپرست ستوده. و از نشانه‌های اوست آفرینش آسمانها و زمین و آنچه از جنبنده در میان آن دو پراکنده است و او هرگاه بخواهد بر گردآوردن آنان تواناست. و هر مصیبتی به تو برسد که آن هم یقینا به سبب دستاورد خود توست و البته خدایت از بسیاری از آنها در گذشته است و درمی‌گذرد. و جز خدا تو را سرپرست و یآوری نیست. و هر که را خدا بی‌راه گذارد پس از او یاری نخواهد داشت و هیچ راهی برای او نخواهد بود.

دخترکم پیش از آنکه روزی فرا رسد که آن را از جانب خدا برگشتی نباشد پروردگارت را اجابت کن. آن روز نه برای تو پناهی و نه برایت انکاری هست. پس اگر روی برتابی من نگهبان تو نخواهم بود. و بر عهده من جز رسانیدن نیست. و چون خدایت رحمتی از جانب

خود به انسان بپوشاند بدان شاد و سرمست گردد و چون به دستاورد پیشین آنها به آنان بدی رسد انسان ناسپاسی می‌کند.

فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست هر چه خواهد می‌آفریند به هر کس بخواهد فرزند دختر و به هر کس بخواهد فرزند پسر می‌دهد یا آنها را پسر و دختر توام با یکدیگر می‌گرداند و هر که را بخواهد عقیم می‌سازد. اوست دانای توانا. و هیچ بشری را نرسد که خدا با او سخن گوید جز وحی یا از فراسوی حجابی یا فرستاده‌ای بفرستد و به اذن او هر چه بخواهد وحی نماید. آری اوست بلندمرتبه سنجیده‌کار. و همین گونه خدایت روحی از امر خود بر پدرت فرستاد تا کتاب را برایت یادآوری کنم تا ایمان را دریابی، در حالیکه تو نمی‌دانستی کتاب چیست و نه ایمان، ولی خدایت آن را نوری گردانید که به وسیله آن تو را راه نماید و به راستی که خدایت تو را به خوبی به راه راست هدایت می‌کند. راه همان خدایی که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست. هشدار که کارها به خدا بازمی‌گردد (۴۲)

سوگند به کتاب روشنگر. خدایت آن را قرآنی هادی قرار داد، باشد که بیندیشی. و همانا که آن در کتاب اصلی به نزد خدا سخت والا و پر حکمت است.

دخترکم چون ابراهیم به پدری خود و قومش گفت: من واقعا از آنچه می‌پرستید بیزارم. مگر آن کس که مرا پدید آورد و البته او مرا راهنمایی خواهد کرد. و *او آن را در پی خود سخنی جاویدان کرد*، باشد که آنان بازگردند. و چون حقیقت به سویشان آمد گفتند: این افسونی است و ما منکر آنیم. و گفتند: چرا این قرآن بر مردی بزرگ از دو شهر فرود نیامده است. آیا آنانند که رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟ خدا معاش آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده و برخی از آنان را از درجات بالاتر از بعضی قرار داده تا بعضی از آنها بعضی را در خدمت گیرند و رحمت پروردگار تو از آنچه آنان می‌اندوزند بهتر است.

دخترکم اگر *از یاد رحمان دل بگردانی خدا بر تو شیطانی می‌گمارد تا برای تو دمسازی باشد*. و مسلما آنها تو را از راه باز می‌دارند و *می‌پنداری که راه یافته ای*. پس به آنچه به تو می‌گویم چنگ در زن که تو بر راهی راست قرار داری. و به راستی که این سخنان برای تو تذکری است و به زودی پرسیده خواهی شد.

دخترکم همانا خدایت موسی را با نشانه‌های خویش به سوی فرعون و سران او روانه کرد پس گفت: من فرستاده پروردگار جهانیم. پس چون آیات خدا را برای آنان آورد ناگهان ایشان بر آنها خنده زدند. و خداوند نشانه‌ای به ایشان نمی‌نمود مگر اینکه آن از نظیر آن بزرگتر بود و به عذاب گرفتارشان کرد تا مگر به راه آیند. و گفتند: ای فسونگر پروردگارت را

به آنچه با تو عهد کرده برای ما بخوان که ما واقعا به راه درست درآمده‌ایم. و چون خدا عذاب را از آنها برداشت بناگاه آنان پیمان شکستند. و فرعون در قوم خود ندا درداد گفت: ای مردم من، آیا پادشاهی مصر و این نهرها که از زیر من روان است از آن من نیست، پس مگر نمی‌بینید؟ آیا من از این کس که خود بی‌مقدار است و نمی‌تواند درست بیان کند بهترم؟ پس چرا بر او دستبندهایی زرین آویخته نشده یا با او فرشتگانی همراه نیامده‌اند؟ پس قوم خود را سبک مغز یافت و اطاعتش کردند. چرا که آنها مردمی منحرف بودند. و *چون خدا را به خشم درآوردند خداوند از آنان انتقام گرفت* و همه آنان را غرق کرد و آنان را پیشینه‌ای و عبرتی برای آیندگان گردانید. و هنگامی که پسر مریم از سوی محمد مثالی آورده شد بناگاه قوم او از آن هلهله درانداختند و گفتند: آیا معبودان ما بهترند یا او؟ آن را جز از راه جدل برای محمد نزدند. بلکه آنان مردمی جدل پیشه‌اند. جز بنده‌ای که خدا بر وی منت نهاده و او را برای فرزندان اسرائیل سرمشق گردانید نیست. و اگر بخواهد قطعا به جای مردم فرشتگانی که در زمین جانشین گردند قرار می‌دهد. و همانا آن نشانه‌ای برای رستاخیز است. پس زنهار در آن تردید مکن و از خدا پیروی کن. این است راه راست. و مبادا شیطان تو را از راه به در برد زیرا او برای تو دشمنی آشکار است. و چون عیسی دلایل آشکار آورد گفت: به راستی برای شما حکمت آوردم و تا در باره بعضی از آنچه در آن اختلاف می‌کردید برایتان توضیح دهم پس از خدا بترسید و فرمانم ببرید. در حقیقت خداست که خود پروردگار من و پروردگار شماست پس او را بپرستید این است راه راست. تا از میانشان احزاب دست به اختلاف زدند پس وای بر کسانی که ستم کردند از عذاب روزی دردناک. آیا جز انتظار می‌برند که رستاخیز در حالی که حدس نمی‌زنند ناگهان بر آنان در رسد؟ دخترکم اگر برای رحمان فرزندی بود خود من نخستین پرستندگان بودم. پروردگار آسمانها و زمین، پروردگار عرش از آنچه وصف می‌کنند منزّه است. پس ناباوران به این سخنان را رها کن تا در یابوہ‌گویی خود فرو روند و بازی کنند تا آن روزی را که بدان وعده داده می‌شوند دیدار کنند. و اوست که در آسمان خداست و در زمین خداست و هموست سنجیده‌کار دانا. و خجسته است کسی که فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است از آن اوست و علم قیامت پیش اوست و به سوی او برگردانیده می‌شویم. (۴۳)

دخترکم به تحریر درآمدن این کتاب با عنایت و هدایت خدای ارجمند سنجیده کار است. به راستی در آسمانها و زمین برای کسانی که باوردارند نشانه‌هایی است و در آفرینش مردم و آنچه از جنبنده پراکنده گردیده است برای آنهايي که یقین دارند نشانه‌هایی است و پیایی آمدن شب و روز و آنچه خدا از روزی از آسمان فرود آورده و به آن زمین را پس از مرگش زنده گردانیده است و گردش بادها برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی است. اینست آیات خدا که به راستی آن را برای دختر گلم می‌خوانم پس بعد از خدا و نشانه‌های او به کدام سخن می‌گروی؟ خدا همان کسی است که دریا را به سود مردم رام گردانید تا کشتیها در آن به فرمانش روان شوند و تا از فزون بخشی او طلب نمایند و باشد که سپاس بدارند و آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است به سود مردم رام کرد، همه از اوست قطعاً در این برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی است.

دخترکم هر که کاری شایسته کند به سود خود اوست و هر که بدی کند به زیانش باشد سپس به سوی پروردگارشان برگردانیده می‌شوند. و به یقین خدایت فرزندان اسرائیل را کتاب و حکم و پیامبری داد و از چیزهای پاکیزه روزیشان کرد و آنان را بر مردم روزگار برتری داد و دلایل روشنی در امر به آنان عطا کرد و جز بعد از آنکه علم برایشان آمد از روی رشک و رقابت میان خودشان دستخوش اختلاف نشدند. قطعاً پروردگارت روز قیامت میانشان درباره آنچه در آن اختلاف می‌کردند داوری خواهد کرد. سپس تو را در طریقه آیینی از امر نهاد پس آن را پیروی کن و هوسهای کسانی را که نمی‌دانند پیروی مکن. این برای تو بینش بخش و رهنمود و رحمتی است.

دخترکم آیا ندیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مهر زده و بر دیده‌اش پرده نهاده است؟ آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ مبدا پند نگیری؟ و بگویی غیر از زندگانی دنیای ما نیست می‌میریم و زنده می‌شویم و ما را جز طبیعت هلاک نمی‌کند.

فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست و روزی که رستاخیز بر پا شود آن روز است که باطل‌اندیشان زیان خواهند دید. و هر امتی را به زانو در آمده می‌بینی، هر امتی به سوی کارنامه خود فراخوانده می‌شود آنچه را می‌کردید امروز پاداش می‌یابید. این است کتاب ما که علیه شما به حق سخن می‌گوید ما از آنچه می‌کردید نسخه بر می‌داشتیم.

دخترکم بدانکه سپاس از آن خداست پروردگار آسمانها و پروردگار زمین، پروردگار جهانیان. و در آسمانها و زمین بزرگی از آن اوست و اوست شکست‌ناپذیر سنجیده کار (۴۵)

دخترکم؛ نوشتن این کتاب به اراده و عنایت خدای ارجمند حکیم است. خداوند آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است را جز به حق و زمانی معین نیافریده است و مبادا از رویگردانان باشی و پند نگیری.

محققا کسانی که گفتند پروردگار ما خداست سپس ایستادگی کردند بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد. ایشان اهل بهشتند که به پاداش آنچه انجام می‌دادند جاودانه در آن می‌مانند. و خداوند انسان را به پدر و مادرش به احسان سفارش کرد، مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد و باربرداشتن و از شیر گرفتن او سی ماه است تا آنگاه که به رشد کامل خود برسد و به چهل سال برسد می‌گوید: پروردگارا بر دلم بیفکن تا نعمتی را که به من و به پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای سپاس گویم و کار شایسته‌ای انجام دهم که آن را خوش داری و فرزندانم را برایم شایسته گردان در حقیقت من به درگاه تو توبه آوردم و من از فرمان‌پذیرانم. اینانند کسانی که بهترین آنچه را انجام داده‌اند خداوند از ایشان خواهد پذیرفت و از بدیهایشان درخواهد گذشت.

دخترکم چون تنی چند از جنیان قرآن محمد شنیدند پس گفتند: گوش فرا دهید و چون به انجام رسید هشداردهنده به سوی قوم خود بازگشتند. گفتند: ای قوم ما، ما کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، تصدیق‌کننده پیش از خود است و به سوی حق و به سوی راهی راست راهبری می‌کند. ای قوم ما دعوت‌کننده خدا را پاسخ دهید و به او ایمان آورید تا برخی از گناهانتان را بر شما ببخشد و از عذابی پر درد پناهتان دهد. و کسی که دعوت‌کننده خدا را اجابت نکند در زمین درمانده‌کننده نیست و در برابر او دوستانی ندارد. آنان در گمراهی آشکاری‌اند. مگر ندانسته‌اند که آن خدایی که آسمانها و زمین را آفریده و در آفریدن آنها درمانده نگردید می‌تواند مردگان را زنده کند. آری اوست که بر همه چیز تواناست. و روزی که کافران بر آتش عرضه می‌شوند؛ آیا این راست نیست؟ می‌گویند: سوگند به پروردگاران که آری. می‌فرماید: پس به آنکه انکار می‌کردید عذاب را بچشید.

دخترکم به یاد بیار که خدایت به محمد گفت: همان گونه که پیامبران نستوه صبر کردند صبر کن و برای آنان شتابزدگی به خرج مده. روزی که آنچه را وعده داده می‌شوند بنگرند گویی که آنان جز ساعتی از روز را نمانده‌اند. ابلاغی است، پس آیا جز مردم نافرمان هلاکت خواهند شد؟ (۴۶)

دخترکم خدا تو را پیروزی بخشید پیروزی درخشانی تا از گناه گذشته و آینده تو درگذرد و نعمت خود را بر تو تمام گرداند و تو را به راهی راست هدایت کند و تو را به نصرتی ارجمند یاری نماید. اوست آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند و سپاهیان آسمانها و زمین از آن خداست و خدا همواره دانای سنجیده‌کار است تا مردان و زنانی را که ایمان آورده‌اند در باغهایی که از زیر آن جویبارها روان است درآورد و در آن جاویدان بدارد و بدیهایشان را از آنان بزداید و این در پیشگاه خدا کامیابی بزرگی است.

دخترکم خدا را بامدادان و شامگاهان به پاکی بستی.

به راستی خدا هنگامی که مؤمنان زیر آن درخت با محمد بیعت می‌کردند از آنان خشنود شد و آنچه در دل‌هایشان بود بازساخت و بر آنان آرامش فرو فرستاد و پیروزی نزدیکی به آنها پاداش داد. و غنیمت‌های فراوانی خواهند گرفت و خدا همواره نیرومند سنجیده‌کار است. و خدا به آنها غنیمت‌های فراوان وعده داده که به زودی آنها را خواهید گرفت و این را برای آنها پیش انداخت و دست‌های مردم را از آنها کوتاه ساخت تا برای مؤمنان نشانه‌ای باشد و آنها را به راه راست هدایت کند. سنت الهی از پیش همین بوده و در سنت الهی هرگز تغییری نخواهی یافت. حقا خدا رؤیای پیامبر خود محمد را تحقق بخشید؛ آنها بدون شک به خواست خدا در حالی که سر تراشیده و موی کوتاه کرده‌اند با خاطری آسوده در مسجد الحرام درخواهند آمد. خدا آنچه را که نمی‌دانستید دانست و غیر از این پیروزی نزدیکی قرار داد. اوست کسی که پیامبر خود را به هدایت با آیین درست روانه ساخت تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند و گواه بودن خدا کفایت می‌کند. محمد پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سختگیر با همدیگر مهربانند آنان را در رکوع و سجود می‌بینی فضل و خشنودی خدا را خواستارند علامت آنان بر اثر سجود در چهره‌هایشان است این صفت ایشان است. در تورات و مثل آنها در انجیل چون کشته‌ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا سبتر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد تا از آنان کافران را به خشم دراندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده‌است (۴۸)

دخترکم اگر باورداری در برابر خدا و پیامبرش پیشی مجوی و از خدا پروا بدار که خدا شنوای داناست. صدايت را بلند نکن و متکبر مباش مبدا بی آنکه بدانی کرده‌هايت تباه شود. دخترکم اگر کسی براي خبری آورد نیک واری کن مبدا به نادانی گروهی و یا کسی را آسیب برسانی و از آنچه کرده‌ای پشیمان شوی. و بدان که پیامبر خدا در میان شماست اگر در بسیاری از کارها از شما پیروی کند قطعا دچار زحمت می‌شوید. لیکن خدا ایمان را برای تو دوست داشتنی گردانید و آن را در دلت بیاراست و کفر و پلیدکاری و سرکشی را در نظرت ناخوشایند ساخت، پس تو از ره‌یافتگانی. بخششی از خدا و نعمتی، و خدا دانای سنجیده‌کار است.

دخترکم اگر باورداری نباید دیگران قضاوت و یا ریشخند کن شاید آنها از تو بهتر باشند و از دیگران عیب مگیر و به از لقبهای زشت بهره‌یز، چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان. دخترکم از بسیاری از گمانها بهره‌یزید که پاره‌ای از گمانها گناه است و جاسوسی مکن و غیبت نکن آیا دوست داری که گوشت برادر و یا خواهر مردهات را بخوری، از آن کراحت دار و از خدا بترس که خدا توبه‌پذیر مهربان است. خداست که نهفته آسمانها و زمین را می‌داند و خدا به آنچه می‌کنی بیناست (۴۹)

دخترکم مگر به آسمان بالای سرت ننگریسته‌ای که خداوند چگونه آن را ساخته و زینتش داده و برای آن هیچ گونه شکافتگی نیست. و زمین را گسترده و در آن لنگرها فرو افکنده و در آن از هر گونه جفت دل انگیز رویانیده. برای هر بنده توبه‌کاری بینش‌افزا و پندآموز است. و از آسمان آبی پر برکت فرود آورد پس بدان باغها و دانه‌های دروکردنی رویانید و درختان تناور خرما که خوشه روی هم چیده دارند. برای روزی بندگان است و با آن سرزمین مرده‌ای را زنده گردانید، رستاخیز نیز چنین است.

قبلا قوم نوح و اصحاب رس و ثمود و عاد و فرعون و برادران لوط و بیشه نشینان و قوم تبع به تکذیب پرداختند، همگی فرستادگان را به دروغ گرفتند و تهدید خدا واجب آمد. مگر خدایت از آفرینش نخستین به تنگ آمده، بلکه ناباوران از خلق جدید در شبهه‌اند. و خدا انسان را آفرید و می‌داند که نفس او چه وسوسه‌ای به او می‌کند و خدا از شاه‌گرم به انسان نزدیکتر است. و دو دریافت‌کننده از راست و از چپ مراقب نشسته‌اند انسان هیچ سخنی را به لفظ در نمی‌آورد مگر اینکه مراقبی آماده نزد اوست. و در حقیقت خدایت آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است را در شش هنگام آفرید و احساس ماندگی نکرد. و بر سخنان به ظاهر علمی ولی بی ریشه و اساس ناباوران، صبر کن و پیش از برآمدن آفتاب و پیش از

غروب به ستایش پروردگارت تسبیح گوی و پاره‌ای از شب و به دنبال سجود او را تسبیح گوی و روزی که منادی از جایی نزدیک ندا درمی‌دهد به گوش باش. روزی که فریاد را به حق می‌شنوند آن روز بیرون آمدن است.

خداست که خود زندگی می‌بخشد و به مرگ می‌رساند و برگشت به سوی اوست. روزی که زمین به سرعت از آنان جدا و شکافته می‌شود، آن حشری است که بر خدا آسان خواهد بود. خدا به آنچه می‌گویند داناتر است و تو به زور نمی‌توانی دیگران را وادار به قبول کردن بکنی، پس به قرآن پناه ببر و از خدایت پروا داشته باش. (۵۰)

دخترکم آیا خبر مهمانان ارجمند ابراهیم به تو رسید؟ چون بر او درآمدند پس سلام گفتند گفت: سلام مردمی ناشناسید. پس آهسته به سوی زنش رفت و گوساله‌ای فربه آورد. آن را به نزدیکشان برد گفت: مگر نمی‌خورید؟! و از آنان احساس ترسی کرد. گفتند: مترس، و او را به پسری دانا مژده دادند. و زنش با فریادی سر رسید و بر چهره خود زد و گفت: زنی پیر نازا. گفتند: پروردگارت چنین فرموده است. او خود حکیم داناست. گفت: ای فرستادگان ماموریت شما چیست؟ گفتند: ما به سوی مردمی پلیدکار فرستاده شده‌ایم تا سنگهایی از گل رس بر آنان فرو فرستیم. نزد پروردگارت برای مسرفان نشان‌گذاری شده است. پس هر که از مؤمنان در آن بود بیرون بردیم. و در آنجا جز یک خانه از فرمانبران نیافتیم و در آنجا برای آنها که از عذاب پر درد می‌ترسند عبرتی به جای گذاشتیم. و در موسی چون او را با حجتی آشکار به سوی فرعون گسیل داشتیم. پس با ارکان خود روی برتافت و گفت: ساحر یا دیوانه‌ای است. او و سپاهیان‌ش را گرفتیم و آنان را در دریا افکندیم در حالی که او نکوهشگر بود. و در عاد چون بر آنها آن باد مهلک را فرستادیم به هر چه می‌وزید آن را چون خاکستر استخوان مرده می‌گردانید. و در ثمود آنگاه که به ایشان گفته شد تا چندی برخوردار شوید تا از فرمان پروردگار خود سر برتافتند و در حالی که آنها می‌نگریستند آذرخش آنان را فرو گرفت در نتیجه نه توانستند به پای خیزند و نه طلب یاری کنند. و قوم نوح پیش از آن، زیرا آنها مردمی نافرمان بودند. و آسمان را به قدرت خود برافراشتیم و بی‌گمان ما گستریم و زمین را گسترانیده‌ایم و چه نیکو گسترندگانیم و از هر چیزی دو گونه آفریدیم امید که شما عبرت بگیرید. پس به سوی خدا بگریزید که من شما را از طرف او بیم دهنده‌ای آشکارم و با خدا معبودی دیگر قرار مدهید که من از جانب او هشدار دهنده‌ای آشکارم. بدین سان بر کسانی که پیش از آنها بودند هیچ پیامبری نیامد جز اینکه گفتند: ساحر یا دیوانه‌ای است. آیا همدیگر را به این سفارش کرده بودند؟ بلکه آنان مردمی سرکش بودند. پس از آنان روی

بگردان که تو در خور نکوهش نیستی و پند بپذیر که مؤمنان را پند سود بخشد. و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند. از آنان هیچ روزی نمی‌خواهم و نمی‌خواهم که مرا خوراک دهند. خداست که خود روزی بخش نیرومند استوار است. پس برای کسانی که ستم کردند بهره‌ای است از عذاب، همانند بهره عذاب یارانشان. پس در خواستن عذاب از من شتابزدگی نکنند. پس وای بر کسانی که کافر شده‌اند از آن روزی که وعده یافته‌اند (۵۱)

دخترکم در برابر دستور پروردگارت شکیبایی پیشه کن که تو خود در حمایت اویی و هنگامی که بر می‌خیزی به نیایش پروردگارت تسبیح گوی. و پاره‌ای از شب و در فروشدن ستارگان تسبیح‌گوی او باش (۵۲)

دخترکم قوم نوح به تکذیب پرداختند و فرستاده خدا را دروغزن خواندند و گفتند: دیوانه‌ای است و آزار کشید تا پروردگارش را خواند که من مغلوب شدم به داد من برس. پس خدایت درهای آسمان را به آبی ریزان گشود و از زمین چشمه‌ها جوشانید تا آب برای امری که مقدر شده بود به هم پیوستند و او را بر تخته‌دار و میخ‌آجین سوار کرد، زیر نظر خدا روان بود. پاداش کسی بود که مورد انکار واقع شده بود. پس چگونه بود عذاب خدا و هشدارها؟ و قطعاً خدایت قرآن را برای پندآموزی آسان کرد. پس مبادا از پند پذیران نباشی. عادیان به تکذیب پرداختند پس چگونه بود عذاب خدا و هشدارها؟ خدا بر آنان در روز شومی به طور مداوم تنبذادی توفنده فرستاد. مردم را از جا می‌کند گویی تنه‌های نخلی بودند که ریشه‌کن شده بودند. قوم ثمود هشداردهندگان را تکذیب کردند و گفتند: آیا تنها بشری از خودمان را پیروی کنیم؟ در این صورت ما واقعا در گمراهی و جنون خواهیم بود. آیا از میان ما بر او القا شده است؟ بلکه او دروغ‌گویی گستاخ است. به زودی فردا بدانند دروغ‌گوی گستاخ کیست. خدا برای آزمایش آنان ماده‌شتر را فرستاد و به ثمود گفت: مراقب آنان باش و شکیبایی کن و به آنان خبر ده که آب میانشان بخش شده است هر کدام را آب به نوبت خواهد بود. پس رفیقشان را صدا کردند و شمشیر کشید و پی کرد. پس چگونه بود عذاب خدا و هشدارها؟ خدا برایشان یک فریاد فرستاد و چون گیاه خشکیده ریزیز شدند. قوم لوط هشداردهندگان را تکذیب کردند خدا بر آنان سنگبارانی فرو فرستاد، فقط خانواده لوط بودند که سحرگاهشان رهانید، رحمتی از جانب خدا بود. دخترکم هر که سپاس دارد خدایت بدین‌سان پاداش می‌دهد و لوط آنها را از عذاب خدا سخت بیم داده بود و در تهدیدها به جدال برخاستند و از مهمان او کام دل خواستند پس فروغ دیدگان‌شان را سترد و عذاب و سپیده‌دم عذابی پیگیر به سر وقت آنان آمد. و در حقیقت هشداردهندگان به جانب فرعونیان

آمدند همه معجزات خدا را تکذیب کردند تا چون زبردستی زورمند آنان را گرفت. آیا ناباوران امروزی از آنها برترند یا کافران را در نوشته‌ها خط امنی است؟

دخترکم هر چه انسانها کرده‌اند در کتابها است و هر خرد و بزرگی نوشته شده. در حقیقت مردم پرهیزگار در میان باغها و نهرها در قرارگاه صدق نزد پادشاهی توانایند (۵۴)

دخترکم خدایت قرآن را یاد داد، انسان را آفرید به او بیان آموخت. خورشید و ماه بر حسابی اند و آسمان را برافراشت و ترازو را گذاشت تا مبدا انسانها از اندازه درگذرند و وزن را به انصاف برپا دارند و در سنجش نگاهند و زمین را برای مردم نهاد در آن میوه و نخلها با خوشه‌های غلاف دار و دانه‌های پوست‌دار و گیاهان خوشبوست. خداند انسان را از گل خشکیده‌ای سفال مانند آفرید و جن را از تشعشعی از آتش خلق کرد. هر چه غیر اوست فانی شونده است و ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی خواهد ماند. هر که در آسمانها و زمین است از او درخواست می‌کند هر زمان او در کاری است.

ای گروه جنیان و انسیان اگر می‌توانید از کرانه‌های آسمانها و زمین به بیرون رخنه کنید. پس رخنه کنید، جز با تسلطی رخنه نمی‌کنید. بر سر شما شراره‌هایی از تفته آهن و مس فرو فرستاده خواهد شد و یاری نتوانید طلبید. خجسته باد نام پروردگار شکوهمند و بزرگوار (۵۵)

دخترکم آیا آبی را که می‌نوشی دیده‌ای؟ آیا تو آن را از ابر سپید فرود آورده‌ای یا خدا فرود آورده؟ اگر بخواهد آن را تلخ می‌گرداند، پس چرا سپاس نمی‌داری. آیا آن آتشی را که برمی‌افروزی ملاحظه کرده‌ای؟ آیا تو درخت آن را پدیدار کرده‌ای یا خدا پدیدآورده؟ خدا آن را عبرت و استفاده برای بیابانگردان قرار داده است. پس به نام پروردگار بزرگ تسبیح گوی، نه سوگند به جایگاه‌های ستارگان، اگر بدانی آن سوگندی سخت بزرگ است که این قطعا قرآنی است ارجمند در کتابی نهفته که جز پاک شدگان بر آن دست ندارند الهامی است از جانب پروردگار جهانیان. آیا تو این سخن را سبک می‌گیری و تنها نصیب خود را در تکذیب قرار می‌دهی؟ پس چرا آنگاه که به گلو می‌رسد و در آن هنگام خود نظاره گری و خدا به آن از تو نزدیکتر است ولی نمی‌بینی؟ این است همان حقیقت راست یقین. پس به نام پروردگار بزرگ خود تسبیح گوی (۵۶)

دخترکم آیا ندانسته‌ای که خدا آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است می‌داند؟ هیچ گفتگوی محرمانه‌ای میان سه تن نیست مگر اینکه او چهارمین آنهاست و نه میان پنج تن مگر اینکه او ششمین آنهاست و نه کمتر از این و نه بیشتر مگر اینکه هر کجا باشند او با آنهاست آنگاه روز قیامت آنان را به آنچه کرده‌اند آگاه خواهد گردانید زیرا خدا به هر چیزی داناست. (۵۸)

دخترکم از خدا پروا دار و بنگر که برای فردا از پیش چه فرستاده ای و از خدا بترس، در حقیقت خدا به آنچه می‌کنی آگاه است و چون کسانی مباش که خدا را فراموش کردند و او آنان را دچار خود فراموشی کرد.

دخترکم اگر خدایت این قرآن را بر کوهی فرو می‌فرستاد یقیناً آن را از بیم خدا فروتن و از هم پاشیده می‌دید و این مثلها را برای تو می‌زنم باشد که بیندیشی. اوست خدایی که غیر از او معبودی نیست داننده غیب و آشکار است. اوست رحمتگر مهربان. اوست خدایی که جز او معبودی نیست همان فرمانروای پاک، سلامت، مؤمن، نگهبان، عزیز، جبار، متکبر، پاک است خدا از آنچه شریک می‌گردانند. اوست خدای خالق نوساز صورتگر، بهترین نامها از آن اوست آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح او می‌گویند و او عزیز حکیم است (۵۹)

دخترکم مبدا چیزی را بگویی که انجام نمی‌دهی. نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویی و انجام ندهی. در حقیقت خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف چنانکه گویی بنایی ریخته شده از سرباند جهاد می‌کنند. و هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من چرا آزارم می‌دهید با اینکه می‌دانید من فرستاده خدا به سوی شما هستم؟ پس چون برگشتند خدا دل‌هایشان را برگردانید و خدا مردم نافرمان را هدایت نمی‌کند. و هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: ای فرزندان اسرائیل من فرستاده خدا به سوی شما هستم تورات را که پیش از من بوده تصدیق می‌کنم و به فرستاده‌ای که پس از من می‌آید و نام او احمد است بشارت‌گرم پس وقتی برای آنان دلایل روشن آورد گفتند: این سحری آشکار است. و چه کسی ستمگرتر از آن کس است که با وجود آنکه به سوی اسلام فراخوانده می‌شود بر خدا دروغ می‌بندد و خدا مردم ستمگر را راه نمی‌نماید. می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا گر چه کافران را ناخوش افتد نور خود را کامل خواهد گردانید. اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند هر چند مشرکان را ناخوش آید.

دخترکم آیا تو را بر تجارتی راه نمایم که تو را از عذابی دردناک می‌رهاند. به خدا و فرستاده او بگرو و در راه خدا قدم بگذار، اگر بدانی این برای تو بهتر است تا خدایت گناهانت را بر تو ببخشد و تو را در باغهایی که از زیر آن جویبارها روان است و سراهایی خوش در بهشت‌های همیشگی درآورد این کامیابی بزرگ است. و دیگر که آن را دوست داری یاری و پیروزی نزدیکی از جانب خداست و تو را به عنایت بشارت می‌دهم. (۶۱)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است خدایی را که پادشاه پاک ارجمند فرزانه است تسبیح می‌گویند. اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. و دیگر از ایشان که هنوز به آنها نپیوسته‌اند و اوست ارجمند سنجیده‌کار. این فضل خداست آن را به هر که بخواهد عطا می‌کند و خدا دارای فضل بسیار است.

دخترکم مبدا اموال و فرزند و دارایی تو را از یاد خدا غافل گرداند که در این صورت با تمام داشته‌هایت از زیانکاران خواهی بود. و از آنچه خدایت روزی تو گردانیده بدون زیاده روی انفاق کن پیش از آنکه تو را مرگ فرا رسد و بگویی پروردگارا چرا تا مدتی بیشتر مرا به تاخیر نینداختی تا صدقه دهم و از نیکوکاران باشم. و هر کس اجلش فرا رسد هرگز خدا به تاخیر نمی‌افکند و خدا به آنچه می‌کنی آگاه است. (۶۳)

هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است خدا را تسبیح می‌گویند او راست فرمانروایی و او راست سپاس و او بر هر چیزی تواناست. اوست آن کس که تو را آفرید. آسمانها و زمین را به حق آفرید و تو را صورتگری کرد و صورتی نیکوآراست و فرجام به سوی اوست. آنچه را که در آسمانها و زمین است می‌داند و آنچه را که پنهان می‌کنی و آنچه را که آشکار می‌داری می‌داند و خدا به راز دلها داناست.

دخترکم هیچ مصیبتی جز به اذن خدا نرسد و کسی که به خدا بگردد دلش را به راه آورد و خدا به هر چیزی داناست. پس خدا را فرمان بر و بر طریق گفته‌های فرستاده اش گام بردار. معبودی جز خدا نیست و تو باید تنها بر خدا اعتماد کنی.

اموال و فرزند و دارایی صرفاً آزمایشی‌یند و خداست که نزد او پاداشی بزرگ است. پس تا می‌توانی از خدا پروا بدار و بشنو و فرمان ببر و مالی برای خودت انفاق کن و کسانی که از خست نفس خویش مصون مانند آنان رستگاراند. اگر خدا را وامی‌نیکو دهی آن را برای تو دو چندان می‌گرداند و بر تو می‌بخشد و خدا سپاس‌پذیر بردبار است. دانای نهن و آشکار

ارجمند سنجیده کار است. اینکه انفاق تو خالص برای خدا باشد نه ذهنیات خود معقوله ای بسیار پیچیده است که باید صحت آنرا نیز از خود خدا بخواه، پس بدان که تو نمی دانی. (۶۴) دخترکم؛ هر کس از خدا پروا کند برای او راه بیرون شدنی قرار می دهد و از جایی که حسابش را نمی کند به او روزی می رساند و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است خدا فرمانش را به انجام رساننده است به راستی خدا برای هر چیزی اندازه ای مقرر کرده است. و هر کس از خدا پروا دارد برای او در کارش تسهیلی فراهم سازد. این است فرمان خدا که آن را به سوی تو فرستاده است و هر کس از خدا پروا کند بدیهایش را از او بزداید و پادشاهی را بزرگ گرداند. پس ای دخترک باهوش من، از خدا بترس، بر راستی که خدا بسوی تو تذکاری فرو فرستاده است. پیامبری که آیات روشنگر خدا را بر تو تلاوت می کند تا تو را از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون برد و هر کس به خدا بگردد و کار شایسته کند او را در باغهایی که از زیر آن جویبارها روان است درمی آورد جاودانه در آن می ماند قطعا خدا روزی را برای او خوش کرده است. خدا همان کسی است که هفت آسمان و همانند آنها هفت زمین آفرید فرمان در میان آنها فرود می آید تا بدانی که خدا بر هر چیزی تواناست و به راستی دانش وی هر چیزی را در بر گرفته است. (۶۵)

دخترکم امید است که پروردگارت بدیهیات را از تو بزداید و تو را به باغهایی که از زیر آن جویبارها روان است در آورد، در آن روز خدا پیامبر و کسانی را که با او ایمان آورده اند خوار نمی گرداند نورشان از پیشاپیش آنان و سمت راستشان روان است می گویند: پروردگارا نور ما را برای ما کامل گردان و بر ما ببخشای که تو بر هر چیز توانایی.

دخترکم و خدایت برای تو همسر فرعون را مثل آورده، آنگاه که گفت: پروردگارا پیش خود در بهشت خانه ای برایم بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات ده و مرا از دست مردم ستمگر برهان. و مریم دخت عمران را، همان کسی که خود را پاکدامن نگاه داشت و در او از روح خود دمید و سخنان پروردگار خود و کتابهای او را تصدیق کرد و از فرمانبرداران بود. (۶۶)

بزرگوار است آنکه فرمانروایی به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست. همان که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را ببازماید که کدامتان نیکوکارترید و اوست ارجمند آمرزنده. همان که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید در آفرینش آن بخشایشگر هیچ گونه اختلاف نمی بینی باز بنگر آیا خلل می بینی؟ باز دوباره بنگر تا نگاهی زبون و درمانده به سویت بازگردد. و در حقیقت آسمان دنیا را با چراغهایی زینت دادیم و آن را مایه طرد شیاطین

گردانیدیم و برای آنها عذاب آتش فروزان آماده کرده‌ایم و کسانی که به پروردگارشان انکار آوردند عذاب آتش جهنم خواهند داشت و چه بد سرانجامی است.

کسانی که در نهان از پروردگارشان می‌ترسند آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ خواهد بود. و سخن خود را پنهان دارید یا آشکارش نمایید در حقیقت وی به راز دلها آگاه است. آیا کسی که آفریده است نمی‌داند با اینکه او خود باریک بین آگاه است؟ اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید پس در فراخنای آن رهسپار شوید و از روزی بخورید و رستاخیز به سوی اوست.

آیا از آن کس که در آسمان است ایمن شده‌اید که شما را در زمین فرو برد پس بناگاه به تپیدن افتد یا از آن کس که در آسمان است ایمن شده‌اید که بر شما تندبادی از سنگریزه فرو فرستد پس به زودی خواهید دانست که بیم دادن من چگونه است و پیش از آنان کسانی به تکذیب پرداختند پس عذاب من چگونه بود؟ آیا در بالای سرشان به پرندگان ننگریسته‌اند بال می‌گسترند و بال می‌آندد جز خدای رحمان آنها را نگاه نمی‌دارد او به هر چیزی بیناست. یا آن کسی که خود برای شما سپاهی است که یاریتان می‌کند جز خدای رحمان کیست؟ کافران جز گرفتار فریب نیستند. یا کیست آن که به شما روزی دهد اگر روزی خود را باز دارد بلکه در سرکشی و نفرت پافشاری کردند. پس آیا آن کس که نگویند روزی را می‌پیماید هدایت یافته تر است یا آن کس که ایستاده بر راه راست می‌رود؟

بگو اوست آن کس که شما را پدید آورده و برای شما گوش و دیدگان و دلها آفریده است چه کم سپاسگزاری. بگو اوست که شما را در زمین پراکنده کرده و به نزد او گرد آورده خواهید شد و می‌گویند اگر راست می‌گویید این وعده کی خواهد بود؟ بگو علم فقط پیش خداست. بگو اوست خدای بخشایشگر به او ایمان آوردم و بر او توکل کردم و به زودی خواهید دانست چه کسی است که خود در گمراهی آشکاری است. بگو به من خبر دهید اگر آب شما فرو رود چه کسی آب روان برایتان خواهد آورد؟ (۶۷)

دخترکم؟ سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند پدرت به لطف پروردگارت دیوانه نیست و بی‌گمان تو را پاداشی بی‌منت خواهد بود و راستی که تو را خویی والا است به زودی خواهی دید و خواهند دید کدام یک از شما دستخوش جنونید. پروردگارت خود بهتر می‌داند چه کسی از راه او منحرف شده و او به راه یافتگان داناتر است پس از دروغ‌زان فرمان مبر.

خدایت کسانی را که به مال و منالشان می‌نازند همان گونه که باغداران را آزمود مورد آزمایش قرار می‌دهد: آنگاه که سوگند خوردند که صبح برخیزند و آن را حتماً بچینند و آن

شاء الله نگفتند پس در حالی که آنان غنوده بودند بلایی از جانب پروردگارت بر آن به گردش در آمد و آفت زده گردید پس بامدادان یکدیگر را صدا زدند که اگر میوه می‌چینید بامدادان به سوی کشت خویش روید پس به راه افتادند و آهسته به هم می‌گفتند که امروز نباید در باغ بینوایی بر شما در آید و صبحگاهان در حالی که خود را بر منع توانا می‌دیدند رفتند و چون باغ ویران را دیدند گفتند قطعاً ما راه گم کرده‌ایم بلکه ما محرومیم خردمندترینشان گفت: آیا به شما نگفتم چرا خدا را به پاکی نمی‌ستایید؟ گفتند: پروردگارا تو را به پاکی می‌ستاییم ما واقعا ستمگر بودیم پس بعضی‌شان رو به بعضی دیگر آوردند و همدیگر را به نکوهش گرفتند گفتند ای وای بر ما که سرکش بوده‌ایم امید است که پروردگار ما بهتر از آن را به ما عوض دهد زیرا ما به پروردگارمان مشتاقیم. پس آیا خدایت فرمانبرداران را چون بدکاران قرار خواهد داد؟ تو را چه شده چگونه داوری می‌کنی؟ یا تو را کتابی هست که در آن فرا می‌گیری که هر چه را برمی‌گزینی برای تو در آن خواهد بود یا اینکه تو تا روز قیامت سوگندهایی رسا گرفته‌ای که هر چه دلت خواست حکم کنی.

دخترکم در حکم پروردگارت شکیبایی ورز و مانند همدم ماهی مباحش آنگاه که اندوه زده ندا در داد. اگر لطفی از جانب پروردگارش تدارک او نمی‌کرد قطعاً نکوهش شده بر زمین خشک انداخته می‌شد پس پروردگارش وی را برگزید و از شایستگی‌اش گردانید و آنان که کافر شدند چون قرآن را شنیدند چیزی نمانده بود که محمد را چشم بزنند و می‌گفتند او واقعا دیوانه‌ای است و حال آنکه جز تذکاری برای جهانیان نیست. (۶۸)

دخترکم سوگند یاد می‌کنم به آنچه می‌بینی و آنچه نمی‌بینی که قطعاً این سخنان گفتار فرستاده‌ای بزرگوار است، شاید خیلی‌ها قبول نداشته باشند، چرا مردم پند نمی‌گیرند؟ فرودآمده‌ای است از جانب پروردگار جهانیان و اگر فرستاده پاره‌ای گفته‌ها را بر خدا بسته بود خدا دست راستش را سخت می‌گرفت سپس رگ قلبش را پاره می‌کرد و هیچ یک از مردمان نمی‌توانست مانع از او شود و در این حقیقت تذکاری برای پرهیزگاران است. و این بی‌شبهه حقیقتی یقینی است پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی. (۶۹)

دخترکم دیر نیست که ببینی آنان که کفر ورزیده‌اند به سوی محمد شتابان گروه گروه از راست و از چپ می‌گروند. آیا هر یک از آنان طمع می‌بندد که در بهشت پر نعمت درآورده شود؟ نه چنین است خدا آنان را از آنچه می‌دانند آفرید، به پروردگار خاوران و باختران سوگند یاد می‌کنم که خدایت تواناست که به جای آنان بهتر از ایشان را بیاورد و بر خدا پیشی نتواند جست پس بگذارشان یاهو گویند و بازی کنند تا روزی را که وعده داده شده‌اند

ملاقات نمایند روزی که از گورها شتابان برآیند گویی که آنان به سوی پرچمهای افراشته می دوند دیدگانشان فرو افتاده مذلت آنان را فرو گرفته است این است همان روزی که به ایشان وعده داده می‌شد. (۷۰)

دخترکم خدایت نوح را به سوی قومش فرستاد که قومش را پیش از آنکه عذابی دردناک به آنان رسد هشدار دهد. گفت: ای قوم من من شما را هشدار دهنده‌ای آشکارم که خدا را بپرستید و از او پروا دارید و مرا فرمان برید برخی از گناهانتان را بر شما ببخشاید و شما را تا وقتی معین به تاخیر اندازد اگر بدانید چون وقت مقرر خدا برسد تاخیر بر نخواهد داشت. گفت پروردگارا من قوم خود را شب و روز دعوت کردم و دعوت من جز بر گریزشان نیفزود و من هر بار که آنان را دعوت کردم تا ایشان را بیامری انگشتانشان را در گوشه‌هایشان کردند و ردای خویشان بر سر کشیدند و اصرار ورزیدند و هر چه بیشتر بر کبر خود افزودند سپس من آشکارا آنان را دعوت کردم باز من به آنان اعلام نمودم و در خلوت پوشیده نیز به ایشان گفتم و گفتم از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است بر شما از آسمان باران پی در پی فرستد و شما را به اموال و پسران یاری کند و برایتان باغها قرار دهد و نهرها برای شما پدید آورد شما را چه شده است که از شکوه خدا بیم ندارید و حال آنکه شما را مرحله به مرحله خلق کرده است مگر ملاحظه نکرده‌اید که چگونه خدا هفت آسمان را توبرتو آفریده است و ماه را در میان آنها روشنایی بخش گردانید و خورشید را چراغی قرار داد و خدا شما را گیاهی از زمین رویانید سپس شما را در آن بازمی‌گرداند و بیرون می‌آورد بیرون آوردنی و خدا زمین را برای شما فرشی ساخت تا در راههای فراخ آن بروید. نوح گفت: پروردگارا آنان نافرمانی من کردند و کسی را پیروی نمودند که مال و فرزندش جز بر زیان وی نیفزود و دست به نیرنگی بس بزرگ زدند و گفتند زنهار خدایان خود را رها نکنید و نه ود را واگذارید و نه سواع و نه یغوث و نه یعوق و نه نسر را و بسیاری را گمراه کرده‌اند جز بر گمراهی ستمکاران میفزای. به سبب گناهانشان غرقه گشتند و در آتشی درآورده شدند و برای خود در برابر خدا یارانی نیافتند و نوح گفت پروردگارا هیچ کس از کافران را بر روی زمین مگذار چرا که اگر تو آنان را باقی گذاری بندگان را گمراه می‌کنند و جز پلیدکار ناسپاس نزایند پروردگارا بر من و پدر و مادرم و هر مؤمنی که در سرایم درآید و بر مردان و زنان با ایمان ببخشای و جز بر هلاکت ستمگران میفزای. (۷۱)

به محمد وحی شد که تنی چند از جنیان گوش فرا داشتند و گفتند راستی ما قرآنی شگفت‌آور شنیدیم به راه راست هدایت می‌کند پس به آن ایمان آوردیم و هرگز کسی را شریک پروردگاران قرار نخواهیم داد و اینکه او پروردگار والای ما همسر و فرزندی اختیار نکرده است و آنکه کم خرد ما در باره خدا سخنانی یاوه می‌سراید و ما پنداشته بودیم که انس و جن هرگز به خدا دروغ نمی‌بندند و مردانی از آدمیان به مردانی از جن پناه می‌بردند و بر سرکشی آنها می‌افزودند و آنها آن گونه که پنداشته‌اید گمان بردند که خدا هرگز کسی را زنده نخواهد گردانید و ما بر آسمان دست یافتیم و آن را پر از نگهبانان توانا و تیرهای شهاب یافتیم و برای شنیدن به کمین می‌نشستیم اکنون هر که بخواهد به گوش باشد تیر شهابی در کمین خود می‌یابد و ما نمی‌دانیم که آیا برای کسانی که در زمین بدی خواسته شده یا پروردگارشان برایشان هدایت خواسته است و از میان ما برخی درستکارند و برخی غیر آن و ما فرقه‌هایی گوناگونیم و ما می‌دانیم که هرگز نمی‌توانیم در زمین خدای را به ستوه آوریم و هرگز او را با گریز درمانده نتوانیم کرد و ما چون هدایت را شنیدیم بدان گرویدیم پس کسی که به پروردگار خود ایمان آورد از کمی و سختی بیم ندارد و از میان ما برخی فرمانبردار و برخی از ما منحرفند پس کسانی که به فرمانند آنان در جستجوی راه درستند.

دخترکم بگو من تنها پروردگار خود را می‌خوانم و کسی را با او شریک نمی‌گردانم بگو هرگز کسی مرا در برابر خدا پناه نمی‌دهد و هرگز پناهگاهی غیر از او نمی‌یابم. خداوند کسی را بر غیب خود آگاه نمی‌کند جز پیامبری را که از او خشنود باشد که برای او از پیش رو و از پشت سرش نگهبانانی بر خواهد گماشت تا معلوم بدارد که پیامهای پروردگار خود را رسانیده‌اند و بدانچه نزد ایشان است احاطه دارد و هر چیزی را به عدد شماره کرده است. (۷۲)

محمد چهره در هم کشید و روی گردانید که آن مرد نابینا پیش او آمد و محمد، تو چه دانی شاید او به پاکی گراید یا پند پذیرد و اندرز سودش دهد اما آن کس که خود را بی‌نیاز می‌پندارد تو بدو می‌پردازی با آنکه اگر پاک نگردد بر تو نیست و اما آن کس که شتابان پیش تو آمد در حالی که می‌ترسید تو از او به دیگران می‌پردازی.

کشته باد انسان چه ناسپاس است او را از چه چیز آفریده است از نطفه‌ای خلقت کرد و اندازه مقررش بخشید سپس راه را بر او آسان گردانید آنگاه به مرگش رسانید و در قبرش نهاد سپس چون بخواهد او را برانگیزد ولی نه هنوز آنچه را به او دستور داده به جای نیاورده

است پس انسان باید به خوراک خود بنگرد که ما آب را به صورت بارشی فرو ریختیم آنگاه زمین را با شکافتنی شکافتیم پس در آن دانه رویانیدیم و انگور و سبزی و زیتون و درخت خرما و باغهای انبوه و میوه و چراگاه استفاده مردمان و دامهایشان باشد. پس چون فریاد گوش خراش دررسد روزی که آدمی از برادرش و از مادرش و پدرش و از همسرش و پسرانش می‌گریزد در آن روز هر کسی از آنان را کاری است که او را به خود مشغول می‌دارد در آن روز چهره‌هایی درخشانند خندان شادانند و در آن روز چهره‌هایی است که بر آنها غبار نشسته آنها را تاریکی پوشانده است آنان همان کافران بدکارند. (۸۰)

دخترکم سوگند به صبح چون دمیدن گیرد که سخن فرشته بزرگواری است، نیرومند پیش خداوند عرش بلندپایگاه است در آنجا مطاع امین است و پدر تو مجنون نیست و قطعاً آن را در افق رخشان دیده و نیست سخن دیو رجیم پس به کجا می‌روی؟ این بجز پندی برای تو و اگر خدا بخواهد برای عالمیان نیست اگر بخواهی به راه راست روی و تا خدا پروردگار جهانها نخواهد نخواهی خواست. (۸۱)

دخترکم نام پروردگار والای خود را به پاکی بستای همان که آفرید و هماهنگی بخشید و آنکه اندازه‌گیری کرد و راه نمود و آنکه چمنزار را برآورد و پس آن را خاشاکی تیره‌گون گردانید خدایت بزودی بر تو خواهد خواند تا فراموش نکنی جز آنچه خدا خواهد که او آشکار و آنچه را که نهان است می‌داند و برای تو آسانترین را فراهم می‌گرداند پس پند بپذیر تا پند سود بخشد. آن کس که ترسد بزودی عبرت گیرد و نگون بخت خود را از آن دور می‌دارد. دخترکم مگر ندانسته‌ای که پروردگارت با عاد چه کرد با عمارات ستون‌دار ارم که ماندنش در شهرها ساخته نشده بود و با ثمود همانان که در دره تخته سنگها را می‌بریدند و با فرعون صاحب خرگاه‌ها همانان که در شهرها سر به طغیان برداشتند و در آنها بسیار تبهکاری کردند پروردگارت بر سر آنان تازیانه عذاب را فرو نواخت زیرا پروردگار تو سخت در کمین است. اما انسان هنگامی که پروردگارش وی را می‌آزماید و عزیزش می‌دارد و نعمت فراوان به او می‌دهد می‌گوید پروردگرم مرا گرامی داشته است و اما چون وی را می‌آزماید و روزی‌اش را بر او تنگ می‌گرداند می‌گوید پروردگرم مرا خوار کرده است. ولی نه بلکه یتیم را نمی‌نوازد و بر خوراک بینوا همدیگر را بر نمی‌انگیزد و میراث را چپاولگرانه می‌خورد و مال را دوست دارد دوست داشتنی بسیار.

براستی که انسان را در رنج آفریده‌ایم آیا پندارد که هیچ کس هرگز بر او دست نتواند یافت گوید مال فراوانی تباه کردم آیا پندارد که هیچ کس او را ندیده است آیا دو چشمش نداده‌ایم و زبانی و دو لب و هر دو راه را بدو نمودیم و نخواست از گردنه بالا رود.

سوگند به خورشید و تابندگی‌اش سوگند به مه چون پی رود سوگند به روز چون روشن گرداند سوگند به شب چون پرده بر آن پوشد سوگند به آسمان و آن کس که آن را برافراشت سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترد سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد سپس پلیدکاری و پرهیزکاری‌اش را به آن الهام کرد که هر کس آن را پاک گردانید قطعاً رستگار شد و هر که آلوده‌اش ساخت قطعاً در باخت. ثمود به سبب طغیان خود به تکذیب پرداختند آنگاه که شقی‌ترینشان برخاست پس فرستاده خدا به آنان گفت زنهار ماده‌شتر خدا و آب خوردنش را و دروغ‌زنش خواندند و آن را پی کردند و پروردگارشان به گناهشان بر سرشان عذاب آورد و آنان را با خاک یکسان کرد و از پیامد کار خویش بیمی به خود راه نداد. (۹۱)

سوگند به شب چون پرده افکند سوگند به روز چون جلوه‌گری آغازد و آنکه نر و ماده را آفرید که همانا تلاش شما پراکنده است اما آنکه داد و پروا داشت و نیکوتر را تصدیق کرد بزودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت و اما آنکه بخل ورزید و خود را بی‌نیاز دید و نیکوتر را به دروغ گرفت بزودی راه دشواری به او خواهیم نمود و چون هلاک شد مال او به کارش نمی‌آید همانا هدایت بر ماست.

دخترکم پروردگارت تو را وانگذاشته و دشمن نداشته است و قطعاً آخرت برای تو از دنیا نیکوتر خواهد بود و بزودی پروردگارت تو را عطا خواهد داد تا خرسند گردی مگر نه تو را سرگشته یافت پس هدایت کرد و تو را تنگدست یافت و بی‌نیاز گردانید پس از نعمت پروردگار خویش سخن گوی.

دخترکم آیا خدایت برای تو سینه‌ات را نگشاد و بار گرانت را از تو برنداشت که پشت تو را شکست و نامت را برای تو بلند گردانید پس با دشواری آسانی است آری با دشواری آسانی است پس چون فراغت یافتی به طاعت درکوش و با اشتیاق به سوی پروردگارت روی آور.

بخوان به نام پروردگارت که آفرید، انسان را از علق آفرید. بخوان و پروردگار تو کریم‌ترین است همان کس که به وسیله قلم آموخت آنچه را که انسان نمی‌دانست آموخت **حقا که انسان سرکشی می‌کند همین که خود را بی‌نیاز پندارد** در حقیقت بازگشت به سوی پروردگار توست.

دخترکم خدایت در شب قدر نازل کرد. شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است در آن فرشتگان با روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری فرود آیند تا دم صبح صلح و سلام است. کافران اهل کتاب و مشرکان دست بردار نبودند تا دلیلی آشکار بر ایشان آید فرستاده‌ای از جانب خدا که صحیفه‌هایی پاک را تلاوت کند که در آنها نوشته‌های استوار است و اهل کتاب دستخوش پراکندگی نشدند مگر پس از آنکه برهان آشکار برای آنان آمد و فرمان نیافته بودند جز اینکه خدا را بپرستند و در حالی که به توحید گراییده‌اند دین را برای او خالص گردانند و نماز برپا دارند و زکات بدهند و دین پایدار همین است. (۱۰۰)

دخترکم مبدا تفاخر به بیشترداشتن تو را غافل دارد تا کارت به گورستان رسد. سوگند به عصر که واقعا انسان دستخوش زبان است مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق *سفارش* و به شکیبایی *توصیه* کرده‌اند.

چون یاری خدا و پیروزی فرا رسد و ببینی که مردم دسته دسته در دین خدا درآیند پس به ستایش پروردگارت نیایشگر باش و از او آموزش خواه که وی همواره توبه‌پذیر است. بگو اوست خدای یگانه خدای صمد نزاده و زاده نشده است و هیچ کس او را همتا نیست. بگو پناه می‌برم به پروردگار سپیده دم از شر آنچه آفریده و از شر تاریکی چون فراگیرد و از شر دمنندگان افسون در گره‌ها و از شر حسود آنگاه که حسد ورزد. بگو پناه می‌برم به پروردگار مردم پادشاه مردم معبود مردم از شر وسوسه‌گر نهانی آن کس که در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند چه از جن و انس.

دخترکم اندوه‌ها را که به تو روی آرد از خود دور گردان، با دل نهادن بر شکیبایی و اعتقاد بی گمان. آن که از عدالت بگردید به ستم گرایید. یار به منزلت خویشاوند است، و دوست کسی است که در نهان به آیین دوستی پایبند است، و هوای نفس را با رنج پیوند است. بسا نزدیک که از دور دورتر است، و بسا دور که از نزدیک نزدیکتر. و بیگانه کسی است که او را دوستی نیست. آن که پای از حق برون نهد راه بر او تنگ شود. هر که اندازه خود بداند حرمتش باقی ماند. استوارترین رشته ای که تو راست رشته ای است که میان تو و خداست. آن که در کار تو نیاید، دشمنت به حساب آید. آنجا که طمع به هلاکت کشاند، نومید ماندن به رسیدن مقصود ماند. نه هر رخنه ای را آشکار توان دید و نه بر هر فرصتی توان رسید. بود که بینا به خطا افتد و کور به مقصد خود رسد.

عزیز دردانه بابا؛ بدی را واپس افکن چه هر گاه خواهی توانی شتافت و بدان دست خواهی یافت. و از نادان گسستن چنان است که به دانا پیوستن، و آن که از زمانه ایمن نشیند،

خیانت آن بیند و آن که آن را بزرگ داند، زمان وی را خوار گرداند. نه هر که تیر پراند به نشانه رساند. چون اندیشه سلطان بگردد زمانه دگرگون شود. پیش از آنکه به راه افتی بپرس که همراهت کیست، و پیش از گرفتن خانه ببین که با کدام همسایه خواهی زیست. بپرهیز از آنکه در سختن چیزی خنده دار آری، هر چند آن را از جز خود به گفتار در آری. دختر دلبندم کاری که برون از توانایی توست به دنبالش مباش، که زن گل بهاری است لطیف و آسیب پذیر، نه پهلوانی است کارفرما و در هر کار دلیر، همسری بردبار و با تدبیر و مادری مهربان و همراه باش، دین و دنیای تو را به خدا می سپارم، و بهترین داوری را از وی برای تو درخواست دارم. امروز و هر زمان هم در این جهان، و هم در آن جهان، والسلام.



دختر دلبندم تنها بنده
خدا باش و روی به سوی
او آر و تنها از او بیم دار!
و بدان! که هیچکس
چون فرستاده از خدا
آگاهی نداده است پس
خرسند باش که او را



راهبرت گیری و برای نجات، پیشوایی اش را بپذیری. من در آگاه کردن تو کوتاهی نکردم، و
تو هر چند بکوشی و درباره خود بیندیشی، به پایه اندیشه ای که من در حق تو دارم نخواهی
رسید.